

یادآوری

نایاب شدن چاپ اول کتاب حاضر در مدتی کمتر از شش ماه پس از انتشار ، افزون بر تشویق مترجم ، نمایشگر آماری است جالب از تعدد علاقه‌مندان پیش رفته در شطرنج که موجب گزینش چنین کتابی شطرنج گردیده است .

ضمناً ، مژده‌ای است شادی‌آفرین برای آرزومندانی که انتظار پیروزی جوانان کشور را در نبردهای بین‌المللی در دل می‌پرورانند .

اینک ضمن اقدام برای تجدید چاپ و انتشار کتاب ، وظیفه خود می‌دانم از آقایان مهندس مصطفوی (مقیم سویس) و مهندس کریملی (مقیم آنکارا) که در تنظیم برگ اشتباهات چاپی با مطالعه‌ای دقیق از راه دور یاریم نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم .

نوابی

همانديك استاد بزرگ فكر كنيد

تاليف، الكساندر كوتوف

استاد بزرگ بين المللى شطرنج

ترجمه، عبدالحسين نوابى

داور بين المللى شطرنج



نشر نوپا، شهرک ولیعصر ۱۲ متری قدس شمالی نبش کوچه ۲۵
همانند يك استاد بزرگ فکر كنید
تالیف، اكساندر كوتوف
ترجمه: عبدالحسین نوایی
چاپ دوم زمستان ۱۳۷۰
تیراژ ۳۰۰۰/ جلد
لیتوگرافی امید
چاپ بهمن

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	علامات اختصاری
۷	مقدمه مترجم
۱۱	پیش گفتار مؤلف
۱۵	ازمایشی غیر عادی
۲۱	۱- تجزیه و تحلیل واریاسیونها
۲۵	گزیزی به تاریخ
۳۸	درخت تجزیه و تحلیل
۵۰	واریاسیونهای اجباری و اختیاری
۵۵	گونه های مختلف درخت تجزیه
۶۱	بیشه برهنه
۶۵	بیشه انبوه
۶۹	گزینش حرکات نامزد شده
۷۲	حرکت نامزد شده چیست
۸۶	حرکات سرنوشت ساز
۹۱	اشتباهات بزرگ
۹۲	سرمستی ناشی از پیروزی
۱۰۱	بازتابهای شرطی
۱۱۱	نقطه کور
۱۱۵	قانون بلومفلد
۱۱۷	اندرزهای عملی
۱۱۷	ایا باید تجزیه و تحلیل بعمل آورد؟
۱۲۷	ایامی توان به حریف اعتماد کرد؟

فهرست مندرجات

۱۳۱	تنگی زمان
۱۳۵	تمرین ها
۱۴۰	۲- قضاوت پوزیسیونی
۱۴۳	خطوط و قطرهای باز
۱۵۱	اندیشه های جدید در مورد خطوط باز
۱۶۳	ساختار پیاده ای و خانه های ضعیف
۱۷۰	پیاده های رونده
۱۷۲	جزیره های پیاده ای
۱۷۶	ضعف جنبی
۱۸۵	پوزیسیون سوارها
۲۰۴	فضا و مرکز
۲۱۱	تمرینها
۲۱۴	ادامه يك آزمایش
۲۱۷	روش بوتونيك یا ناجدروف
۲۲۱	واقعیت چیست و عمومیت کدام است؟
۲۲۲	نظریه های بزرگان شطرنج
۲۲۴	فرمولهای کلی و تجزیه و تحلیل واقعی
۲۳۱	طرح و برنامه ریزی
۲۳۱	طرح منفرد
۲۳۸	مجازات نداشتن طرح
۲۴۳	انعطاف پذیری
۲۵۰	مرکز
۲۵۰	مرکز بسته
۲۵۵	مرکز سیال
۲۵۷	مرکز ثابت
۲۵۹	بحران یا تنش مرکز
۲۶۱	تمرینها

فهرست مندرجات

۲۶۳	۴- مرحله پایانی
۲۷۶	۵- آنچه را که يك بازیکن باید بداند
۲۷۸	مطالعه مرحله شروع یا گشایش
۲۸۵	ایا مطالعه مرحله میانی امکان پذیر است؟
۲۸۸	گیمهای ثبت شده
۲۹۴	اندرزی چند
۲۹۴	شطرنج و زندگی
۲۹۵	عوامل پیروزی
۲۹۶	حریف را بشناسید
۲۹۸	خودت را بشناس
۳۰۱	گشایش تمرینها

علامات اختصاری

+	کیش
!	حرکت خوب
!!	حرکت خیلی خوب
?	حرکت مشکوک
??	حرکت اشتباه

مقدمه مترجم

چون انگیزه ترجمه و آماده کردن کتاب حاضر با سابقه تاریخی شطرنج ایران خالی از ارتباط نمی باشد، لذا اشاره ای مختصر درباره ادوار این تاریخچه را بی مورد نمی دانم. به این منظور ذیلاً توضیحاتی از مندرجات کتاب «سیر شطرنج ایران در جهان» برداشت گردیده است و باید اضافه کنم که کتاب مزبور حاصل بیش از ده سال پژوهشی است که شخصاً درخصوص سوابق تاریخی شطرنج ایران به عمل آورده ام و هم اکنون آماده چاپ می باشد.

بیداری شطرنج در ایران. تا آنجا که مطالعاتم اجازه می دهد، به اختصار می توانم بگویم شطرنج و تحولاتش را در ایران بهتر است به سه دوره متمایز تقسیم کرد: اولین دوره، خیلی قدیم و با توسل به اسناد کتبی موجود، نه افسانه های خیالی، از قریب دو هزار سال قبل یعنی زمان اشکانیان آغاز می گردد. البته در آن ایام شطرنج هم مانند سایر علوم جنبه اختصاصی برای طبقات اشراف و دربارها داشته است. دوره دوم که بهتر است آن را دوران شکوفائی اساتید قدیم ایران بدانیم، از زمان خلفای عباسی آغاز می شود و با افول آخرین ستاره شطرنج ایران در جهان آن ایام یعنی علاءالدین تبریزی - به قول امیر تیمور: او در صحنه کارزار شطرنج مانند خودش در لشکرکشی بی همتا بوده است. - پایان می پذیرد. زیرا از آن پس دیگر درخصوص شطرنج ایران مطلبی که ارجی داشته باشد دیده نمی شود. به عبارتی ساده می توان گفت، شطرنج ایران در گهواره اصلی به خوابی عمیق فرو می رود.

سومین دوره، با خاتمه جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران مؤسساتی به نام خانه های فرهنگی ایران و انگلیسی و ایران و شوروی و... تاسیس می شود که کلوبهای شطرنجی را هم ترتیب می دهند. جوانان این کشور، کم و بیش به این کانونها روی می آورند. سرانجام حدود سالهای ۱۳۳۰ شمسی فدراسیون شطرنج ایران افتتاح می گردد. مع التاسف باید بگویم چنانچه باید به این فدراسیون توجهی مبذول نمی شود. کما اینکه پس از گذشت حدود ۲۵ سال فقط در این اواخر، انهم با همکاری و تلاش چند نفری از علاقمندان واقعی این هنر با اینجانب که در آن هنگام

مسئولیت شطرنج منطقه ای آسیا را عهده دار بودم، توفیق حاصل شد که در این منطقه جهانی چهار استاد بین المللی شطرنج که سه نفر آنها از ایران بودند به دنیای شطرنج معرفی گردد.

در دوران انقلاب و ایام جنگ هم که نباید توقعی داشت. به ویژه مشکل حرمت آن که حدّتش از زمان صفویه آغاز گردیده بود هنوز مانع گرایش مردم به شطرنج می نمود. خوشبختانه سال قبل با صدور فتوای حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر بلااشکال بودن ورزش فکری شطرنج باید اذعان کرد، دوران سوم، همراه با بیداری شطرنج بعد از خوابی پانصد ساله آغاز می گردد.

هم اکنون با وجود آنکه چند ماهی بیش از این قضیه نمی گذرد، شور و اشتیاقی زائدالوصف فیما بین توده های مردم این کشور در این زمینه مشاهده می شود. تا جاییکه به راستی می توان گفت کمتر خانه ای یافت می شود که جوانان و حتی اطفال زیر ده سال به شطرنج روی نیاورده باشند.

اکنون، با چنین روی اوری شگفت انگیز، به ویژه با نبودن هیچگونه امکان آموزشی کلاسیک، وظیفه خود دانستم که در اسرع وقت در این راه گامی بردارم. بنابراین سال قبل يك جلد کتاب تحت عنوان «سریعترین راه پیشرفت - از مهارت تا استادی» برای چاپ و انتشار تقدیم جهاد دانشگاه نمودم که هرچه زودتر در دسترس علاتمندان قرار دهند. متأسفانه با آنکه تلاش لازم به عمل آمده است، ظاهراً به سبب مشکلات اداری تاکنون انتشارش به تاخیر افتاده است و به قرار معلوم در آینده ای نزدیک عملی خواهد شد.

ضمناً، در این فرصت با برگذاری مسابقاتی سیمولتانه و تدریس با جوانانی آشنا شدم که با شوق و ذوقی وصف ناشدنی به شطرنج روی آورده بودند. خوشبختانه بیشترین آنها از نبوغ و استعدادی کم نظیر برخوردار می باشند. علیهذا درصدد برآمدم هر چه زودتر کتاب حاضر را که از خیلی پیش درصدد ترجمه اش برآمده بودم به اتمام برسانم.

این کتاب با عنوان «همانند يك استاد بزرگ فکر کنید» در اصل به زبان روسی و مؤلفش یکی از معروفترین اساتید بین المللی شطرنج، الکساندر کوتوف، می باشد. در معرفی بیشتر این شخصیت جهانی تصور می کنم فقط کافی است یادآور شوم او

ضمن داشتن مقامی والا در شطرنج، عالیتین موسسه آموزشی شطرنج شوروی را هم عهده دار بوده است که بسیاری از قهرمانان معروف دنیای امروز در عداد شاگردان مکتب وی می باشند.

کتاب حاضر به بسیاری از زبانها ترجمه شده است. من بیشتر از متون فرانسه و انگلیسی آن استفاده کرده و سعی نموده ام مطالب فارسی طوری تنظیم شود که برای علاقمندان به ویژه جوانان به سادگی قابل فهم باشد. تردیدی ندارم که مطالعه آن نیازی به دقت و تلاشی پی گیر دارد. ولی با آشنائی که طی سالیانی دراز با روحیه جوانان کشور پیدا کرده ام و کمبودهایی که همواره احساس نموده و در ذهنم باقی مانده است. عقیده دارم فیما بین کتب آموزشی شطرنج که از اساتید قدیم و جدید دیده ام، این بهترین هدیه ایست که می تواند در چگونگی اندیشیدن علاقمندان بیشترین تأثیر را بخشیده و کمبودهای مورد اشاره در فوق را مرتفع سازد.

اینک، به آرزوی روزی که جوانان این سرزمین با رسیدن به مقام استاد بزرگی بتوانند با کسب پیروزیهای درخشان در صحنه های بین المللی نبوغ ذاتی و اصالت تاریخی، میراث نیاکان، خویش را در جهان شطرنج به منصفه ظهور برسانند این کتاب را تقدیمشان می دارم.

ضمناً وظیفه خود می دانم، از دوستان عزیزم آقایان مهندس سهیل، مهندس خشایار مصطفوی، یوسف صفوت، دکتر کیخسرو کهیانی، مهندس خسرو هرنندی (استاد بین المللی شطرنج) که علاوه بر تشویق در تهیه کتاب در هر مورد از کمک و راهنمایی فکری دریغ نورزیده اند صمیمانه تشکر نمایم.

در خاتمه، چون شطرنج را بدون هیچ تردیدی امیزه ای از علم و هنر و ورزش می دانم که جنبه هنری آن رجحان دارد. لذا استعمال لغت بازی را، با وجود آنکه به آن عادت کرده ایم، به ویژه در مورد صحنه های جالبی که اساتید ارائه می نمایند دور از انصاف می دانم. به همین سبب سعی کرده ام کمتر آنرا بکار ببرم. در عوض بیشتر از واژه مبارزه یا پیکار شطرنجی و در موارد اضطراری از اصطلاح گیم استفاده نموده ام. امیدوارم معذورم فرماید.

عبدالحسین، نوایی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار (مؤلف)

اگر کتابهای بیشماری را که درخصوص شطرنج نوشته شده است مورد مطالعه قرار دهیم، ملاحظه خواهیم نمود، که بعضی نویسندگان به تفسیر بازیهای جدید پرداخته اند و برخی دیگر کار خود را بر گردآوری واریاسیونهای شروع بازیهای Opening variations باب روز بنا نهاده اند. لکن جای بسی تعجب است، که کسی به فکر نوشتن مطلبی درباره شیوه‌هایی که موجب تعالی بزرگان شطرنج گردیده نیفتاده است، تا مطالعه و وقوف بر آن روشها بتواند تسهیلاتی را برای درک پیچیدگی این فن ظریف فراهم آورد.

مؤلف در این کتاب شرح خواهد داد که بزرگانی چون: بوتوینیک، تال، اسمیس洛夫، پطروسیان، کرس، برونشیتن و جمعی دیگر از اساتید بزرگ معروف چگونه به مطالعه تئوریهای شطرنج می پرداخته اند، یا برای درک رموز استراتژی و تاکتیک چگونه خود را آموزش می داده اند.

در این زمینه علاوه بر ذکر مقالات و تفسیرهایی از اساتید که خودشان روشهای معموله را اشکار کرده اند، شخصاً نیز ضمن مذاکرات و تبادل نظرها سعی کرده ام دانستیهای لازم را از اساتید بزرگ همدوره ام بدست آورم. اینک چکیده تمامی آنها بعلاوه تجارب شخصی و موفقیت‌های حاصله ام را در پهنه شطرنج که حاصل کاری عظیم و دشوار در مطالعه تئوریها می باشد، در اختیار شما خوانندگان عزیز می گذارم و به خود دلخوشی می‌دهم که مفید و دلپذیرتان واقع خواهد گردید.

شطرنج اگرچه بغرنج است، معذک، میلیونها علاقمند در سراسر جهان مجذوب و شیفته اش می باشند، از آن میان بعضی تا سرحد بازیکنان طبقات ممتاز پیش می روند، گروهی دیگر تمامی عمر را در حد يك مبتدی باقی می مانند، لکن آنچه که مسلم است، حتی بازیکنان ضعیف هم علاقمندند که در این فن عنوانی داشته باشند، استاد شناخته

شوند و یا به افتخار استاد بزرگی نائل گردند. حال اگر کسانی بتوانند فقط راه وصول به این ارزو را نشان دهند، تردیدی نیست که بسیاری از مشتاقان، خود را آماده خواهند ساخت، تا راه طولانی و خستگی آور مسابقات را پیموده تمامی هیجانان و دشواریهایش را هم تجربه نمایند.

اکنون، ببینیم چگونه می توان به مقام استاد بزرگی نائل آمد! آیا خوب بازی کردن فقط منوط به استعدادی خاص و طبیعی است؟ آیا سعی و پشتکار موثر نمی باشد؟ در پاسخ باید گفت: طبعاً قابلیت ذاتی لازم است، اما مانند سایر فضائل انسانی سعی و کوشش عاملی اصلی و ممتاز بشمار می آید، ضمناً تلاش برای چیره شدن بر فنون استراتژی و تاکتیکهای شطرنج نیز امری الزامی است.

امانوئل لاسکر که یکی از متفکرین بزرگ شطرنج می باشد، ادعا می کرد که در ظرف یکصد ساعت می تواند بازیکن جوانی را که از استعداد متوسطی برخوردار باشد به نخستین رده First - Category برساند.

حال آیا سریعتر از اینهم امکان پذیر می باشد؟ موضوعی است قابل مطالعه و بررسی! ناگفته نماند، لاسکر هرگز فرصت مناسبی برای اثبات صحت ارزش مورد ادعای خود پیدا نکرد. لیکن بطور طبیعی این سؤال مطرح است، که آیا هر کس بخواهد می تواند بر اثر تکرار و دقت در مطالعه و تحمل کار دشوار، به نحویکه مایل است پیشرفت نموده و به مقام استادی و بالاخره استاد بزرگی برسد؟ در پاسخ این سؤال تجربه شخصی من چنین حکم می کند: مطالعه و پشتکار در پیشرفت تأثیری بسزا دارد و مناسب می دانم که به خوانندگان خاطر نشان سازم، من قبل از سال ۱۹۳۸ در حالی که باور نمی کردم بتوانم به استاندارد استادی برسم، به سبب مطالعات فراوانی که در فاصله زمانی سالهای ۳۷ - ۱۹۳۶ روی بازیها بعمل آورده بودم، جهشی ناگهانی در پیشرفت نصیب شد، به گونه ای که برخلاف باورم در سال ۱۹۳۸ موفق به اخذ دیپلم استادی بین المللی گردیدم و جالبتر آنکه یکسال پس از انهم به افتخار استاد بزرگی نیز نائل آمدم. بنابراین می توان نتیجه گرفت، با جدیت و برنامه ریزی صحیح حصول به مقصود امکان پذیر می باشد و دقیقاً این همان هدفی است که در کتاب حاضر، با توجه به نکات زیر، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت:

۱- برای آنکه مطالب کتاب تا سرحد امکان روشن و مفید واقع شود، چنین بنظم

رسید، که نامگذاری‌های جدیدی درخصوص قوانین استراتژی و مفاهیم کلی بکار برم، البته هرگز غرض از این عمل کوشش در ازدیاد معلوماتی غیر ضروری نمی‌باشد، بلکه آنرا کمکی در جایگزینی هرچه بهتر مطالب در حافظه باید دانست.

۲- در این کتاب، گیم یا بازیها و توصیه و تفسیرهای، اندسته از اساتید بزرگ شوروی مورد استفاده و بحث قرار گرفته است، که به قول امروزها مربوط به نسل پیرتر می‌باشند. دلیل آنرا می‌توان در همکاری نزدیک و آمیزشی دانست، که در زمینه شطرنج، با بوتونیک، کرس و آسمیس洛夫 داشته‌ام، از آن گذشته اساتید بزرگ جوان، بسبب اشتغال در مسابقات و مبارزاتی که درگیر آنها می‌باشند، کمتر فرصت دارند تا افکار و پیشرفتهای تدریجی پشت میز مسابقات را، که معمولاً محدود به واریاسیونهای معینی می‌باشند، به رشته تحریر درآورند.

۳- گیمهائی از مؤلف در این کتاب آورده شده است که به سادگی قابل درک می‌باشند، و غرض اصلی در این امر، فاش کردن رموزی از مفاهیم بغرنج شطرنج می‌باشد که سعی کرده‌ام عمیقاً در مغز خود آنها را کاوش نمایم. اکنون خواننده عزیز، این گوی و این میدان برای یورش به سوی پیروزی، تا منتها درجه استاد بزرگی!

لطفاً ، قبل از مطالعه اشتباهات زیرین را اصلاح فرمائید

صفحه	سطر	اشتباه	درست
۱۹	۲۲	طلب	مطلب
۴۲	۲۶	دیا گرافها	دیا گرامها
۴۷	۹	$26.D \times h7 + Rf8$	حذف شود
۴۷	۱۲	$27.Dh6 +$	$26. Dh6$
۶۵	۲	Re6	Re 8
۶۸	۲۷	$Fxc +$	$F \times C$
۸۰	۲۷	فراموش شدنی	فراموش نشدنی
۸۱	۱۳	پیش	بیش
۹۱	۲	46. De5۱	46... De5۱
۱۰۴	۲۴	Eurve	Euwe
۱۰۶	۲	57... Rg6۱	57... Rg3
۱۱۵	۱۶	تاکتیکی	تاکتیکیهای
۱۱۹	۸	f7	h7
۱۲۵	۳	گامبی دام	گامبی وزیر
۱۲۹	۲۴	صرف کنید	صرف کنند
۱۳۲	۱۶	خیانت	جنایت
۱۴۱	۵	بارز	باز
۱۶۱	۱۲	دارد	ندارد
۱۶۷	۲۶	f7_f5	f7-f5 و Fe6
۱۹۴	۲۱	چهارم	چهاردهم
۲۰۶	۱۴	مقابله	مقابلله
۲۱۴	۱۸	صبح زود	صبح روز
۲۱۷	۱	نیمساعت	پنجساعت
۲۲۵	۲۷	می زد	می زدند
۲۴۳	۱۱	Tca8	Taa 8
۲۷۵	۱۹	ویا بو حسب	و بر حسب
۲۹۲	۱	1... e5	1... e4
۳۰۲	۱۲	Fb	Fb7 ۱
۳۰۴	۱۱	Th	Tg

دیباچه

از مایشی غیر عادی

ما سعی خواهیم کرد، روند پیچیده طرز تفکر ذهنی يك استاد بزرگ را به هنگام مبارزه در صحنه شطرنج شرح دهیم. برای اینکه تا سرحد امکان بتوان مراحل تدریجی چنین اندیشه‌ای را به روشنی توصیف نمود، اجازه دهید، تجربه مختصری را که از روش علم مکانیک در دانشکده به ذهنم خطور نموده است مورد آزمایش قرار دهیم. در اینجا قبل از هر چیز مبحث استاتیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد، که بطور خلاصه غرض تأثیر قوا بر جسم در حال سکون مطرح مذاکره و بحث واقع می‌شود، پس از آن موضوع دینامیک یعنی همین پدیده در حال حرکت بررسی می‌گردد. در اینجا نیز بدو چگونگی فکر کردن را در مورد حرکات از جنبه استاتیکی مورد مذاقه قرار می‌دهیم، نگاه متعاقبا به موضوع دینامیک خواهیم پرداخت.

اکنون فرض می‌کنیم، مسابقه‌ای در سطح بالا در اطاقی جریان دارد، امکان و فرصتی هم به ما داده شده است، که در حین عمل، از یکی از بازیکنان مثلا پولوگایفسکی، که مهره سفید دارد، بخواهیم که جای خودش را به ما بدهد. حال، اسمیس洛夫 پشت میز مسابقه بجای او قرار می‌گیرد. از او می‌خواهیم، بدون هیچگونه ملاحظه و رودربایستی در مورد پوزیسیونی که مقابلش قرار گرفته و نوبت حرکت هم با سفید می‌باشد، چگونگی جریان اندیشه‌های خود را بهمان گونه که مشغول مطالعه می‌شود برای ما بازگو نماید.

من تردیدی ندارم، که نخستین عکس العمل اسمیس洛夫 شمارش تعداد پیاده‌ها خواهد بود زیرا، حسب القاعده، يك استاد بزرگ با يك چشم بهمزدن و بدون نیاز به محاسبه می‌تواند تعداد سوارها را تشخیص دهد، هرچند که او ممکن است در عین حال

شمارش هم بعمل آورده باشد. حال پنداریم که پولوگایفسکی هیچ چیز قربانی نداده است و از لحاظ قوا تعادل وجود داشته باشد. در مرحله بعدی، چگونگی تفکر اسمیسلوف، متضمن روشن نمودن نکات زیر خواهد بود:

نخست، این پوزیسیون از چه نوع شروع بازی بوجود آمده است؟ البته اگر حرکات زیادی انجام پذیرفته باشد، با توجه به آرایش پیاده ای و وضع سوارها، این امر به سادگی قابل تشخیص است. ولی اگر به مرحله پیش رفته وسط بازی رسیده باشد دیگر مسئله تعیین شروع بازی مطرح نخواهد بود، بلکه موضوع ساختار پیاده ای Pawn Structure و ستونهای باز و قطرها و پایگاههای مرزی اسبها مورد توجه قرار خواهد گرفت.

سپس، نزد خود این سئوالات را مطرح و دنبال می‌نماید: آیا هرگز قبلاً چنین پوزیسیونی داشته‌ام؟ آیا مشابه آن در بازیهای اساتید بزرگ رخ داده است؟ این نکته ایست با اهمیت و مطالبی را روشن خواهد نمود، چرا که اگر بتوان بخاطر آورد که نظیر این پوزیسیون را در گذشته نزدیک دیده است، آنگاه کار ارزیابی و چگونگی به هدف رساندن طرحی صحیح و یا آنالیز واریاسیونها اسانتر می‌شود. بعلاوه استفاده از دانش ذخیره شده برای صرفه جویی در زمان تفکر نتیجه ای عالی دربر دارد و در عین حال متضمن اجتناب از اشتباهات و پیش گیری از اجرای طرحی نادرست نیز می‌باشد.

این دوران از تفکر، که ما آنرا دوران شناسانی The clarification periode می‌نامیم بسیار با اهمیت است. در اینجا نقش اصلی به عهده، دانش، تجربه و تبحر استاد بزرگ می‌باشد. طبعاً حافظه نیز در بخاطر آوردن حرکاتی که در گذشته دور انجام شده است سهمی به سزا دارد و در این میان کسانی هم یافت می‌شوند، که به تناسب موقعیت، مثالهای شایان توجهی را از پیکارهای: الخین، بوتوینیک بیاد می‌آورند که به عنوان شاهکارهای هنری به جهانیان ارائه گردیده است.

استاد بزرگ پس از تجهیز با چنین مطالعات مقدماتی عمیق درصدد ارزیابی پوزیسیون برمی‌آید. او تنها به حل مسئله ای بنیانی که کدامین موقعیت بهتر است اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌خواهد طبیعت پوزیسیون را با توجه به کوچکترین اجزاء آن

تمیز دهد. به این منظور، ارزش نسبی خطوط باز را مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا با توجه به تمامی آنچه که در خاطر سپرده است، باید به انجام وظائف واقعی که در پیش دارد بپردازد یعنی: چگونگی اشغال فلان ستون و یا قطر باز، مسدود کردن آن دیگری و یا مثلاً خنثی نمودن فعالیت‌های رخی‌های حریف در ستون و یا عرض مورد نظر. او همچنین نقاط سوق الجیشی مهمی را که بوسیله اسبهایش باید اشغال شود در نظر می‌گیرد، ضمناً برایش روشن است که کدام يك از پیاده‌های خودی یا از آن حریف ضعیف هستند. یا در کجا پیاده‌های رونده قوی یافت می‌شود. او بیشتر به گونه‌ای ناخودآگاه تا خودآگاه تشخیص می‌دهد که در کدام جبهه همکاری و هم‌اهنگی بین سوارها برقرار است. البته، به همین گونه در مورد حریف نیز قضاوت به عمل می‌آورد.

اجمالاً، او می‌خواهد از لحاظ روانی به خود بقبولاند که آنچه را انجام داده است صحیح می‌باشد و این همان موقعیتی است که باید مجدداً به تجمع قوا بپردازم. البته چون تشخیص اینکه کدام طرف کنترل مرکز را در اختیار دارد، یا تأثیر و نفوذ این و یا آن سوار روی مرکز چگونه می‌باشد برای اسمیسلف زحمت زیادی ندارد، لذا به ارزیابی زنجیرهای پیاده‌ای طرفین می‌پردازد و پی می‌برد که در کجا پیشرویه‌ای پیاده‌ای امکان‌پذیر می‌باشد.

پس از انجام این مقدمات، او با وضوح بیشتری درک می‌کند که پوزسیون کداميك از طرفین بهتر است، یا چه کسی ابتکار عمل را در دست دارد، کدام حریف باید حمله کند، کی باید اجباراً به دفاع بپردازد. سرانجام او تصمیم خواهد گرفت که سفید از کجا باید حمله را آغاز نماید، مشروط بر اینکه سیاه منحصرأ به دفاع بپردازد، یا از چه نقطه‌ای باید برای ضد حمله‌ای جناحی تلاش بعمل آورد که در چنین صورتی او متوجه تمایل سیاه به وارد آوردن ضربه‌ای در مرکز نیز می‌باشد. چرا که يك استاد بزرگ خیلی خوب می‌داند که: بهترین پاسخ به حمله جناحی حمله متقابل در مرکز است.

بالاخره، اگر پوزسیون مساوی باشد، اسمیسلف تصمیم خواهد گرفت که با مانوری ملایم تحریکی بعمل آورد تا ضعفی در اردوی حریف پدید آید. بهر حال این راهی است که يك استاد بزرگ در سالن مسابقات، به هنگام عمل، برای

ارزیابی پوزیسیون می‌پیماید. بدیهی است نمی‌توان ادعا کرد که او به همین ترتیب که گفته شد عوامل پوزیسیون را مورد بررسی قرار می‌دهد، چه بسا که بسیاری از مطالبی را که ما دسته‌بندی کردیم احتمالاً او به درک مستقیم، الهام‌گونه خویش می‌سپرد. اما بهر صورت مسائل مورد بحث در فوق از این راه و یا راه دیگر باید مورد توجه قرار گیرد و حل شود.

اکنون می‌خواهیم بدانیم آیا مراحل تدریجی پیشرفت این عمل چقدر وقت می‌گیرد؟ طبعاً این امر بستگی به قابلیت استاد بزرگ، چگونگی وضع خاص پوزیسیون و سرشت او دارد.

به وضوح می‌توان دریافت، که در مورد بعضی از بازیکنان تجزیه و تحلیل هوشیارانه سهم اصلی را عهده‌دار است، در حالیکه برخی دیگر درک مستقیم، یا الهام تکامل یافته بر اثر تمرین تحلیلی، در آنها نفوذی قاطع دارد. بهر حال ارزیابی پوزیسیون از اهمیت ویژه برخوردار است و وقت زیادی به آن اختصاص داده می‌شود.

صرفاً پس از انجام یافتن این کار مقدماتی است که اسمیسلف می‌تواند طرح نقشه‌ای را آغاز نماید. در اینجا لزوماً یادآور می‌گردد: جهت‌گیری اندیشه‌های یک بازیکن اصولاً از طبیعت و چگونگی پوزیسیون مفروض تبعیت می‌کند ولی نهاد یا سیرت بازیکن نیز در این امر سهمی به سزا دارد.

پطروسیان، اغلب در بدو امر علاقمند است درخصوص دفاع از نقاط ضعفش بیاندیشد، در صورتیکه تال، از همان آغاز در جستجوی بدست آوردن شانس قربانی می‌باشد.

بهر کیفیت، از این طریق و یا راه دیگر، استاد بزرگ باید درصدد اجرای طرح کلی لشکرکشی برآید. یعنی جهت حرکت سوارها را تعیین نماید، چگونگی حمله و یا در صورت لزوم موضوع دفاع را مشخص کند. علاوه بر این در طرح کلی او بایستی طرحی را که از قطعیت بیشتری برخوردار می‌باشد و روشنگر تعدادی حرکات بعدی است در نظر بگیرد. از آن جمله می‌توان اشغال فلان خانه، یا تعویض فلان پیاده و غیره را نام برد. واضح است که همواره او باید طرح حریف را هم در نظر داشته و در خنثی‌کردنش تلاش نماید.

تا بدینجا افکار یک استاد بزرگ را که براساس اندیشه‌های کلی و اصول استراتژیکی

بنا شده بود شرح دادیم. اکنون وقت آن رسیده است که وی در صدد جستجوی حرکت بعدی برآید، بدیهی است به این منظور او باید حرکات ممکنه را بررسی نماید تا بتواند شایستگی حرکت انتخابی را در طرح مورد نظر تأیید کند.

با این مقدمه او باید تجزیه و تحلیل تعدادی واریاسیونها را آغاز نماید، البته ضمن اینکه هر يك از حرکات را بررسی می کند به پاسخ حریف نیز توجه دارد، به همین ترتیب به بهترین پاسخ بعدی وقس علیهذا... فقط، پس از انجام این وظیفه بسیار سنگین و تحلیلی خالصانه است که اسمسیلوف مهره ای را حرکت می دهد و ساعتش را متوقف می سازد. این است پایان اندیشه استاد بزرگ و حرکتی که انجام می دهد! این آزمایش به ما می آموزد که چگونه می توان از اندیشه های يك استاد بزرگ به هنگام انتخاب بهترین حرکت در پوزیسیون داده شده پیروی نمود. هم چنین از آنچه که در بالا گفته شد می توان دریافت که يك بازیکن و استاد واقعی باید صفات زیر را دارا باشد:

۱- او باید به تئوری جدید شروع بازی کاملاً مسلط باشد.
 ۲- او باید اصول کلی پوزیسیونهای شاخص وسط بازی را که ضمن بازیهای خود و یا سائرین آموخته است بداند و در حافظه اش نگاهداری نماید. بدیهی است که هرچه بیشتر بداند و بهتر بتواند نمونه هائی را از قبل به خاطر آورد، پیدا کردن راه حل پوزیسیونی که با آن مواجه می شود برایش آسانتر خواهد شد.
 لازم به یادآوری است که طبعاً مسئله به خاطر سپردن، به گونه ای مکانیکی، منظور نمی باشد بلکه غرض آگاهی به روشها و احیاناً حرکات اختصاصی و یا ترکیبهای است که برخی مواقع در بازیها به کار برده می شود. معمولاً این قبیل نمونه ها را در خاتمه کار پس از تجزیه و تحلیل و ارزیابی در یادداشتهای خصوصی ضبط می کنند. ضمناً، دو صفت فوق را به حکم محتوای مطلب می توان تحت عنوان، فضل یا دانش شطرنجی، در نظر گرفت.

۳- يك استاد بزرگ باید بتواند يك پوزیسیون را به گونه ای دقیق و صحیح ارزیابی نماید.

۴- قابلیت اجراء و به هدف رسانیدن طرحی صحیح که با خواستهای پوزیسیون داده شده تطبیق نماید، از اهمیتی به سزا برخوردار می باشد.

۵- يك استاد بزرگ باید بتواند بگونه‌ای دقیق و سریع واریاسیون‌هایی را که به تقاضای جریان بازی می‌تواند رخ دهد محاسبه کند. اجمالا موارد فوق صفات ممتازی هستند که بازیکنان برای پیشرفت می‌توانند در محدوده آنها عملاً خودشانرا پرورش دهند. به ویژه ضمن توسل به تجربه، تجزیه و تحلیل، با تلاش شخصی باید موجبات کمال هرچه بیشتر خویش را فراهم آورند. اکنون در این کتاب ما به بررسی جمیع این صفات یا کیفیات خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه بر اثر، تکرار و کار مداوم، می‌توان این فضائل را تحصیل کرد. برای سهولت در امر آموزش مراحل گوناگون را به ترتیب خاصی در نظر گرفته و مورد بحث و مطالعه قرار خواهیم داد.

فصل اوّل

تجزیه و تحلیل واریاسیونها

ANLYSIS OF VARIATIONS

می‌دانید واریاسیونها را چگونه باید تجزیه و تحلیل کرد؟» سپس بدون آنکه فرصت پاسخ به آنها داده باشم چنین ادامه دادم: من می‌خواهم در اینخصوص با شما صحبت کنم، خواهش می‌کنم هر کجا در توضیحاتی که خواهم داد اشتباه کردم مرا متوقف کنید. اجازه دهید فرض کنیم در نقطه‌ای از بازی خود باید بین دو حرکت Td1 و Cg5 یکی را انتخاب کنید آیا کدام یک را انجام خواهید داد؟ طبعاً راحت در صندلی خود می‌نشینید و برای آغاز کار تجزیه و تحلیل حرکات ممکن را در نظر گرفته و با آرامی به خود می‌گوئید: خیلی خوب من Td1 را بازی می‌کنم، حریف احتمالاً Fb7 را انجام می‌دهد و یا پیاده a2 مرا که پس از تغییر مکان رخ بی‌دفاع مانده است می‌گیرد. پس از آن

آیا می‌دانید چگونه باید تجزیه و تحلیل کرد؟

چندی پیش برای شرکت در مراسم تشریفاتی خاتمه مسابقات تیمی که در آن کاندیداهای استادی و بازیکنان درجه یک بازی کرده بودند دعوت شده بودم، در آنجا از حاضران سؤال کردم، آیا می‌خواهید در چه خصوص برای شما صحبت کنم. هنوز حرفم تمام نشده بود که دستخوش سیلی از خواسته‌های گوناگون گردیدم، بعضی علاقه داشتند ترکیبهای زیبایی را تفسیر کنم و بعضی دیگر می‌خواستند بدانند با مهره سیاه چگونه باید دفاع سیسیلی را بازی کرد و از این قبیل. مجدداً خطاب به حاضران گفتم: «آیا

اسب یا رخ را حرکت دهم گذشت و اگر قرار باشد چنین ادامه یابد قطعاً دچار تنگی وقت خواهم شد. در این هنگام ناگهان فکر جدیدی در خاطر شما خطور می کند و می گویند چرا رخ و اسب؟ اگر Fb1 کنم چه خواهد شد؟

انگاه بدون هرگونه تجزیه و تحلیلی و یا رعایت دشواریهایی که امکان دارد بوجود آید، درست مثل آنکه بهترین راه حل را یافته باشید، فیل را حرکت می دهید و جان کلام همینجاست، زیرا این حرکت نسنجیده معلوم نیست چه عاقبتی بیار خواهد آورد! در اینجا صحبت من با هلهله و کف زدن حاضران قطع شد و خنده را آغاز کردند، زیرا ظاهراً تصویریکه توانسته بودم از این تلاش بیهوده با توضیحاتم ترسیم نمایم، حالت مضحك همان بازیکن را مجسم می نمود. سپس برای آنها فاش کردم که در نظر دارم آنچه را که در زمینه تجزیه و تحلیل واریاسیونها می دانم در کتابی به رشته تحریر درآورم، که اساس آن بر مطالعاتی استوار است که روی نوشته های استادان بزرگ بعمل آورده ام و یا چیزهایی است که شخصاً کشف کرده ام. در اینجا نیز مجدداً با دست زدن و شادی حاضران مواجه گردیدم.

از آنجا به خوبی دریافتم که حتی بازیکنان

چی؟ ایا وضعی که می ماند مطلوبم خواهد بود؟ برای روشن شدن موضوع شما ادامه می دهید، یعنی حرکت بعد را هم نزد خود مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهید و سرانجام به این نتیجه می رسید که حرکت رخ خوش آیندتان نمی باشد، بنابراین می پردازید به حرکت اسب:

اگر Cg5 کنم چه خواهد شد؟ ممکن است او با h6 انرا جابجا کند، خوب می روم به e4 حال ممکن است با فیلش انرا بگیرد که منم با وزیرم پس می گیرم حال او می تواند با رخش به وزیر من حمله کند، که چندان دلچسب نمی باشد... پس حرکت اسب هم خوب نیست. برمی گردیم مجدداً به بررسی حرکت رخ و می گوئیم: اگر او Fb7 کرد من می توانم f3 کنم اما اگر او پیاده بی دفاع a را گرفت چه باید کرد؟ پس حرکت رخ هم مصلحت نیست و یکبار دیگر باید حرکت اسب را مطالعه کرد یعنی:

Cg5 h6 , Ce4 FxC , DxF Td5

و اینهم خوب نیست! پس نیایستی اسب را حرکت داد و برمی گردیم مجدداً به رخ و در حالی که Dxa و Td1 را می خواهیم از سر بگیریم چشمان می افتد به ساعت و پیش خود می گوئیم:

خدای من! ۳۰ دقیقه برای آنکه به بینم

حمله سفید در جناح شاه کاملاً تهدیدآمیز بنظر می‌آید، طبعاً استادی که مهره سفید دارد کوشش می‌کند به گونه‌ای قاطع راه داغان کردن شاه حریف را پیدا کند و یا برتری مسلمی را به دست آورد. بعلاوه تشخیص اینکه باید درگیر يك قربانیهم بشود چندان مشکل نمی‌نماید، بنابراین، با خود می‌گوید:

من باید قربانی بدهم! اما کدام يك از سوارهایم را؟

در اینجا امکانهای متعددی وجود دارد که عبارتند از: $26. F \times h6$ یا $26. C \times C$ و یا $26. Cg4$ با دنباله $27. C \times P+$ حال کدام يك از این حرکات را باید انتخاب کرد؟ اکنون می‌پردازیم به آنالیز یا تجزیه و تحلیل هر کدام:

$26. C \times C F \times T$ $27. h2 \times F P \times C$ $28.$

$T \times P P \times D$ $29. T \times D+ Rh7$

نتیجه: تفاوت عقب هستیم، پیاده d ضعیف و فیل حریف قوی پس این راه صحیح نیست. حال به بینیم $26. F \times h6$ چگونه است؟

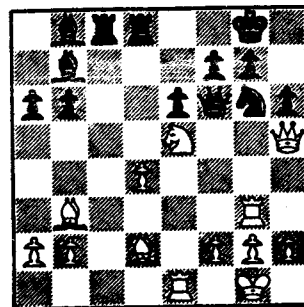
$26... P \times F$ $27. D \times P F \times C$ $28. T \times F D$
 $g7$ $29. De3$ ($29. T \times C D \times Tg6!$) $29... Fd5$

حاصلی برای سفید ندارد.

انچه که باقیمانده است امکان $26. Cg4$

سطح بالا نیز نیاز مبرمی به چنین راهنمایی دارند. انگاه با شوخی گفتیم: بوتونیک با جدیت هرچه تمامتر مشغول ترتیب دادن کامپیوتری است که بتواند به خوبی انسان به شطرنج بپردازد. اما من اجازه می‌خواهم که آنچنان آموزشی بدهم که انسان بتواند با دقتی که ماشین دارد از عهده تجزیه و تحلیل برآید.

حالتی را که در بالا مورد بحث قرار دادم، در حقیقت نمونه و شیوه غلطی است از طرز تفکر بی‌قاعده و نامنظم که متأسفانه بین بازیکنان با استعداد و حتی سطح بالا نیز عمومیت دارد. یعنی غفلت تجزیه و تحلیل را ترك می‌کنند و حرکتی را که ابداً بررسی نکرده‌اند انجام می‌دهند. اینک برای بهتر روشن شدن مطلب دیاگرام (1) را در نظر می‌گیریم.



دیاگرام (1)

آنگاه تمامی واریاسیونهای مختلف هر دو حالت را یکمرتبه دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. اجمالاً برای اینکه راهی پیدا کند، مرتباً از این شاخه به آن شاخه می‌رود، تا سرانجام همانطور که در مثال قبل اشاره شد آنچه که نصیص می‌شود پیشروی بی‌رحمانه عقربك ساعت است. و این همان چیزی است که استاد را مجبور می‌کند تصمیم بگیرد، لهذا به دنبال حرکت مطمئنی می‌رود که نیاز فراوانی به تجزیه و تحلیل نداشته باشد و بلادرنگ 26. Fc3 که بنظرش مناسب می‌رسد انجام می‌دهد. اما افسوس، زیرا این بدترین حرکتی بود که می‌توانست انجام دهد و سیاه با حرکت قاطع! Cf4 26... گیم را به گونه زیر دنبال می‌کند:

27. Dg4 h5 28. Dd1 h4

و سفید به ناچار واگذار می‌نماید، زیرا تجزیه و تحلیل را با روشی صحیح دنبال نکرده بود. درواقع اشتباه سفید امتناع ورزیدن از تعقیب و ادامه صحیح حرکت 26. Cg4 می‌باشد که چنین وضعی را برایش بوجود می‌آورد.

26. Cg4 Dh4 27. CxP+ Rf8 28. DxD CxD 29. CxP RxC 30. FxP+Rf8 31. Tg4 CxP 32. Fb4+Fd6 33. FxF+ TxF 34. FxT CxT 35. FxF

می‌باشد که باید بررسی کنیم و در اینجا باید دید که وزیر سیاه کجا می‌رود؟ ۱- حرکت Df5... 26 بد است زیرا:

27. CxP+ PxC 28. DxD PxD 29. TxC+ Rh7 30. TxP+Rg7 31. Th4 و سفید دو پیاده جلو می‌افتد و موقعیتش بهتر است.

۲- Dxd4 26... هم سیاه را نجات نخواهد داد زیرا:

27. CxP+ PxC 28. TxC+

و یا Txe6! 28 که در هر دو صورت شاه سیاه بی‌دفاع می‌ماند و طبعاً سیاه چنین راهی را انتخاب نخواهد کرد. با این ترتیب بنظر می‌آید حرکت 26. Cg4 تا اینجا خوبست اما شق سومی هم برای سیاه وجود دارد که باید آنرا هم مورد توجه قرار داد.

۳- Dh4? 26... با ادامه‌ای قابل توجه و دقت!

27. CxP+Rf8!

در اینجا استادی که با مهره سفید بازی می‌کند بخود می‌گوید: خیر، تعویض وزیرها مصلحت نیست زیرا سائر سوارهایم مورد تهدید قرار می‌گیرند؟! بنابراین Cg4 هم کاری از پیش نمی‌برد. با این مقدمه مجدداً برمی‌گردد و فکر خود را متوجه خانه‌های h6 و g6 می‌نماید.

که متضمن پیروزی سفید می باشد. تردیدی نیست که نظیر حالت فوق برای شما و همه انهاییکه در مسابقات شرکت کرده اند به دفعات اتفاق افتاده است. علیهذا می خواهیم در این خصوص بحث کنیم که چگونه باید فکر کردن را اموخت تا بتوان حرکات ممکن را با حداکثر کارائی بررسی نمود.

گریزی به تاریخ

تجارب عملی نشان داده است، که فقط معدودی از بازیکنان در فن تجزیه و تحلیل تسلط دارند. چه بسا بازیکنانی که در سطح ورده عالی محسوب می شوند ولی از این نقطه نظر با کمبودهایی مواجهند. در محافل اهل شطرنج و انجا که بازیکنان شوخ طبع گرد هم می آیند، هزلیاتی رواج دارد که از انجمله به گونه ای عوامانه گفته می شود، هیچ رقم تمرینی نمی تواند قدرت بازی يك بازیکن را تغییر دهد. که درواقع مشابه است با گفته، اوستاپ بندر (شخص شوخ طبعی را می گویند که شطرنج نمی داند ولی در این خصوص کنفرانس می دهد و بازی تفسیر می کند - مترجم) که در سخنرانی مشهورش نظر می دهد:

«بلوند خوب بازی می کند و سبزه چهره بد و هیچگونه آموزشی این چگونگی را دگرگون نمی نماید!» پر واضح است که چه بسا عملاً خلاف نظریه عوامانه فوق را در مورد بازیکنان سطوح مختلف بتوان دید. اما موضوعی که یادآوری آن کاملاً ضروری بنظر می رسد، نیاز منظم بازیکنان به خودآزمائی می باشد، که بهترین شیوه ان مطالعه و بررسی خلاصه درسهای تجربی است که پس از شرکت در هر مسابقه عااندشان می گردد. برای آنکه بتوانیم با وضوح بیشتری اشتباهات ناشی از طرز تفکر شطرنجی خود را بیابیم، بهتر است در مطالعاتی که انجام می دهیم موضوع انتقاد از خویش را که حائز اهمیت فراوانی است فراموش نکنیم. اکنون به منظور اشنائی بیشتر خوانندگان در وصول به این هدف می خواهم کاری را که شخصاً در این زمینه انجام داده و نتیجه ای خیلی بیش از انتظار نصیبم شده است بازگو نمایم.

در فاصله زمانی ۱۹۳۵-۳۶ با وجود آنکه در چندین دوره مسابقه های مخصوص بازیکنان نخستین رده First - Category مقام اول را به دست آوردم، و دو مسابقه قهرمانی مسکو را نیز با موفقیت به انجام رسانده بودم، معذک من از بازیهایم راضی

نبودم. لهذا بررسیهای توام با انتقادی را روی آنها بعمل آوردم. اجمالاً چنین نتیجه گرفتم که در بازیهای معایی جدی وجود دارد. این مطلب را شخصاً در بعضی از کتابهای تمرینی آن دوران که از یادداشتها و بازیهای من آکنده بود نوشتم. ناگفته نماند، که چنان سخت و خشن موضوع انتقاد از خود را مورد تفسیر قرار دادم که باور کنید هیچ منقد یا مفسر دیگری راضی نمی شد چنین بی رحمانه روی حرکاتی که انجام داده بودم قلم فرسایی نموده و انتقاد بعمل آورد.

بخاطر می اورم که حتی یکمرتبه در روزنامه صریحاً نوشتم: مشکل اساسی من منوط به سطحی بودن دانشم در بخش آغاز بازی و یا ضعف در فنون بخش پایانی نبوده است، بلکه این امر ارتباط به فقر ادراک من در فهم مسائل بخش میانه بازی داشته است. به ویژه بدترین نقص و اشتباهم را عدم مهارت در تجزیه و تحلیل واریاسیونها باید قلمداد نمایم، چرا که وقت و فرصت فراوان و بی حسابی را صرف بررسی و مطالعه پوزیسیونهای نسبتاً ساده ای می نمودم که در نتیجه آخر کار دچار تنگی زمان می گردیدم، بعلاوه اغلب کورکورانه اشتباهاتی جدی نیز مرتکب می گشتم. اجمالاً پس از خاتمه

بازی متوجه می شدم که حریف هنگام مسابقه بیشتر و عمیقتر از من حرکات را دیده و محاسبه کرده است. مجموعه این عوامل متوجهم نمود که برای کسب مهارت لازم باید در فن تجزیه و تحلیل با جدیت کامل کاری اساسی را ولو هر اندازه هم که دشوار باشد دنبال کنم.

این چکیده مطلبی بود که برای همگان ابراز داشتم، اما در کتابهای تمرینم انرا قویتر و با شدت بیشتری ثبت نمودم. کما اینکه متعاقباً ملاحظه خواهید نمود که بدون قید و پروا واریاسیونها را بهمان ترتیب که انجام شده است، و طبعاً به موقع خود به وسیله حریف نیز تنبیه شده ام، شرح خواهم داد.

اساسی ترین مشکل من پاره ای ابهامات در تجزیه و تحلیل ها بود که بایستی تلاش لازم را برای ریشه کن کردن و مرتفع نمودن این نواقص به عمل می اوردم. به همین سبب در یادداشتهایم پس از انجام مسابقه ام با یل توف A. Yeltsov چنین نوشتم:

عدم تمایل راستین به درک واقعی و کامل واریاسیونها و نوعی ابهام و سرگردانی در آنها، از تأسف بارترین و بارزترین اشتباهاتی بود که من در جریان مسابقات قهرمانی شطرنج مسکو به سال ۱۹۳۶

می باشد. هر چند که من نزد خود می پنداشتم که از همکاری لازم برخوردار نبوده و نقش موثری نمی تواند داشته باشند. در صورتیکه آنها هم اهنگی بسیار خوبی را دارا بودند و متقابلاً این سوارهای من هستند که با وجود جایگزینی دلپذیر، قادر نمی باشند که تهدیدهای نامطبوع سیاه را برطرف سازند و بازی چنین ادامه یافت:

23. Tfd1 f3 24. h4 CxP 25. FxP TxC 26. DxT Cc3 27. Dd2 Df6 اینک نشانه های پیروزی در وضع سیاه دیده می شود و دنباله بازی درواقع تنبیهی بود برای خوش بینی نابجای من.

28. Fg2 e4 29. Tbc1 CxT 30. TxC Dc3 31. De3 Ff5 32. Rh1 DxD و سیاه در بخش پایان بازی به سهولت پیروز می گردد.

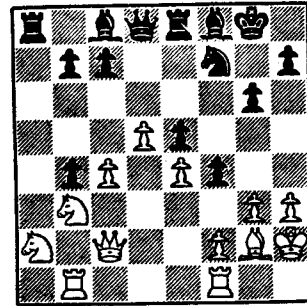
نکته جالب قضیه اینست که در خاتمه کار، درصدد تجزیه و تحلیل تمامی واریاسیونهای ممکنه برامدم، در اینجا بود که پانو به من گفت بعد از حرکت: 22... Cg5! او فکر می نمود که سفید دفاع خوبی ندارد. زیرا اگر:

23. Tfe1 f3 24. Ff1 (24. h4 CxP 25. TxC PxF

همراه با تهدیدهای سنگین

مرتکب شدم.

به ویژه آنچه که بیشتر موجب ناامیدیم گردید موضوع مبارزه من با پانو Panov بود که مهره سیاه داشت و پس از شروعی پر جوش و خروش، پوزیسیون موجود در دیاگرام (2) بوجود آمد.



دیاگرام (2)

به نظر می رسید، حمله سفید در جناح وزیر که گسترشی بقاعده یافته اقدامی است منطقی. به عبارت دیگر نزد خود چنین یقین می کردم که ارایش ناهنجار سوارهای سیاه گواهی است روشن بر مشکلات جدی پوزیسیونش. حال دنباله بازی را مورد مطالعه قرار می دهیم:

22. c5 Cg5!

پس از این حرکت ناگهان متوجه شدم که سیاه تهدیدهای خطرناکی دارد و نکته اساسی موضوع سوارهایش در جناح شاه

سال ۱۹۳۵، اجمالاً چنین یادداشت کرده بودم:

از هفته دور مبارزه، هفت دور انرا دچار تنگی وقت حاد شده بودم و در پنج مبارزه با تنگی زمان کمتری (یعنی ۵ دقیقه برای ۸ تا ۱۰ حرکت) مواجه گردیده بودم و در پنج تای دیگر از لحاظ زمان مشکلی نداشته‌ام (سه تای آنها انقدر طول نکشید که نیاز به کنترل زمان پیدا کند). ناگفته نماند که هنگام تنگی وقت، بد هم بازی می‌کرده‌ام، چرا که سهم اعظم از همان فرصت کوتاه باقیمانده را نیز صرف درهم شدن واریاسیونها و انعکاسهای کلی می‌نمودم.

چون مطلب تا حدی برایم روشن شده بود، لذا با انتقادی جدی از خود دریافتم که باید گام بعدی را برای تلاش در ریشه کن کردن اشتباهات و نواقص مورد بحث بردارم، لذا بر همین اساس کار را به گونه زیر آغاز نمودم:

بازیهای دیگران و بخصوص اساتید را مورد بررسی قرار دادم، چنانچه تفسیر و یا حاشیه نویسی در اینخصوص می‌دیدم با دقت مطالعه می‌کردم، زیرا به خوبی متقاعد شده بودم که توانائی آنالیز یا تجزیه و تحلیلی دقیق از تعدادی کافی واریاسیونها به گونه ای که پوزیسیون را

26... Dxd5 , 26... Dd7 , 26... Ff5) 24...F×h3! 25.F×F C×F 26.R×C Dg5 27.g4 Fe7 28.Rg3 Df4+ 29. Rh3 Dh6+ 30. Rg3 Fh4+ 31. R×P Tf8+ 32. Rg2 T×P+

و وزیر را می‌گیرد.

به راستی تمامی مانور سیاه و طرح مبتکرانه و قربانی غیر منتظره اش همگی جذاب بودند. من باید ادعا کنم که تمامی این امکانات که در پوزیسیون نهفته بود تا اخر بازی از چشم پنهان مانده بود و حتی یکی از بررسیهای تاکتیکی بالا را به عمل نیاورده بودم. همین امر موجب گردید که در خاتمه مسابقات ضمن تلخیص درخصوص تصورات غلط خود چنین بنویسم: هنگامیکه من پشت میز مسابقه نشسته بودم توانائی پیدا کردن یکی از واریاسیونها و ترکیبهای فوق را نداشتم. خصوصاً وجود ترکیبی را که می‌توانست در حرکت ۲۴ به وقوع بپیوندد و پانو در خاتمه کار ان را خاطر نشان ساخت. بکلی برایم غیر منتظره بود. حقیقتاً باید بپذیرم که طرز تفکر من در حدی مضحك پای بند طرحهایی بود که فقط بر اصول کلی منطبق و استوار گردیده بودند!

از اینمطلب که بگذریم درخصوص زمان فکر کردیم، در مسابقات قهرمانی مسکو

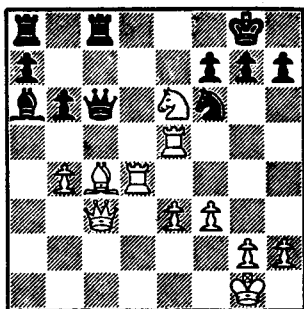
خودم روش منطقی را که ذیلاً ملاحظه خواهید نمود برگزیدم و خوشبختانه کاربرد انهم بسیار موثر و همراه با نتایج خوبی بوده است.

من از کتابهای مسابقات بازیهای را انتخاب می کردم که با مشکلات و پیچیدگیهای Complication قابل توجهی همراه بودند. نگاه همان بازیها را روی صفحه شطرنج می آوردم. اما همینکه به نقطه ای بحرانی میرسیدم، یعنی انجا که مشکلترین پیچیدگیها همراه با واریاسیونهای متعدد آغاز می گردید، مطالعه و تفسیرها را متوقف می نمودم. به این منظور، یا بوسیله قطعه کاغذی روی صفحه کتاب را می پوشاندم و یا کتاب را کنار می گذاردم و نگاه وظیفه مهم و سنگین خود یعنی عمیق فکر کردن را آغاز می کردم، انهم به گونه ای که با تحمل هرگونه دشواری بتوان جمیع واریاسیونهای ممکنه را تجزیه و تحلیل کرد.

البته همواره کوشش می کردم کارم را به طریق ذهنی انجام دهم، یعنی چنانکه هنگام مسابقه رسمی پشت میز و در مقابل حریف باید انجام پذیرد!

در حالی که بین نیمساعت تا یکساعت وقت خود را صرف این امر مهم می کردم بعضی اوقات (بخصوص در

روشن کند شرط اساسی موفقیت است. هرچند که برخی مواقع می دیدم در تجزیه و تحلیلهایی که بعضی از بازیکنان به عمل می اورند، اشتباهات گوناگونیهیم وجود دارد. از جمله معدودی از شاخه ها را به گونه ای قابل ملاحظه عمیقاً بررسی می نمایند، در صورتیکه تعداد زیادی از واریاسیونها را با ژرفائی که از ۲ تا ۳ حرکت تجاوز نمی کند مورد انالیز قرار می دهند. اجمالاً به این نتیجه رسیدم که راه حل صحیح را می توان در گزینش روش معتدل جستجو کرد. به ویژه که الزاماً انجام کار با محدودیت و تنگنای زمان همراه است. ولی به هر حال برایم روشن و مسلم گردیده بود که توانائی توجیه خویش در پیچ و خم و یا به اصطلاح لایبرنت واریاسیونهای ممکنه يك هدیه طبیعت و یا مانده اسمانی نیست، بلکه حاصلی است از کار و کوشش فراوان و جدی همراه با آموزش صحیح. حال ایا چگونه یکنفر می تواند چنین آموزشی را ببیند؟ یا در کجا شرح داده شده است که نظم فکری را با چه روشی باید تربیت نمود و تعلیم داد؟ موضوعی بود که کتابهایی در این زمینه یافت نمی شد، از دیگرهیم به نظر نمی آمد بتوان کمک گرفت. به همین سبب من برای توجیه



دیاگرام (3)

Tension یا بحران و کشمکش در اینجا به اوج خود رسیده است و پی آمدان به اندک عدم دقتی بستگی دارد. استاد بزرگ فلور یا انجام حرکت 24. Cd8? اشتباه واضحی را مرتکب گردیده است و حریفش فاین با پاسخ 24... Dc7 او را متقاعد می نماید که به سادگی اسبش را خواهد گرفت و هرگونه تلاش سفید برای حمله به g7 بی نتیجه خواهد ماند.

ناگفته نماند که تقریباً مفسرین سراسر دنیا پوزیسیون فوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. زیرا ترتیبی به وجود آمده بود که به محض پیدا شدن راه موفقیتی برای سفید در يك کشور بلادرنگ در مجلات کشورهای دیگر، رد آن اعلام می گردید. یا همینکه متخصصین ترکیب نامرئی و زیبایی را کشف می نمودند، اشتباه آن نیز متعاقباً با رسیدگی بیشتری

واریاسیونهای خیلی پیچیده و بغرنج آنها را ثبت نموده و مورد آزمایش قرار می دادم و سپس با تفسیرهای مربوطه مقایسه بعمل می آوردم. گرچه در آغاز کار موارد اختلافی فراوان به چشم می خورد، اما به مرور یاد گرفتم که چگونه میدان دید خود را وسیع کنم تا بتوانم هر واریاسیون را با دقت لازم کاملاً مشخص نمایم. بدیهی است کلیه تجزیه و تحلیلها را بدون حرکت دادن مهره ها و همانطور که در بالا اشاره شد مانند پشت میز مسابقه انجام می دادم. با همین شیوه تعداد بیشماری از پوزیسیونهای مشکل و خدعه آمیز را مورد آزمایش قرار می دادم. به ویژه یکی از پوزیسیونها را به خاطر می اورم که تصور می کنم مطالعه آن برای خوانندگانم خالی از لطف نباشد. زیرا تعدادی از واریاسیونهای مربوطه اش تنها محصول تفکر دو حریف بازیکن نبوده، بلکه چکیده مذاقه مفسرین و اندیشمندان فراوانی می باشد.

دیاگرام شماره (3) نمایشگر پوزیسیون مزبور می باشد که بعد از حرکت بیست و سوم سیاه فیما بین فلور - فاین - (Flohr - Fine) در مسابقات Hastings سال ۱۸۹۵ - رخ داده است. این همان نقطه بحرانی است که باصطلاح تانسیون

و سفید حسب القاعده به پیروزی خواهد رسید مشروط بر اینکه مشکلات فنی کار را توجه داشته باشد.

IV- 26... C×T 27. Tg5+Rf8 28. Dg7+ Re7 29. D×P+ Rd6 30. Df4+ همراه با حمله ای قطعی برای سفید.

B) 25... F×F 26. Cf5!

حرکتی است قوی که علاوه بر ایجاد حمله های مات کننده متضمن تهدید کیش شاه و وزیر و رخ نیز می باشد. سیاه، گرچه دفاع های گوناگونی دارد ولی هیچکدام رضایتبخش نمی باشد:

I- 26...Dc7 27.Tg4+Rh8 28. Te8+

II- 26...Rh8 27.T×F و 28.Te8+

III- 26...Tc7 27.Tg4+Rh8 28. T×F و 29.Te8+

IV- 26...Da4

حرکت اخیر، برای ممانعت از کیش وزیر سفید در امتداد قطر a3 f8

27. Te8+ T×T 28. Tg4+ Rf8 29. D×C و پس از اتمام کیشهای سیاه که چندانهم به درازا نخواهد کشید در قبال حرکت (Tg8+) دیگر برای سیاه دفاعی باقی نمی ماند.

که به عمل می آمد نشان داده می شد. سرانجام استادی از انگلستان به نام وینتر winter راه قطعی پیروزی سفید را ارائه نمود. من نیز در تجزیه و تحلیلهای خود همین طریق را دنبال کرده بودم که ذیلاً توضیح داده خواهد شد.

کلید این معما حرکت ظریف 24. b5! است، البته اندیشه ای که در آن نهفته است چندان آشکار نمی باشد. اما، ضمن بررسی واریاسیونهای ناشی از انجام این حرکت متوجه خواهیم شد که با گشایش قطر a3 f8 راه حمله وزیر سفید به سوی شاه حریف باز می گردد. یعنی:

24... F×P 25. C×P

اکنون سفید برای وصول به پیروزی قطعی دو شاخه اصلی را می تواند دنبال کند که عبارتند:

A) 25... R×C 26. Tg4+

دیگر هیچیک از پاسخهای سیاه نمی تواند او را نجات دهد زیرا:

I- 26... Rf8 27. Db4+

II- 26... Rh6 27. Teg5!

سپس سیاه در قبال تهدید دوگانه 28. De5 و یا 28. De1 جز تسلیم راهی ندارد.

III- 26... Rh8 27. T×F Tg8 28. T×T R×T 29. Tg5+Rh8! 30.

Tf5 Rg7 31. g4

یادآوری مترجم، خواننده عزیز، آیا بحث و تفسیر مورد اشاره در فوقرا پذیرفته اید؟ با توضیحات زیرین متوجه خواهید شد که منظور از چنین پرسشی چیست!

چون علاوه بر سمت ترجمه، به سبب علاقمندی شدید به آموزش شطرنج، همواره پوزیسیونهای جالب را تا آنجا که مقدور باشد ذهنی و سپس روی صفحه مورد مطالعه قرار می‌دهم، لذا در مورد دیگرام بسیار جالب فوق نیز بررسیهای لازم را به عمل آوردم. با کمال تعجب متوجه شدم در واریاسیون III از شاخه (A) مشکلی وجود دارد. یعنی سفید می‌تواند در عوض $Tg5+$ 25. با انجام $F \times f7+$ 29. وزیر سیاه را گرفته و به سادگی کار را خاتمه دهد. همین اندیشه موجب گردید که برای جلوگیری از رفتن وزیر سیاه درصدد پیدا کردن راه حل جدیدی که به پیروزی سفید منجر شود برآیم. در بدو امر با همکاری استاد هرندی و دکتر کهیائی چنین پنداشتیم که ادامه زیرین به نفع سفید خاتمه خواهد پذیرفت:

28. Tf4 Tg6 29. Tbf5 Rg7 30. g4

جالبتر از همه آنکه هنگام پاکنویس مطلب متوجه شدم که این واریاسیون هم برای وصول به پیروزی نیاز به دقتی وافی دارد. زیرا اچمزی پیاده g فرصتهائی را فراهم

می‌آورد و باید در فرصت مناسب یکی از رخها را تعویض نمود آنگاه درصدد راندن پیاده g برآمد.

اجمالاً می‌توان نتیجه گرفت، پوزیسیون تاریخی فوق پس از گذشت چنددهه هنوز ارائه راه حل قطعی آن مشکلاتی را همراه دارد.

حال با این مقدمه، از موقعیت استفاده کرده و به ویژه به آن گروه از پژوهندگانی که درصدد اعتلای مقام شطرنجی خویش می‌باشند یادآور می‌شوم که ضمن نهایت استفاده از راهنماییهای اساتید بزرگ، هرگاه فرصتی برای مبارزه با چنین حریفانی نصیب گردید، هرگز اجازه ندهید مقام پر عظمت آنان موجبات ترس یا وحشتی در اندیشه شما فراهم آورد. بلکه ضمن نهایت دقت و رعایت اصول با قدرت مبارزه را دنبال کنید، چه بسا که بتوانید با پی بردن به رموز نهفته‌ای که همواره در مراحل مختلف يك گیم وجود دارد و گاهی چنانکه در بالا دیدید از چشم بزرگانهم به دور می‌ماند موجبات نجات و حتی پیروزی خویش را فراهم آورید.

مترجم

دیاگرام (4) نمایشگر پوزیسیونی است که سفید (چیگورین) باید حرکت چهل و هشتم را انجام دهد و به گونه زیر ادامه یافته است:

48. P×P F×P 49. Dh3 a3 50. C×F D×C 51. Tg6 a2 52. T×D P×T و سفید خیلی زود واگذار می کند.

من پس از آنکه چندین مرتبه پوزیسیون بالا را مورد مذاقه قرار دادم، سرانجام راه پیروزی سفید را با توسل به 48. Dh3 پیدا کردم. ذیلاً واریاسیون اصلی را بدون وارد شدن در انشعابات ملاحظه خواهید نمود:

48. Dh3 a3 49. Dh8 P×P 50. f6 F×P 51. C×g5 a2 52. Ch7+Rf7 53. Ch×F C×C 54. Ch6+Re6 55. T×C+ P×T 56. Dg8+Rd7 57. Tg7+De7 (57... Rc6 58.

Da8 در دو حرکت مات)

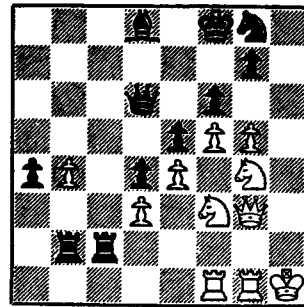
58. Dd5+! Rc8! (58... Re8 59. Tg8+ Df8 60. Df7+) 59. Da8+ Rd7 60. Db7 Tc7 61. T×D+ R×T 62. D×T+ Re6

اکنون با وجود آنکه سفید از لحاظ قوا برتری پیدا کرده است معذک تحصیل پیروزی چندان سهل نمی باشد، ولی با مانور ظریفی که ملاحظه خواهید نمود، موجبات تسلیم اجباری حریف را فراهم

آموزش و مطالعه تمرینهائی از این قبیل، کم کم موجب بهبود و پیشرفت گردید. تا جائیکه می توانستم با ژرفای خیلی بیشتر در واریاسیونهای خیلی مشکل نفوذ نموده و رموز نهفته آنها را به کمک تجزیه و تحلیل صحیح دریابم.

سرانجام رکورد این پیشرفت را تا جایی رساندم که ضمن مطالعه روی چهارمین دور از مسابقه دو نفری چیگورین - تاراش، در واریاسیونی ممکن تا ۲۴ حرکت عمیقاً پیشروی کرده و نتیجه جالبی را ارائه دهم.

واقعاً باید اعتراف کنم که از این بابت غروری افتخارآمیز احساس می کردم. هرچند که مستقیم الخط بودن طبیعت استثنائی واریاسیون که انشعاب چندانی نداشت در این زمینه یاریم کرده بود.



دیاگرام (4)

خواهد آورد.

63. $Dc8+ Re7$ (63... $Rd6$ 64. $Cf5$

مات)

64. $Cf5+ Rf7$ 65. $Dd7+Rg6$ 66.

$Dg7+ Rh5$ 67. $Dh6+Rg4$ 68. $Dh4 Rf3$

69. $Dg3+ Re2$ 70. $Dg2+ R \times P$ 71. $D \times T$

گرچه بعد از مطالعه بیشتری که روی این پوزیسیون بعمل آوردم توانستم طریقه سریعتری را برای حصول پیروزی سفید پیدا کنم. ولی چون اهمیتی ندارد لذا از ذکر آن خودداری می‌شود.

مسلماً این قبیل تمرینهای تجزیه و تحلیل با پوشاندن آن قسمت از کتاب که بوسیله اساتید بزرگ تجزیه و تحلیل گردیده است برای تکامل قدرت شما در فن تجزیه و تحلیل بسیار سودمند به نظر می‌رسد. اگر با جدیت آن را دنبال کنید خیلی زود متوجه پیشرفت خود خواهید گردید. ضمناً نباید فقط به يك روش اكتفا نمود، زیرا راههای دیگرهم وجود دارد که نباید آنها را هم نادید گرفت.

کممک مؤثر در این زمینه دیگرامهای نمایشگر مسائل و غور و بررسیها می‌باشند، مشروط بر اینکه برای مطالعه و پیدا کردن راه حل آنها از صفحه و مهره استفاده به عمل نیاید. بعضی‌ها کتابهای شطرنج را نیز به همین شیوه یا به اصطلاح

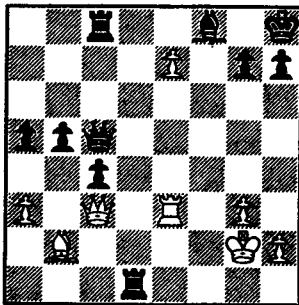
چشم بسته مطالعه می‌کنند. مخصوصاً در مورد پوزیسیونهایی که ذیل آنها نوشته شده است، «سفید شروع و پیروز می‌شود» این روش کممک موثری به پیشرفت می‌نماید. خلاصه بازیکنانی که سهمی از وقت خود را در این راه مصرف نمایند به زودی شاهد پیشرفت قدرتشان خواهند بود.

بدینگونه، سرانجام توانستم برای خودم جهت آموزش عمل تجزیه و تحلیل، روشی بسیار عالی را کشف کنم. سپس انرا با گروهی از داوطلبان استادی و بازیکنان درجه يك که در کلوب مسکو سالهای متعددی زیر نظر من آموزش می‌دیدند انرا در میان گذاردم. آنها نیز مطلوبشان واقع گردید و من احساس کردم که در پرورش استعداد و پیشرفت شطرنج آنها تأثیری به سزا داشته است. کمی بعد درصدد فرمول بندی آن برای خود برآمدم و برای تکمیل آن از سایر منابع بعضی قوانین و توصیه‌هایی را نیز اقتباس کردم. از انجمله باید «درخت تجزیه» را که در آینده با آن سروکار خواهیم داشت یادآوری کنم.

ضمناً زود متوجه شدم که فقط تجزیه و تحلیل واریاسیونها با دقت ناشی از وسواس مانند يك حسابدار ماهر برای يك

روی این تقسیم‌بندی تصمیم می‌گیرد. البته انجام چنین عملی ساده نیست و شما باید سعی کنید که امکان استفاده از این روش الهام گونه را در خویشتن خویش پیورانید. من ترتیب تکامل انرا در خودم با شیوه‌ای که متعاقباً گفته خواهد شد بوجود آوردم. نگاه عین روش را برای آموزش گروهی از بازیکنان رده‌های دوم و سوم نیز بکار بردم که ثمره‌اش موفقیت‌آمیز بود.

(البته کمی دیرتر، همراه با موضوع انتخاب حرکات و واریاسیونها در این خصوص به تفصیل صحبت خواهد شد. لیکن در اینجا به ذکر مثالی می‌پردازم که شخصاً تمامی تحقیقاتم را از انجا آغاز کرده‌ام.)



دیاگرام (۵)

استاد وافی به مقصود نمی‌باشد. بلکه او باید طوری خود را تربیت کند که بتواند حرکات خاصی را که قابل ملاحظه‌اند تشخیص دهد و نگاه به تعداد مورد لزوم، نه زیاد و نه کم، واریاسیونها را مورد بررسی و آزمایش قرار دهد.

بدیهی است که با تجزیه و تحلیلی سطحی نمی‌توان تمام نکات ظریف يك پوزیسیون را دید. از طرف دیگر معطلی برای تعداد زیادی واریاسیونهائی که نتیجه مطلوبیهم ندارند، فرجام شومی خواهد داشت. من بازیکنانی را می‌شناسم که تعداد گزافی امکانات را مورد رسیدگی قرار می‌دهند، ولی عموماً در آخر کار با تنگی زمان مواجه می‌شوند و درواقع تمام میوه‌های درختی را که با زحمت به ثمر رسانده‌اند از دست می‌دهند.

برای پیش‌گیری از چنین وضعی، من کوشش کرده‌ام حداکثر تعداد واریاسیونهاى ممکنه يك پوزیسیون را آنالیز کرده و همه را یادداشت نمایم، سپس با توجه به خواست و شرائط بازی مسابقه‌ای، آنها را که ارزشمند می‌باشند جدا کرده و مابقی را کنار بگذارم تا بدینگونه در وقت صرفه‌جویی به عمل آید. معمولاً يك استاد، با دریافتی ناگهانی یا به عبارت صحیح‌تر، نوعی مکاشفه درونی

زیرا:

2.D×TT×D3.T×TDc6+ و 4... D×T

ضمناً حرکات 2. Rf3 و یا 2. Rf1 نیز با

پاسخ 2... Df5+ به باخت سفید منجر

می گردد و هم چنین 3. Rh3 بد است زیرا

سیاه بگونه ای زیبا مات می کند:

2... Df5+ 3. g4 Df1+4. Rh4

مات 5. Rg5Tc5+6. De8-e5Df6

بنابراین فقط پاسخ: 2. Rh1 می ماند

که انهم با انجام حرکت 2... Td1+ به

تساوی کشانده می شود.

چنانچه ملاحظه می شود بین امکانات

مختلف فقط همین راه خالی از اشتباه

می باشد. از این رو نتیجه می گیریم که

تسلط بر عمل به گونه ای که بتوان چنین

راه واقعا با اهمیتی را کشف کرد، باید به

عنوان دومین عامل مؤثر برای تکامل

استعداد قدرت تحلیلی در نظر گرفت.

سومین عاملی را که در این زمینه همواره

باید در مد نظر داشت، موضوع سرعت

عمل در انجام تجزیه و تحلیل است.

چنانکه می دانیم مسئله زمان، در مسابقات

از اهمیت شایان توجهی برخوردار

می باشد. این معنی برای بازیکنی که

همواره با تنگی زمان مواجه می گردد نیاز

به توضیح ندارد، و او بخوبی می داند که

صرفه جوئی و نجات هر دقیقه ای از اینجا

روزی، دیاگرام (5) را که ظاهراً ساده ولی

در حقیقت حيله های فراوانی در آن نهفته

است، با کمال دقت مورد مطالعه قرار دادم،

سپس برای مدت نیم ساعت انرا در اختیار

گروهی از شاگردانم گذاردم و از انها

خواستم بدون استفاده از مهره و صفحه

تمام واریاسیونهای را که می توانند ببینند

بررسی کرده ثبت نمایند. انگاه با هم

پوزیسیون را دقیقاً مورد بحث قرار دادیم و

تمام امکاناتی که وجود داشت بررسی

کردیم. به این نتیجه رسیدیم که کشف

تمامی انها کار آسانی نبوده است. به

عنوان صحت این مدعا یادآوری می کنم

که استادی با ذوق و هنرمند، چنین

یادداشت کرده بود: سفید با انجام حرکت

1. e8=D واریاسیون

زیبای زیر را هم نشان داده بود.

1... T×D 2. D×P+ F×D 3. T×T+

Df8 4. T×D+ مات

وی هم چنین پاسخ زیرکانه 1... Tg1 را

نیز مورد توجه و محاسبه قرار داده بود:

2. Rh3 Df5+ 3. Rh4

لیکن در پیدا کردن پاسخ دفاعی عالی زیر

قصور ورزیده بود:

1... Td2+!

زیرا با این حرکت سیاه به تساوی راه پیدا

می کند - البته سفید نمی تواند رخ را بگیرد

و انجا تا چه حد می تواند سرنوشت ساز باشد.

برای بهتر روشن شدن مطلب روشی را که شخصا بکار برده ام توضیح خواهم داد: يك پوزیسون نسبتاً پیچیده و مشکلی را انتخاب نموده و سعی می کردم در ظرف مدتی بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه تمام واریاسیونهای ممکنه را بررسی کنم. سپس آنها را ثبت کرده و مشخص می کردم که تا چه اندازه به رموز نهفته ای که در پوزیسون مزبور وجود داشته است پی برده ام. نگاه با تمرینهای پیاپی سعی می نمودم که بتدریج مقدار زمان مصرفی را کم کنم، و هر دفعه نیز چگونگی کارهائی را که انجام می گرفت مورد بررسی و مقایسه قرار می دادم. به این ترتیب موفق شدم، ضمن خلاصی از شر سطحی بودن، برای تفکر نیز از سرعت لازم برخوردار شوم.

بازیکنی که اغلب با کمبود زمان مواجه می شود و تلاش او برای نجات وقت موجب از دست دادن واریاسیونهای کلیدی می گردد طبعاً در روند فکریش اشتباهی وجود دارد. زیرا در مسابقات معمولی برابر مقررات جاری میانگین زمان برای هر حرکت تقریباً ۴ دقیقه است، حال با توجه به سری حرکاتی که در مرحله

شروع به سبب اشنائی قبلی سریعتر انجام می پذیرد، فرصت مزبور کافی بنظر می رسد. اگر با وجود این بعضی ها دچار کمبود زمان و اشتباهات ناشی از آن می گردند قطعاً باید توجه کامل خودشانرا به فراگیری و تسلط بر فنون تجزیه و تحلیل معطوف دارند.

اینک بطور خلاصه سه عامل مذکور در فوق که پیدا کردن حرکت صحیح را تضمین می کند یادآوری می گردد: تجزیه و تحلیل دقیق تمامی واریاسیونهای منطقی و قابل ملاحظه، اطمینان در محاسبه بهترین حرکات ممکنه، صرفه جوئی شدید در زمان فکر کردن.

ما به بحث و گفتگو روی این سه عامل یکی پس از دیگری خواهیم پرداخت و دور از فهم و پیچیده ترین تمایلات فکری بازیکن را به هنگام اندیشیدن بررسی و تشریح خواهیم کرد. ضمناً، تا سرحد امکان سعی خواهیم کرد دقیقترین تصویر را برای بازیکنی که در تلاش پیدا کردن بهترین حرکت می باشد قرار دهیم.

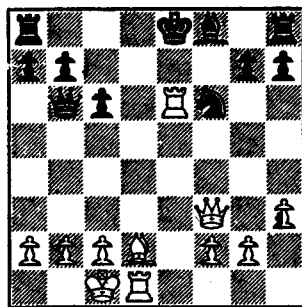
در پوزیسیون دیاگرام (6) فلور (ضمن مسابقه حرکت 16... Fe7 را انجام داد و در نتیجه شکست خورد که چگونگی دنباله آن مورد بحث نمی باشد. آنچه که برای ما جالب است می خواهیم به بینیم در قبال 16... Rf7 دنباله گیم چگونه ادامه خواهد یافت و بولسلاوسکی در چنین کیفیتی چطور عمل خواهد کرد؟ بدیهی است نمی توانیم مطمئن باشیم که وی به همان گونه که توضیح خواهیم داد فکر می کرد، ولی روند اساسی کار در حدی می توانست باشد که ذیلاً شرح آن خواهد آمد. اولین عکس العمل بولسلاوسکی در پاسخ به این سؤال بالا که بلادرنگ بخاطر آورد چنین بود: «بلی 17. Txf6+ زیرا بیاد می آورم که می دیدم تساوی را در جیب دارم ولی با برتری پوزیسیونی که احساس می کردم به دنبال تحصیل پیروزی بودم. زیرا شاه سیاه به میانه میدان کشیده شده بود و مورد حملات بستوه آورنده مهره های سفید قرار می گرفت. حال ایا به پیروزی خواهد رسید؟ مطلبی است قابل توجه! چرا که با پاسخ 17... PxT سفید يك رخ کامل عقب می افتاد و در چنین کیفیتی طبعاً باید طرحی را پیاده کند که متضمن حرکات اجباری باشد، لذا تنها حرکتی که در این زمینه به نظر می رسد

درخت تجزیه و تحلیل

THE TREE OF ANALYSIS

غرض از درخت تجزیه، نمایش اندیشه هایی است که بازیکن ضمن جریان مسابقه به ویژه هنگامیکه می خواهد بهترین حرکت را پیدا کند در ذهن خود دنبال می نماید. برای روشن شدن مطلب در زیر به ذکر مثالی عملی از بازی دو استاد بزرگ بولسلاوسکی - فلور (Boleslavsky - Flohr) در سال ۱۹۵۰ می پردازیم.

1. e4 c6 2. Cf3 d5 3. Cc3 Fg4
4. h3 FxC 5. DxF e6 6. d4 Cf6
7. Fd3 PxP 8. CxP DXP 9. Fe3 Dd8 10. o-o-o Cbd7 11. Fc4 Da5
12. Fd2 Db6 13. The1 CxC 14. TxC Cf6 15. FxP PxP 16. TxP+



دیاگرام (6)

رخ به e1 معطل شد زیرا در اولین فرصت حریف با انتقال وزیرش به b5 و همچنین با آوردن رخ به d8 به وضع تدافعی خود سروسامان خواهد داد. حال با این مقدمه و با توجه به اینکه سفید در راهی که برای پیروزی می خواهد دنبال کند همواره يك حالت تساوییم به عنوان ضمانت کار با اطمینان دیده است مطالعاتش را چنین ادامه می دهد:

استاد بزرگ جای خود را در صندلی راحت می کند و انگاه تجزیه و تحلیل را چنین آغاز می نماید:

17. TxC+ PXT 18. Dh5 +

شاه حریف کجا خواهد رفت؟ خانه های e7 و e6 و g7 و g8 را دارد بنابراین چهار نوع حرکت کاندید می باشد فعلاً e6 و e7 را در نظر می گیریم و g7 و g8 که مشکلتر است به بعد موکول می کنیم.

A— 18. .. Re7 19. Te1+

سیاه وضع بدی پیدا می کند:

19... Rd6 20. Ff4+ Rd7 21. Df7+

و سپس در حرکت بعد 22. Te8+ ضمناً اگر:

19... Rd8 20. De8+ Rc7 21. Ff4+

Fd6 22. Te7 مات

19... Rd7 20. Df7+ Rd6 21. Ff4+ Rc5

22. Fe3+ رضایتبخش است

B— 18... Re6 19. Te1+

18. Dh5+ می باشد زیرا در غیر اینصورت سیاه می توانست از وزیرش برای دفاع استفاده نماید.» اکنون باید دید پس از کیش دادن سفید چگونه باید دنبال نماید؟ با توجه به اینکه پوزیسیون حاصل خیلی پیچیده نمی باشد امکان بررسی آن تا حصول نتیجه میسر به نظر می رسد، علیهذا به تجزیه و تحلیل پوزیسیون می پردازیم.

اما قبل از هر چیز مسئله زمان را باید در نظر گرفت که ظاهراً در این هنگام باید به حد کافی فرصت باقی مانده باشد، از طرف دیگر چون سرنوشت تمامی گیم مطرح است لذا اگر در مطالعاتی که صورت می گیرد بتوان راه مات کردن را جست، انگاه صرف چند دقیقه وقت ارزش آنرا خواهد داشت. بنابراین تجزیه و تحلیل را آغاز می کنیم! اما قبل از هر چیز می خواهیم به بینیم آیا اصولاً تعویض و یا عبارت دیگر قربانی رخ الزامی بوده است یا خیر؟ آیا راه ساده ای وجود نداشته است که بدون قربانی بیشتر بتوان از ابتکار عمل موجود بهره برداری نمود؟ چگونه؟

با نگاهی ساده به پوزیسیون خیلی زود می توان دریافت که تعویض رخ الزامی بوده است، چرا که نمی توان برای آوردن

و $20. Dc4+$ که هر دو آنها شانس ادامه حمله را تامین می کند و ذیلاً هر دو را خواهیم دید.

$20. De6+ Rf8 21. Ff4 Td8 22. T \times T D \times T 23. Fd6+ D \times F 24. D \times D+$
و سفید باید پیروز شود، اکنون پاسخ دوم این واریانت را بررسی می کنیم.

$20. Dc4+ Rf8 21. Fb4+$
و مجدداً سیاه ناچار خواهد بود که وزیرش را از دست بدهد و چون جبران مناسبی ندارد پس این واریانت هم به نفع سفید پایان خواهد پذیرفت.

حال می پردازیم به آخرین و پیچیده ترین بررسی.

$II-19... Rf7 20. Dc4+$

در قبال کیش اخیر شاه سیاه می تواند خانه های $g7$ و $g6$ را که از امنیت بیشتری برخوردار است انتخاب کند، ولی انتقال به خانه $e8$ یعنی ستون باز e که مواجه با حملات سائر سوارهای سفید می باشد چندان مصلحتش نمی باشد، معذک هر سه حالت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

a. $20... Re8 21. Te1+Fe7 (21... Rd8 22. Dd3+ Rc7 23. Ff4+Rc8 24. Te8+) 22. Fb4! Dc7 23. Dc5!$

سیاه جز تسلیم چاره ای ندارد.

b. $20... Rg7$

باز هم رضایتبخش و همه چیز مانند واریاسیون قبلی است.

$C-18... Rg7$

(سفید کیش دائم را با انجام حرکات:

$19. Dg4+ Rf7 20. Dh5+$
در اختیار دارد ولی با کمی دقت به گونه زیر ادامه می دهد.)

$19. Fh6+ Rg8 20. Dg4+Rf7 21. Td7+ Fe7 22. Dg7+$

تا بدینجا همه چیز خوب پیش رفته است. اکنون باید با دقت $Rg8$ را بررسی کنیم:

$D-18... Rg8 19. Dg4+$

سفید با توجه به اینکه يك رخ عقب می باشد نمی تواند به حرکت آرامی متوسل شود و همانطور که در بالا اشاره شد همواره باید درصدد بدست آوردن حرکات اجباری باشد! اکنون سیاه دوراه دفاعی دارد که باید هر دو را دقیقاً بررسی نمود.

$I-19... Fg7 20. Fh6 Dc7$

ظاهرأ $21. Td7$ قاطع بنظر می رسد؛ ولی این يك اشتباه مسلم است زیرا،

$21... D \times T! 22. D \times D F \times F+$

و سفید ضرر می کند و شکست خواهد خورد، پس مطلب ساده نیست، و بولسلدوسکی پس از فکر بیشتری دو پاسخ زیر را باید کاندید نماید، $20. De6+$

21... Rf7 22. Fa5

برای بدست آوردن تهدید $Td7+$ سفید نمی‌خواهد فرصت را از دست بدهد. اکنون سیاه فقط می‌تواند به دوراه دفاعی زیر متوسل شود که هیچکدام هم او را نجات نمی‌دهد.

22... Dc5 23. $Td7+Fe7$ 24. Fb4
Dg5+25. f4

پس این راه دفاعی بی نتیجه است اما راه دیگر

22... Fh6+23. Rb1 Ta-d8

(اگر:

23... Th-d8 24. $D \times P+$ Fg7 25. Dh5+

و سپس 26. $F \times D$ وزیر سیاه را می‌گیرد.)

24. $Dc4+!$ Rg7 25. $Dg4+$ و 26. $F \times D$

تجزیه و تحلیلی بود جالب و منظم، حسب القاعده بایستی بولسلاوسکی قبل از قربانی دادن در f6 انرا انجام داده باشد. اینک بفرض انجام یافتن چنین انالیزی می‌خواهم عکس‌العمل منطقی وی را بررسی کنیم، یعنی ببینیم آیا بلادرنگ او قربانی می‌دهد و یا یکمرتبه دیگر واریاسیونها را رسیدگی خواهد نمود؟ البته این بستگی به چگونگی پاندول و زمان باقیمانده دارد، به این معنی که اگر زمان زیاد داشته باشد بخود اجازه می‌دهد که همه چیز را مجدداً بررسی نماید.

اکنون سفید کیش مفیدی ندارد، ولی می‌تواند به وزیر حریف حمله کند که کمتر از کیش نمی‌باشد و حرکتی است قابل توجه! $21. Fe3$ همراه با تهدید کیش رخ در d7 و بدیهی است که $21... Dc7$ خوب نمی‌باشد، زیرا سفید با کیش مجدد در g4 امکان انتقال رخ به d7 را فراهم می‌کند بنابراین سیاه باید چنین ادامه دهد،

21... Db4 22. $Td7+Rg6$ 23.

$Df7+$ Rf5 24. $g4+$ Re4 25. $D \times f6$

و تصور نمی‌رود شاه سیاه در میانه میدان انهم در معرض هجوم سوارهای حریف بتواند نجات یابد!

C. 20... Rg6

حرکتی است جالب، حال آیا می‌تواند او را نجات دهد؟ و در نتیجه آیا قربانی در خانه f6 نادرست بوده است؟ به حسب قاعده پاسخ منفی به نظر می‌رسد، زیرا معمولاً شاه نمی‌تواند خودش به تنهایی در برابر حملات سه سوار از خود دفاع کند پس باید حرکت صحیح را جست! سپس بدون زحمت زیاد راه پیروزی را به گونه زیر پیدا می‌کند،

21. $De4+$!

توجه داشته باشید که برخی مواقع حرکاتی که در نگاه اول خیلی تهدیدآمیز نمی‌نماید بعداً خطری قطعی را بوجود می‌آورد.

چنانچه وقتش کم باشد باز هم ایجاب می نماید که اینعمل را انجام دهد و دلیل چنین اسرافى مسئله لحظه تصمیم گیری قطعی برای تمامی گیم است، به ویژه چون موضوع مات کردن و یا گرفتن وزیر حریف برای سفید مطرح است لذا ارزش انرا دارد که خطر تنگی وقت را پذیرا شود. لیکن حسب القاعده، يك استاد بزرگ مایل نیست برای مرتبه دوم تمامی واریاسیونهای را که بررسی نموده است مجدداً رسیدگی کند. زیرا ان را آسیبی نابخشودنی از لحاظ تضییع وقت می داند که مستقیماً ضررش متوجه مرحله اخر بازی می گردد، یعنی پیش از آنکه زمان کنترل شود، به علاوه چنین عملی نمایشگر عدم اطمینان وی به تجزیه و تحلیلی است که بعمل آورده که این نیز درخور اهمیت است. هر کس باید چنان خود را آموزش دهد که قادر باشد با دقت تجزیه و تحلیل کرده و سپس انرا با کمال اطمینان به کمپیوتری که طبیعت به وی هدیه کرده است بسپارد.

در بعضی از مدارس فنی علمی در سطح متوسطه و بالاتر برای روشن شدن و درك بهتر مسائل از ترسیم نوعی نمودارها و دیاگرامهای خاصی كمك می گیرند. اینك به عنوان نمونه برای نمایش چگونگی کار

در شکل شماره ۱ نمودار تجزیه و تحلیل فوقرا ترسیم می نمائیم.

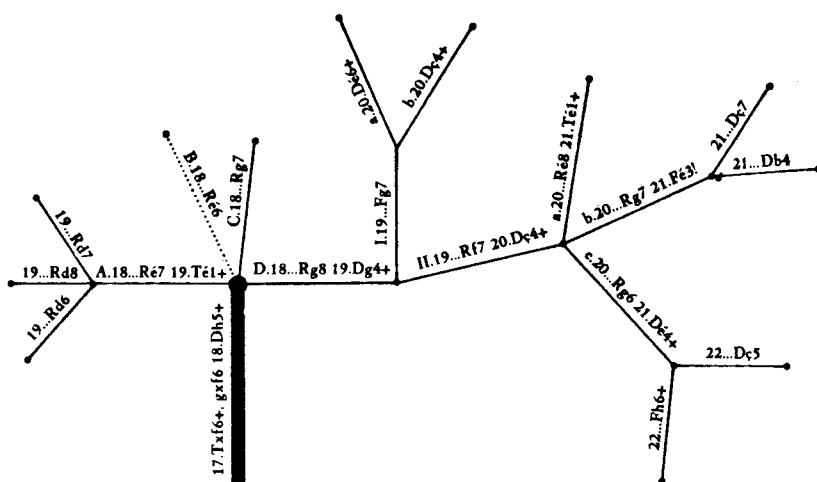
شکل شماره (۱) که به درختی مشابه است آنچه را که در تجزیه و تحلیل فوق مورد بحث قرار داده ایم نمایش می دهد. به این معنی که تنه اصلی درخت مزبور حرکت اساسی مورد نظر را نشان می هد و پاسخهای حریف چهار شاخه اصلی را بوجود می آورند که عبارتند از:

A. 18... Re7 B. 18... Re6

C. 18... Rg7 D. 18... Rg8

این شاخه ها نیز همانطور که در شکل مشاهده می شود به شاخه های فرعی و فرعی تر تقسیم می شوند. پیش روی در این تقسیمات و تعداد این شاخه ها بستگی به چگونگی و خصوصیات پوزیسیون مربوطه و استعداد ما در پیدا کردن حرکات کاندیدا دارد، اجمالاً مبین قدرت تحلیلی ما می باشد. گرچه در آینده نیز با نمونه های دیگری از درخت تحلیلی سروکار پیدا خواهیم کرد، اما اکنون می خواهیم قاعده ای را فرمول بندی کنیم که بتواند تلاشهای هر شخص را در جهت خودآموزی تسریع و تلفیق نماید.

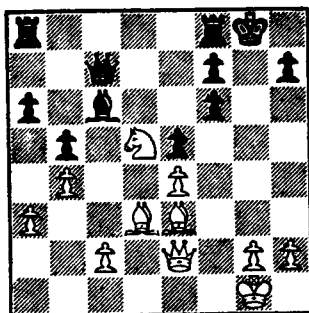
در تجزیه و تحلیل واریاسیونهای پیچیده و غامض هر شاخه را فقط یکمرتبه باید از مایش کرد نه بیش.



شکل (۱)

گزینش آن یکی است که زیانش کمتر باشد ولی اگر واقعاً در وضع بدی قرار گرفته اید انگاه به ناچار فقط یکمرتبه دیگر برای پیدا کردن حرکت نجات دهنده جوانب کار را بررسی کنید.

بنابراین با تمرین کافی می‌توانید از مفهوم جدید درخت تجزیه بهره‌برداری نموده و آنرا بکار ببرید، مشروط بر اینکه ترتیبی عمل نمایند که شاخه‌ها را یکمرتبه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و فقط یکمرتبه. ذیلاً مثالی جالب ارائه شده است، خواننده می‌تواند شخصاً تا سرحد امکان آن را بررسی نموده و جزئیات لازم را همانطور که در بالا دیدیم به صورت درخت تجزیه ترسیم نماید و از هم اکنون با اطمینان وعده می‌دهم که نتیجه کار علاوه بر مفید بودن دلپذیرتان هم خواهد بود.



دیاگرام (7)

توجه داشته باشید که شما نباید در لابلای شاخه‌های مورد بحث در بالا سرگردان شوید و به اصطلاح با رفت و برگشت از این شاخه بان شاخه وقت خود را ضایع کنید.

دلیل يك چنین وسواس و بررسیهای مکرر را می‌توان در عدم اطمینان به خود جستجو کرد. بنابراین باید پذیرفت که تحمل رنج حاصل از اشتباه دید و سهو بهتر از تن در دادن ابلهانه و مضطرب به اشفته‌گی در تجزیه و تحلیل است.

يك خواننده دقیق می‌تواند این سؤال را مطرح کند: «اگر هیچیک از حرکاتی را که آزمایش کرده‌ام خوش‌ایندم نباشد انگاه چه باید کرد؟» تنها راهنمایی که می‌توانم بکنم آنست که حتی اگر به چنین بحرانی هم دچار شدید باز هم از تکرار خودداری کنید. زیرا ایا می‌توانید راه واقعاً رضایتبخشی را بیابید؟ مسلماً خیر! پس تکرار جز اتلاف وقت ثمری نخواهد داشت. بنابراین سعی نمائید بهترین تصمیم ممکنه را اتخاذ کنید. مثلی است معروف: الاغ بوریدان از گرسنگی مرد زیرا نمی‌توانست تصمیم بگیرد که از دو بسته علف خشکی که بفاصله مساوی در طرفینش قرار داشت از کدام يك بخورد! اصولاً راه حل انتخاب بین دو چیز بد،

هدف سفید روشن است، مثلاً اگر نوبتش بود با بردن وزیر به h6 و سپس به کمک اسب با گرفتن پیاده f6 و کیش پیروزی خود را قطعی می نمود، اگر سیاه هم درصدد و تعویض فیل و اسب برمی آمد مشکل باز شدن خط b1 h7 مزید بر علت می گردید.

بنابراین Dh6 25. تهدیدی سهمگین برای سیاه بشمار می آید، حال باید دید سیاه بر علیه آن چگونه دفاع خواهد کرد؟

قبل از هر چیز، به پیروی از قاعده مورد قبولمان مبنی بر تجزیه و تحلیل تمامی امکانات به نوبه خود، بایستی حرکات کاندیدا به وضوح تشخیص داده شوند. البته این کار را نباید دست کم گرفت، بلکه باید با حوصله و بسیار هشیارانه عمل کرد. زیرا بعضی حرکات به ظاهر بی معنی را کنار گذاردن در برخی مواقع ممکن است موجبات نجات را فراهم آورد، لذا باید دقیقاً بررسی نمود. مجدداً قاعده را تکرار می کنیم: تمامی حرکات کاندیدا باید در بدو امر مشخص و به وضوح شماره بندی شوند. زیرا عدم اطلاع از تعداد دقیق این حرکات، علاوه بر بی نظمی فکری که به وجود می آورد، ممکن است وقت فراوانی برای بررسی کامل يك حرکت و رسیدگی به انشعابات

دیاگرام (7) نمایشگر پوزیسیون روسولیمو - نستلر (Rossolino - Nestler) از پیکاری است که در ۱۹۵۰ انجام داده اند. استاد بزرگ امریکائی دو قربانی تفاوت داده است. این قربانیا ظاهراً براساس الهامی است که از اندیشه اش سرچشمه می گیرد. اما ناگفته نماند که تا حدی پشت گرمی وی به انجام آنالیزی واقعی نیز بوده است. ضمناً، آنچه که هم اکنون می خواهیم مورد بحث قرار دهیم، فرض بر آنست که اگر سیاه در این وضعیت Dd6... 23. کند و سفید به انجام پاسخی توام با حمله یعنی Dh5 24. مبادرت ورزد، پس از آن آیا سفید خواهد برد؟ (۱) حال اگر پاسخ سوال فوق مثبت باشد چطور با تجزیه و تحلیل می توان آنرا ثابت کرد؟ آنچه که هشدار دادنش لازم بنظر می رسد آنست که خواننده باید بداند کار اسانی نیست و حدود نیمساعت و شاید بیشتر وقت لازم دارد. زیرا نزد خود باید کلیه دفاعهای سیاه را پیش بینی کند انگاه حملاتی را که در هر مورد باید انجام دهد در نظر بگیرد. تردیدی نیست که این تلاش در تکامل روش وی در تجزیه و تحلیل موثر خواهد بود!

(۱) در اینجا، نستلر FxC 23... را انجام داده است که حرکت بهتری به نظر می آید. کتاب مسابقات شوروی - یادداشت مترجم از روسی به انگلیسی

A— 24... Rh8

با انجام این حرکت دیگر در این وضع رفتن وزیر سفید بخانه h6 فائده‌ای ندارد. زیرا سیاه با آوردن رخ به ستون g به موقع از پیاده h7 دفاع خواهد نمود. اکنون سفید چگونه خواهد برد؟ در این پوزیسیون استاد فن تجزیه و تحلیل با دقت فراوان مانور جالب زیر را پیدا خواهد کرد که در سائر واریاسیونها نیز سودمند واقع خواهد شد.

25. Fc5! De6 26. Fe7!!

حال اجازه دهید نتایج حاصله را مورد بررسی قرار دهیم. اگر،

26... F×C 27. P×F

سفید ضمن حمله به وزیر سیاه تهدید مات در خانه h7 را نیز بوجود آورده است و اگر،

26... Tg8 27. F×P+Tg7 28. Dg5 Tag8 29. Ce7!

پیروزی سفید را ضمانت می‌کند و به راستی پوزیسیونی است زیبا! حال اگر: 29... D×C 30. F×T+ T×F 31. D×D چنانچه سیاه به حرکات دیگری متوسل شود انگاه: 30. C×T و یا 30. Cf5 برای وصول به پیروزی کافی بنظر می‌رسد.

B— 24... f5

این دفاعی است ظاهراً بی عیب زیرا راه

حاصله از آن مصرف شود و در نتیجه فرصتی برای مطالعه سائر حرکات باقی نماند. به همین سبب قاعده مزبور، انجام این وظیفه را برای جمیع حرکات توصیه می‌کند. با این مقدمه تمامی حرکات کاندیدا را به گونه‌ای سیستماتیک شماره‌بندی می‌کنیم. به این منظور، با دقتی که به عمل خواهیم آورد ملاحظه خواهیم نمود که پیدا کردن شانسهای دفاعی سیاه آن گونه هم که بزرگ جلوه می‌نماید مشکل نیستند و عبارتند از:

A- 24... Rh8 B- 24... f5 C- 24... F×C

اما باید توجه داشت که اینها تمامی حرکات نمی‌باشند. با ژرفانگری بیشتر می‌توان دریافت که حرکات زیرکانه توام با نیرنگ دیگری هم وجود دارند، از قبیل بردن رخ به e8 و از انجا به e6 برای دفاع از f6 بنابراین دو حرکت موثر یا کاندیدای دیگر نیز اضافه می‌شود

D- 24... Ta-e8 E- 24... Tf-e8

قبل از شروع به تجزیه و تحلیل باید توجه کرد که آیا حرکت دفاعی دیگری برای سیاه مانده است که ندیده باشیم؟ آیا کنترل کرده‌اید؟ بسیار خوب حق با شماست و حرکت کاندیدای دیگری وجود ندارد، بنابراین می‌رویم به سراغ تجزیه و تحلیل!

V- 25... e4

و اکنون در امتداد شاخه‌های فرعی درخت تجزیه را دنبال می‌کنیم:

I- 25... Tfe8 26. D×h7+Rf8
27. Fc5

و وزیر را می‌گیرد

II- 25... Tfd8

باز هم وزیر سیاه از دست می‌رود

III- 25... Tfc8 ~~26. D×h7+Rf8~~
در اینجا رخ از خانه c5 حمایت می‌کند و
فیل نمی‌تواند موجبات تهدید وزیر سیاه
را فراهم آورد ولی: 27. Dh6
زیرا وزیر سیاه در d6 پشتیبان ندارد و در
نتیجه پیش روی پیاده f5 غیر محتمل به نظر
می‌رسد.

IV- 25... f5 26. F×f5

باین ترتیب دو راه دفاعی برای سیاه وجود
دارد

a- 26... Tfc8 27. F×T T×F 28.
Dg4+ و 29. D×T+

b- 26... h6 27. F×P Df6 28.
Dg4+Rh8 29. Fg5 Dg7 30. Ff6!
D×F 31. Dh5+

و سیاه مات می‌شود، ممکن بود ابتدا + 30.
Dh4 و بعد 31. Ff6 انجام گیرد

V- 25...e4 26.F×P f5 27.F×P
h6 28. Dg4+ Rh8 29. Fd4+f6

وزیر سیاه را برای دفاع در جناح شاهش
باز کرده است. اما سفید باز هم راهی
برای بردن دارد هرچند که خیلی اشکارا
نیست.

25. Fc5 De6

به سادگی می‌توان دید که رفتن وزیر به
سائر خانه‌ها موجب شکست سریعتر
می‌گردد.

26. Dg5+Rh8 (26... Dg6 27.

Ce7+) 27. F×T! Dg6 (27... T×F

28. Cf6 29. Dh6) 29. Fd6

28. D×D h×D (28... f×D 29. Fd6
Te8 30. Ce7

(حمله به فیل سفید حریف با اسب و تهدید
به مات با فیل سیاه

29. Fd6

و سفید برتری مادی قطعی بدست
می‌آورد.

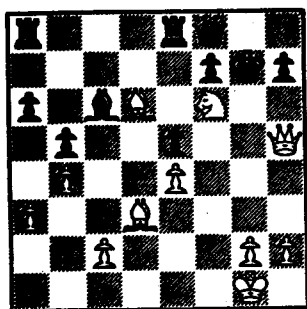
C- 24... F×C 25. P×F

چنانچه ملاحظه می‌شود سفید می‌خواهد
در h7 مات کند و متقابلاً سیاه دفاعهائی
دارد و چون تجزیه و تحلیل این شاخه
پیچیده است بنابراین مجدداً با تقسیمات
فرعی روی حرکات ممکن کاندید شده
عمل می‌کنیم:

I- 25... Tfe8 II- 25... Tfd8

III- 25... Tfc8 IV- 25... f5

31. Dh6 DxC 32. DxD+و 33. DxF)
 b- 29... Te7 30. FxT DxF 31.
 Dxh7+ RxC 32. Dh6 مات
 اکنون تنها کاری که باقیمانده است نمایش
 تلاش این تجزیه و تحلیل غول پیکر
 بوسیله درخت تجزیه می باشد، که در شکل
 شماره (2) ترسیم شده است. ولی فقط
 تارزان واقعی می تواند بدون صدمه از
 میان شاخه های درهم پیچیده چنین بیشه
 انبوهی گذر نماید!



دیاگرام (8)

30. Dg6 Ta7 31. Dxh6+Rg8 32.
 Fe6+ Taf7 33. FxP

و بدین ترتیب سیاه اجباراً باید مات در h8
 را بپذیرد.

D- 24... Tae8 25. Fc5 Dd8
 (25... De6 26. Dh6 FxC 27.
 PxF) 26. FxT
 اکنون هر حرکتی که سیاه انجام دهد بد
 است زیرا،

26... FxC 27. Dh6! TxF 28. PxF
 و مات اجباری است و به همین گونه
 خواهد بود اگر:

26... TxF 27. Dh6

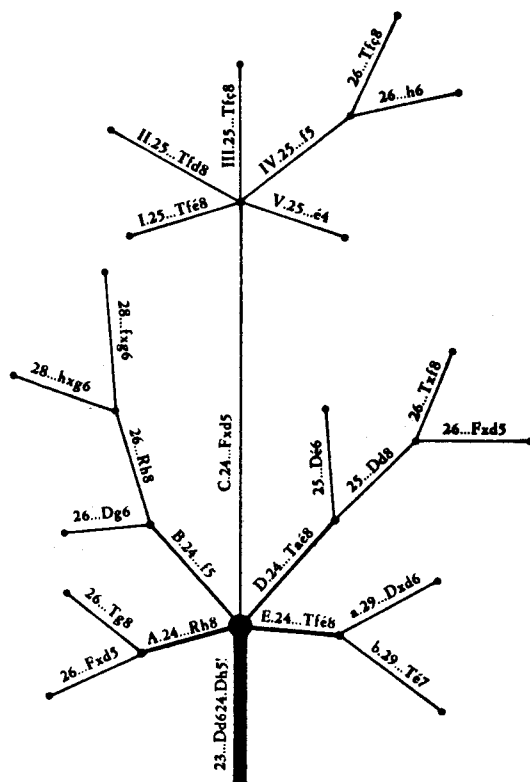
E- 24... Tfe8

این حرکت به سیاه فرصت می دهد که
 دفاعی بسیار سرسخت را دنبال کند که
 سفید فقط بکامک حرکاتی بسیار ماهرانه
 می تواند پیروز شود:

25. Fc5! Dd8 (25... De6 26. Dh6
 FxC 27. PxF) 26. Fb6 Dd6
 27. Fc7! Df8 28. CxP+Rg7 29. Fd6!
 دیاگرام (8)

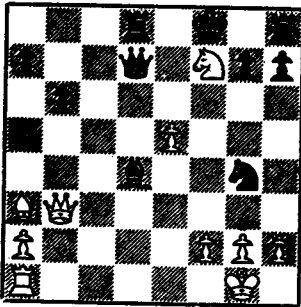
پوزیسیونی است واقعاً شگفت انگیز! ولی
 در همه حالات سیاه با شکست مواجه
 می شود، مثلاً

a. 29... DxF 30. Dg5+Rf8
 31. CxP+ مات (یا 30... Rh8



شکل (۲)

از کار درآورید. البته همانطور که قبلاً نیز یادآوری شده است انتظار می‌رود، به تدریج و به نوبت جمیع واریاسیونها را با دقت لازمه مورد بررسی قرار دهید. انگاشت من بر آنست که از این پس نظم فکری شما دیگر اجازه نخواهد داد بیش از یکمرتبه هر واریاسیون را بررسی نمایید.



دیاگرام (۹)

دیاگرام مورد نظر مربوط به بازی بولسلاوسکی - راوینسکی (Boleslavsky - Ravinsky) در مسابقات قهرمانی تریدیونیون سال ۱۹۴۹ انجام پذیرفته است. در بازی اصلی سیاه 20... Fc5 کرده و بازی را خیلی زود باخته است. ولی آنچه که در اینجا جالب می‌نماید حرکت 20... Re8 می‌باشد، که

واریاسیونهای اجباری و اختیاری FORCED AND UNFORCED VARIATIONS

در مثالهایی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت اغلب واریاسیونها بطور مشخصی اجباری بودند. در صورتیکه همیشه نباید انتظار چنین حالتی را داشت، زیرا اساتید بزرگ برخی اوقات دنبال تجزیه و تحلیل واریاسیونهایی می‌روند که اجباری نمی‌نماید. بعلاوه در این گونه حالات امکان دارد که درخت تجزیه نیز وضع پیچیده‌ای بخود بگیرد. اما قبل از اینکه وارد این بحث شویم، به خوانندگان توصیه می‌شود پوزیسیون جالب دیاگرام (۹) را هم شخصاً با دقت کامل تجزیه و تحلیل کنند. در اینجا فرض بر آنست که سفید حمله می‌کند و سیاه حالت تدافعی به خود می‌گیرد و پاسخهای مربوطه نیز اجباری می‌باشند، در حالی که اغلب هم فقط يك حرکت در اختیار دارد. ضمناً انتظار می‌رود خوانندگان بتوانند درخت تجزیه را هم خود ترسیم نمایند. اطمینان داشته باشید از لحاظ آموزشی مطالعه دقیق این پوزیسیون در پیشرفت شما بسیار موثر خواهد بود. یکمرتبه دیگر لازم می‌دانم، تاکید کنم، قبل از دیدن راه حل که ذیلاً نوشته شده است، سعی کنید نزد خود ان را

I- 24... Fc5 , II- 24... Rf7

III- 24... Rg8

به ترتیب ادامه هر يك را خواهیم دید.

I- 24... Fc5 25. F×F+ P×F

26. P×C D×D 27. P×P+Rf7

28. P ×T=D

و سفید يك سوار جلو می افتد در حالیکه

سیاه هیچگونه جبرانی در ازاء آن ندارد.

II- 24... Rf7 25. Ch6+! P×C

26. D×C+

سفید به اسانی خواهد برد.

III- 24... Rg8 25. Db3+Cd5

26.Ce7+ Rf7 27.C×C

با تهدیدی قطعی که برد سفید را تضمین

می نماید.

B. 23... Fc5 24. P×C

یکمرتبه دیگر پوزیسیونی با شگفتیهای

پیچیده به وجود آمده است که سیاه

امکانات دفاعی جالبی خواهد داشت، ولی

تمامی آنها سرانجام به نفع سفید پایان

می پذیرد.

I- 24...g6 و II- 24...F×C

III- 24... D×C IV- 24... F×F

ذیلاً هر يك از چهار حرکت فوق را دنبال

می کنیم.

I- 24... g6 25. F×F P×F 26. De3

در حالی که دو تهدید زیر را تهیه دیده

در پی آن می خواهیم واریاسیونهای را که پس از انجام حرکات زیر امکان پذیر می گردند مورد مطالعه قرار دهیم.

21. Cd6+ Rf8 32. Df3+Cf6

23. Te1?

اکنون مسئله بر آنست که آیا بعد از حرکت

اخیر سیاه می تواند با رخ اضافی که دارد

بازی را بنفع خود بیایان برساند؟ یا لااقل

شانس نجات بازی خود را دارد یا خیر؟

گرچه در نظر اول چنین بنظر می رسد که

می تواند حمله سفید را متوقف سازد، ولی

با تجزیه و تحلیلی که بعمل خواهد آمد

خلاف آن ثابت خواهد شد. حال برای فهم

این مطلب کلیه حرکات مؤثر یا کاندیداها

را درنظر می گیریم که عبارتند از:

A. 23... Dg4 , B. 23... Fc5

C. 23... Fxe5

فقط سه حرکت کاندیدا بیشتر دیده

نمی شود ولی درخت تجزیه شاخه های

فراوانی در جهات مختلف به بار خواهد

آورد، زیرا در ضمن عمل با

واریاسیونهای زیادی سروکار خواهیم

داشت.

A. 23... Dg4

دیدن حرکت 24. Cf5+! که تنها حرکت

برنده سفید است نباید خیلی دشوار باشد

و اکنون سیاه سه پاسخ خواهد داشت.

a- 26... Rg8, b- 26... Rh6,
c- 26... Fd4

و می‌پردازیم به بررسی هر یک،

a- 26... Rg8 27. Db3+Rf8
(مات 27... Dd5? 28. Dg3+ و Dg7+)
28. FxT

در پوزیسیون حاصل سفید یک پیاده جلو
می‌باشد و حمله مداومی نیز در اختیار
دارد، اما با چند مشکل کوچک مواجه
است، یعنی باید مطمئن شود که سیاه با
سوارهایش ضد تهدیدهای را پدید
نخواهد آورد، البته این تهدیدها هم برای
سفید ترسی ندارد زیرا مثلاً،

28... Dd2 29. Df3+Rg8 30. Fc3
FxP+31. Rf1

سیاه نه تنها چیزی حاصلش نمی‌شود بلکه
به نفع سفید هم خاتمه می‌پذیرد. ادامه زیر
هم چندان تفاوتی ندارد،

28... Df4 29. Db2 Td7 30. Fe5

مجدداً سفید حمله را بدست می‌گیرد، مثلاً:
30...Dd2 31.Fg7+ Rg8 32.Te8+
Rf7 33. Tf8+! FxT 34. Df6+
همراه با مات اجباری.

b- 26... Rh6 27. Dg4!

این حرکت بسیار آرام سفید برای سیاه
مسائلی حل‌نشده را پدید آورده است که
از انجمله موارد زیر جالب می‌نماید:

است،

27. Dh6+ و 27. De7+
که منجر به باخت سیاه می‌گردد.

II- 24... FxC

در نظر اول چنین می‌نماید که سفید بطریق
زیر خواهد برد!

25. Te7! FxT 26. PxP+ Re8
27. Df8+

ولی با امکان ادامه دیگری که برای سیاه
می‌توان در نظر گرفت ملاحظه خواهید
نمود که انتقال رخ سفید به عرض هفتم
غلط بوده است، زیرا سیاه بجای فیل انرا
با وزیر می‌تواند بگیرد یعنی،

25... DxT! 26. PxP RxC

وضع برای سفید روشن نیست، در
صورتی که می‌توانست اصولاً راه ساده زیر
را دنبال کند،

25. pXP+ RXP 26. Fb2+Rg6
(26... Rg8 27. Df6) 27. Df6+
Rh5 28. Te6

بدینگونه سیاه به زودی مات خواهد شد و
یا به ناچار باید برتری مادی سنگینی را
تحمل کند

III- 24...DxC 25. PxP+ RXP
26. Fb2+

اکنون یکی از سه راه زیر را می‌تواند ادامه
دهد:

Tf3+ Ff4! 33. T×F+ Re8 34. De5+
De7 35. D×T+Rd7 36. Dc3
با حمله ای قطعی همراه با برتری مادی.
C. 23... F×P 24. T×F a6 25. Db3!

پوزیسیون سیاه نومیدي را وعده می دهد.
چنانچه دیدیم در مثال فوق کلیه
واریاسیونها به گونه ای کاملاً اشکارا از
طبیعی اجباری برخوردار بودند. ولی در
مثال ذیل، که تمعداً از بخش پایانی بازی
بین لوان فیش - فلور Levenfish-Flohr
مسکو سال ۱۹۳۶ برگزیده شده
است، ملاحظه خواهیم کرد حتی در يك
پوزیسیون ساده که بطور طبیعی در انجا
اجباری وجود ندارد، می توان بسیاری از
حرکات را عمیقاً تجزیه و تحلیل نمود.
لکن در چنین مواردی نیز باید متوجه این
واقعیت بود که انجام وظیفه خیلی دشوارتر
می باشد. یعنی استاد بزرگی که عهده دار
تجزیه و تحلیل این گونه واریاسیونهای
غیر اجباری یا اختیاری می شود، باید همه
جوانب کار را جزء به جزء مورد دقت و
بررسی قرار دهد.

در دیالگرام (10) هم اکنون سیاه یعنی فلور
حرکت Cb6 ... 33. را انجام داده است.
لوان فیش در یادداشت های بعدی خود
چنین استدلال می کند: هرگاه سیاه بجای
این حرکت برای ایجاد پیچیدگی بیشتر

مات 27... Dg6 28. Dh4+ Dh5 29. Te6
27... F×P+28. Rh1 Dg6 (28...
Thg8 29. Fc1+) 29. Df4+Dg5
30. Te6+ Rh5 31. Df3+Dg4

سفید تا پیروزی فاصله چندانی ندارد.

c- 26... Fd4 27. F×F+ D×F 28. Te7+
حال سؤال آنست که وزیر و رخ چگونه
می توانند شاه سرگردان را شکار کنند.

28... Rg6 29. Df7+Rg5 30.
h4+ R×P 31. Df5 Tdg8 32. Te4+
D×T 33. g3+

سیاه برای فرار از مات ناچار است رخ و
وزیر خود را از دست بدهد و اگر،

28... Rh6 29. Dh3+Rg5 30.
Dg3+ Rh5 31. Te5+ D×T 32. D×D+
Rg6 33. De6+ Rg7 34. De7+Rg6 35.
h4

و سفید با راندن پیاده های جناح شاه
تهدید غیر قابل تحملی را برای سیاه
بوجود می آورد.

IV- 24... F×F 25. P×P+ R×P
26. Dg3+ Rf6 27. Df4+ Rg7 (یا :
27... Rg6 28. Te3! مات اجباری)
28. Dg5+ Rf8 29. Df6+Rg8
30. Te3! F×C 31. Dg5+Rf7

(31...Dg7 بد است 32. D×T+Rf7
33. Dd7+ Rg8 34. De6+) 32.

60. Ce5+Rg7 61. Rc6

سفید به پیروزی خواهد رسید.

B. 34... Cd1+35. Rf3 Rc7 36. e4 h5 37. e5 P×P 38. P×P Fg4+ 39. Re4

با بخش پایانی همراه با موفقیت سفید.

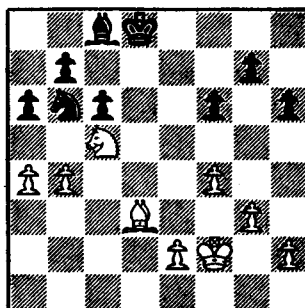
C. 34... Cd1+35. Rf3 Cc3 36. Fc4 Rc7 37. e4 b6! 38. P×P+ R×P 39. e5 P×P 40. P×P Cd5 (40... a5 41. e6) 41. F×C P×F 42. e6 Rc7 43. e7 Fd7 44. C×P+ Rd6 45. Re3 R×P 46. Rd4 Rd6 47. Cc5 Fb5 48. Cb7+Rc6 49. Cd8+ Rd6 50. Cf7+Re6 51. Ce5 Rd6 52. Cg6 Fc4 53. Cf4

سرانجام سفید پیروزی اجباری بدست می آورد.

همانطور که دیدید، در حالی که اجباریهم وجود نداشت، بعضی از واریاسیونها تا ژرفای ۲۷ حرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اینک شما حق دارید سوال کنید چگونه می توان بدون استفاده از صفحه و حرکت مهره ها یعنی چنانکه قبلاً

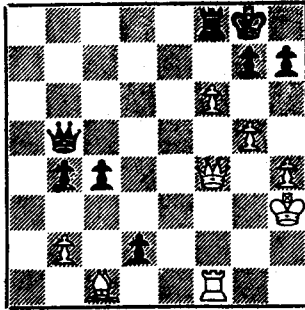
اشاره شد چنین بررسی بعمل آورد؟ در پاسخ باید بگویم منم نمی دانم، محققاً این حکم درباره همه آنها صادق نمی باشد، اما این مثال بیشتر از انجهت آورده شد تا

33... Cb2 می نمود، تا متضمن تهدید 34...C×F+ و سپس b6...35 باشد، باز هم سفید نمی توانست با انجام حرکت 34.a5 و انشعابات ممکنه اش به گونه زیر بازی را به نفع خویش پایان برساند.



دیاگرام (10)

A. 34... Rc7 35. Re3 C×F 36. R×C b6 37. Ca4! P×P 38. P×P Rd6 39. Rd4 Fg4 40. e3 Fe2 41. Cc5 Ff1 42. e4 Fe2 43. e5+ P×P 44. P×P+Re7 45. h4 Ff1 46. Re4 Rf7 47. Rf5 Fh3+48. g4! g6+49. Rf4 Ff1 50. g5 h5 51. e6+Re7 52. Re5 Fc4 53. Cd7! F×P (53... Fb5 54. Cb6 و 55. Cc8+) 54. Cb8 Fc4 55. C×P+Rd7 56. Cb4 Re7 57. Rd4 Ff1 58. Rd5 Fe2 59. Cc6+Rf7



دیاگرام (۱۱)

دست دادن رخ پیروزی خویش را دیده بود، البته چنین کیفیتی در مسابقات خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد.

39... R×P 40. Db3+

در ازاء حرکت فوق سفید خیلی زود می‌بازد، ولی الخین ترکیب و محاسبه‌اش را براساس بهترین حرکت سفید یعنی 40.g6+ انجام داده بود که سیاه نمی‌توانست انرا با پیاده h بگیرد زیرا بازی با کیش دائم وزیر در خانه‌های a3-f3-b8-b3 با توجه به اینکه شاه باید رخ را حمایت کند به تساوی کشانده می‌شود، ضمناً نمی‌توانست 40... Rg8 کند زیرا 41. P×P+

40... R×P! 41. D×T

سیاه رخ را تقدیم می‌کند در حالیکه پیروزی خویش را به گونه زیر تضمین

با نمونه یا آسوه‌ای از تجزیه و تحلیل يك واریاسیون غیر اجباری یا اختیاری اشنائی حاصل گردد.

گونه‌های مختلف درخت تجزیه

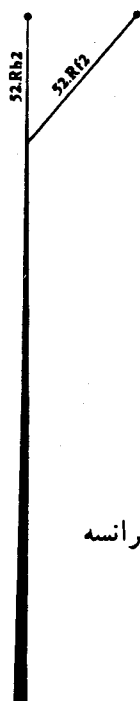
DIFFERENT TYPES OF TREE

ساقه عربان

در تفسیریکه الخین Alekine برای مباره خودش با مهره سیاه بر علیه تریبال Treibal در مسابقات پیستیان سال ۱۹۲۲ بعمل آورده چنین نوشته است: (دیاگرام ۱۱) پس از انجام حرکت 33...Db5-d7 من پیروزی اجباری سیاه را به صورت بخش پایانی از شاه و پیاده دیدم. در حقیقت این طولترین ترکیبی بود که هرگز پیش از آن نظیرش را در فکر مورد بررسی قرار نداده بودم.

33... Dd7+ 34. Rg2 d1=D
35. T×D D×T 36. D×P+Tf7
37. D×P D×F 38. Db8+ Tf8 39. f7+!

در اینجا سفید رخی را که عقب است پس می‌گیرد، اما الخین با اتکا به مانورهای زیبای وزیرش و تجزیه و تحلیل دقیقی که با ژرفای بیست حرکت قبل از انجام حرکت ۳۳ انجام داده بود، با محاسبه از



نقل از ترجمه فرانسه

شکل (۳)

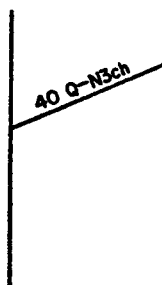


Fig. 3a

می‌کند:

41... D×P+ 42. Rf3 Dc3+43.
Rg2 Dd2 44. Rg3 De3+45. Rg2
De4+ 46. Rg3 De5+47. Rg2 Rh5!
48. Df3+ R×P 49. Dh3+Rg5
50.D×P De2+ 51.Rg3 Dg4+

و در حرکت بعد وزیرها در حالی که آخر بازی به نفع سیاه است تعویض می‌شود و سفید شکست را می‌پذیرد. حال چگونه الخین توانسته بود با چنین ژرفانی تجزیه و تحلیل کند؟ پاسخ ان روشن می‌نماید، زیرا نکته اصلی در ساده بودن پوزیسیون اولیه نهفته بوده است که تمامی ترکیب فقط براساس يك واریاسیون امکان‌پذیر بوده است. اکنون اگر خواسته باشیم درخت تجزیه را ترسیم کنیم به گونه‌ایکه در شکل (3a) دیده می‌شود فقط تنه درخت عریانی‌داشت که يك شاخه نورسته دارد.

در ترجمه‌های فرانسه و انگلیسی برای نوشتن حرکات روی شاخه‌ها اختلافی دیده شد، به همین سبب هر دو نوع ارائه شده است. ولی شخصاً ترجمه فرانسه را مناسبتر می‌دانم، زیرا پیش‌بینی ۲۰ حرکت مستلزم وصول به حرکت ۵۲ می‌باشد. - مترجم

بوجود می‌آید.

1... Da5! 2. R×T Dc3+3. Rb1

برگشت بخانه d1 موجب از دست دادن رخ و همچنین پیاده‌های جناح وزیرش می‌باشد.

3... F×P+ 4. P×F D×d3+5. Rb2

واضحست که 5. Rc1 بد است زیرا به سیاه فرصت می‌دهد که رخ خود را نیز وارد میدان کند.

5... Dc3+6. Ra3

حرکت 6. Rb1 سرنوشت بازی را زودتر خاتمه می‌دهد زیرا با 6... d3 سفید دیگر دفاع مناسبی نخواهد داشت.

6... Dc5+!7. b4

فقط در این موقعیت امکان واریاسیون جنبی بوجود می‌آید و به این معنی که اگر، 7. Rb2? d3 +

چنانچه،

7. Ra4 b5+ 8. Ra5 Db6+9. Rb4

a5+ 10. Ra3 Dc5+ 11. Rb2 d3+

7... Dc3+ 8. Ra4 b5+! 9. R×P

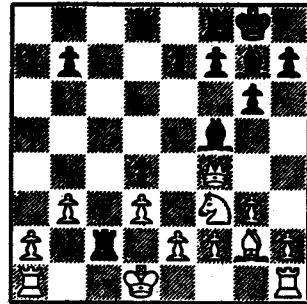
9. Ra5 Dc6! حرکت که واضح است که موجب از دست رفتن وزیر سفید می‌شود

9... e5! 10. Dc1 Tb8+11. Ra6

D×P 12. Dc7 Da4+ 13. Da5 Tb6+

14. R×P D×D مات

تجزیه و تحلیل يك چنین پوزیسیونی معمولاً با مشکل زیادی مواجه نمی‌گردد، به ویژه اگر پاسخهای حریف و در نتیجه واریاسیونها اجباری باشند، ذیلاً نمونه‌های دیگری با ذکر دو مثال از گیم‌هانی را که خود انجام داده‌ام برای بیشتر روشن شدن مطلب مورد بررسی قرار خواهیم داد.



دیاگرام (12)

دیاگرام (12) نمایشگر بازی من بر علیه روداکف Ruda Kov در طولاً به هنگام جوانی می‌باشد. در این وضعیت شاه سفید که نمی‌تواند قلعه برود حرکت 1. Re1-d1 را انجام می‌دهد و امیدوار است که بعد از 1... Dc8 برخلاف انتظار سفید سیاه رخ خود را قربانی می‌دهد و واریاسیونی اجباری با تجزیه و تحلیل به ژرفای ۱۴ حرکت

44. DxD CxD 45. FxF Cg8

درواقع تجزیه و تحلیل پوزیسیون بازی ثبت شده در منزل از اینجا آغاز می شود. در بدو امر خیلی بنظم دشوار می آمد که با کمتر از ۵۰ حرکت بتوانم راهی برای نفوذ شاه بدست آورم.

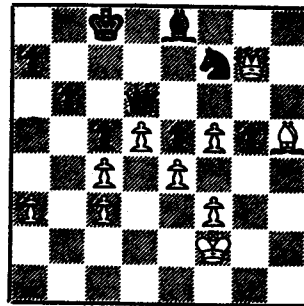
زیرا باور کردن این موضوع که بتوان واریاسیونهائی چنین عمیق را مورد بررسی دقیق قرار داد به ظاهر مشکل می نمود. ولی بدون هیچ گونه گراف گونی یادآوری می نمایم، که این امر بدون تحمل دشواری فراوان عملی شد. زیرا وجود طبیعت اجباری و استثنائی پوزیسیون و سادگی نمایش درخت تجزیه مربوطه که فقط ساقه ای عریان می باشد موجب تسهیل کار تجزیه و تحلیل گردید. خوانندگان نیز می توانند انرا مورد آزمایش قرار دهند

روز بعد، هنگامیکه مسابقه از سر گرفته شد تا مدت مدیدی چنانکه خواهیم دید بازی طبق تجزیه و تحلیلی که بعمل آورده بودم پیش می رفت و در اواخر کار اشتباه کوچک حریف راه مرا نزدیکتر نمود.

46.d6 Cf6 47.Fc6 Rd8

بد نیست قبل از مطالعه ادامه بازی کمی بیشتر با طرح سفید که هدفش نفوذ شاه سفید در اردوگاه حریف است آشنا شویم

دیاگرام (۱۳) نمونه ای است جالب که خواننده به وضوح حس کنجکاو را در شطرنج ملاحظه خواهد نمود. پوزیسیونی که دیده می شود از مسابقات پان اسلاو فیما بین کوتوف - پلاتر (Kotov - Plater) در مسکو سال ۱۹۴۷ اتفاق افتاده است، در اینجا وضعیت ثبت و به روز بعد موکول می شود.



دیاگرام (13)

استاد لهستانی حرکت ثبتی خود را 43... Dh6! که عالیترین حرکت ممکنه است یادداشت کرده بود. با انجام این حرکت اگرچه سیاه سواری را که اضافه دارد از دست می دهد، اما بهره برداری از فزونی پیاده های سفید هم به سبب اینکه نفوذ شاه سفید اسان نیست بعید بنظر می رسد و بخش پایان بازی جالبی را بوجود می آورد:

خانه a6 برگردد به h3 تا شاه بتواند مسافرت طولانی خود را برای رسیدن به a4 تجدید کند.

مرحله چهارم، چنانچه فیل سفید بتواند بموقع به d5 برسد فرماندهی و تسلط کامل سفید مسلم می‌گردد. اما تنها راه وصول به این هدف از طریق خانه h5 است. به همین سبب به موقع در خانه g4 قرار خواهد گرفت، تا به محض اینکه اسب پست خود را ترك نمود بتواند نقشه را عملی کند. بدیهی است که سیاه نمی‌خواهد چنین فرصتی به سفید داده شود، ولی چنانچه خواهیم دید حالت حرکت اکراهی یا Zugzwang این امکان را بوجود خواهد آورد. اینك در تجزیه و تحلیل زیر عملاً تمامی آنچه را که گفته شد ملاحظه خواهید نمود. ضمناً، به اصطلاح در اینجا يك اما نیز وجود دارد که بعداً توضیح آن خواهد آمد.

48. Re2 Rc8 49. Rd2 Rd8 50. Rc2 Rc8 51. Rb3 Rb8 52. Ra4 a6

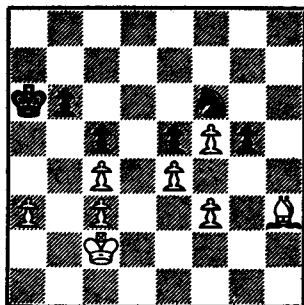
سیاه می‌توانست بجای حرکات شاه از حرکات اسب در خانه‌های g8 و f6 نیز استفاده کند.

چنانچه ملاحظه می‌شود مرحله اول خاتمه پذیرفت، حالا شاه سفید باید برای ممانعت از پیش‌روی پیاده g سیاه مراجعت کند تا فیل بتواند وظیفه‌اش را دنبال نماید.

و به بینیم که چطور می‌توان انرا عملی کرد؟ نزدیکترین راه نفوذی که در بدو امر بچشم می‌خورد، طریقه خانه‌های g4 و h5 می‌باشد، که سیاه پیش‌دستی کرده و با استقرار اسب خود در f6 انرا مسدود نموده است و شاه سیاه هم متناوباً بین خانه‌های c8 و d8 تغییر مکان می‌دهد. راه دیگر نفوذی از طریق خانه b5 است، که ظاهراً سیاه بموقع بایستی با راندن پیاده a انرا هم مسدود سازد. ولی با کمی دقت خواهیم دید، که گرچه این راه خیلی طولانی می‌باشد، ولی چندان پیچیده و مشکل نیست. چنانچه خواسته باشیم طرز تفکر خود را منظم کنیم می‌توان گفت چهار مرحله وجود دارد:

مرحله اول، وادار کردن سیاه به راندن پیاده a به خانه a6 که با بردن شاه سفید به خانه a4 سیاه مجبور خواهد شد.

مرحله دوم، گرفتن پیاده a سیاه در قبال از دست دادن پیاده پیش‌رفته d6 است. ضمناً در این مرحله سفید باید کاملاً مواظب باشد که سیاه نتواند با راندن پیاده g نتیجه را لااقل به تساوی بکشانند. سفید بدین منظور شاه خود را اجباراً یکمرتبه دیگر از خانه a4 برمی‌گرداند به g3 مرحله سوم، پس از تعویض پیاده‌ها، اکنون نوبت فیل سفید است که باید مراجعت کند. یعنی از



دیاگرام (14)

این اشتباه جزئی و غیرمحسوس سیاه موجب گردید که زودتر از آنچه که من مطالعه کرده بودم کار خاتمه پذیرد. زیرا در تجزیه و تحلیلی که بعمل آورده بودم دنباله گیم به صورت زیر دیده شده بود،

71...Rb7 72.Rb3 Cg8 73.Ra4 Ra6
74.Fg4 Cf6

سیاه مواظبت می کند که فیل سفید به h5 دسترسی پیدا نکند، اما سفید با نوعی ظرافت يك زمان tempo به گونه زیر بدست می آورد.

75. Fh3 Cg8! 76. Ff1! Cf6 77. Fg2 Cg8
78. Fh3 Cf6 79. Fg4!

و اسب دیگر نمی تواند مانع ورود فیل سفید به خانه h5 گردد تا از انجا بتواند براحتی پست مطلوب یعنی خانه d5 را اشغال کند.

53. Rb3! Rc8 54. Rc2 Rb8 55. Rd2 Rc8

56. Re2 Rb8 57. Rf2 Rc8 58. Rg3

شاه سفید به خانه مطلوب رسید. واضح است که در تمام طول این مدت سیاه نمی توانست پیاده g را جلو براند زیرا راه نفوذ شاه از طریق h4 گشوده می شد.

58...Rb8 59.d7! Rc7 60.Fb7 R×P

چنانچه در این موقعیت سیاه به فکر راندن پیاده می افتاد یعنی حرکت a5...60 بد بود، زیرا پاسخ 61. Fc6 وضع را خرابتر می کرد و انگاه شاه سفید براحتی از طریق a4 نفوذ می کرد.

61. F×P Rc7

مرحله دوم نیز صورت پذیرفت، اکنون سفید باید درصدد بردن فیل به d5 باشد، در حالی که سیاه با دقت از خانه h5 مواظبت بعمل می آورد و نقطه انتقال دیگر بهم دیده نمی شود.

62. Fb5 Rd6 63. Fa4 Rc7 64. Fd1 Rd6

65. Rf2

اکنون پیش روی پیاده g سیاه مسدود شده است زیرا فیل سفید مواظبت می کند بنابراین شاه سفید دومین سفر خود را آغاز می کند:

65...Rc7 66.Re3 Rc6 67.Rd3 Rb7

68.Fe2 Ra7

69. Ff1 Rb7 70. Fh3 Ra7 71. Rc2 Ra6

77.a5 Cd6+78.Ra4 Ce8

79. Fh3!

این آخرین نکته بینی و ظرافتی است که سفید بکار می‌برد. در اینجا بازی مجدداً ثبت و بروز بعد موکول گردید، در حالی که هرگز از سر گرفته نشد و سیاه باخت را پذیرفت. بهر حال بهترین ادامه برای طرفین چنین بنظر می‌رسد:

79... Ra6! 80. f6! CxP 81. Fc8+ Ra7 82.Rb5 PxP 83.Rxc5 a4 84. Rb4 Rb8 85. Ff5 Rc7 86. RxP

و دو پیاده اضافی پیروزی سفید را تضمین می‌کند.

هرگاه سعی کنید درخت تجزیه این مانورهای اجباری را ترسیم کنید، ملاحظه خواهید نمود، که بصورت درخت نخلی درمی‌آید که کاملاً عریان و شاخه‌های مستقیم و بلند و این همان چیزی است که موجبات سهولت تجزیه و تحلیل را فراهم آورده است.

بیشه برهنه

تاکنون مثالهای متعددی را که تجزیه و تحلیل بر روی يك واریاسیون بعمل آمده است مورد بررسی قرار داده‌ایم. حال

79... Cg8 80. Fh5 Cf6 81. Ff7 g4 82. PxP Cxg4 83. Fe6! Cf6 84. Fc8+ Ra7 85. Rb5 CxP 86. Rc6 Cf6 87. Fe6! e4 88. Fd5 CxF 89. PxP e3 90. f6 e2 91. f7 e1=D 92. f8=D

اگرچه سیاه زودتر وزیر بدست آورد، ولی چنانچه ملاحظه می‌نمایند، پوزیسیون فرصت نمی‌دهد که بتواند از قدرت وزیرش استفاده کند در صورتیکه سفید به راحتی پیروز خواهد شد.

البته مباحثاتی که بر اثر ۵۰ حرکت تجزیه و تحلیل دقیق نصیب شده بود موجبات نشاط باطنم را فراهم آورد. اما افسوس، این شادی خیلی دوام پیدا نکرد، زیرا هنگامیکه چند ساعت قبل مجدداً بازی را مورد مطالعه قرار داده بودم دریافتم که اگر سیاه بجای Cg8 77... حرکت g4 77... را انجام داده بود بنظر می‌آید که می‌توانست مساوی کند.

ضمناً ادامه بازی اصلی پس از اشتباه جزئی سیاه که قبلاً بدان اشاره شده بود بقرار زیر می‌باشد:

72. Rb3 Ra5 73. Fg4! Ra6 74. Ra4 Ra7

75. Rb5 Rb7

76. a4! Ce8

با ایجاد تهدید مات بوسیله Cd6+

در اینجا رتی نوعی تدبیر جنگی وصف ارائی بکار برد که براساس چندین واریاسیون پیچیده طرحریزی شده بود و چنین پاسخ داد: c5... 12 او قبل از انجام حرکت فوق جزء به جزء پاسخهای ممکنه سفید را بررسی نموده بود که عبارتند از:

I. 13. PxC Te8+14. Rf1 c4

با موقعیت خوب

II. 13. c4 d5! 14. PxC Te8+

15. Rf1 DXP

و پس از آنکه سفید درصدد حفظ رخ برمی آمد با انجام dx c سوار خود را با موقعیتی عالی پس می گرفت.

III. 13. o-o c4 14. PxC DXP

15. Dd5 Db6+

و سپس 16...Fb7 با پوزیسیونی کاملاً مساعد.

IV. 13. Fd5 CxF 14. DxC Db6!

15. Fe3 Fb7 16. Dxc5 Dg6!

و یا:

16. FxP FxD 17. FxD Fxg

18. Tg1 Fe4

و سیاه مشکلی ندارد

V. 13. Fa3!!

این همان حرکتی است که الخین انجام داد و نبرد چنین ادامه یافت.

13...Da5! 14.o-o! DxF 15.Px

می خواهیم دقیقاً وضع خلاف انرا به بینیم. زیرا اغلب در مسابقات اتفاق می افتد که برای پیدا کردن حرکت صحیح ناچاریم تعداد زیادی واریاسیونهای کوتاه و ساده را تجزیه و تحلیل کنیم. یکی از نمونه های بارز ان اختصاص دارد به پیکار جالب الخین - رتی (Alekhine - Reti) سال ۱۹۲۲ در وین که در انجا پس از انجام حرکاتی در بخش شروع بصورت زیر:

1. e4 e5 2. Cf3 Cc6 3. Fb5 a6

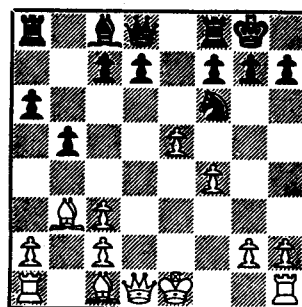
4. Fa4 Cf6 5. Cc3 b5 6. Fb3

Fc5 7. CxP CxC 8. d4 Fd6

9. PxC FxP 10. f4 FxC+

11. PxF o-o 12. e5

دیاگرام 15 حاصل گردیده است.



دیاگرام (15)

همانطور که در شکل (۴) نمایش داده شده است دیاگرام مورد نظر شباهت به درختی کوتاه دارد با ساقه های فراوان. درواقع مشابه جانی انبوه در جنگل می باشد و ما اصرار داریم انرا بیشه بنامیم، زیرا چنین نامگذاری اختصاصی یا سمبولیک Symbolique خواننده را هنگام تجزیه و تحلیل کمک خواهد کرد.

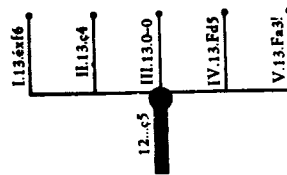
Cc4 16.Dd5 Da5 17.P×P Db6+18.

Rh1 R×P 19.F×P

و سرانجام فیل زندانی برای فرار آزاد می شود زیرا اگر:

19... P×F 20. D×T Fb7 21. Tab1!

اکنون می خواهیم دیاگرام تجزیه و تحلیل فوقرا ترسیم کنیم. چنانچه ملاحظه شد پنج واریاسیون ساده داشتیم که فقط یکی از آنها به دو شاخه منقسم می گردید. بنابراین



نقل از ترجمه فرانسه

شکل (۴)

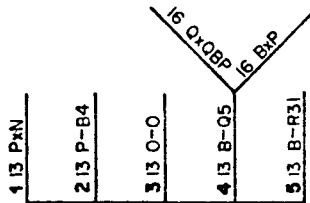


Fig. 3b

نقل از ترجمه انگلیسی

I. 36. Rc4 e4 37. Rd4 Ff4 38. Tf2 e3
39. T×P e2

و سیاه می برد.

II. 36. Rc2 e4 37. Td4! e3 38. Rd1 Fg3
39. Te4 e2+ 40. Rd2 Fh4 41. Te5 Fg3

با نتیجه مساوی

III. 36. g5 e4 37. Td5

(با تهدید e3 بنفع سیاه 37. g6 Fe5 یا)

37... f2 38. Tf5 e3 39. g6 e2 40. g7
f1=D 41. g8=D+ Rb7 42. Dd5+
Ra7

و به سبب تهدیدهای 43...e1=D و
43.Dd1+ برای سفید پیروزی وجود
ندارد

IV. 36. Th2 e4 37. Th8+ Rd7 38. Tf8
Fg3 39. g5 Fd6! 40. Tf6 Fe5! 41. Tf7+
Re6

سیاه حمله به رخ را مرتباً دنبال می کند و
سفید هم جز نگاهداری رخ در ستون f
چاره ای ندارد و بدین سبب نتیجه مساوی
است.

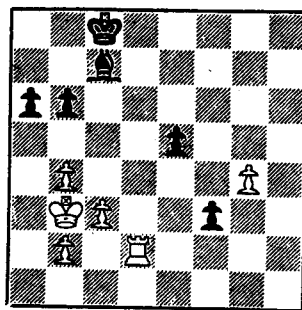
V. 36. Td5!!

راهی است خدعه امیز برای وصول به
پیروزی که الخین با الهام از نبوغ ذاتی
انرا پیدا می کند و به ترتیب زیر ادامه
می یابد:

36... e4 37. Tf5 Fg3 38. g5 Rd7 39. g6

در این زمینه مثالهای مشابه فراوانی در
رویه هائی که اساتید بزرگ بکار برده اند
می توان یافت که واریاسیونهای مربوطه
هم چندان پیچیده و غامض نمی باشند. از
انجمله ذیلاً دو نمونه دیگر از پیکارهای
الخین (Alekhine) را می بینیم:

دیاگرام شماره (۱۶) نیز يك مرحله پایانی
او را با تارتا کوور (Tarta Kover)
در همان مسابقات سال ۱۹۲۲ شهر وین
نمایش می دهد. الخین اگرچه يك تفاوت
جلو می باشد ولی پیاده های رونده حریف
که با فیل حمایت می شوند بسیار خطرناك
می باشند و به سادگی نمی توان پیش روی
انها را متوقف کرد. در اینجا سفید قبل از
پیدا کردن راه صحیح ادامه کار چندین
واریاسیون کوتاه و روشن را مورد
آزمایش قرار داد که عبارتند از:



دیاگرام (۱۶)

I- 24...D×T 25.Dg5 Rf8 26.D×P+
Re6 27.Dg8+ Rd7 28.Ce5+Rc7
29.D×P+ و 30.C×D

II. 24... T×T 25. Dg5 Tg4 26. D×T
g6 27.D×a4

III. 24... P×F 25. Tg4+

و بعد مات می شود.

IV. 24... Tc5

این حرکت دنباله گیم اصلی است که در
مسابقه انجام پذیرفته است:

25. Dg3! g6 26. T×C

انگاه با سوار اضافی سفید به راحتی
نتیجه را به نفع خود پایان می دهد.

بیشه انبوه

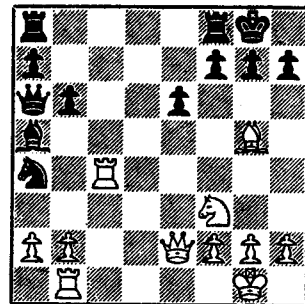
تجزیه و تحلیل پوزیسیونهایی که در
مثالهای بالا به عنوان نمونه دیدیم چندان
مشکل نبود و بازیکنی که خوب آموزش
دیده باشد بطور نسبی به آسانی
می توانست از عهده برآید زیرا یا
واریاسیونی طولانی ولی منظم و یا از
تعدادی واریاسیونهای کوتاه تشکیل شده
بود.

Re6 40.g7 R×T 41.g8=D

و سیاه خیلی زود تسلیم می شود.
حال چنانچه بخواهید دیاگرام تجزیه و
تحلیل فوقرا ترسیم نمائید با پنج شاخه
کوتاه می توانید تمامی انها را نمایش دهید.
مثال بالا از بخش پایانی انتخاب شده بود
ذیلاً مثال دیگری از بخش میانه گیم الخین
- استرک (Alikhine - Sterk)
بوداپست سال ۱۹۲۱ برگزیده شده است
در دیاگرام (17) نوبت حرکت با الخین
می باشد:

23. Ff6 Tfc8

24. De5! اکنون سفید با انجام حرکت
حمله را قاطع می سازد ولی قبلاً موارد زیر
را در ذهن خود دقیقاً بررسی نموده است:



دیاگرام (17)

تجزیه و تحلیل واریاسیونهای که ذیلاً خواهیم دید پایه گذاری و صورت پذیرفته است.

A. 20. R×C Db6+

با موقعیتی عالی برای سیاه

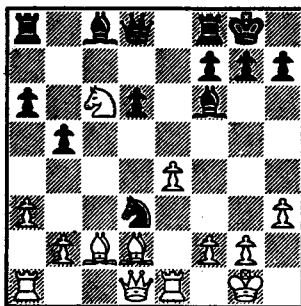
B. 20. C×D C×D

در اینحالت نیز مجدداً سیاه از موقعیت بهتری برخوردار می شود.

تا اینجا مشکلی وجود نداشت. ولی در قبال پاسخهای 20. Dh5 و همچنین 20. Df3 ایجاب می نماید وقت فراوانی همراه با دقتی بدون وقفه صرف گردد که ذیلاً خواهیم دید:

C. 20. Dh5

حرکتی است برای سیاه نامطبوع و همراه با تهدید خطرناک 21. e5 که متضمن حمله



دیاگرام (18)

اما معمولاً هنگامی با مشکلات سهمگین مواجه می شویم که پوزیسیون علاوه بر پیچیدگی شامل تعداد زیادی واریاسیونهای باشد که برای هر حرکت آنها راههای گوناگون و پراکنده ای بتوان در نظر گرفت. بطوریکه برای نمایش آن بجای درخت در چنین حالتی حقیقتاً باید جنگلی از واریاسیون و یا بیشه انبوهی از درختان غیر قابل نفوذ همراه با شاخه برگهای فراوان ترسیم نمود. حقیقتاً يك چنین پوزیسیونهای نیاز مفرطی به دقت و نظم فکری و مهارت در تجزیه و تحلیل دارند. در اینجا است که استاد ورزیده باید قابلیت خود را نشان دهد.

دیاگرام (18) نمایش پوزیسیونی از این قبیل است و از مبارزه فیما بین تال-کرس (Tal-Keres) مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان سال ۱۹۶۲ گرفته شده است. در اینجا تال هم اکنون با حرکت 19. Cd4-c6 به وزیر سیاه حمله کرده است. حال اگر سیاه بخواهد با: 19... Db6 پاسخ دهد انگاه:

20. F×C D×C 21. Tc1

در نتیجه برتری پوزیسیونی قابل ملاحظه ای نصیب می شود. کرس پس از تفکری طولانی پاسخ 19... C×f2! را برگزید. درواقع این حرکت براساس

ناگفته نماند، ظاهراً پس از خاتمه بازی طرح ظریف تال به گونه‌ای ناخوش‌ایند مردود شناخته شد. به اینمعنی که سیاه اجباری در پذیرش قربانی وزیر نخواهد داشت و اصولاً می‌تواند بجای $g6 \dots 22$ چنین ادامه دهد

22... $F \times P+$ 23. $C \times F$ $Cf6!$

حرکتی است نجات دهنده که بازی زیبایی را بوجود می‌آورد و سفید موقعیت مناسبی برای دنبال کردن حمله‌اش ندارد مثلاً:

24. $Dh4$ $P \times C$ 25. $Fc3$ $Te8$ یا

25. $Fg5$ $h6$

III. 20... $C \times P+$!

تمامی ظرافتکاریهایی که بر اثر این حرکت پیش می‌آید در تجزیه و تحلیلی که پس از خاتمه بازی بعمل می‌آید پیدا شد. ولی طبعاً باید بپذیریم که کرس پیش‌بینی این حرکت را کرده بود. اما اشنعابهائی که در درخت تجزیه بوجود می‌آید بقرار زیر می‌باشند:

a. 21. $P \times C$ $Db6+$

b. 21. $D \times C$ $Db6+$

c. 21. $Rh2$

این بهترین حرکت سفید است و اکنون سیاه برای مردود کردنش باید تلاش کند و راههای زیر را می‌توان در نظر گرفت:

c1- 21... $Fe5+$ 22. $D \times F!$ $P \times D$

به فیل و مات در خانه $h7$ است. در اینجا سیاه پاسخهای فراوانی دارد، استاد بزرگ اهل استونی یعنی کرس واریاسیونهای قابل توجهی را که در ازاء پاسخهای مزبور واقعیت می‌یافت مورد بررسی قرار داده است. ما نیز هم اکنون به نوبه خود آنها را امتحان خواهیم کرد:

I. 20... $g6$ 21. $Df3$

سیاه نمی‌تواند در عین حال دو سوار خود را که درگیر هستند نجات دهد

II. 20... $Db6$

در پاسخ باین حرکت تال ضربت متقابل ظریفی را تهیه دیده بود:

21. $e5!$ $Ce4+$ (21... $Cd3+??$ 22.

$Fe3$ $D \times C$ 23. $P \times F$ $D \times F$ 24. $Dg5$

(همراه با مات اجباری

22. $Rh2$ $g6$ 23. $P \times F$

(قربانی وزیر از زیبایی و لطفی خاص برخوردار است که بر ادامه زیرین رجحان دارد:

23. $De2$ $D \times C$ 24. $F \times C$ $F \times P+$ 25.

$Rh1$ $d5$

که متضمن وضع رضایتبخش سیاه است.)

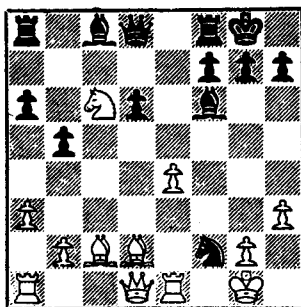
23... $P \times D$ 24. $F \times C$

با حمله‌ای بسیار قوی در قبال قربانی مادی.

24. T×F P×T 25. D×T Fb7 26.
F×P+ R×F 27. D×T Df2! 28. Tg1 Dg3

همراه با پیروزی سیاه.

b. 22. Fe3! C×F 23. P×F! C×F+
24. Rh2 C×T 25. T×C
سفید اگر چه يك رخ عقب است، ولی حمله
خطرناکی دارد.



دیاگرام (18a)

II. 20...C×P+!

این همان راهی است که کرس هنگام
مسابقه دنبال کرده است و در اینجا نیز
واریاسیونهای متعددی وجود دارد (جنگل
واریانتها).

a. P×C Db6+

b. 21. D×C Db6+

c. 21. Rh1 Db6 22. e5 Fg4!

و وضع سفید اشفته بنظر می رسد.

23. C×D T×C 24. Fa5
همراه با برتری سفید

c2- 21... g6!

این پاسخ به سفید فرصت انتخاب حرکات
فراوانی را می دهد که بمنظور سهولت در
تحریر از دسته بندی و شماره گذاری جدید
صرفنظر می کنیم:

22. D×C Fe5+ سپس 23... Dc7

22. Dd5 Dd7! سپس 23... Fb7

22. C×D P×D

و وضع سیاه خوبست

22. Df3 Fe5+! 23. C×F P×C

24. Fh6 Dh4!

پس از آمدن وزیر به h5 واریانت وضع
پیچیده ای بخود می گیرد ولی ظاهراً تمامی
واریاسیونها از برتری و حتی عالی بودن
پوزیسیون سیاه حکایت می کند. به همین
سبب سرانجام تال تصمیم گرفت از
واریاسیون C صرفنظر کرده و بطریق ذیل
ادامه دهد:

D. 20. Df3

با انجام این حرکت از طرف سفید مجدداً
امکاناتی در بازی بوجود می آید که ذیلاً
بررسی می کنیم:

I. 20... Db6 21. e5! Cg4+

و سپس:

a. 22. Rh1 C×P 23. C×C F×C

گزینش حرکات نامزد شده: SELECTION OF CANDI- DATE MOVES

در باشگاه مرکزی کارمندان راه ۱ هن مسکو جایگاه ویژه مناسبی وجود دارد که ناظر بر صحنه مسابقات است. یکی از روزها در آنجا هنگام برگزاری مسابقات قهرمانی شطرنج شوروی، برابر معمول جمعی از اساتید بزرگ که بازیهای خود را در آن دور به انجام رسانده بودند دور هم جمع شده تا در خصوص بازیهای که روی صحنه در جریان بود صحبت کنند. اغلب بازیها سیر عادی خسته کننده خود را می پیمود به استثنای وضع کوییلوف (Korylov) که جنبه استثنائی پیدا کرده بود و حرکت در شرف انجامش قابل بحث می نمود.

در این هنگام، بنا به پیشنهاد حاضرین در جلسه موافقت به عمل آمد به کسانی که بتوانند حرکت بعدی کوییلوف را صحیح پیش بینی کنند جایزه ای داده شود و آنها که اشتباه کنند جریمه گردند.

تا آنجا که در خاطر دارم این ادم خوشبخت (Bronstein) در آن روز برونشیتن بود.

d. 21. Rf1

این حرکتی است که ابتدا مورد تمایل تال قرار گرفت، ولی با تجزیه و تحلیلی مجدد دریافت که مطلوبش نمی باشد. مثلاً،

21... Db6 22. e5 Fg4! 23. Fe3 FxĐ 24. FxĐ FxC یا 23. De3 DxC 24. Tac1 Dc4+

متضمن پیروزی سیاه.

e. 21. Rh2

و این همان حرکتی است که سرانجام تال انتخاب و دنبال کرد.

21...Fe5+! 22.CxF

(با برتری سیاه 22. Rh1 Dc7)

22... PxC 23. Ted1 Cf4

اینک به طور مساوی ادامه های زیر برای سفید بد می باشد:

24. FxC Dh4+ و یا

24. g3 Ce6

و راه اخیر را تال برگزید و به پیروزی سریع سیاه ختم گردید.

اکنون کوشش کنید که درخت تجزیه مربوطه را ترسیم کنید، ملاحظه خواهید نمود که با وجود فضای محدود ۳ یا ۴ حرکت واقعاً جنگلی انبوه بوجود می اید!

به هر تقدیر، حالتی خوش و کارهائی دلپذیر صورت می‌پذیرفت. حال خوانندگان با تجسم چنین صحنه اضطراب اور با موضوعهائی جالب می‌توانند دریابند، حتی در مسابقات شطرنج قهرمانی شوروی که حرکات منطقی انجام می‌پذیرد، کارشناسان عالیرتبه قادر نیستند بطور قاطع بگویند حرکت صحیح و ماهرانه بعدی کدام است هرچند که منهم این نظریه را تأیید می‌کنم، ولی باید توجه داشت که يك چنین عدم موفقیتی در تشخیص، انهم به صورت جمعی، خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد. نکته شایان توجه آنست که ما اغلب اوقات موفق می‌شویم حرکت همقطارانمان را پیش‌بینی کنیم، حتی اگر اساتید بزرگ‌هیم باشند که یکسان نمی‌اندیشند. ضمناً، لطف و جذبه شطرنج که موجب می‌شود به ان عشق بورزیم در نهاد همین نکته است. تنوع و امکانات نامحدود برای انتخاب حرکت، خود نمونه‌ای است از بلندی و عظمت اندیشه و وسعت دید. حال این مجموعه، همراه با نمایش پرشکوه قدرت خلاقه فکری در ابتکار عمل، موجب می‌شود که شطرنج را بتوان هنری دلپذیر نامید.

اکنون با این مقدمه می‌خواهیم، این سؤال را مطرح کنیم که آیا برای انتخاب حرکت در پوزیسیونی معین چه باید کرد؟ البته پاسخ بدان اسان نیست، زیرا هر بازیکنی برحسب سلیقه شخصی راه خود را دنبال می‌کند. مثلاً مشهور است، استاد مرحوم ویتالی - چخور (Vitlay Chekhover) اهل لنینگراد، به گونه‌ای جدی اظهار می‌داشت، هنگامیکه می‌خواهد تجزیه و تحلیلی را آغاز کند، قبل از هر چیز حرکتی را می‌جوید که موجب گیر انداختن سوار می‌شود. او هنگامی درصدد انجام حرکتی ارام برمی‌آید که حتی با از دست دادن وزیر یا رخ نمی‌توانست برتری مادی به چنگ آورد.

همه بازیکنان می‌دانند که طرز تفکر پطروسیان و تال برای انتخاب بهترین حرکت متفاوت است. یعنی، پطروسیان پیش از هر اقدامی توجه دارد که سوارهایش مشترکاً یکدیگر را پشتیبانی کنند، سپس نگاه می‌کند که آیا شانس برای قربانی دادن دارد یا خیر. در صورتیکه تال ابتدا دنبال حرکتی می‌گردد که بتواند قربانی بدهد و احیاناً خطرات ناشی از انرا هم بی‌اهمیت تلقی می‌کند. تکرار اینمطلب ضروری به نظر می‌رسد

که این امر بستگی به سطح دید و توان فکری و حالت خصوصی هر فرد در نوآوریهایش دارد و این همان عاملی است که مؤید و مبین جنبه هنری شطرنج می باشد.

جستجو برای یافتن بهترین حرکت فرایندی است ابداعی که خواستار دانشی است بیش از تسلط بر رموز استراتژی و تاکتیک و بالاتر از تجربه و دانستن روشهای معمول! حال در چنین روندی، نوابغ می توانند بهترین خصوصیت خود را در وسعت فکر و نامحدود بودن توانائی خلاقیتشان نشان دهند.

امانوئل - لاسکر (E. Lasker) می گفت: «شخصی که به مسائل سوق الجیشی (استراتژیک) تسلطی بی تردید دارد و در تاکتیک هم از استعداد لازم برخوردار است، اگر بخواهد به آینده اش امیدوار باشد هنوز کمبودی دارد و آن عبارتست از گونه ای خاص از طرز تفکر و اندیشه، تا بتواند حدود عملیات پیچیده و غامضی را پیش بینی کند که در درون یک پوزیسیون در حال جوانه زدن و بارور شدن می باشد.»

از انجا نتیجه می گیریم، یک بازیکن قوی باید از استعدادی خاص و یا حس ششمی

برخوردار باشد تا با يك نظر کلی به پوزیسیون بتواند آینده انرا نزد خود مجسم کند.

من مطمئنم که لاسکر از توضیح فوق نمی خواهد بگوید که این استعداد میراثی است مادرزادی و یا موهبتی است طبیعی. بلکه او اعتقاد دارد کسیکه از استعدادی معمولی هم برخوردار باشد با آموزش صحیح می تواند تا مقام بازیکنان طبقه نخست پیش رود. مهارت چیزی جز استعداد ذاتی توام با آموزش نمی باشد. لاسکر اضافه می کند: پرورش استعداد در جهت تجزیه و تحلیل دقیق و توانائی در یافتن مفیدترین و لازم ترین حرکات در يك پوزیسیون الزامی است. به عبارت دیگر، بازیکن ماهر باید بتواند حرکات مؤثر (کاندیدا) را بدست آورد و این همان مطلبی است که قبلاً تحت عنوان انحراف تاریخی توضیح داده شد و یادآوری گردید که تکامل و پرورش استعداد، نیازمند آموزش و پرورشی اصولی و صحیح می باشد.

نباید فراموش کرد که پیدا کردن حرکت مؤثر (کاندیدا) فقط منحصر به پوزیسیون موجود نمی باشد بلکه این عمل برای هر حرکت و در هر واریاسیون باید تکرار شود. بعلاوه در هر نوبت باید حرکت مؤثر

به این منظور یکمرتبه دیگر خود را بجای يك استاد بزرگ فرض می‌کنیم که بخواهد در خصوص بهترین حرکات فکر کند. او طبعاً، تجزیه و تحلیل را براساس تصمیم‌گیری روی حرکات کاندیدا پایه‌گذاری می‌نماید. معمولاً، با استفاده از درخت تجزیه برحسب تقدم و تا حرکات ابتدا يك شاخه از درخت تجزیه را آزمایش می‌کنند و سپس بعدی و قس علیهذا. البته کاری است دشوار و چگونگی دقت در آن بستگی دارد به مهارت و کیفیت آموزشی استاد بزرگ و ورزیدگی وی. ما قبلاً شرح داده‌ایم که توانائی فکر کردن به گونه‌ای منظم و بویژه بتوالی و با تسلسل، نخستین و اساسی‌ترین صفت مشخصه يك بازیکن قوی است. دومین گام در این راه که اهمیتش کمتر از اولی نمی‌باشد موضوع توان پیدا کردن شمار صحیح حرکات کاندیدا می‌باشد.

حال آیا چند حرکت را می‌توان به عنوان کاندیدا برگزید و مورد آزمایش قرار داد؟ بحثی جداگانه دارد و پاسخ به این سؤال آسان نیست، قبل از هر چیز بد نیست بدانیم با وجود آنکه امروزه کمپیوترهای شطرنج‌بازی ساخته شده است که براساس بررسی جمیع حرکات ممکن برنامه‌ریزی شده‌اند، معذک پاسخ مورد

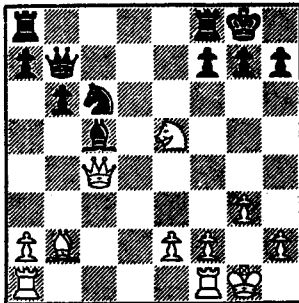
حریف را نیز مانند حرکت مربوط به خویش بررسی نمود. طبیعی است که با پیشرفت هر حرکت در ژرفای يك واریاسیون، این وظیفه محققاً پیچیده‌تر می‌شود.

اکنون به بررسی عواملی می‌پردازیم که در پژوهش بهترین حرکات با آنها درگیر می‌باشیم. در این راه قصد نداریم که فقط در حد يك بازیکن عادی مطلب را بررسی کنیم، بلکه چنین می‌پنداریم که بجای خلاقترین متفکر یا بهترین استاد هنرمند با ذوق قرار گرفته‌ایم و می‌خواهیم با تمامی معلومات و شخصیت و نبوغ فکری خاص وی پژوهندگی را دنبال کنیم.

حرکت نامزد شده چیست؟

قبلاً در خصوص روش صحیح تجزیه و تحلیل واریاسیونها آزمایشهائی بعمل آوردیم و قواعدی را برای بدست آوردن بهترین حرکات یادآوری کردیم. اکنون می‌خواهیم بگوئیم چگونه می‌توان این حرکات نامزد شده یا کاندیدا را مشخص کرد و در هر پوزیسیون چند تا از آنها وجود دارد.

(Alekhine) در مسابقات بادن بادن سال ۱۹۲۵ می باشد. در انجا تارتاکوور امکانهای زیر را هنگام برگزاری مسابقه قبل از انجام حرکت بعدی مورد بررسی قرار داده است:



دیاگرام (۱۹)

دیاگرام (۱۹) نمایشی از مبارزه بین، تارتاکوور - الخین (Tartakover - Alekhine) در مسابقات بادن بادن سال ۱۹۲۵ می باشد. در انجا تارتاکوور امکانهای زیر را هنگام برگزاری مسابقه قبل از انجام حرکت بعدی مورد بررسی قرار داده است:

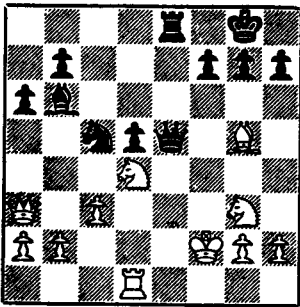
I. 17. Dg4 CxC 18. FxC f6 یا f5 همراه با تساوی پوزیسیونها.

II. 17. Cg4 18. Cf6+ Rh8 19. Dh4) 17... h5 18. Ce5 CxC 19. FxC

نظر از قدرت بهترین کمپیوتر نیز برتر می باشد، به همین دلیل کمپیوترها را نمی توان بازیکنان خوبی به شمار آورد. (۱) برای انسان نیز رسیدگی کردن به تمامی خطوط و طرحها مشکلتر می باشد. کمپیوتری را هم که بوتونیک قصد دارد برنامه ریزی کند، استخوان بندی انتخاب حرکات و افق دیدش را در نظر دارد که تا سرحد بازیکنان انسانی برساند. اجمالاً، تعیین تمامی حرکات کاندیدا عملی است دشوار و پاسخ به این سؤال مطروحه در بالا ضابطه خاص و یا معیار معینی ندارد. استاد بزرگ در هر پوزیسیون با توجه به شرائط و چگونگی وضع مربوطه شماری از حرکات را که لازم می بیند مورد بررسی قرار می دهد. همانطور که قبلاً دیده ایم تعداد و نوع واریاسیونها در مثالهای گوناگون متفاوت است. معمولاً اگر بتوان پنج یا شش حالت گوناگون را دید جالب و نوعی رکوردشکنی به حساب می آید. هر چند که در مثالهای زیرین چنانچه خواهیم دید این رقم به هفت نیز خواهد رسید. دیاگرام (۱۹) نمایشی از مبارزه بین، تارتاکوور - الخین (Tartakover -

(۱) در سال ۱۹۷۰ که کوتوف کتاب حاضر را تألیف نموده است هنوز پیشرفت مناسبی در صنعت کمپیوتر به عمل نیامده بود - مترجم

و سفید طرفی بر نمی بندد.



دیاگرام (20)

همانطور که دیاگرام (20) نمایش می‌دهد سیاه يك سوار خود را در قبال يك پیاده قربانی داده و تهدیدهای وحشتناکی را بوجود آورده است. درواقع باید گفت که قربانی براساس عوامل خاص پوزیسیون بسیار خوب پی‌ریزی گردیده است. زیرا وزیر دور افتاده نمی‌تواند در دفاع کمک فوری و مؤثری داشته باشد و بعلاوه شاهش هم از قلعه خارج و در معرض هجوم ناخوش‌ایند سوارهای حریف قرار گرفته است. اکنون راگوزین باید با حوصله و صرف وقت فراوان تلاش کند تا شاید راهی برای نجات خویش در این پوزیسیون واقعاً بفرنج پیدا کند و به همین

III. 17.Cd3 Fd6 18.Dg4 f5 19.Df3
Ca5 20. D×D C×D با تساوی.

IV. 17. Tad1 17. Tfd1
C×C 18. F×C Tad8

با تعویض و خلاصه شدن کارزار.

V. 17. Dd5 Ca5 (17... Tac8?
18. Cd7 Td8 19. Dg5) 18. D×D
C×D 19. Tfd1 Tfd8

با تساوی

VI. 17. De4 Cd8 18. Dg4 Ce6 19.
Tad1 Tad8

و سیاہ با موفقیت دفاع می کند.

VII. 17.C×C

(بالاخره همان حرکتی است که تارتاکوور
دنبال می کند)

17...D×C 18.Dg4 Dg6!

و سرانجام این پیکار به تساوی ختم گردیده است.

بهر کیفیت يك استاد بزرگ، ناچار بايد
تمامی حرکات کاندیدای يك پوزیسیون را
یافته و بررسی کند. زیرا چه بسا که اگر
فقط یکی را مورد توجه قرار ندهد همان
حرکت مورد نیاز وی برای پیروزی و یا
نجاتش از طریق تحصیل تساوی باشد. به
عنوان نمونه، مثال زیرین را که از پیکار
بین راگوزین - بولسلوسکی)

و سیاه به سهولت مرحله پایانی را به نفع خود به اتمام می‌رساند.

D. 24. h4 h6 25. Fc1 Df6+
26. Rg1 D×P

در حالی که سیاه دومین پیاده را هم می‌گیرد سفید هنوز با مشکلات سنگینی مواجه است که در زیر خواهیم دید:

I- 27. Cgf5 Te1+ 28. T×T
D×T+ 29. Rh2 D×F

II- 27. Cdf5 Cd3+28. Rf1
Dh2 29. Fe3 F×F 30. C×F T×C

III- 27. Cge2 T×C 28. C×T Cd3+
29. Cd4 Df2+30. Rh1 Ce1

31. Td2 (31. T×C D×T+32. Rh2
Fc7+) 31... Df1+ 32. Rh2 Fc7+

33. g3 (یا 33. Rh3 Dh1+34.
Rg4 g6) 33... Fe5 34. Te2

F×C 35. T×C Fg1+ 36. Rh1 D×T
IV- 27. Cf1 Dg4 28. Td2 (28.

b4 D×T 29. P×C Te1) 28...
Te1 29. b4 Ce4 30. Td3 De2

31. Tf3 Cg3

و سیاه پیروز خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌گردد، زحمات راگوزین و بررسیهانی که بعمل آورده است تا بدینجا، بجز یأس ثمری نداشته است. به ناچار به دنبال پنجمین حرکت

قصد حرکاتی را در نظر می‌گیرد لیکن تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که هیچکدام از آنها رضایتبخش نمی‌باشند:

A. 24. Fd2 Cd3+ 25. Rf1 F×C
26. P×F Df6+27. Rg1

اکنون سیاه به یکی از گونه‌های زیرین به پیروزی خواهد رسید:

27... Df2+28. Rh1 Ce1
یا در قالب مات محتق:

27... D×P+ الخ
B. 24. Db4 D×F 25. D×F De3+

26. Rf1 Cd3
سپس با کیش وزیر در f2 و یا e1 مات

سفید لا علاج می‌باشد

C. 24. Cf3 Ce4++25. Re1! (25.
Rf1? D×C!! می‌برد)

25... De6 26. C×C h6!!
اکنون پوزیسیونی است جالب و سفید

مقاومت زیادی نمی‌تواند انجام دهد زیرا اگر:

27. F×P D×F 28. T×P Dc1+29. Re2
T×C+ 30. Rd3 Db1+ 31. Rd2 Fe3+

32. Re2 Fc5+

اگر سفید بجای ادامه بالا به گونه زیر هم دنبال می‌نمود وضع بهتری پیدا نمی‌کرد:

27. Da4 D×C+ 28. D×D P×D
29. Cd4 P×F

کاندیدا یعنی $Fc1$. 24. می رود که چنانچه بعداً خواهیم دید در مسابقه هم همانرا انجام داده است. گرچه پس از بررسیهایی که به عمل می آورد، نتیجه می گیرد که پوزیسیونش مایوس کننده است، معذک تصمیم می گیرد راهی را بجوید که هرچه بیشتر بتواند مقاومت نموده و مشکلات زیادتری را برای حریف فراهم آورد. علیهذا، چنین بنظرش می رسد که همین حرکت $Fc1$. 24. مناسبتر است.

ولی بولسلاوسکی که از بازیکنان مبتکر می باشد، بطوریکه خواهیم دید، قدرت انرا دارد که این دفاع را نیز درهم بریزد. اما نکته مهم مطلب، اشتباه راگوزین است که در آن هنگام فقط مطالعات و تجزیه و تحلیل را منحصر به پنج حرکت کاندیدا نموده بود. غافل از آنکه حرکت کاندیدای ششمی نیز وجود دارد! در تجزیه و تحلیلی که بعداً به عمل آورد، با کمال تأسف ملاحظه نمود که ششمین حرکت می توانسته است پوزیسیونش را نجات دهد. طبعاً اگر پنج یا ده دقیقه بیشتر فکر می کرد، تحقیقاً موفق می گردید انرا که درواقع به بهای تمامی گیم ارزش داشت پیدا کند. زیرا او بازیکنی بود بهره مند از قدرت خلاقه و ابتکار. علاوه بر آن، منطق پوزیسیون نیز تقاضای انجام چنین حرکتی

را می نمود.

حال باید دید آیا اشکال اساسی که سفید لازم بود با آن ستیز کند چیست؟ بیش از هر چیز موضوع تحمل دوری و جدائی وزیرش است از صحنه اصلی کارزار، یعنی جناح شاه که عاملی است مؤثر و ناراحت کننده. عامل دیگر، انرژی پطانسیل ذخیره شده در چگونگی استقرار اسب $c5$ و فیل $b6$ حریفش می باشد که در حکم اثتبار دورزن قدرتمندی بشمار می آید. علیهذا، سفید بایستی فوراً درصدد دفع آن برمی آمد. زیرا نباید چنین امر مهمی را هرگز به تعویق انداخت.

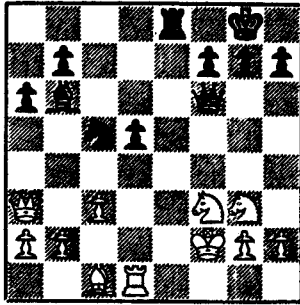
اکنون ششمین حرکت کاندیدا را که چندانهم اشکارا نمی باشد بررسی می کنیم: $b4!$ که ضمن حمله به اسب حریف، برای روشن کردن وضع، تا حدی راه وزیر را نیز باز می کند. در حقیقت حرکتی است که پوزیسیون را نجات می دهد. زیرا پس از انجام آن، سیاه جز پیشنهاد تساوی راه دیگری نمی تواند انتخاب کند و مثلاً اگر:

24... $Ce6$ 25. $Fe3$ f5 26.

$Cd4 \times P$ $Df4+$ 27. $Re2$ یا

24... $Ce4+$ 25. $C \times C$ $D \times C$ 26. $Dc1!$

و وزیر در لحظه ای حساس مجدداً وارد میدان کارزار می شود و در چنین موقعیتی



26... Ce4+ 27. Rf1 DxC!

ضمناً توجه داشته باشید که حرکت وزیر سیاه تهدید دیگریم که کیش در خانه c2 می باشد با خود همراه دارد. چون پیدا کردن دفاع سفید در برابر آن جالب می نماید، لذا توصیه می شود که به عنوان تمرین خوانندگان قبل از آنکه تجزیه و تحلیل بولسلاوسکی را مطالعه کنند شخصاً آنرا بررسی نمایند.

در اینجا برای سفید دو امکان وجود دارد که هیچکدام ثمربخش نیست.

A. 26. Rg1 Dc2 27. Tf1 Cd3+ 28. Rh1 (28. Cd4 Ce1) 28... Cf2+ 29. Rg1 Cd1+30. Rh1 (30. Cd4? Te1 31. h3 T×T+ 32. C×T Df2+ 33. Rh2 Fc7+) 30... D×F 31. Cd4 Te1! 32. Dd6 h5

امکان شکست سیاه نیز وجود پیدا می کند. به همین سبب بولسلاوسکی، هنگامی که روی این پوزیسیون بحث بعمل می آمد، پس از مدت مدیدی تفکر به این نتیجه رسید که بهتر از تساوی بصورت زیر چیزی ندارد:

24... D×F 25. P×C De3+

26. Rf1 Df4+27. Rg1 De3+

کیش دائم

اکنون برمی گردیم به پنجمین حرکت کاندیدا و یا همان اشتباهی که راگزین در مسابقه مرتکب گردید:

24. Fc1? Df6+25. Rg1

در اینجا نیز مجدداً سفید در پیدا کردن قوی ترین حرکت کوتاهی می ورزد زیرا انتخاب حرکت کاندیدای این پوزیسیون هم اشتباه است و چنانچه بجای آن درصدد انجام حرکت: 25. Cf3! برمی آمد نگاه دیگر برد اجباری سیاه فقط در صورتی امکان پذیر بود که بتواند در هر نوبت حرکت صحیح را پیدا کند. و البته در حین برگزاری مسابقه انجام چنین عملی انقدرها هم ساده نمی باشد. زیرا با نگاهی دقیق به دیاگرام (20a) ملاحظه خواهیم کرد که حرکت برنده در این پوزیسیون عبارت است از 25...Dg6! همراه با تهدید:

می باشد.

در اینجا تنها چیزیکه باقیمانده است، باید اضافه کنیم که بولسلاوسکی هنگام برگزاری مسابقه حرکت نادرست شاه را (25. Rg1) با ارائه ادامه زیر به گونه ای متقاعد کننده نشان می دهد.

25... Cd3! 26. h3

(26. Ch1 Te2! 27. Da4 De5 28. Cg3 Te1+ 29. Cf1 De2 30. TxT Df2+ 31. Rh1 D×T همراه با پیروزی)
26... Te1+ 27. Rh2 TxT 28. Da4 Te1 29. Fd2 Cc5 30. Db4 Te8

کمی بعد سفید تسلیم خواهد شد.

به هر حال هنگامی که می بینیم بازیکنی چون راگوزین، با قدرت دید فوق العاده و مهارت و نبوغ خاص در پیدا کردن و انجام دادن حرکات غافلگیر کننده، نمی تواند تمامی حرکات موثر و کاندیدا را در تجزیه و تحلیلی که به عمل می آورد مشخص کند و سرانجام پوزیسیون مساوی را تسلیم می شود. نتیجه می گیریم، همانطور که بررسی فقط تعدادی قلیل از حرکات بد است، متقابلاً آزمایش شمار فراوانی از آنها نیز فرجام خوبی ندارد. دلیل این امر هم کاملاً روشن است، زیرا بر اثر خستگی ناشی از زیاد فکر کردن بیم

33. D×F Ce3

و سیاه می برد.

B. 26. Cd4 Dg4

مجدداً سفید بی دفاع است زیرا:

I- 27. Td2 Df4+

II- 27. Cg3 e2 Cd3+ 28. Rf1 F×C

III- 27. Cd4 e2 Ce4++28. Re1 C×C

IV- 27. Tf1 Cd3+ 28. Rg1 F×C+ 29. P×F D×P+ 30. Rh1 Cf2+

V- 27. b4 Ce4+ 28. C×C TxC 29. Td2 Df4+

چنانچه ملاحظه می شود سیاه در تمام واریانتها برنده است. ولی همانطور که قبلاً اشاره شد، شایان توجه پیدا کردن حرکات 25... Dg6 و 26... Dg4 است که چندان اشگارا و سهل نمی باشد. اما راگوزین مجدداً در این وضع نیز در انتخاب حرکت کاندیدا اشتباه می کند و یکمرتبه دیگر امکان انتخاب پاسخ را محدود می نماید، به عبارت دیگر راه را برای حریف هموار می کند. ضمناً این مثال موجب می شود که بتوانیم قاعده ای را بگونه زیر بیان کنیم:

اگر بررسی تعداد زیاد و به حد افراط واریاسیونها بد است، ولی بدتر از آن عدم آزمایش و بررسی تمامی حرکات لازم

ان می‌رود که بهترین امکان به عهده فراموشی سپرده شود.

طبیعی است در دوران برگزاری يك مسابقه بعضی مواقع ایجاب می‌نماید که به تفکری طولانی پرداخته شود، ولی اگر قرار باشد این امر بطور مداوم صورت پذیرد نگاه ضریب اطمینان کار مفید طبعاً معنای خود را به گونه‌ای قابل توجه از دست می‌دهد.

چیزیکه کار را اسان می‌گرداند، روشی است که معمولاً يك استاد بزرگ بکار می‌برد. او پس از بررسی و رسیدگی روی حرکات کاندیداهای پوزیسیون اولیه دیگر در حرکت بعدی کار را از سر نمی‌گیرد یعنی از صفر شروع نمی‌کند، ولی حرکاتی را از همان تجزیه و تحلیل قبلی به عنوان ذخیره کنار گذاشته است.

اینجا نیز باید توجه داشت که ممکن است اغلب در اندیشیدن بازیکنان اشتباه دیگری هم رخ دهد. مثلاً یکمرتبه که تجزیه و تحلیلی را به اتمام می‌رسانند و اطمینان حاصل می‌کنند که از هر حیث کامل است و تا آخرین حرکت يك انشعاب را صحیح پیشرفته‌اند، و دیگر در ضمن عمل مجدداً نیازی نمی‌باشد که مطلب را مورد رسیدگی قرار دهند. آنها مقاطعی را در تجزیه و تحلیل در نظر می‌گیرند، یعنی هر

مرتبه فقط پنج یا شش حرکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. تجربه و همچنین تحقیق اساتید پیشرفته نشان داده است که چنین روشی به وضوح اشتباه می‌باشد.

اینك برای روشن شدن مطلب کوشش می‌کنیم مثالی واقعی در اینخصوص یافته و به شرح آن بپردازیم. گرچه متأسفانه بازیکنان ممتاز به ندرت آمادگی دارند تا ما را با تجاربشان در اینمورد سهیم کنند و یا درباب چگونگی عمل پیشرفت تدریجی طرز تفکرشان چیز زیادی بنویسند. معذک با استفاده از اطلاعات پراکنده‌ای که تحصیل شده است ذیلاً به توجیه این نکته می‌پردازم.

فرض کنیم استاد بزرگی در مرحله‌ای از بازی مدت نیم ساعت وقت خود را صرف تجزیه و تحلیل کرده است و تمامی انشعابات ممکنه را «واقعاً تا به آخر» مورد رسیدگی قرار داده باشد. حال او حرکتش را انجام می‌دهد، حریفش با بهترین حرکت مورد نظر که انتظارش می‌رفت پاسخ می‌دهد. اکنون چه باید بکند؟

ایا استاد بزرگ می‌تواند با اعتماد به تجزیه و تحلیلی که قبلاً بعمل آورده بلادرنگ پاسخ دهد و یا باید برای انجام حرکت بعد مجدداً چند دقیقه‌ای وقت

خود می گذارم - حرکاتم را که از قبل در ذهن آماده داشتم سریعاً انجام می دادم.» بازی به طریق ذیل ادامه پیدا کرد:

18. D×D C×D 19. F×C P×F 20. P×P

بوتوینیک به گونه زیر تفسیر می کند:

«چنانچه خواننده متعاقباً ملاحظه خواهد نمود، حرکت اخیر لغزشی است در بخشی بر معنی از برتری سفید. صحیح آن بلادرنگ انجام 20.e5 بوده است، حال اگر سیاه 20... c5 کند پاسخش 21.a4 و در دنبالش 22. b3 و سپس 23. Cb5 درواقع متضمن پیاده ای اضافه و وضعی برتر برای سفید.»

20... P×P 21. e5

«قبل از انجام حرکت ۱۸، من با دقت پوزیسیون را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بودم و چنین بنظرم رسید که با توجه به موارد ذیل، این وضع برای سفید برتری فراوانی به همراه دارد.

۱- فیل سیاه غیرفعال می باشد و حرکت 21... Fh6 غلط است زیرا 22. h3! وضع

اسب سیاه را به خطر می اندازد

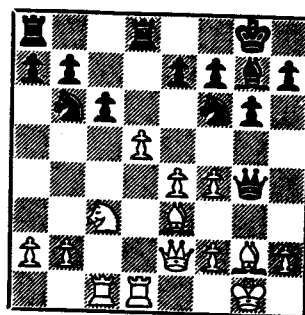
۲- سیاه برای آنکه بتواند اسبش را فعال کند لااقل به دو زمان Tempo نیاز دارد

۳- پیاده c سیاه غیر قابل دفاع است زیرا 21... Tac8 را با 22. Fh3 در ذهن خود رد

کرده بودم و چنین می پنداشتم 22... h5)

مصرف کند و تجزیه و تحلیلی را که در حرکت قبل انجام داده تکرار نماید؟ بسیار خوب اجازه دهید انرا از کارشناسان، ماهر سنوال کنیم:

پوزیسیون (21) در مسابقات سال ۱۹۴۶ گرونینگن فیما بین بوتوینیک - اسمیس洛夫 (Botovnik - Smyslov) بعد از حرکت ۱۷ سیاه بوجود می آید، درواقع نقطه ایست بحرانی از این مبارزه.



دیاگرام (21)

بوتوینیک چنین یادداشت کرده است: «در اینجا من پس از آنکه واریاسیون مورد نظر را تجزیه و تحلیل کردم به این نتیجه رسیدم که سرانجام با پیاده ای اضافی بخش پایانی برنده ای نصیبم خواهد شد و بدون اینکه به خود دردرس رسیدگی مجددی بدهم (یعنی بعد از هر پاسخ سیاه) - انرا عدم دقتی فراموش نشدنی بحساب

23. T×T Tc8 24. Cd5!

و سفید خیلی زود به پیروزی می‌رسد. حال از سرگذشت جالب فوق چه می‌توان آموخت؟ قبل از هر چیز از یادداشتهای بوتونیک می‌توان چنین نتیجه گرفت، همانند قانونی بعد از انجام هر حرکت واریاسیونهای را که قبلاً محاسبه شده است باید مورد رسیدگی قرار داد (اگرچه طبعاً به سبب اشتباه قبلی که با سهم اعظم از این واریاسیونها وجود دارد این تمرکز چندان عمیق صورت نمی‌پذیرد). همچنین فهمیدیم که اشتباه اسمیسلف در اعتماد پیش از حد وی به حریف بوده است. ظاهراً او نزد خود چنین استدلال کرده است: «چون بوتونیک حرکاتش را سریع انجام می‌دهد پس او همه چیز را دیده است و پوزیسیون من بد می‌باشد!»

حال، آیا به حریف می‌توان به این طریق اعتماد کرد یا خیر مطلبی است که متعاقباً مورد بحث قرار خواهد گرفت. اکنون توجه خود را به اندرز بلومنفلد (B. Blumenfeld) که در یکی از فصول کتاب خود نوشته است معطوف می‌داریم: «در یک واریاسیون طویل هر حرکتی را که با بینائی ذهن خود انجام می‌دهید درواقع یک پوزیسیون متمایز را خلق می‌کنید، همواره همانطور که با حرکت مورد بررسی پیش

23. f3 و بدینگونه پیاده c سیاه را بدون هیچ تاوانی و یا پیشرفتی در پوزیسیونش از دست رفته می‌دانستم.

ناگهان در این لحظه، یعنی در حالی که انتظار می‌کشیدم حریفم پاسخ دهد، ملتفت شدم که بیش از واقعیت به آینده خوشبین بوده‌ام زیرا بعد از انجام:

21... Tac8 22. Fh3 h5 23. f3

متوجه شدم که سیاه می‌تواند با پاسخ 23... Ce3! از لحاظ مادی به تساوی برسد یعنی:

24. F×T C×T 25. T×C T×F 26. Td7

و فقط مختصر برتری آخر بازی برای سفید حاصل می‌شود. ضمناً لازم به یادآوری است که اگر سفید می‌خواست به طریق زیر دنبال برتری، وی برود:

21... Tac8 22. T×T+ T×T 23. F×P

انگاه ستون ازاد d که به دست می‌افتاد ارزش از دست دادن یک پیاده را داشت. گرچه اسمیسلف تحت تأثیر سرعتی که در پاسخ و حرکاتم وجود داشت انچنان دچار ضعف روحی شده بود که بدین بررسی تمامی پوزیسیون به از دست دادن یک پیاده تن در داد.

در اینجا تفسیر بوتونیک خاتمه می‌پذیرد و یکبار چنین ادامه می‌یابد:

21... Ch6 22. F×P T×T+

می‌روید، پوزیسیون جدید نیز رفته رفته نسبت به پوزیسیون اولیه تفاوت بیشتری پیدا خواهد کرد. انگاه پوزیسیون تخیلی جدید وضوحش در ذهن کم نور و کم نورتر می‌گردد. حتی با وجود آنکه گاهی بازیکنانی پیدا می‌شوند که از انچنان قدرت تخیل قدرتمندی برخوردارند که با اطمینان می‌توانند تصویر روشنی از پوزیسیون حاصل را که در آخر يك واریاسیون طویل حاصل می‌شود به بینند، معذک بنابر آنچه که در بالا گفته شد بالاخره عدم وضوح آخرین پوزیسیون از لحاظ دید ولو ناچیز هم باشد بدون تردید در ارزیابی آن بی‌تأثیر نخواهد بود.

هر بازیکنی به دفعات آزمایش کرده است که تشخیص واقعیت حاصل از يك پوزیسیون طویل و اینکه آیا موافق طبعش می‌باشد یا خیر، همچنین صحت ارزیابی معموله در آن، بستگی به روشن بینی او در انگاره و دید آخرین پوزیسیون ذهنیش دارد. به عبارت دیگر، چون اندیشه‌های بازیکن مولود طرح‌های وابسته به دیدش می‌باشد، لذا می‌توان پذیرفت که هر اندازه تصویر ذهنی روشنتر باشد عظمت دقت و سهولت کار مغز بیشتر می‌شود و حجم تفکر غنی‌تر می‌گردد.

بلمنفلد، اندرز عملی زیر را اضافه می‌کند:

«پس از آنکه حریف شما حرکتش را انجام داد، شما می‌توانید بدون توجه به نتایج قبلی، آغاز فکر کردن را بر پوزیسیون حاضر بنا نهید. صرف نظر از اینکه قدرت و استعداد تخیل شما چگونه می‌باشد، مسلماً تصویر ذهنی ضعیفتر از چیز است که شما هم اکنون روی صفحه شطرنج با چشم می‌بیند. بنابراین هنگامی که حریف حرکتش را انجام داد، حتی اگر، همان حرکتی باشد که شما قبلاً پیش‌بینی کرده‌اید، هرگز نباید قبل از اندیشه‌ای بیشتر درصدد انجام حرکتی که قصد آنرا داشته‌اید برانید (البته موضوع حالت تنگی وقت شدید و یا حرکات اجباری از این قاعده مستثنی است). زیرا حرکتی که دیده‌اید براساس پوزیسیون تخیلی شما بوده است. چه بسا ممکن است اکنون که شما پوزیسیون را با تمامی خصوصیاتش بعد از آخرین حرکت حریف می‌بینید، به سبب روشنی بیشتر بتوانید اندیشه‌های جدیدی پیدا کنید.»

بنابراین، بازتابهای فکری يك بازیکن برجسته با نتایج پژوهشگری و مطالعه‌ای که در پهنه روانشناسی شطرنجی می‌توان بعمل آورد هم‌اهنگی خواهد داشت. پس

اجازه دهید بپذیریم، هنگامیکه حریف حرکتش را انجام داد، ما باید بتوانیم انچنان پوزیسیون را ارزیابی و واریاسیونها را آنالیز کنیم که انگار با ان اشنائی قبلی نداشته ایم. بدیهی است واقعیتی که در ذهن خود دیده ایم در تجزیه و تحلیل پوزیسیون تسهیل و کمک خواهد کرد ولی باید توجه داشته باشید که این سابقه ذهنی بر آنچه که هم اکنون انجام می‌دهید نباید حاکم گردد.

اگر شما این قاعده را مورد توجه قرار دهید علاوه بر اینکه امکان خطر ناشی از بعضی اشتباهات شما بسیار کم می‌شود شما خواهید آموخت که چگونه تعداد صحیح حرکات کاندیدای مورد نیاز پوزیسیون داده شده را تعیین کنید. برای تکامل بیشتر چنین استعدادی، شما می‌توانید اغلب اوقات گیمهای اساتید بزرگ را با یادداشتها و تفسیرهایشان مورد مطالعه قرار دهید، به ویژه تمرین کنید که بتوانید امکاناتی را که در تفسیرها بررسی کرده اند قبل از دیدن حرکات کشف نمایید. علاوه بر ان، در شناخت صفات مشخصه نهادهی خویش سعی لازم را به عمل آورید. در این زمینه می‌خواهیم این سؤال را مطرح کنیم: آیا در قبال تشدد Tension قابلیت ایستادگی دارید، یا زود

خسته می‌شوید؟ نگاه هم‌اهنگ با این ویژگی تصمیم بگیرید که همواره باروشی واقعی تشخیص دهید که آیا ترجیح می‌دهید در حین اندیشیدن وقت فراوانی را برای کاوش در منابع نهفته مصرف کنید و یا اینکه انرژی خود را نگاهداری کرده، خود را محدود نمائید که حداقل واریاسیونهای لازمه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

در اینجا کاوش (Looking for) را بکار بردیم و انتخاب لغت عمدی است. زیرا اندیشه‌های يك بازیکن دائماً در تکیا بوده و همواره به گونه‌ای تجسس اشتغال می‌ورزد. نباید اشتباهاً تصور کنید که در هر پوزیسیونی حرکات تاکتیکی غیرمنتظره و ترکیبهای ماهرانه مشخص شده‌اند. خیر، باید پذیرفت که جستجو برای ایجاد صحنه‌های خدعه‌آمیز و در عین حال زیبا، کاری است پس دشوار مشابه با تلاشهایی است که يك هنرمند واقعی در زمینه‌هایی دیگر مثل موزیک یا مجسمه سازی و یا نقاشی و ادبیات بکار می‌برد. علیهذا، برای پیشبرد و تکامل قدرت خود نیازی مسلم به کوشش و کاری جدی دارید. ما تا بدینجا بعضی روشهای آموزشی را مشخص نموده ایم. مؤکداً می‌خواهیم به خواننده باز هم توصیه کنیم

که عدم استفاده از صفحه و مهره در گشایش مسائل و مطالعات ترجیح دارد. شما می‌توانید از تمرینهایی که در مجله‌های شطرنج تحت عنوان «کشف حرکت بعد Spot the next move - پرسشها و ازمون Quizzes» وجود دارد. برای پیدا کردن ترکیبها استفاده کنید. اشتباه نشود، يك استاد بزرگ هنگامی که به حل این قبیل معماها اشتغال می‌ورزد غرضش سرگرمی نیست بلکه او با کوشش در حل این قبیل مسائل که درواقع برایش نوعی عادت ثانوی به شمار می‌آید موجبات بالا بردن سطح دید و قدرتش را در تجزیه و تحلیل فراهم می‌آورد.

من نمی‌دانم از نقطه نظر ادبیات آیا لغت درستی به کار می‌برم یا نه ولی مطمئنم هنگامی که به خواننده توصیه می‌کنم: «قوه مخیله خود را پرورش دهید. Train your fantazy» او به خوبی منظور مرا درک می‌کند و این اندرزی است بجا و دانش پژوهان رشته شطرنج باید قدرت ابتکار و نوآوری را با توسل به تحقیق و تتبع و تجربه و آموزش بالا ببرند. تجربه بسیاری از اساتید بزرگ نیز مؤید این معنی می‌باشد.

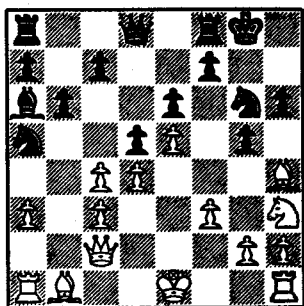
بوتونیک، در اوائل و هنگامی که تازه معروفیت یافته بود، هنوز از لحاظ قدرت

تخیل در ظرافتکاری و بلندپروازی در این زمینه نواقصی داشت، بعداً توانست انرا پرورش و گسترش دهد که امروزه جهان شطرنج از ان فراوان بهره‌برداری می‌نماید.

من امید دارم توضیح این مطلب را حمل بر گستاخی ننمائید اگر اقرار کنم که مدت مدیدی پیش از سالهای ۱۹۳۹ به سبب خشکی بازیهام مورد انتقاد قرار می‌گرفتم ولی در سالهای بعد بیشتر در جهت عکس اینموضوع تنقید می‌شدم. همواره، موارد استثنائی را جستجو کنید، غیر عادی‌ترین حرکات را در پوزیسیونهای گوناگون بیابید. بدیهی است پوزیسیونهای خشک و ساده‌ایم یافت می‌شود که هر قدر چشم بدوزید و هر اندازه فکر خود را برای یافتن حرکت غیرعادی زحمت دهید نتیجه‌ای عاید نخواهد گردید. ولی همینکه کمترین الهامی از امکانات ترکیبی در عرصه شطرنج احساس کردید، نگاه باید در جستجوی حرکات غیر عادی برانید. توجه به این امر سوای اینکه شطرنج شما را خلاقه و جالب جلوه می‌دهد کمک خواهد نمود که نتایج بهتری را نیز بدست آورید.

اکنون به شرح مثالهایی واقعی می‌پردازیم. باید توجه داشت که حرکات غیرعادی که

امکانات ترکیبی پوزیسیون بظهور می پیوندد، شاه حریف را به میدان می کشد تا موجبات هلاکتش را فراهم سازد. همچنین دیاگرام (23) از کوتوف - کرس (Kotov - Keres) مسابقات کاندیدا سال ۱۹۵۰



دیاگرام (23)

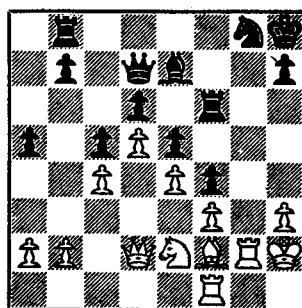
حمله سفید در این پوزیسیون که از نیروی جنبشی فعالی برخوردار است هنگامی به اوج شکوفائی می رسد که با حرکت 16. Cf4!! انفجاری در وضع کرس به وجود می آورد و تمامی امید او را برای ایجاد امکانات دفاعی نقش بر آب می کند.

در پوزیسیون دفاعی حاصل از بازی راوینسکی - کوتوف (Ravinsky - Kotov) مسابقات قهرمانی ترید اونیون Trade Union سال ۱۹۴۹ که با دیاگرام

شگفتی آنها اغلب موجب غافلگیری می گردد و مردم را دچار حیرت و سرگیجه می نماید ممکن است در حین حمله و یا هنگام دفاع صورت پذیرد. در حالت اول عامل تخریب و داغان کردن حریف و در وضع تدافعی کمکی است برای نجات و فرار از پوزیسیون بد.

نمونه هایی از بازیهایم را در اینخصوص ذیلاً نقل می کنیم:

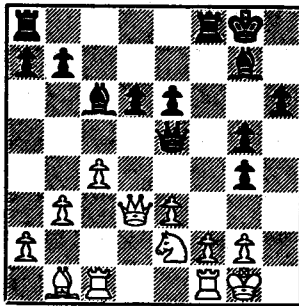
دیاگرام (۲۲) پوزیسیونی از مبارزه اورباخ - کوتوف (Averbakh - Kotov) (سال ۱۹۵۳ زوریخ) را بعد از حرکت سی ام سفید نشان می دهد.



دیاگرام (22)

چنانچه ملاحظه می شود سیاه در حال حمله است و با انجام حرکت غیرعادی و شگفت اور 30...DxP+!! که با الهام از

33. FxFDxa2 الی آخر



دیاگرام (24)

و بدینگونه می‌توانید حرکات غیر عادی را در هر مرحله از بازی چه در حال حمله و یا در حال دفاع جستجو کنید.

حرکات سرنوشت‌ساز

در دوران چندین ساله زندگی همراه با شطرنج حرکات گوناگونی را ضمن بازیهای خود و دیگران دیده‌ام که از لحاظ قدرت و تاثیر متفاوت بوده‌اند بعضی اوقات حرکتی درخشان و نمایشی در يك لحظه پوزیسیون و یا بهتر بگوئیم سنگربندی و استحکاماتی را که خلل

(24) نمایش داده شده است چنانچه ملاحظه می‌شود سفید تهدید نامطبوعی در طول قطر b1/h7 بوجود آورده است و با بردن وزیر بخانه h7 قصدش کشاندن شاه سیاه به میانه عرصه می‌باشد. حال با توجه به اینکه از دوران اندرسن (Anderssen) و مورفی (Morphy) همه بخوبی می‌دانند شاهی که چنین موقعیتی پیدا کند حیاتش در معرض خطر قرار می‌گیرد. معذک سیاه از هم اکنون 23... Rf7! را انجام می‌دهد، معنایش آنست که سیاه بنا به میل خود شاه را به سوی مرکز روانه می‌کند. زیرا در این پوزیسیون خاص تشخیص داده است که e7 جای امنی برایش می‌باشد و به همین سبب با چالاکي به سوی این خانه عزیمت می‌کند. این حرکت به ظاهر بی‌ارج ولی درواقع درست، نه فقط سیاه را نجات می‌دهد بلکه پیروزی سریعی را هم تهیه می‌بیند.

24.Cg3 Re7 25.De2 (25.Ch5

25...h5) (بهرتر بود

ابتکار عمل توام با تهاجم !

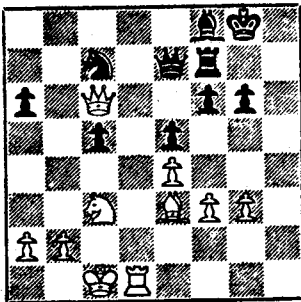
آغاز گردید و به ترتیب زیر برای وصول به پیروزی ادامه می‌یابد:

26. CxP Th8 27. DxP TxC 28.

DxT Th8 29. Fh7 Fe4 30. f4

Db2 31. DxP+ Ff6 32. DxP+ RxP

می‌کنم که گروهی از بازیکنان در مسکو که منهم در عداد آنها بودم پس از انجام هر حرکت برای اطلاع از چگونگی جریان مسابقه تلفوناً خبر می‌گرفتیم. پس از آنکه ۲۵ حرکت اولیه از دور هفتم خاتمه پذیرفت، پوزیسیونی که با دیاگرام (25) نمایش داده شده است روی صحنه آمد که انرا مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.



دیاگرام (25)

برتری سفید غیر قابل انکار به نظر می‌رسید زیرا:

پیاده‌های سیاه ضعیفند و به ویژه c5 قابل دفاع به نظر نمی‌رسد و خانه d5 پایگاهی مناسب برای اسب سفید است که می‌تواند هرچه زودتر انرا اشغال کرده و هجوم سائر سوارها را تسهیل نماید. ولی باهمه این احوال گروه ما نتوانست پیروزی

ناپذیر بنظر می‌رسید درهم ریخته است. یا برخی مواقع حرکت پیاده ای ناقابل طرح و نقشه عمیق حریف را رد کرده است. ولی بی‌پروا باید بگویم که فیما بین حرکات شایان توجه، گاهی نوعی خاص از آنها واقعاً تحسین و احترام مرا برانگیخته است. این هنگامی به وقوع پیوسته که در پوزیسیونی متعادل که کسی نمی‌تواند هیچگونه برتری برای طرفین به بیند، ناگهان حرکتی به ظاهر بی‌اهمیت، در يك لحظه انچنان ارزیابی را درهم می‌ریزد که پوزیسیون حریف بی‌دفاع به نظر می‌رسد.

نباید اشتباه کرد، این حرکتی است کاملاً آرام و هیچگونه تخریب فوری در سنگربندی حریف ایجاد نمی‌کند، ترکیبی اجباری را نیز به وجود نمی‌آورد، بلکه فقط مختصری آرایش سوارها را تغییر می‌دهد. اما بعد از انجام همین حرکت سرنوشت‌ساز است که بعضی اوقات بلادرنگ شکست حریف قطعیت می‌یابد. برای بیشتر روشن شدن مطلب به ذکر مثالهایی می‌پردازیم و قبل از همه یکی از گیمهایی که اخیراً فیما بین اسپاسکی - کورچنوی (Spassky - Korchnoy) در مسابقات کاندیدا سال ۱۹۶۸ در کیف انجام شده است در نظر می‌گیریم. اضافه

انجام دهد و کورچنوی حرکت:

26... Rg7

را انتخاب کرد و پس از آن:

27. Cd5 De6 28. FxP FxF 29.

DxF Cb5 30. De3 Dc6+31. Rb1

Cd4 32. Tc1 Db5 33. Cc7 De2

34. Ce6+Rh7

و در اینجا خاتمه درخشانی به وقوع می پیوندد یعنی با تقدیم قربانی وزیر به صورت 35.Dh6+ سیاه به ناچار باید شکست را بپذیرد. من هنوز مطمئن نیستم که کدام يك از حرکات وزیر اسپاسکی بهترند ایا قربانی اخیر که موجب مات

اجباری شد و یا حرکت ساده Dd6

البته قربانی گرچه بسیار زیباتر بود ولی پیدا کردنش خیلی مشکل نیست در صورتیکه دومی از انگونه حرکاتی به شمار می آید که اصولاً کمتر به فکر کسی خطور می کند.

نظیر آنچه را که در فوق دیدیم در هر يك از دو مثال زیرین نیز ملاحظه خواهید کرد یعنی با وجود آنکه پوزیسیونها از تساوی نسبی برخوردارند معذلك حرکت ملایم و

قطعی سفید را پیدا کند و واقعاً این سؤال مطرح بود که چگونه سفید باید عملیات را دنبال کند تا بتواند به پیروزی برسد؟ اگر بخواید Cd5 25. کند سیاه یا پاسخ 26... De6! از همه نقاط ضعفش دفاع می کند و راه دیگریم که متقاعد کننده باشد به نظر نمی رسید.

سرانجام تلفن بصدا درآمد و ما حرکت بعد را که اسپاسکی انجام داده بود دریافت کردیم. واقعاً حرکتی است غافلگیرکننده، زیبا، نااشکار، ملایم ولی در حقیقت سرنوشت ساز «Creeping move».

سفید به سادگی وزیرش را در خانه مجاور قرار داده بود یعنی: 26. Db6! اما با انجام این حرکت همه چیز تغییر کرده بود. به عبارت دیگر باید گفت پوزیسیون سفید زنده شده بود و درحقیقت سیاه در حالتی از بی حرکتی یا دچار حرکت اکراهی (۱) Zugzwang شده بود زیرا دیگر حرکت:

26... De6

که در بسیاری از واریاسیونها نجات دهنده می توانست باشد اکنون بی فائده است و سفید به راحتی می تواند 27.FxP را

(۱) حرکت اکراهی اصطلاحی است یادگار از مرحوم استاد سعید نفیسی که پس از توضیح درخصوص چگونگی Zugzwang و اینکه در همه زبانها همین لغت بکار برده می شود، زیرا معادلی برایش ندارند. ایشان، بلادرنگ حرکت اکراهی را پیشنهاد نمودند. الحق مناسب می نماید و مبین غنای زبان فارسی و استعداد استاد می باشد. - مترجم

25. F×C P×F

اکنون سفید حرکت موثر و سرنوشت ساز
زیرا را انجام می دهد:

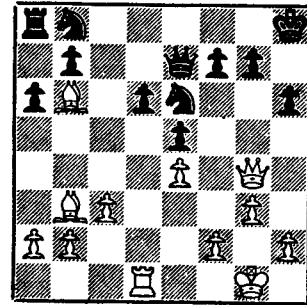
26. Dh4!

چنانچه ملاحظه می شود، مجدداً وزیر
سفید با ملایمت به خانه مجاور انتقال یافته
است ولی همین حرکت ظاهراً آرام
پوزیسیون سیاه را به ناامیدی می کشاند.
اگر سیاه بخواهد درصدد تعویض وزیرها
براید انگاه پیاده d6 را از دست می دهد و
مهمتر از آن سوارهای سیاه که در جناح
وزیرش محصور می باشند نمی توانند
ضد حمله ای را تدارك ببینند. رشوفسکی
نیز به گونه زیر از تعویض وزیرش
خودداری می نماید:

26... Dd7 27. Dd8+ D×D 28. F×D
Cd7 29. Fc7 Cc5 30. T×P Tc8
31. Fb6

و به این ترتیب سفید با پیاده اضافی و
پوزیسیون برتر به زودی پیروز خواهد شد.
بازی کوتوف - لوان فیش (Kotov -
Levenfish) در هفدهمین مسابقات
قهرمانی شوروی ۱۹۴۹ یکی دیگر از
نمونه هائی است که برای بیشتر روشن
شدن مطلب مورد مطالعه قرار خواهیم داد:
دیاگرام (27) وضع بازی را پس از انجام
حرکت بیست و هفتم سیاه نشان می دهد.

مرموز وزیر مانند آنچه که اسپاسکی در
بالا انجام داد موجب دگرگونی کامل
پوزیسیون می گردد.



دیاگرام (26)

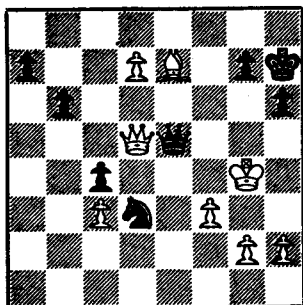
چنانچه دیاگرام (26) که از مج اسمیس洛夫
- رشوفسکی (Smyslov - Reshevs-
ky) قهرمانی جهان در سال ۱۹۴۸
برگزیده شده است نشان می دهد، وضع
سفید مختصر برتری دارد زیرا پیاده d6
عقب افتاده محسوب می شود حال اگر
سفید بخواهد 25. Td2 را بمنظور ایجاد
تهدید 26. Dd1 برای گرفتن پیاده به عمل
آورد سیاه متقابلاً با انجام 25... Cd7 و
حمله به فیل خوب سفید موجب می شود
که پست فعالش را ترك کند. بنابراین باید
از تهدید مذکور در فوق صرف نظر کند و
بازی بصورت زیر ادامه پیدا می کند:

انهم موجب می شود که پوزیسیون به ناامیدی گراید زیرا:

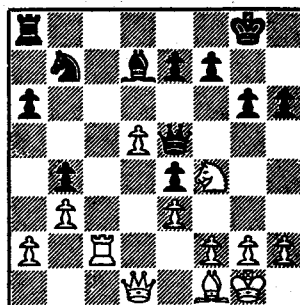
28... DxD 29. PxD g5 30. Tc7 Fb5 31. TxC PxC 32. TxP Tc8 33. FxF PxF 34. h4!

و سفید به راحتی برتری خویش را ترتیب می دهد.

در اهمیت این حرکت سرنوشت ساز همینقدر بس که یادآور شویم، استاد بزرگی چون اسمیسلاف انهم هنگام برگزاری مسابقات کاندیدای سال ۱۹۵۳ (زوریخ) علیه بطروسیان به سبب عدم توجه در پیدا کردنش، پوزیسیونی که می توانست به پیروزی انجامد به تساوی می کشاند.



دیاگرام (28)



دیاگرام (27)

چنانچه ملاحظه می شود، گرچه سفید مختصر برتری دارد ولی این برتری چندان مشخص نمی باشد، تا اینکه ناگهان چنانچه خواهیم دید تغییری فوری در وضع به وجود می آید. در اینجا چون وزیر سیاه پست فرماندهی مناسبی را اشغال کرده است و در عین حال موجب قوام و نگاهداری پوزیسیون می باشد، لذا فکر تعویض وزیرها برای سفید سرچشمه می گیرد. البته نباید انرا فکری فانتزی به شمار آورد بلکه می توان انرا نتیجه ارزیابی واقعی پوزیسیون دانست و به همین سبب سفید درصدد انجام 28. Dd4! برمی آید که درحقیقت سرنوشت مبارزه را روشن می کند. زیرا در حالی که عقب نشینی وزیر سیاه بد است، تعویض

يك استاد بزرگ بر اثر پشت کار و تکرار و تمرین فراوان همراه با آموزشی صحیح، روش تجزیه و تحلیل هرچه عمیق تر را به گونه ای صحیح انچنان اموخته است که قابلیت انرا دارد که از چندین حرکت قبل رویدادهای بعدی را پیش بینی کند.

با وجود این، گذشته از بازیکن معمولی و یا استاد، حتی استاد بزرگی را نمی توان یافت که مرتکب اشتباهاتی بزرگ «gaffe» نشده باشد. چه بسا، که مات مقدماتی دوحرکتی را نمی بیند. یا کورکورانه وزیر یا رخ و یا سواری را مجاناً از دست می دهد.

حال می خواهیم بدانیم چرا چنین اتفاقی می افتد؟ چطور می شود که مغز متفکری پرورش یافته ناگهان بینش خود را از دست می دهد، چگونه تجزیه و تحلیلی منظم وی دستخوش هرج و مرج و پریشانی می شود؟ طبعاً، مانند همه عناصر زندگی هر چیزی که برحسب تصادف اتفاق می افتد می تواند تعبیری داشته باشد. به همین منوال در مورد اشتباهات بزرگ و لوانکه به ظاهر شانس و برحسب اتفاق روی دهد، معذلك منطقی عجیب و یا دلیلی باید وجود داشته باشد. هدف ما پیدا کردن همین دلائل است که با پژوهش در روانشناسی اندیشه يك استاد بزرگ انرا

پطروسیان همانطور که در دیالگرام (28) دیده می شود هم اکنون $46:De5!$ را به منظور به دست آوردن تساوی با ایجاد تهدید خطرناك زیرین انجام داده است: مات $47... Cf2+ 48. Rh4 D \times h2+$ اسمیسلف که مطمئناً انرا دیده است چنین ادامه می دهد:

47. $D \times C+$ P $\times D$ 48. $d8=D$ و سرانجام بازی به تساوی کشیده می شود هرچند که پس از چندی بوسیله بازیکن اماتوری از سوئد حرکت سرنوشت ساز پوزیسیون فوق یعنی $47.Dd6!!$ که در کمال آرامش پیروزی قطعی را تضمین می کند پیشنهاد می گردد.

بهر حال انتظار می رود با توضیحاتی که داده شد پیدا کردن حرکات ناچیز ولی سرنوشت ساز را اموخته و در عمل مورد بهره برداری قرار دهید!

اشتباهات بزرگ

مسابقه شطرنج در سطح استاد بزرگی در حقیقت پیکاری است بین اندیشه های ظریف مغزهای مستعد و پرورش یافته که می توانند ساعت های متوالی با شدت به کارهای دماغی پردازند.

اشتی ناپذیر نمی باشد، جز مات شدن (انهم در حقیقت آخرین کیش و حادثه ایست که در مبارزات شطرنجی اتفاق می افتد). از انجائی که بازیکنان شطرنج برای کیشها اهمیت فراوانی قائلند، همواره در تجزیه و تحلیلی که بعمل می آید حرکتی را که به کیش منجر می شود بخاطر می سپرند.

با توجه به تعدادی عوامل روانشناسی، يك کیش غیر منتظره قابلیت انرا دارد که سراسر گیم را به گونه ای بچرخاند که حتی بر آخرین نتیجه نیز تاثیر بگذارد. حال می خواهیم این موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم که چرا يك بازیکن ناگهان بینائی خود را برای دیدن امکان کیشی آزردهنده از دست می دهد.

در دورانی که هنوز پسر بچه ای بودم در شهر طولا هنگام مسابقه ای به پوزیسیونی مانند دیاگرام (28a) رسیدم (دقیقاً نمی توانم اطمینان دهم که همین پوزیسیون بوده باشد ولی اساس آن طوری در مغزم حك شده است که هرگز نمی توانم فراموشش کنم)

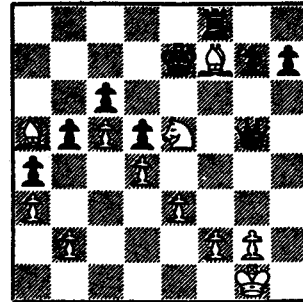
من سیاه داشتم و چنانچه ملاحظه می شود پوزیسیون از برتری قاطعی برخوردار است. واقعاً من از ادامه دادن حریف انهم در حالی که يك رخ تمامی عقب می باشد به

دنبال می کنیم. بدیهی است اگر بتوانیم یکمرتبه دلیل و علت واقعی را بیابیم انگاه راه مبارزه با انرا به گونه ای که در جریان مبارزه خود دچار چنین اشتباهاتی بزرگ نشویم خواهیم یافت. حال در این پژوهشگری آیا می توان مثلاً به این نتیجه رسید که در مغز سیمهای برق اتصالی می کنند، یا سنگینی اضافه باری که باید تحمل کند موجب بروز اشتباهاتی مانند از دست رفتن وزیر و یا مات شدن می گردد؟ با وجود اینکه کار فراوانی در سائر زمینه های روانشناسی در شطرنج به عمل آورده اند ولی در این مورد خاص پژوهشی حقیقی صورت نپذیرفته است. به همین سبب می خواهیم در اینجا همین موضوع را سرفصل مطالعاتی منظم قرار دهیم، تا راهی که بتواند در جریان بازی این اشتباهات را تا سرحد امکان تقلیل دهد بدست آوریم.

سرمستی ناشی از پیروزی

«هنگامی که کیش می دهم از هیچ کس ترسی ندارم» این جمله را یکی از بازیکنان لنینگرادی با مباحثات به من گفت. مسلماً هیچ چیز هم بیش از کیش واقعی و

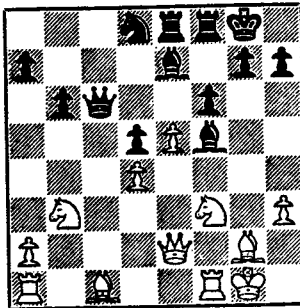
ستوه آمده بودم.



دیاگرام (28a)

هم اکنون نوبت حرکت با من بود. چنین می‌پنداشتم که وصول به شادی پیروزی طولی نخواهد کشید. حریفم نیز در این هنگام ورقه ثبت حرکات را که ظاهراً روی آن تسلیم شدن را قید نموده بود تا کرده و با یأس و بی‌صبری خاصی منتظر انجام آخرین حرکت من بود تا شکست خود را اعلام دارد. در چنین حالتی، حرکتی را که به نظرم خیلی واضح می‌نمود و آن گرفتن فیل حریف با رخ بود انجام دادم. بلادرنگ فیل دیگر حریف، مانند صاعقه‌ای که از آسمان نازل شده باشد، در خانه d8 با گرفتن کیش قرار گرفت و حریف ساعت مرا بکار انداخت. سپس نگاه فاتحانه خود را متوجه جمعی نمود که برای تماشای

مسابقات آمده بودند. او مجدداً کاغذ ثبت بازیها را هم باز کرد و حرکات من و خودش را ثبت نمود. طبعاً عبارت «تسلیم شد» را هم که نوشته بود حذف کرد، اکنون این من بودم که بایستی شکست را بپذیرم! تصور نکنید که يك چنین ناراحتی به من ختم می‌شود، زیرا کمی بعد از این حادثه در مجله شطرنج: Shakhmatny Listak دیدم، زنوسکی (Zenovsky) درخصوص اشتباه خود و اینکه چگونه کیش غیر منتظره‌ای زحمات چند ساعته و برتری مسلم او را در مبارزه‌ای جدی بر باد داد، با شیوایی چنین می‌نویسد:



دیاگرام (29)

«من يك سوار در قبال دو پیاده داشتم بعلاوه پوزیسینهم به نفعم بود و طبیعتاً انتظار داشتم که پیروزی را هرچه زودتر

می شود، ماتی اجباری در پیش داشت. حال اگر شما مجدداً پوزیسیون را در وضع دو حرکت قبل از کیش نامطلوب فوق در نظر بگیرید متوجه خواهید شد که چرا اشتباه کرده ام زیرا فیل f5 حریف راه عبور وزیرش را برای رسیدن بخانه g5 سد کرده بود و در عین حال فیل g2 نیز مانع انجام کیش در امتداد ستون g می شد و کیش فقط به سبب اینکه فیلها پست اصلی خود را از دست داده بودند امکان پذیر گردید.»

با این مقدمه می توان تعبیر قابل توجه و ارزشمندی به گونه زیر به عمل آورد: این واقعیتی است که هرگاه سواری که خط حمله را مسدود کرده است راه را بگشاید و سوار دیگر که مانع و حفاظ اصلی به شمار می آید پست خود را ترك کند انگاه امکاناتی به وجود می آید که می تواند موجب و یا دلیل انجام دادن اشتباهی بزرگ گردد. خواننده نیز نظائر این قبیل اشتباهات را در جاهای دیگر هم می تواند پیدا کند. اما، توجه داشته باشید، تمامی اینها را نمی توان ناشی از اشتباه مبنی بر ندیدن کیش در g6 و یا در مثال قبل، فراموش کردن رُل فیل غیر فعال a5 دانست، بلکه دلیلی اصلی دو اشتباه بزرگ مثالهای بالا را باید در بی احتیاطی حاصل

از ان خود سازم. در این موقعیت در فکر انجام ترکیب ذیل بودم:

1. P×P F×f6 2. Ce5

برای حمله به وزیر که در عین حال فیل f5 نیز زیر ضرب رخ قرار می گیرد.

2... De6

در اینجا حرکت 2... F×C خوب نیست زیرا علاوه بر از دست رفتن برتری دو فیل پیاده d هم سقوط خواهد کرد

3. Fa3 Tf7

با توجه به اینکه حرکات اجباری بنظر می رسد چنین می اندیشیدم که تفاوتهم نصیبم خواهد شد

4. Db5

در حالی که خیلی از مهره های سفید درگیر می باشند کار چنین ادامه یافت

4... F×C 5. F×P

در اینجا بود که ناگهان:

5... Dg6+

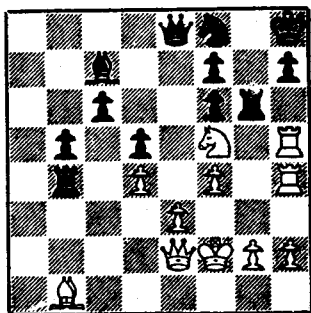
اکنون دیگر بهتر بود که از فکر به دست آوردن تفاوت صرف نظر کرده و رضایت می دادم که با انجام 6. Fg2 و از دست دادن يك سوار در فکر نجات بازی باشم، ولی در گرماگرم کارزار چنین ادامه دادم:

6. Rh1 Fe4+ 7. F×F D×F+

8. Rg1 De3+

و من تسلیم شدم زیرا چنانچه ملاحظه

ما حاصل يك چنین خشنودی همه جانبه از خویش و یا به عبارت ساده تر، از خودراضی بودن را که هنگام نزدیک شدن پیروزی دست می دهد «سرمستی ناشی از پیروزی» می نامیم. من در مبارزه خود با اسمیسلوف در مسابقات کاندیدای سال ۱۹۵۰ شهر بوداپست که مهره سفید داشتم در حرکت سی و نهم به پوزیسیون دیاگرام (30) رسیده بودم



دیاگرام (30)

تشخیص اینکه پوزیسیون سفید به راحتی می تواند به پیروزی برسد چندان مشکل نمی باشد. درواقع چند حرکت قبل اسمیسلوف مرتکب اشتباه پوزیسیونی قابل توجهی گردیده بود. به همین سبب در دنباله آن باید گفت، فقط مهره هائی را پس و پیش می کرد بدون اینکه امیدی به نجات

از تصور و یا بهتر بگویم غرور نزدیک شدن به پیروزی دانست. من تقریباً مطمئنم که اگر زنوسکی سوار جلو نبود هرگز اشتباه ندیدن کیش را مرتکب نمی شد و به همین گونه است در مورد مثال مربوط به خودم.

تردیدی نیست که چنین امکاناتی را که در پوزیسیونهای برتر و در حال پیروزی فراموش می کنید معمولاً واقعیکه با مشکلات دفاعی مواجهید هرگز نادیده نمی انگارید.

الخین، اعتقاد داشت، بازیکن قوی باید طوری خود را پرورش دهد که در طول جریان مسابقه هیچگونه تزلزلی در دقتش راه نیابد و به این منظور باید بتواند در این مدت کاملاً خود را از دنیای اطرافش جدا کند.

اجمالاً، می توان گفت، کوتاهی و قصور در به کار بردن دقت لازم که موجب گردید اساتید فوق پیروزیهای مسلمی را در دو مثال بالا از دست دادند، باید محصول رضایت خاطر و اطمینان بیش از حدی دانست که به سبب تشخیص برتری قاطع در خود احساس کرده بودند، درواقع همین امر موجب گردیده است که جانب احتیاط را از دست داده و مراقبت آنها به تباهی کشانده شود.

کردم:

39.T×P+? C×T 40.Dh5 Dg8 41.

Ce7 T×P+42.Rf3

ظاهراً پوزیسیون سیاه ناامید کننده می نمود. ضمناً حرکات مزبور در همان جلسه اول تا بدینجا انجام گردیده بود. در این موقعیت اسمیس洛夫 موقتاً از پشت میز مسابقات جایی رفته بود و من هم پس از انجام دادن حرکت چهل دوم از جای خودم برخاستم و در طول سالن قدم می زدم، انهم به گونه ای که از غرور دور نبود.

«عجیب!» این چیزی بود که ناجدورف با شادی در گوشم نجوی کرد، نگاه در حالیکه يك دستش را روی شانه ام گذارد با هم در سالن مسابقات مشغول قدم زدن شدیم. ناگهان، ما هر دو جابجا میخکوب شدیم. ظاهراً همزمان نوعی اندیشه غیرمنتظره ما را دچار نگرانی شدید نموده بود.

بله، صحیح فکر کرده بودیم، کیشی نامطلوب به وسیله سیاه تمامی ترکیبی را که در ذهن خود آماده کرده بودم درهم می ریخت. من برگشتم پشت میز مسابقه و فقط با نگاه به صحنه توانستم تأیید کنم که $42... Tf2+!!$ موجب پیروزی سریع سیاه می گردد. در همین لحظه اسمیس洛夫 نمایان شد و با چهره ای افسرده مانند قبل

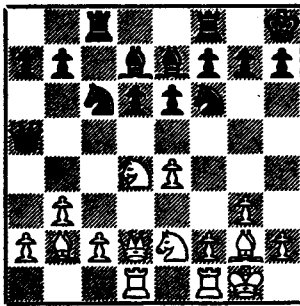
داشته باشد. من هم نیز چندان کوششی نمی کردم و اهمیتی نمی دادم. در این هنگام استاد بزرگ آرژانتینی ناجدورف با تعجب از من سؤال کرد «چرا بی هدف دنبال می کنی؟» در پاسخ به او گفتم، عنقریب باید حرکت را برای جلسه بعد ثبت کرد و من میل دارم کمی هم مشاورم Second زحمت بکشد و با اطمینان تبسمی کرده اضافه نمود:

«احتمالاً واسیلی (اسم کوچک اسمیس洛夫 - مترجم) به سبب اینکه امیدی ندارد بدون آنکه دنباله کار را بخواهد ادامه دهد، در جلسه بعد شکست خویش را اعلام خواهد داشت.»

درواقع، موضوع مورد بحث حاصل قریب دو ساعت صرف وقت می باشد، در این جریان من ناگهان ترکیبی جالب به نظرم رسید و مدتی طولانی روی آن فکر کردم، یعنی ابتدا يك واریاسیون را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادم و سپس دیگری را و همه چیز را مناسب و مطلوب دیدم. بنابراین حرکت خود را با اطمینان خاطر انجام دادم. چون اسمیس洛夫 هم در آن هنگام دچار تنگی وقت بود، لذا چاره ای جز اینکه سریع پاسخ دهد نداشت و در نتیجه چنین وضعی حاصل گردیده بود. در اینجا با تغییری که در راه خود دادم چنین دنبال

ژنوسکی، یکی دیگر از نظائر مثالهای بالا را از مبارزه خود با مهره سفید علیه امانوئل لاسکر در مسابقات مسکو سال ۱۹۲۵ چنین حکایت می کند:

«پس از سیزده حرکت از شروع بازی من 13. Cc3-e2 را انجام دادم و به پوزیسیون دیاگرام (31) رسیدیم.



دیاگرام (31)

بجای تعویض وزیرها لاسکر در میان تعجب همگان به ادامه زیر پرداخت:

13...D×P 14.Ta1 D×F 15.Tfb1 D×T+ 16.T×D

یعنی وزیر خودش را در مقابل رخ و فیل و یک پیاده از دست داد. من هم جز قبول آن راهی نداشتم و از این ترکیب هم چیزی نمی فهمیدم. در اینجا با بوگولیووف مشترکاً یک عقیده داشتیم. زیرا او نیز در

پشت صحنه مسابقه قرار گرفت. ولی، تقریباً بعد از دو دقیقه ناگهان برق شادی را در چشماهش خواندم و با نگاهش به من، فهمیدم همه چیز تمام شد. سپس او با حرکت دادن رخ کیش خوردکننده را انجام داد و من شکست را پذیرفتم، زیرا:
43.R×T Tb2+

و سیاه پیروز می گردید.

در اینجا نیز بدون تردید دلیل يك چنین اشتباه هولناکی را باید اعتماد بیش از حد معقولی دانست که موجب تضعیف حس تشخیص خطر می گردد. این همان موقعیت مناسبی است برای جستجوی علت اشتباهات کورکورانه که باید آنرا در احساس شادی که هنگام تبریک به خود دست می دهد کاوش کرد. درواقع سرگیجه یا مدهوشی ناشی از سرمستی پیروزی است که موجب بروز چنین اشتباهاتی بزرگ می گردد.

از آنجه که گفته شد برای پیش گیری از خطرات ناشی از چنین سرگیجه ای می توان روش زیر را به کار بست: هنگامیکه خود را در استانه موفقیت می بینید بیشتر احتیاط کنید، زیرا زمینه روانی چنین حکم می کند، هر اندازه که به پیروزی نزدیکتر می شوید امکان بروز اشتباه افزونتر می گردد.

از اطمینان به موفقیت صورت می پذیرد.» روشن است که این حالت دیگر نیازی به تفسیری بیشتری ندارد!

گاهگاهی فرصتی دست می داد که به اتفاق کرس به تجزیه و تحلیل پوزیسیونهای ثبتي مسابقات و یا دیگر پوزیسیونها پردازیم. در این همکاری اغلب من با مشکل خاصی مواجه می شدم و آن اختلاف سلیقه ای بود که فیما بین روش کار ما وجود داشت. کرس به محض اینکه يك راه پیروزی پیدا می شد، بلا درنگ درصدد برمی آمد که راه دیگری را نیز جستجو کند.

مثلا، هنگامی که همه چیز ساده به نظر می رسید و سفید می توانست يك سوار بگیرد و برای پیروزی کافی بود، باز هم او دنبال چیز بهتر می گشت و چنین می اندیشید که شاید بتواند بجای سوار معمولی وزیر حریف را بگیرد یا مات کند؟! در اینجا بود که من حوصله ام سر می رفت و با صدای بلند سنوال می کردم، ایا واقعاً همه اینها ضرورت دارد؟ ولی دوست من با خونسردی و سکوت کار خود را ادامه می داد و خود را با جابجا کردن مهره ها مشغول می نمود، این درحقیقت نوعی عادت همیشگی وی بود که نمی توانست از آن دست بردارد.

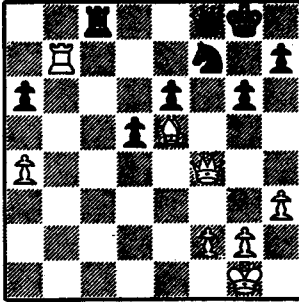
یادداشتهايش در خصوص این گیم نوشته بود که سیاه با قربانی دادن اشتباهی بزرگ که او را با خطر شکست مواجه خواهد کرد مرتکب گردیده است. در این هنگام منم فکر می کردم که لاسکر و سائر بازیکنان که شامل بوگولیویوف هم می شد نیز چنین می پندارند. ضمناً به خاطر اوردم که روز قبل کاپابلانکا را کوبیده ام و امروز هم که لاسکر را شکست خواهم داد. بنابراین راه پیروزی در این مسابقات برایم هموار می باشد! پس از آن، تا حدی شروع کردم که حرکات را سریعتر انجام دهم. زیرا نوعی تنگی زمان را هم احساس می کردم.

16... Tfd8 17. c4 Ce8 18. f4 a6 19. Rh1
Cc7 20. De3 Tb8 21. Td1 Cb4 22. De3
a5 23. Ta1 b6 24. De3

در اینجا بود که لاسکر با انجام 24... e5 ابتدا برتری تفاوت نصیبش شد و سپس در حالی که دیگر از لحاظ مادی عقب نبود طولی نکشید که نسبتاً با زیبایی گیم را به نفع خود پایان داد.

طبعاً، چون آخرین حرکت من اشتباهی بزرگ بوده است، لذا تاوانش را هم اکنون با صحنه ای که در پوزیسیونم به وجود آمده است بایستی پس می دادم و این تنبیهی است که در قبال بی احتیاطی ناشی

فیلیپ (Keres-Filip) انتخاب شده است.



دیاگرام (32)

در اینجا کرس که مهره سفید دارد راههای گوناگونی برای وصول به پیروزی دارد، مثلاً برگشت فیل بخانه b2 و یا

38.Df6 C×F 39.D×C

متساور کرس (Second) در این مسابقات گفت که وی در این پوزیسیون لااقل پنج راه پیروزی را مورد بررسی قرار داده بود ولی سرانجام امکان ششمی را که ذیلاً ملاحظه خواهید نمود انتخاب کرد:

38.Rh2? Tc4! 39.Df6 C×F 40.D×C Df4+

و چنانچه مشاهده می شود تعویض وزیرها اجباری است در حالی که بخش پایان مبارزه به ضرر سفید می باشد. نظیر حالتی که در بالا مورد تفسیر قرار

درواقع این رفتار، نمایشگر نیاز و روحیه پژوهشگری است که می خواهد در هر پوزیسیونی ماکزیم برداشت را به عمل آورد، یعنی: کشف تمامی ظرافتکاریها، حل مسائل استراتژیکی و رسیدگی عمیق به منابع نهفته تاکتیکی.

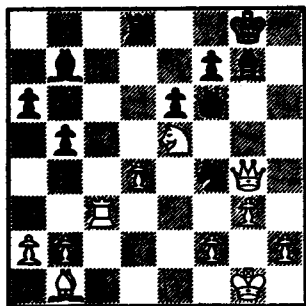
اما باید توجه داشت که این عادت از جهتی خالی از خطر هم نمی باشد. زیرا فرض کنیم، شما راهی را برای وصول به پیروزی به دست می آورید، به ان اکتفا نمی کنید و اکتشاف راه جدیدی را در سر می پرورانید. اکنون با وصول به ان طبعاً ندای تحسین در اندیشه شما چنین حکم می کند: «واقعاً پوزیسیون دهشت انگیزی دارم! می توانم از این و یا از ان راه به پیروزی دست یابم.» درست در همین موقعیت سومین واریانت منجر به موفقیت را نیز درمی یابید و غروری فوق العاده به شما دست می دهد. دقیقاً در همین لحظه است که چنین از خودراضی شدنی شما را به سوی «مدهوشی» می کشاند و چه بسا که همین امر موقعیت عالی شما را هم با خطر مواجه کند.

اینک به عنوان نمونه ای عملی توجه شما را به مثال زیرین جلب می نمایم:

دیاگرام (32) از مسابقات کاندیداتور در امستردام سال ۱۹۵۶ فیما بین کرس -

خواهم شد.» دقیقاً در همین حالت معمولاً تا يك قدمی سرگیجه یا مدهوشی ناشی از رضایت از خود که معمولاً همراه با اشتباهاتی می باشد پیش رفته اید.

در نهمین مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۴ بین فریمان - کان (Freiman - Kan) پس از حرکت ۲۸ سفید دیاگرام شماره (33) به وجود آمد.



دیاگرام (33)

چنانچه می بینیم سیاه برای بردن راه ساده ذیل را در اختیار دارد:

28...T×P 29.P×C D×C

و سفید دفاع مناسبی ندارد ولی این راه به نظر سیاه خالی از لطف می نماید و به دنبال ترکیب زیر می رود:

28... Ch3+ 29. D×C D×C

با وجود آنکه هنوز حرکت 29...T×P

گرفت معمولاً برای بازیکنی روی می دهد که جهت وصول به پیروزی دو راه به نظرش می رسد. یکی از آنها ساده و اصطلاحاً سرر است و دیگری زیبا ولی توام با درگیری قربانی است. در يك چنین مواقعی موضوع به خصوصیات روحی و اخلاقی بازیکن ارتباط پیدا می کند، یعنی حسابگرانی که فقط در فکر بدست آوردن امتیاز بیشتر و مقام بالاتری در جدول مسابقات می باشند پیرو راه اولند و آنها که با بخطر انداختن وضع و حتی از دست دادن امتیاز در فکر به وجود آوردن صحنه های زیبا و نمایشی هستند، در زمره پویندگان راه دوم به شمار می آیند.

به هر حال يك بازیکن باید تصمیم لازم را با مراعات ملاحظات شخصی و موقعیتی که در جدول مسابقات مطلوبش می باشد اتخاذ کند. او هرگز نباید جدّ و جهد خود را متوجه درخشندگیهائی دروغین بنماید، به ویژه اگر وضعش در جدول بحرانی باشد چنین تلاشی مطمئناً اشتباه محسوب می شود.

توجه داشته باشید! کوششی که پس از درخشندگی دروغین مغز یعنی هنگامی که شما نزد خود چنین می پندارید: «من هر کاری که دلم بخواهد می توانم بکنم و حتی اگر وزیر را هم قربانی دهم باز هم پیروز

وضوح صادق است. درواقع مشابهت کاملی در این حرکات و انعکاسی را که سگ پاولوف در تجربه معروف صدای زنگ و غذا خوردن نشان می‌دهد می‌توان ملاحظه نمود. (۱) چه بسا که عکس‌العملهای دفاعی بازیکنی که سالیانی دراز با فورمی معین خو گرفته است نیز به همین گونه پدیدار می‌شود. از آن گذشته می‌توانید بیاد آورید مثلاً چگونه ناخودآگاه مراقب ماتهای ناگهانی عرض آخر می‌باشید و یا بدون تفکر دقیق و جدی صحت و سقم قربانی هدیه شده و یا تهدید مات محتق را ارزیابی می‌کنید.

پاولوف برای توجیه بازتابها نزد حیوانات تجربه زیر را به عمل آورد:

همزمان با غذا دادن به سگ مورد نظر، زنگی را به صدا درمی‌آورد. پس از مدتی تکرار این عمل، دیگر کافی بود که فقط زنگ را به صدا درآورد تا شیره معدی سگ شروع به ترشح کند و دقیقاً همان کیفیتی را به خود می‌گرفت که غذا می‌خورد. همچنین است رقص بزها که نزد ایلات ایرانی نیز مرسوم می‌باشد. چگونگی عمل عبارت از آنست که حیوان را روی صفحه‌ای فلزی قرار می‌دهند و زیر آنرا با آتش گرم می‌کنند و در همین هنگام اهنگی خاص با نی لیک می‌نوازند. حیوان که تحت تاثیر گرمای آتش حرکاتی را اجباراً انجام می‌دهد. پس از چند مرتبه تکرار، حال اگر آتش هم نباشد همان اهنگ نی برآثر انعکاس حیوان را به حرکت درمی‌آورد و یا رقصی را که عادت کرده بود تکرار می‌کند. تصور می‌کنم چون تجربه اخیر عمومیت نداشته است کوتوف بازتاب مورد نظر را به رقص بزها تشبیه نکرده است که تا حدی ظریفتر منعکس گردد. - مترجم

تحقیقاً به حد کافی مفید می‌باشد ولی سیاه که مجذوب درخشندگی اندیشه نادرست خویش گردیده است دنبال آن نمی‌رود غافل از آنکه سفید می‌تواند به گونه زیر:

$$30.P \times D \text{ Td}1 + 31.Df1 \text{ T} \times D + 32.R \times T$$

بخش پایانی کیم را به نفع خویش برگردانیده و تنبیهی مناسب برای تلاش ناشی از درخشش فکری دروغین سفید فراهم آورد.

هرچند که در پیکار اصلی سفید هم نیز بنوبه خود اشتباهی بارز مرتکب می‌شود، یعنی:

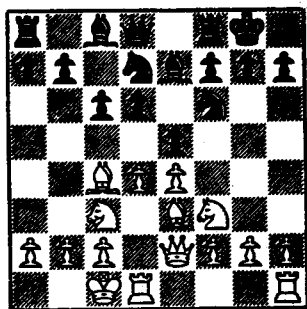
$$30.Dh7+?? Rf8 \text{ 31.Te3 T} \times P$$

و سفید به نشانه تسلیم بلادرنگ ساعت را از حرکت باز می‌دارد.

بازتابهای شرطی

من امیدوارم که همکارانم اساتید بزرگ، پوزش مرا خواهند پذیرفت، زیرا ناچارم برای فهم مطلب، شرائط فیزیولوژیکی را که برآثر تجربه در مورد حیوانات به ثبوت رسیده است، درخصوص فن ظریف شطرنج نیز تسری دهم. چرا که ماهیت «بازتاب شرطی» در مورد بسیاری از حرکات يك بازیکن به هنگام بازی نیز به

گرف - ژنوسکی (Grekov - Zhenevs-ky) را در مسابقات قهرمانی مسکو سال ۱۹۲۰ در نظر گرفت:



دیاگرام (34)

سیاه در خصوص دیاگرام مورد نظر چنین یادداشت کرده است: «من حرکت 1... b5 را بدون فکر کردن انجام دادم و انرا موافق با چگونگی مرحله شروع که نوعی دفاع فیلیدور با امتیازی بیشتر که سفید در جناح وزیر قلعه رفته است تشخیص داده بودم. بنظرم می‌آمد که پاسخ حریفم نیز روشن است و 2. Fd3 خواهد کرد و بطور غیرارادی چنین می‌پنداشتم که در قبال حمله به سوار ناچار انرا باید دور کند. ولی چنین اتفاقی نیفتاد! او به گونه زیر ادامه داد:

2. P×P P×P

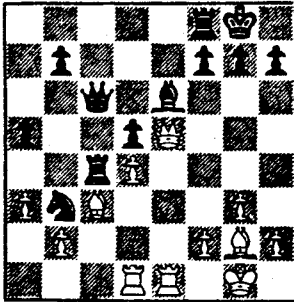
يك چنین پاسخهای غیرارادی معمولاً كمك موثری در بهره‌برداری سریع از تفکر و ارزیابی صحیح در طرحهای استراتژيك می‌نماید.

هرچند که در برخی اوقاتهم خصوصیات پاسخ غیرارادی ممکن است، مانند آنچه که در مثال زیرین خواهیم دید، مضّر و موجب بروز اشتباه گردد. ولی آنچه که مسلم است چنین حالاتی به ندرت اتفاق می‌افتد، معذلك کسیکه می‌خواهد عمیقاً عكس العمل یا بازتابهای خود را مطالعه قرار دهد و ظرفیت‌ترین نکات موفقیت را در شطرنج بداند، باید با اینقبیل چیزها آشنا باشد.

كدام يك از ماها در شروع بازی روی لیز کمتر از هزار مرتبه فیل را از طریق a4 هنگامی که به وسیله پیاده حریف مورد حمله واقع گردیده به b3 برده است؟ و یا چه کسی از بین ما در شروع بازی سیسیلی فیلش را از c4 وقتیکه سیاه با انجام b5 به آن حمله می‌کند به b3 نبرده است؟ تقریباً بدون تامل و تفکر بخودی خود دست این حرکت را انجام می‌دهد و در بیشتر حالاتهم این حرکت صحیح است و انتخاب دیگری وجود ندارد. ولی گاهی استثناهائی پیش می‌آید که از آن جمله می‌توان دیاگرام (34) از پیکار

انهم مشکل می نماید. معذک اتفاق می افتد که توسل به وضعیتی واقعاً مستحکم اشتباهی مسلم به شمار می آید. ذیلاً برای بهتر روشن شدن مطلب به ذکر مثالی می پردازیم:

دیاگرام (35) از مسابقه دو نفری Match بین ژنوسکی - گریگوریف (- Zhenovsky Grigorief) در ۱۹۱۹ را در نظر می گیریم.



دیاگرام (35)

در اینجا نوبت حرکت با سفید یعنی ژنوسکی است و با مختصر مطالعه ای روی پوزیسیون و به ویژه توجه به این نکته که فیل مهره های سیاه حتی المقدور نباید پست خود را به سبب لزوم حمایت از d5 ترك کند می توان دریافت که انجام حرکات زیرین:

راه دیگری نداشتیم زیرا اگر:

2...P×F 3.P×C C×P 4.D×P

و پوزیسیون سفید از برتری قاطع برخوردار می گردید.

3. C×P! P×F 4. C×c6 De8 5. e5!

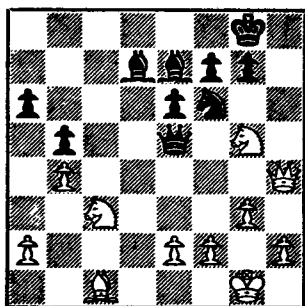
حرکت آخر در حقیقت کلید اصلی انتخاب این راه بوده است زیرا چنانچه ملاحظه می شود اسب f6 سیاه جانی برای فرار ندارد بنابراین سفید سواری را که عقب افتاده بود با وضعی برنده پس می گیرد. اکنون مناسب به نظر می رسد که این سؤال مطرح شود:

ایا سواری که مورد حمله پیاده حریف قرار می گیرد باید پست خود را ترك کند؟

در پاسخ فقط می توان یادآوری کرد، چه بسیار گیم هائی که به سبب پیروی کورکورانه از بازتاب ناخودآگاه چنین اندیشه ای از دست رفته اند.

نمونه ای دیگر از بازتاب را نزد کسانی می توان دید که معتقدند: «همواره باید جانب حزم و احتیاط را رعایت نمود.» یا به اصطلاح در محکم کاری نباید غفلت ورزید. گرچه يك چنین اندیشه ای به عنوان اصلی ضروری در آغاز بسیاری از طرح های استراتژیکی و تاکتیکی يك استاد بزرگ رعایت می شود، مخالفت با انگیزه

شرطی، هنگامی جلوه گر می شود که موضوع ارزش مطلق مهره ها مورد توجه قرار گیرد. مخصوصاً در مورد وزیر که از اهمیت مادی بیشتری برخوردار است به روشنی می تواند در توجیه این مطلب کمک کند. خاصه اگر برای رسیدن به پیروزی قربانی دادنش لازم باشد. کما اینکه در دیاگرام (36) خواهیم دید قویترین بازیکنان جهان نیز در قبال این ناخوشی مصونیت ندارند.



دیاگرام (36)

دیاگرام مزبور از مسابقات برای عنوان قهرمانی جهان بین الخین - ایوه (Alekhine Euwe) سال ۱۹۳۷ گیم شانزدهم (مسابقات انتقامی Return Match) انتخاب شده است. چنانچه ملاحظه می شود، تشخیص اینکه سفید با

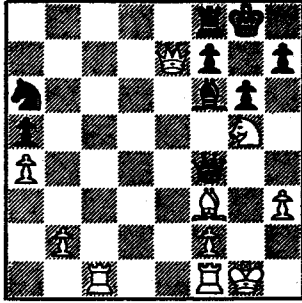
1. f4 g6 2. g4!

ابتکار عمل جالبی را نصیب سفید می کند. اما ژنوسکی خود به خود و به گونه ای غیر ارادی درصدد محکم کاری برمی آید و ابتدا 1.h3? را برای حمایت از راندن g4 انجام می دهد، ولی از دست دادن همین یک زمان با ارزش کار را وارونه می کند و موجب می گردد که متقابلاً سیاه بتواند در جناح دیگر چنانچه در زیر خواهیم دید حمله را آغاز نماید:

1... b5 2. f4 b4 3. P×P P×P 4. Ff1 P×F 5. F×T D×F 6. P×P F×P

و سیاه پیروز خواهد شد. حال می خواهیم بررسی کنیم، چرا سفید با توسل به چنین محکم کاری غیر ضروری پوزیسیون را از دست می دهد؟ در پاسخ به آن تصور نمی رود بتوان جز بازتاب غیر ارادی دلیل و یا تفسیر دیگری پیدا کرد. به ویژه هنگامی که ژنوسکی را بشناسیم و بدانیم که وی در دوران حیاتش که جسارت و بی باکی بر دقت رجحان داشته است، در زمره اساتیدی به شمار می آمده است که هواخواه جدی این شیوه نامشان ثبت می باشد. انگاه دیگر جای هیچگونه تردیدی در مورد قضاوت بالا باقی نمی ماند.

یکی دیگر از حالات شایان توجه بازتاب



دیاگرام (37)

سال ۱۹۴۸ با مهره سفید علیه اسمیسلف در مسابقات قهرمانی جهان، تحت تاثیر، همین انعکاس، یعنی اهمیت زیادی که برای سوارهای بزرگ بطور ناخودآگاه قائل می‌باشد، پوزیسیونی که می‌توانست به سرعت و راحتی با قربانی وزیرش به پیروزی گراید، با انجام حرکت توام با احتیاط و محکم کاری بیهوده:

27. De3 به درازا می‌کشاند. در صورتیکه به گونه‌ای اشکارا بایستی ادامه زیر را دنبال می‌نمود:

27. D×P+! T×D 28. Tc8+

و سفید پیروز خواهد شد. زیرا در ازاء 28... Rg7 کیش اسب در خانه e6 وزیر را پس می‌گیرد و چنانچه 28... Tf8 انجام یابد باز هم کیش مزبور پس از تعویض رخوا امکان‌پذیر خواهد بود.

قربانی وزیر در h8 به سادگی می‌تواند پیاده f7 را گرفته و پیکار را به نفع خود پایان دهد چندان مشکل نیست. حال چرا نابغه‌ای چون الخین، با قدرت تصور فوق‌العاده و غیر قابل انکارش، به این معنی توجه نکرده است. جز آنکه بگوئیم اهمیت دادن به وزیرش بطور ناخودآگاه مانع انجام حرکت 26. Dh8! می‌باشد، دلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

توضیح مترجم، «گرچه در متن کتاب توضیحی درخصوص ادامه اصلی گیم نداده است ولی بد نیست بدانیم که در اینجا الخین 6. Fb2 را بی‌اعتنا به موقعیت حمله‌ای اسب انجام داده است. لیکن مجدداً ایوه غافل از امکان قربانی وزیر 26... Fc6? کرده است. ولی باز هم محکم‌کاری بیش از حد سفید (بازتاب مشروط) با انجام 27. a3 منجر به پاسخ 27... Fd6 سیاه می‌گردد و در نتیجه شانس برتری مسلم سفید منتفی می‌شود.»

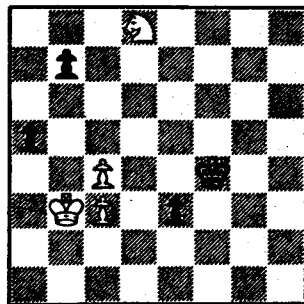
ماکس ایوه، نیز چنانکه در مثال زیر که با دیاگرام (37) نمایش داده شده است ملاحظه خواهیم کرد.

را بگیرد. غافل از اینکه بوتونیک با انجام حرکتی دور از ذهن یعنی 57... Rg6 تصور وی را نقش بر آب خواهد نمود. زیرا با همین مانور ساده دیگر نه شاه و نه اسب سفید هیچکدام قادر به ممانعت از پیشروی پیاده سیاه نخواهند بود. در اینجا بوتونیک نیز به گونه زیر تفسیری بعمل آورده است.

«اشتباهی اندوهبار! واضحست که سفید با برگرداندن اسب خود به راحتی می‌توانست مساوی کند. اما ظاهراً او تحت تاثیر برتری مادی خطر شکست را احساس نمی‌کند تا درصدد پیشگیری از آن برآید. ضمناً توجه داشته باشید که حرکت مزبور هنگامی انجام گرفته است که قبلاً کنترل زمانهم به عمل آمده بود.»

تفسیر جالب بوتونیک، درحقیقت تأیید همان مطلبی است که گفتیم، یعنی در گرماگرم مبارزه تحت تاثیر اطمینان بیش از حد به برتری مادی مکتسبه اشتباهاتی به وقوع می‌پیوندند که قبلاً انرا تحت عنوان «مدهوشی ناشی از پیروزی» نامیده ایم.

لازم به یادآوری است که نمونه‌های قابل توجهی که بوتونیک هم به سهم خود تحت تاثیر همین عامل، اطمینان به خوشتن، رنج عدم موفقیت را تحمل کرده است کم نمی‌باشد.



دیاگرام (38)

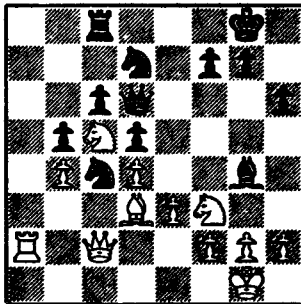
دیاگرام (38) که نمایشگر پوزیسیون برونشیتن - بوتونیک (Bronstein - Botvinnik) در قهرمانی جهان سال ۱۹۵۱ پس از انجام حرکت ۵۶ سیاه می‌باشد، درواقع یکی از وحشتناکترین نمونه‌هائی است که نشان می‌دهد چگونه تحت تاثیر بازتابهای گوناگون حرکتی واضح به بوته فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه پوزیسیونی معمولاً مساوی به شکست کشانده می‌شود. در این پوزیسیون برونشیتن که مهره سفید دارد ظاهراً برای آزمایش شانس خود اقدام به حرکت: 57... Rc2 می‌کند. او چنین می‌پندارد که پاسخ سیاه اشگارا و 57... Rf3 است. در نتیجه خواهد توانست به موقع اسب خود را به d4 برگردانیده و با کیش به شاه سیاه پیاده

به عنوان نمونه می‌توان از پانزدهمین دور مسابقه انتقامی وی با اسمیسلف در سال ۱۹۵۸ یاد کرد. در اینجا با وجود آنکه پوزیسیونش خیلی بهتر از حریف بود، معدلک حاصل کار بر اثر کمبود زمان به نفع حریف ثبت می‌شود. در واقع بوتونیک به دنبال راهی طولانی و مشکل و در عین حال بسیار دقیق و جالب برای وصول به پیروزی، بی‌اعتنا به گذشت زمان، انچنان بی‌اختیار مشغول می‌شود که هنگامی بخود می‌آید که پاندولش سقوط کرده است. ولی، مثالی فراموش نشدنی را در تاریخ شطرنج بجای می‌گذارد.

مجدداً ضمن جلب توجه خاص شما به تفسیر بوتونیک، درخصوص عدم احساس خطر شکست که متعاقباً نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت، یکمرتبه دیگر مثال آخر بازی بسیار ساده برونشیتن - بوتونیک را که در بالا دیدیم در نظر گرفته و یادآور می‌شویم: گرچه انعکاس مشروط موجب شکست سفید گردید، ولی عامل کوتاهترین فاصله بین خانه‌های f4 و f2 را که از طریق f3 معمولاً دیده می‌شود، در به وجود آمدن این بازتاب فکری نباید از نظر دور داشت. زیرا درست است که از لحاظ هندسی این کوتاهترین راه می‌باشد، ولی روی صفحه شطرنج که مسئله زمان مطرح

است، برای وصول به خانه f2 اگر سیاه از طریق g3 هم عمل کند تفاوتی به عمل نمی‌آید.

برای آشنائی با نمونه‌ای دیگر از این قبیل اشتباهات، با توجه به مطالبی که در سراغاز این فصل گفته شد، مجدداً دیاگرام (30) از مثال تاسف‌انگیز کوتوف - اسمیسلف را در نظر می‌گیریم و اضافه می‌کنیم، شکست سفید تنها به سبب سرمرستی ناشی از احساس نزدیک شدن به پیروزی نبود که کیش رخ سیاه را در f2 ندید. بلکه باید انعکاس مشروطی را در به وجود آمدن این حادثه نیز اضافه کنیم که اساس آن، واقع شدن رخ در ستون g جلوی وزیر و عدم امکان تعویض جای آنها با یکدیگر می‌باشد. حال اگر کمترین امکان تعویض جای وزیر و رخ در این ستون می‌رفت، یعنی وزیر در g2 و رخ در g8 قرار می‌داشت، انگاه هرگز يك استاد بزرگ در احساس خطر قصور نمی‌ورزید. اما چون يك چنین تعویضی غیر ممکن می‌نمود لذا سفید کاملاً احساس اطمینان می‌کرد. ضمناً باید توجه داشت، این قبیل اطمینان که بعضی چیزها نمی‌تواند اتفاق افتد و این گونه عاداتی پیش‌رفته که امکان دگرگونی وضع یا ریخت را باور ندارد، می‌تواند سرچشمه



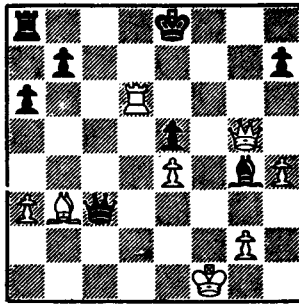
دیاگرام (39)

محاسبه کردم و بنظرم کاملاً صحیح آمد،
 انگاه با بی اعتنائی به کیش مورد بحث فیل
 خود را از خانه e6 به g4 انتقال دادم. چون
 فضای سالن کوچک مسابقات از دود
 سیگار اشباع شده بود (طبق عادت
 همیشگی) انرا ترك کردم و در راهروی
 مجاور مشغول قدم زدن شدم. در عین حال
 مواظب بودم که کی حریم حرکت خواهد
 کرد. در این هنگام متوجه شدم که او
 درصدد انجام حرکت می باشد. ظاهراً
 دستش طوری حرکت نمود که از دور دیدم
 روی صحنه باید راهی طولانی را طی
 کرده باشد. بلادرنگ برگشتم و با تعجب
 ملاحظه نمودم که فیلش را نزدیک شاه من
 به h7 برده و کیش گفته است. اولین
 انعکاس من اقدام به نوشتن پاسخ بود و

بسیاری از اشتباهات بزرگ قرار گیرد.
 ذیلاً، به گونه ای دیگر مشابه حالت فوقرا
 در نظر می گیریم. ایا هرگز در گیمهائی که
 انجام داده اید اتفاق افتاده است که با مهره
 سفید فیلی در d3 و وزیر در e2 داشته
 باشید انگاه درصدد برائید که در خانه h7
 که شاه حریف در همان سمت قلعه رفته
 باشد کیش بدهید؟ البته پاسخ مثبت است،
 ولی چون مسئله مهمی به نظر نمی رسد،
 لذا گاهی از کیش دادن بیهوده ام صرف نظر
 می شود. از انجا مغز عادت می کند که به
 چنین وضعیتی اهمیت ندهد. حال اگر
 جای فیل و وزیر طوری عوض شود که
 این مرتبه کیش با وزیر امکان پذیر گردد،
 انگاه مسئله به کلی فرق می کند! زیرا
 اشفتهگی هائی را می تواند به وجود آورد و
 جای انرا دارد که يك استاد بزرگ سهم
 بیشتری از وقت خود را صرف تشخیص
 امکانات ناشی از کیش +Dh7 بنماید.
 در پوزیسیون دیاگرام (39) از مسابقات
 IBM که سال ۱۹۶۸ در هلند بین لنزیل -
 کوتوف (Lengyel - Katov) انجام
 گردیده است دقیقاً همین موضوع، یعنی
 اعتقاد به بی ضرر بودن کیش بوسیله فیل
 در خانه h7 که در بالا گفته شد، موجب
 تخریب پوزیسیون سیاه می گردد. زیرا من
 پس از آنکه تعدادی از واریاسیونها را

روشن شدن تأثیر بازتابها و سهمی که در به وجود آوردن سرنوشت بازیها می توانند داشته باشند ذکر می کنیم:

در مبارزه ژنوسکی - ننا رکف (Zhnosky - Nevarokov) مسابقات قهرمانی مسکو سال ۱۹۲۲ نوبت حرکت با سفید بود که به پوزیسیون دیاگرام شماره (40) رسیده بودند.



دیاگرام (40)

نگاهی بخانه g8 بیاندازید. آیا شاه سیاه می تواند به این خانه دسترسی پیدا کند؟ واضحست خیر! زیرا مورد حمله فیل و وزیر سفید می باشد. واقعیت مزبور که بگونه ای عمیق در ذهن سفید رسوخ کرده است این اثر را دارد که همواره در تجزیه و تحلیلهائی که بعمل می آورد هرگز فکر نمی کند که شاه سیاه بتواند به خانه مزبور

درست مثل اینکه حرکتی احمقانه انجام گرفته باشد، اما بعد... پس از یکساعت کامل تفکر و مطالعه فقط توانستم خود را متقاعد کنم که به ادامه کارم نمی توانم امیدوار باشم.

فهم مطلب نیز چنانچه خواهیم دید چندان مشکل نیست. زیرا اگر سفید بجای کیش دادن مستقیماً 1. Ff5 را انجام داده بود سیاه پس از تعویض فیلها اسب d7 خود را که مورد حمله قرار گرفته بود در b6 جای می داد و اشکالی باقی نمی ماند. در صورتیکه اکنون پس از انجام کیش چون شاه سیاه ناچار باید به یکی از خانه های h8 و یا f8 برود لذا سفید می تواند یک پیاده اضافی با ارزش از حریف بگیرد. زیرا اکنون دیگر در قبال حرکت Ff5 سفید، که مستلزم تعویض اجباری فیلها و در نتیجه آمدن وزیر سفید به خانه f5 می گردد، چنانچه شاه سیاه در h8 باشد سقوط پیاده f7 مسلم است و چنانچه شاه سیاه به f8 هم رفته باشد باز هم سفید با بردن وزیرش به خانه h7 پیاده ای اضافی خواهد گرفت. چنانچه می بینیم، کیش غیر منتظره ای که ظاهراً بی اهمیت می نمود توانست چنین فاجعه ای را به بار آورد. (علاوه بر پیاده پوزیسیون حاصلهم به نفع سفید می باشد - مترجم) اینک دو مثال جالب دیگر برای

برود.

تحت تأثیر يك چنین بازتاب فکری، واریاسیونی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و ماتی اجباری را بگونه زیر در ذهن خود طرح‌ریزی می‌کند:

1.Ff7+! Rf8 (1...R×F 2.Tf6+ Re8 3.Dg8+ Rd7 4.Dg7+Re8 5.

Tf8+ 2). Dh6+ R×F 3. Tf6+

در این موقعیت سفید با توجه به انعکاس ذهنی خود انتظار ندارد که سیاه به g8 فرار کند و پیش خود می‌اندیشد که حتماً: 3... Re8 خواهد کرد و انگاه او می‌تواند:

4. Df8+Rd7 5. Dg7+Re8 6. Te8 مات غافل از آنکه سیاه با پاسخ چندش‌آور: 3... Rg8

امید سفید را به یأس مبدل می‌کند.

ضمناً اگر سفید به موقع 2. D×F را هم انجام داده بود باز می‌توانست به پیروزی خویش امیدوار باشد. ولی تحت تأثیر بازتاب فکری ناخودآگاه که احتمال نمی‌داد شاه سیاه به خانه f8 دسترسی پیدا کند مرتکب چنین اشتباهی گردیده است. البته جای انرا دارد که شما هم بازیهای خودتانرا مورد بررسی قرار داده و ببینید يك چنین اشتباهاتی داشته‌اید، یعنی نزد خود فکر کرده باشید: «حریف مطمئناً به فلان خانه نمی‌تواند دسترسی پیدا کند.»

موضوع دیگری که انهم معمولاً ممکن است نظیر اشتباه بالا را به وجود آورد ستون و عرض و یا قطری است که به وسیله پیاده‌ای فعالیت سوارها در طول آن موقوف شده باشد. حال در سرتاسر گیم چنین به نظر می‌رسد که این خط بسته مانده و طبعاً از این طریق خطری به وجود نخواهد آمد. انگاه این طرز تفکر اغلب موجب می‌شود که در تجزیه و تحلیل‌هایی که در ذهن انجام می‌دهیم، اگرچه ممکن است حرکتی درنظر بگیریم که موجب تغییر مکان پیاده و در نتیجه باز شدن این خط بسته گردد، معذک پیش خود چنین می‌پنداریم که هنوز خط مزبور بسته است. دیاگرام شماره (41) که یکی دیگر از بازیهای ژنوسکی - نناروکف (Zhenevsky - Nenarokov) را در سومین مسابقه دو نفری سال ۱۹۲۳ نشان می‌دهد نمونه بارزی از اینگونه اشتباه می‌باشد.

چنانچه ملاحظه می‌شود پیاده e5 رابطه وزیر سیاه و فیل سفید را با استحکام کامل قطع کرده است اکنون می‌پردازیم به چگونگی ادامه گیم:

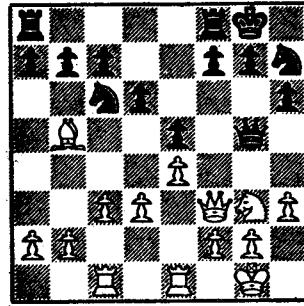
1.Tf1 g6 2.De3 Ce7 3.f4 P×P

راه حمله وزیر سیاه به فیل سفید باز شد، ولی هنوز ذهن سفید این خط را بسته

نقطه کور

در بعضی از کتابهای فیزیک که مخصوص مطالب سرگرم کننده می باشد، مطالب جالبی دیده می شود. که از انجمله تجربه شایان توجه زیر می باشد:

هرگاه شخصی از فاصله مناسبی به مربع کوچکی بدون چشم بهمزدن خیره شود بزودی در حول محیط آن خال یا لکه سیاه رنگ نسبتاً بزرگی را که در حقیقت وجود ندارد می بیند. دلیل این مطلب وجود نقطه کوری است که در چشم هر کس وجود دارد و تصاویری که در داخل مخروط دید مربوط به آن قرار گیرند دیده نمی شوند. چیزی مشابه این موضوع در شطرنج نیز اتفاق می افتد. به دفعات دیده شده است که اساتیدی معروف و پر قدرت حمله ای بسیار ساده و واضح را که موجب از دست رفتن سوار و در نتیجه شکست گردیده است متوجه نشده اند. درست مانند اینکه برای لحظه ای آن سوار در میدان دیدش نبوده و آنرا کاملاً فراموش کرده باشد. مثالی کلاسیک از چنین نقطه کور را در مبارزه الخین - بلاك بورن (Alekhine - Blackburne) در شهر سن پترزبورگ مسابقات استاد بزرگی سال ۱۹۱۴ می توان دید.



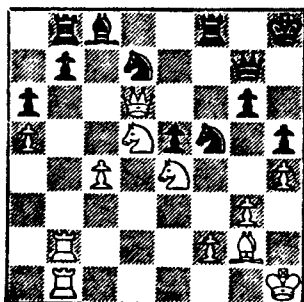
دیاگرام (41)

می انگاردا

4. Dxf4 DxF

در اینجا سفید نزد خود می گوید، چه اتفاقی افتاد؟ آیا من خواب می بینم؟ بعداً او مطلب را چنین تفسیر می کند: «اندیشه اینکه وزیر سیاه راهی برای حمله به فیل ندارد، انچنان در مغز من نقش بسته بود که حتی پس از گرفتن فیل بوسیله وزیر پیش خود چنین می پنداشتم که حتماً حرکت اشتباهی انجام گرفته و وزیر سیاه از روی پیاده اش پریده است.»

در مثال دیگری ذیلاً ملاحظه خواهیم کرد که یکی دیگر از مدعیان قهرمانی جهان شطرنج فقط يك حرکت را ندیده و وزیرش را بلاعوض از دست داده است. در دیاگرام شماره (43) از مبارزه پتروسیان - برونشیتن (Petrosian - Bronstein) مسابقات کاندیدای قهرمانی جهانی سال ۱۹۵۶ بعد از حرکت ۲۵ سیاه اکنون نوبت پتروسیان است.

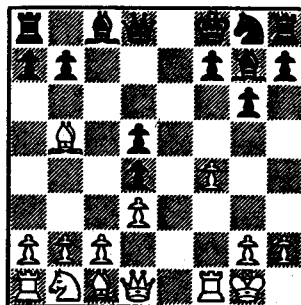


دیاگرام (43)

و او درست مثل اینکه وزیرش را روی صحنه فراموش کرد باشد چنین ادامه می دهد:

36. Cg5??

واضحست که حریفهم بدون معطلی با 36... Cx D وزیر را می گیرد و بدین ترتیب پوزیسیون در شرف پیروزی را پتروسیان



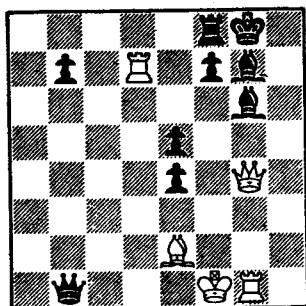
دیاگرام (42)

در وضعیکه به وسیله دیاگرام (42) نمایش داده شده است، الخین 1. Cd2?? را انجام داده است و پس از آنکه حریفش 1... Da5 می کند پیکار به صورت زیر ادامه می یابد:

2. a4 a6

و فیل سفید از دست می رود. بعد از خاتمه کار، هنگامی که از الخین توضیح خواسته می شود، او می گوید چنان فیل را فراموش کرده بودم که انگار روی صفحه شطرنج نمی باشد. حال با توجه به اینکه قدرتمندترین استاد بزرگ جهان، انهم در اوج شهرت و نامزدی قهرمانی جهان شطرنج به این سادگی در دفاع از فیل خود غفلت می کند به ناچار باید پذیرفت که چیزی مانند نقطه کور در شطرنج وجود دارد و از آن نباید غفلت کرد!

می کند و طبعاً برونشیتن با انجام TxD
وزیرش را می گیرد.



دیاگرام (44)

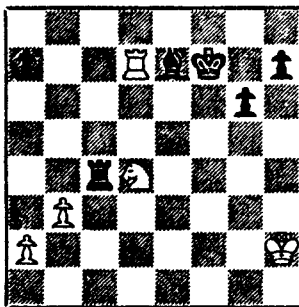
در این هنگام است که اوسمولوفسکی با
پیشانی فریادش برمی آید: «واقعاً وحشتناک
است! شاه سفید در خانه g2 مهره ای است
بزرگ و من متوجه این واقعیت نشدم که
رخ g1 که در مجاورش پنهان شده وزیر
مرا مورد حمله قرار داده است.» احتمالاً
بلندی شاه را بتوان بهانه قرار داد؟! ولی،
بدون تردید ما می توانیم انرا نمونه ای
جدید از نمایش نقطه کور به شمار آوریم.
در خاتمه دو حالت دیگر نیز در خصوص
نقطه کور که با وضوحی بیشتر مطلب را
بیان می کند ذکر می کنیم:

دیاگرام (45) نمایشگر پوزیسیون
رومانوفسکی - کاسپاریان (Romanovsky)

شکست خورده می پذیرد. کمی بعد در این
خصوص می گوید: با وجود آنکه در این
پوزیسیون سیاه فقط يك مهره فعال داشت،
این مضحك ترین اشتباهی بود که
می توانست اتفاق افتد. نمونه ای دیگر،
هنگام مسابقات قهرمانی مسکو در سال
۱۹۴۶ اتفاق افتاد. چگونگی آن جالب
می باشد. زیرا ناگهان سکوت خاص سالن
مسابقات با فریادی وحشتناک درهم
شکست و بازیکنان از جای خود پریدند و
همگی دور میز مسابقه ای که برونشیتن و
اسمولوفسکی (Bronstein - Osmolovs-
ky) مشغول بودند جمع شدند. حریفی که
مهره سیاه داشت و علاوه بر شطرنج واقعا
يك بوكسور خوب هم بود، سر خود را بین
دستهایش فشار می داد. ظاهراً به همان
گونه که در مسابقات بوکس تحت تاثیر
ضربه فیزیکی تعادل از دست می رود، در
اینجا نیز ضربه مغزی کارش را ساخته
بود. در همین احوال، برونشیتن جوانهم به
سبب عکس العمل غیر منتظره حریف
سخت برآشفته بود. ضمناً، چگونگی
مطلب به قرار زیر است:

در دیاگرام شماره (44) که سیاه هم اکنون
با وزیرش کیش داده است سفید شاه خود
را به g2 می برد، سیاه پس از مختصر
فکری پیاده شاه را جلو می راند یعنی e3

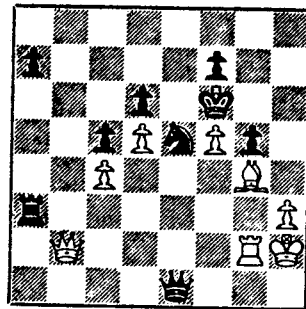
غافل از اینکه سفید با اطمینان راه دوم را انتخاب می کند و با فیل رخ را می گیرد و درست در همین لحظه که کاسپاریان دستش به طرف اسب می رود از حرکتش خودداری می کند. زیرا حرکتی است غیر قانونی چرا که اسب اچمز شاه است. آخرین مثال را از بازی ابرالیدز - راگوزین (Ebraldiz - Ragozin) در دهمین مسابقات قهرمانی شوروی در تفلیس سال ۱۹۳۷ برگزیده ایم که با دیاگرام شماره (46) نمایش داده شده است:



دیاگرام (46)

پوزیسیون مورد نظر و آنچه که در جریان مسابقات اتفاق افتاده است امروزه شهرتی به صورت فولکلور شطرنج پیدا کرده است. زیرا راگوزین در وضعیکه باید

(Kasparian -) در مسابقات نیمه فینال قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۸ می باشد. سیاه که خود در عداد مشهورترین طراحان مسائل و ترکیبهای شطرنج به شمار می آید، با اطمینان به داشتن پوزیسیونی با برتری قاطع، به منظور حسن ختام راهی جالب و به گونه زیر در ذهنش طرحریزی می نماید:



دیاگرام (45)

او با اطمینان به پیروزی مسلم خویش با ژست خاصی دست خود را به طرف مهره برد و چنین ادامه داد:

1... T×P+??

او چنین اندیشیده بود که اگر:

2. R×T Dh4 مات

و چنانچه

2.F×T Cf3 مات

می‌پردازد، همواره اندیشناك بوده و دلوایسی انرا دارد که نکند در طول پنج یا شش حرکتی که در پوزیسیون مورد بررسی قرار داده است در توجه به چیزی لازم قصور ورزیده باشد. در چنین کیفیتی واقعاً پیش بینی تمامی آنچه که ممکن است اتفاق افتد مشکل است و برای شناخت و آگاهی از ظرافتکاریهائی که وقوع آن در این راه طولانی امکان پذیر می‌باشد، تمرکزی کامل و توجهی بسیار دقیق الزامی است.

مخصوصاً باید در نظر داشت که اغلب در يك چنین تجزیه و تحلیل‌هائی، همواره در حرکات اولیه و دقیقاً در قاعده درخت تجزیه است که بازیکن در تشخیص تاکتیکی مقدماتی و یا تهدیدهای اشکار کوتاهی می‌کند. باور کنید دلیل بسیاری از اشتباهاتی را که شما، خواننده عزیز و یا من، انجام داده ایم اگر عادلانه قضاوت کنیم در همین مرحله صورت پذیرفته است. چه بسا شکست‌هائی را تحمل کرده ایم که برای فرار از آن مهلکه کافی بوده است میدان دیدی را لااقل تا حد جلوی بینی خود مورد توجه قرار می‌دادیم. حال می‌خواهیم تحقیق کنیم که چگونه می‌توان بر علیه چنین گرایش نابجائی مبارزه کرد؟

از تهدیدهای گوناگونی که با آن مواجه می‌باشد دفاع کند چنین بازی می‌کند: $40... Te??$ و نزد خود می‌پندارد که اگر حریف $41. T \times T$ کند او خواهد توانست با انجام $41... Fd6+$ رخ را پس بگیرد؟! بطوری که نقل می‌کنند در این هنگام موضوع اچمر بودن فیل سیاه شور و ولوله عجیبی بین تماشاچیان برپا کرده بود و یکی از مشتاقان تماشای این مسابقات در حالیکه به وسیله دیگران از صحنه دور می‌گردید فریاد می‌زند: «ارشیل، رخش را بگیر.» اما ارشیل ابرالیدز در حالی که فقط به این خاطی با عصبانیت خیره شده بود بدون توجه به اچمزی فیل رخ خود را به کنار می‌کشد و در حقیقت اینجا نیز نقطه کور کارش را انجام می‌دهد!

قانون بلومنفلد، از دید يك مبتدی

اغلب در اشتباهات مورد گفتگوی فوق علاوه بر آنچه که اشاره شد علت دیگری که از عمومیت بیشتری برخوردار است وجود دارد. اینك برای آگاهی از آن به عنوان مقدمه چنین شروع می‌کنیم، معمولاً هنگامی که يك استاد بزرگ به تجزیه و تحلیل واریاسیونی نسبتاً طولانی

چند سال قبل در این زمینه با استاد برجسته شوروی بلومنفلد وارد مذاکره شدم. در این گفتگو متوجه شدم، او به مقیاس وسیعی در افشاگری نموده‌ها یا جنبه‌های روانشناسی شطرنج پیشرفته است. او در این بابت مطالب و مقالاتی به صورت پایان‌نامه یا تز در سطح عالی (فوق لیسانس) نوشته است. جالبتر آنکه بلومنفلد خودش نیز از اینکه بارها مرتکب چنین اشتباهاتی گردیده است اظهار تاسف می‌کرد. او مدعی بود که بهترین بازیکنان جهان، از هر مقام و درجه‌ای، نیز از این بابت مستثنی نیستند. ضمناً، او برای مبارزه بر علیه یک چنین خطر قابل ملاحظه‌ای قاعده زیر را پیشنهاد می‌کند که من می‌خواهم انرا قانون بلومنفلد نامگذاری کنم:

هنگامی که تجزیه و تحلیل تمامی واریاسیونها و انشعابات مربوطه به درخت تجزیه را به اتمام رساندید، اکنون شما بایستی پیش از هر چیز بدواً حرکتی را که می‌خواهید انجام دهید قبل از عمل کردن روی کاغذ مخصوص مسابقات ثبت کنید، این روشی است که تقریباً بسیاری از همکاران من نیز به کار می‌برند. هر چند که خیلی اساتید به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنند

بهتر است که در ثبت حرکات هر چه ممکن است واضحتر و حتی اگر طریقه طولانی را (منظور ذکر خانه مبدأ و مقصد و چگونگی عمل مهره مورد نظر می‌باشد - مترجم) با دقت هر چه بیشتر در نوشتن به کار برید اولی می‌باشد. پس از آنکه عمل ثبت را به گونه‌ای که گفته شد به اتمام رساندید، اکنون سعی کنید خود را از افکاری که در اینخصوص دارید و احتمالاً نیم ساعتی وقت پر ارزش خود را صرف آن نموده‌اید رها کرده و حتی بگسلانید. سپس برگردید به پوزیسیون موجود روی صفحه شطرنج که جلوی شما قرار دارد و مجدداً توجه خود را معطوب به صحنه‌ای نمائید که حرکت مورد نظر را ثبت کرده، ولی هنوز انجام نداده‌اید. به آن نگاه کنید، ولی نه با چشمهای خیره و خیلی دقیق که قبلاً و هنگام مطالعه و تجزیه و تحلیل عمیق انجام می‌دادید، بلکه مانند کسی که در سالن مسابقه حضور یافته و می‌خواهد واقعت موجود را تشخیص دهد و در حد همان لحظه هم اندیشناک می‌باشد.

این اولین قدمی است که شما را برمی‌گرداند به وضع حاضر. حتی در این حالتهم نباید برای انجام حرکت تعجیل کنید. بهتر است یکدقیقه دیگر پوزیسیون را مورد مطالعه قرار دهید و از این بابت

اندرزهای عملی

ایا باید تجزیه و تحلیل بعمل آورد
یا خیر؟

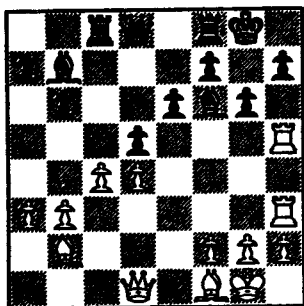
تا اینجا با موضوعاتی سروکار داشتیم از قبیل: راه صحیح تجزیه و تحلیل، انتخاب بهترین حرکت، دلائل به وجود آمدن اشتباهات و طرز رهائی از آنها. اکنون موقع ان رسیده است که بعضی اندرزهای عملی مفید و ارزشمند را نیز یادآوری کنیم. (۱)

در پیکارهای اساتید بزرگ و اساتید

تأسفی به خود راه ندهید که از چشم يك بازیکن معمولی به پوزیسیون نگاه می کنید. چنین پندارید که شما نه فقط استاد بزرگ نیستید بلکه استاد هم نمی باشید و در حد يك بازیکن مبتدی خود را تنزل دهید و نگاه از خود سئوال کنید: ایا مات با يك حرکت تهدیدم می کند؟ با دو حرکت چطور؟ ایا وزیر و یارخم گرفتاری نخواهند داشت؟ بالاخره ایا اشتباهاً پیاده ای را از دست نخواهم داد؟
يك چنین بررسی مقدماتی تقریباً به گونه ای قطعی شما را از انجام اشتباه فوری روی حرکت اول نجات خواهد داد. اکنون با اطمینان می توانید گام اول را در جهت تکمیل تجزیه و تحلیلی که به عمل آورده اید بردارید.
با استفاده از توصیه یا قانون بلومفلد، شما می توانید عملاً خود را از قید اشتباهاتی که معمولاً در کمین ترکیبهای عمیق اندیشه شما نشسته اند آزاد کنید.

(۱) اگرچه هنگامی که لغت اندرز بکار برده می شود، معمولاً پذیرش مطلب برای جوانان چندان دلپذیر نمی باشد. ولی، توجه داشته باشید در این مورد استاد بزرگی با شما سخن می گوید که سالیانی دراز تربیت جوانانی را برعهده داشته است که بعضی به افتخار قهرمانی جهان شطرنجهم نائل آمده اند.

بنابراین، منطق حکم می کند که با نهایت دقت حتی اشاراتی هم که بعمل آمده است در ذهن سپرده شود. -



دیاگرام (47)

باید دید در این پوزیسیون و در موقعیتی که سیاه از لحاظ جدول مسابقات و وضع امتیازات قرار گرفته است صلاحش چیست. زیرا در برخی مواقع فقط مسئله پوزیسیون موجود مطرح نیست، بلکه قضایای دیگری که می‌توان انرا تاکتیک مسابقات نامید در تصمیم‌گیری موثر است. مثلاً وضع بازیکن از لحاظ زمان چگونه است و چنانچه فرصت قابل توجهی صرف شود آیا دچار تنگی زمان نخواهد شد، یا از لحاظ امتیازات و چگونگی استقرار در جدول مسابقات، ریسک کردن مصلحت می‌باشد یا باید به محکم کاری متوسل گردید.

مبارزه کرس اسمیس洛夫 در حالی انجام می‌پذیرد که مسابقاتی بسیار پر اهمیت در

اغلب پوزیسیونهای پیچیده و غامضی اتفاق می‌افتد که برخی مواقع جستجو و پیدا کردن حرکت صحیح خالی از اشکال نیست و مستلزم تجزیه و تحلیل تعدادی بیکران واریاسیونهای گیج‌کننده می‌باشد. حال در پاسخ به این سؤال که آیا باید يك چنین تجزیه و تحلیلهائی را بعمل آورد یا خیر، گفته می‌شود که تعدد انجام آنها را باید در درون محدوده کاربرد عملی گیم جستجو کرد. زیرا چه بسا موقعیتهائی بوجود می‌آید که صرفاً الهام از عوامل جنبی و پرورش یافته در ذهن، بازیکن را وادار می‌کند تا کاملاً در پی یافتن راه دیگری برآید.

برای بهتر روشن شدن مطلب به ذکر مثالی از پیکار کرس - اسمیس洛夫 (- Keres Smyslov) در مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان - زوریخ سال ۱۹۵۳ - که با دیاگرام شماره (47) نمایش داده شده است می‌پردازیم:

آخرین حرکت کرس $19. Tc3 - h3$ می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود رخ دیگرش زیر ضرب پیاده حریف می‌باشد، ولی آیا اسمیس洛夫 می‌تواند انرا بگیرد؟ طبیعی است او هنگامی باید چنین هدیه‌ای را بپذیرد که تمامی امکانات را تا به آخر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده باشد. حال

شرف اتمام است، به این معنی که برنده این مسابقات کاندید می‌شود تا بر سر عنوان قهرمانی جهان با بوتونیک میج برگذار کند. حال با توجه به اینکه در وضع موجود اسمیسلفو نیم امتیاز از کرس بیشتر دارد و اگر شکست بخورد حریفش در صدر جدول قرار خواهد گرفت. ضمناً رشفسکی و برونشیتن نیز چندان از آنها دور نیستند. از اینرو اسمیسلفو، باید با توجه به جمیع این حالات نسبت به موقعیت خودش تصمیم بگیرد. به ویژه پیش از آنکه به طور عمیق بخواند در خصوص قبول قربانی به تفکر بپردازد که مسلماً باید خطر به وجود آمدن تنگی زمان را بپذیرد، باید از هر جهت ارزیابی‌های لازم را بعمل آورد. زیرا مسلماً نمی‌خواهد با شکست در این دور، جانه اول و امکان قهرمانی جهان را با حرکتی شتابزده در تنگنای زمان از دست بدهد.

اکنون ببینیم برونشیتن در کتاب جالبش که ویژه این مسابقات نوشته در خصوص این وضعیت چه نظری داده است.

او می‌نویسد، «اسمیسلفو کمی بعد از خاتمه مسابقات چنین نقل کرد:

«من مدتی طولانی در اینجا فکر کردم و به نظرم آمد مثل اینکه می‌شود رخ را گرفت، مخصوصاً که نتوانستم پس از انجام آن

برای سفید در این راه پیروزی ببینم.» حقیقتاً يك رخ کامل جلو افتادن چیز خوبی است! این اولین فکری است که به ذهن خطور می‌کند. حال چنانچه، رخ را نگیرد و سیاه شکست بخورد واقعاً باید دلخوری و ناراحتی فراوانی را هم تحمل کند. علی‌الخصوص که به وضوح می‌بیند در حرکت بعد سفید می‌تواند پیاده ۱۷ را هم بگیرد! البته اگر امکان داشت پوزیسیون را در خارج از میز مسابقات مورد بررسی قرار داد مسئله‌ای به وجود نمی‌آمد، زیرا به راحتی مقدور بود راههای اصلی را آزمایش نموده آنگاه به قضاوت خود تکیه کرد.»

ولی با این همه اسمیسلفو رخ را نگرفت و در عوض چنین ادامه داد:

19... P×P

برونشیتن، برای انجام این حرکت دو علامت تحسین!! منظور کرد و به تفسیر خود چنین ادامه داد:

اسمیسلفو، با الهام از ادراکش به خود اجازه نداد که رخ را بگیرد و در حقیقت او بهترین حرکت را انجام داد که در تجزیه و تحلیلی که متعافاً به عمل خواهد آمد آنرا خواهیم دید. اما حال می‌خواهیم بدانیم که ذهن او چگونه عمل کرده است؟ آیا دیگری هم می‌تواند در این راه قدم بگذارد یا

فرار شاه را با انجام 21.a4!! مسدود کند
زیرا تهدید Fa3 را همراه دارد مثلاً:

A. 21... P×P 22.D×P+Rf8 23.

Fa3+Te7 24.Tg3

B. 21...Dd6 22.c5

و اکنون ادامه‌های زیر امکان‌پذیر است:

I. 22...P×P 23.Dh6 Fg7 24.

D×P+ Rf8 25.P×P

II. 22...Dd8 23.c6 T×P 24.

Fa3 Td6 25.Dh6 F×P 26.Fd3

III. 22...Df4 23.Tf3 Dg5

24.Tg3

ملاحظه يك چنین تجزیه و تحلیلی طولانی
همراه با ترس از امکان به وجود آمدن
تنگی زمان و از آن گذشته موضوع
صدرنشینی جدول مسابقات موجب گردید
که اسمیس洛夫 از قبول هدیه تقدیمی
حریف خود خودداری کند. باید توجه
داشت که او به هیچوجه عمیقاً به بررسی
پوزیسیون نپرداخت و با الهام از دید کلی
خود به راستی بهترین حرکت را انتخاب
کرد. چنانچه ملاحظه می‌شود، بدینگونه در
وقت هم خیلی صرفه‌جویی بعمل آمده
است. اکثریت عمده‌ای از اساتید بزرگ
به استثنای تال نیز يك چنین روشی را
می‌پسندند. به خصوص هنگامی مطلب
بیشتر جالب می‌نماید که می‌بینیم

نه، به هر حال راهی که ادراك وی از آن
ملهم شده چه بوده است و بالاخره آیا او با
سنگش دقیق جوانب امر و یا به اصطلاح
با شیر و خط کردن (فال گرفتن) به این
نتجه رسیده است؟

واضحست که این حرکت باید حاصل
مطالعه‌ای عمیق روی پوزیسیون باشد.
زیرا اولاً او قطر فیل وزیرش را باز کرده
است که می‌تواند به موقع از طریق e4 انرا
به خانه g6 ببرد، درثانی ستون وزیرش را
باز کرده است تا در صورت امکان انرا در
d5 جای دهد که تهدید مات حریف و
گرفتن پیاده d4 را ممکن است بوجود
آورد. ثالثاً درحال حاضر يك پیاده ازاد در
ستون c دارد که می‌تواند انرا به خانه c3
جلو براند و قطر طویل خطرناك سیاه را
مسدود کند و در این ضمن رخ سفید نیز در
خطر قطعی گرفته شدن واقع خواهد گردید
زیرا مثلاً اگر:

20.P×P P×T 21.D×P Fe4

امّا به لحاظ ارضای حس کنجکاوی قبل
از هر چیز می‌خواهیم بدانیم اگر سیاه
فوراً اقدام به گرفتن رخ می‌کرد چه
می‌شد؟

19... P×T 20.D×P Te8

ایا شاه سیاه در این وضع می‌تواند نجات
یابد؟ به نظر می‌رسد که سفید می‌تواند راه

حرکت مطمئن را انتخاب کنید. زیرا در حقیقت صرفه جویی در وقت و زمانی که ذخیره می شود جبران بهترین حرکت نبودن را خواهد نمود.

به ویژه هنگامی از این تصمیم واقع بینانه خود راضی و خرسند می شوید که می بینید حریف دچار تنگی وقت گردیده است و شما دقائق پر ارزشی را روی ساعت خود به موقع نجات داده اید.

چنین حالاتی که متضمن اجتناب از درگیری با پیچیدگیها و به خطر انداختن ها (ریسکها) می باشد کاملاً عمومیت دارد. به عنوان مثال مبارزه کرس - تایمانوف (Keres - Taimanov) را در نوزدهمین قهرمانی شوروی به سال ۱۹۵۱ ذیلاً ملاحظه خواهیم نمود:

1.c4 Cf6 2.Cf3 e6 3.Cc3 d5 4.
e3 Fe7 5.b3 0-0 6.Fb2 b6 7.d4
Fb7 8.Fd3 dxc 9.bxc c5 10.0-0
PxP 11.PxP Cc6 12.De2 Te8 13.
Tfd1 Tac8 14.Tac1 Dd6 15.Fb1
Df4 16.d5! PxP

با توجه به دیاگرام شماره (48) کرس در این وضعیت دو حرکت کاندیدائی دارد. یکی 17. PxP و دیگری 17. CxP می باشد و تشخیص این نکته که گرفتن با اسب پیچیدگیهای فراوانی را به همراه دارد

اسمیسلوف با انتخاب این راه پیروزی سریعی هم به گونه زیر نصیصش گردیده است:

20.TxP

البته کرس در عوض این حرکت می توانست به طریق ذیل مبارزه را به تساوی بکشاند:

20.Dg4 c3 21.FxP TxF 22.TxT DxP
23.DxD FxD 24.Tc7 PxT 25.TxF

ولی او که قصدش فقط پیروزی بود راه فوقرا دنبال نمی کند و گیم به گونه زیر ادامه می یابد:

20...c3! 21.Dc1! DxP 22.Dh6
Tfd8 23.Fc1 Fg7 24.Dg5 Df6 25.
Dg4 c2 26.Fe2 Td4 27.f4 Td1+
28.FxT Dd4+

سفید تسلیم می شود.

از مثال فوق می توان نتیجه گرفت که در برخی مواقع با در نظر گرفتن پاره ای شرائط از قبیل احتمال تنگی زمان و عدم لزوم به خطر انداختن پوزیسیون و غیره باید اصولاً از تجزیه و تحلیل کردن واریاسیونهای پیچیده و مشکل اجتناب ورزید. مخصوصاً هنگامی که حرکت بی خطری را به عنوان ذخیره (رزرو) در اختیار دارید، ولو اینکه خیلی بهتر هم نباشد، مصلحت ایجاب می کند که

نیز بد است:

22.Dh8+ Re7 23.Td7+Rf6

24.Dh5 g6 سیاه با برتری مسلم

B- 19.PxC!

در اینجا موضوع قربانی وزیر مطرح است و کرس وقت فراوانی را صرف کرد:

19...TxD 20.PxF

در این موقعیت کرس نوشت «حقیقتاً من نمی‌توانستم تمامی انشعابهای واریاسیونهای پیچیده‌ای که وجود دارد تجزیه و تحلیل کنم» انگاه آنچه را که هنگام مطالعه این پوزیسیون واقعاً دیده بود چنین شرح می‌دهد:

I- 20...T×T 21.T×T Fd8 (یا

21...Te8 22.Tc8 Da4 23.g3

Dd7 24.Ff5 سفید با پیروزی

22.Tc8 Dd6 23.g3 T×F 24.Fe4

سفید پیروز خواهد شد.

II. 20...Tce8 21.F×F (نه اینکه

21.Tc8? F×F! 22.Tdd8 Dc1+!

23.T×D T×T 24.Tc8 Tee8)

21...P×F (21...D×F 22.

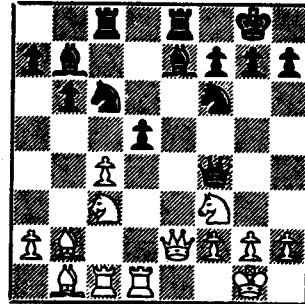
Tc8 De6 23.Tdc1

و در اینجا وضع سیاه خوب نمی‌شود،

همچنین اگر:

21...Db8 22.Cd4!) 22.Tc8 Rg7

23.b8=D D×D 24.T×D T×T 25.g3



دیاگرام (48)

چندان مشکل نمی‌باشد. در صورتیکه گرفتن با پیاده بیشتر وضع را به سوی پوزیسیونی آرام سوق می‌دهد. تجزیه و تحلیل دنباله راه نخست برای کرس مستلزم صرف وقت فراوانی است زیرا در اینجا پس از دنباله اجباری:

17. C×P C×C 18.P×C Ff6!

بشرط آنکه از ادامه 17...Dh6 18.Te1 که متضمن برتری سفید است صرفنظر کنیم واریاسیونهای زیر باید مورد آزمایش قرار گیرند:

A- 19.Dc2 F×F 20.P×C F×T! 21.

D×P+ Rf8 22.P×F Tcd8

و یا ممکن است:

22.Td7 Dh6

همراه با پیروزی سیاه و همچنین ادامه زیر

البته در این انشعاب برتری سفید انقدرها چشم گیر نیست که بتوان گفت برای پیروزی کافی می باشد.

بدون تردید کرس با دشواری فراوان به گونه ای بسیار ژرف تجزیه و تحلیلهائی را به عمل آورد و گرچه پس از تعویض اسب در d5 سفید در همه واریاسیونهای ممکنه برتری نصیبش نمی شد اما می خواهیم بدانیم آیا استاد بزرگ با تجربه هنگامی که با چنین وضعی مواجه شود چه خواهد کرد؟

کرس با واقع بینی چنین تفسیر می کند: «با وجود آنکه تجزیه و تحلیلهای نشان می دهد که حرکت 17.C×P برای سفید وضع بهتری را ایجاد می کند، معذک پیچیدگی ذاتی واریاسیونها ایجاب می نماید که حرکت 17.P×P را ترجیح داده و عملاً برای ادامه انرا مناسبتر بدانم.»

اینک می پردازیم به متن ادامه اصلی که در مسابقات انجام پذیرفته است:

17.P×P Cb8 18.Td4 Dd6 19.Tcd1 Ff8 20.Ce4 C×C 21.T×C T×T 22.D×T Dh6 23.Cg5!

چنانچه می بینیم سفید حمله پیروزمندانه ای بدست آورده است. ذیلاً ادامه کار را برای خوانندگانی که علاقمندند شرح خواهیم داد:

چنانچه ملاحظه می شود مرحله پایانی به نفع سفید است.

III- 20...Tb8 21.Fe5! T×F 22.C×T g6

واضحست اگر بجای این حرکت سیاه ادامه زیر را انتخاب می کرد به شکستش منجر می گردید:

22...D×C 23.Tc8+De8 24.Tdc1! Fe5 25.T×D+ T×T 26.Te1!

چنانچه ملاحظه می شود این راه به نفع کامل سفید است. حال مجدداً برمی گردیم به ادامه واریانت اخیر:

23.Cd7 T×P 24.g3!

به این ترتیب سیاه فیل خود را از دست خواهد داد زیرا در قبال:

24...Df3 25.Fe4!

سفید علاوه بر برتری مادی حمله جالبی نیز در اختیار می گیرد.

IV- 20...Tf8 21.Fa3 (21.F×F D×F 22.Tc8 Tee8 23.b8=D T×T 24.D×a7 Db2

(سیاه بعد کافی متقابلاً امکاناتی دارد

21...Fe7 22.F×F 22.Tc8 (یا 22... F×F 23.Tdd8 Dc1+!) 22...

(F) 23.Tc8 g6 24.b8=D D×D 25.T×D T×T

یا حتی گیم های کاملی هم یافت می شوند که در انها تجزیه و تحلیل اهمیتش را از دست می دهد و در عوض قضاوت پوزیسیونی، یا ارزیابی کلی، به عنوان بهترین وسیله می تواند مورد استفاده قرار گیرد. در يك چنین حالاتی اتكاء استاد بزرگ معمولاً به کیفیت و یا خصلتی است که بر اثر تجارب شخصی انرا در خویش خویش پرورانده و تکامل داده است و ما انرا فهم یا قضاوت پوزیسیونی می نامیم. حال، چگونه می توان تشخیص داد که کدام يك از پوزیسیونها نیاز به قضاوت دارند و کدام دسته را باید به انالیز سپرد؟ من عقیده دارم پاسخ در این خصوص را هر کس خودش می تواند درك کند. معمولاً چگونگی و خصوصیات هر پوزیسیون بستگی کاملی به طبیعت بخش آغاز گیم مربوطه دارد. مثلاً هنگامی که پوزیسیونی بسته است و هیچگونه تصادم فوری بین قوای طرفین وجود ندارد انتخاب بهترین حرکت طبعاً براساس قضاوت پوزیسیونی صورت می پذیرد که عاملی است قطعی در تعیین سرنوشت. ولی، چنانچه مرحله شروع به گونه ای انتخاب شود که سریعاً حملات به اصطلاح دست به دست گردند، نگاه ایجاب می نماید که بطور مداوم به تجزیه و تحلیل پرداخت.

23...Fd6 24.h4! Cd7 25.Df5 Cf6
26.F×C P×F 27.C×f7 Dc1 28.D×P+
Rf8 29.C×F D×T+ 30.Rh2 D×P 31.
C×F De5+ 32.g3 Tc7 33.Dh8+Rf7
34.h5 T×C 35.Dh7+ Re6 36.D×T
D×h5+37.Rg2

سیاه تسلیم می شود.

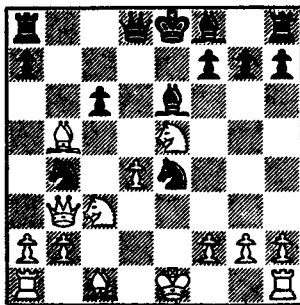
تجزیه و تحلیل یا قضاوت در پوزیسیونها؟

تاکنون ضمن مطالعه در خصوص روش انالیز پوزیسیونها، دیده ایم که در برخی موارد بازیکن هنگامی به پیروزی می رسد که با ژرفانگری بتواند ریزه کاریهای پیچیده واریانتهای مربوطه را تشخیص دهد. زیرا طبیعت این پوزیسیونها چنین حکم می کند.

علیهذا، به علاقمندانی که هدفشان رسیدن به مقام استاد بزرگی می باشد، مؤکداً توصیه می کنیم که باید از عهده تجزیه و تحلیل دقیق برانند. زیرا سرنوشت بسیاری از مبارزه ها به گونه ای قطعی در گرو همین عمل انها می باشد. هر چند که علیرغم موضوع مورد بحث در فوق لازم است متذکر شویم، برخی از پوزیسیونها و

نیاز به تقویت دارد مورد توجه قرار می‌دهد. اجمالاً طرز تفکر و اندیشه‌هایی که بعمل می‌آید براساس ملاحظات عمومی پی‌ریزی می‌شود، بدون اینکه تجزیه و تحلیلی واقعی صورت پذیرد. نمونه‌ای کاملاً مخالف را در دیاگرام (50) می‌توانیم ملاحظه کنیم که از شروع بازی زیرین به دست آمده است.

1.d4 Cf6 2.Cf3 d5 3.c4 Ff5 4.
Db3 Cc6 5.Cc3 e5 6.cxd Cb4 7.
e4 Cxe4 8.Fb5+ c6 9.dxc bxc
10.CxP Fe6

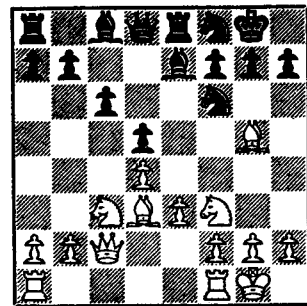


دیاگرام (50)

در پوزیسیون حاصل که نتیجه ایست از مبارزه بلاونتس - لیزیتسین (Belaventes - Lisitsyn) در دهمین مسابقات قهرمانی شوروی ۱۹۳۷، در اینجا به اسانی می‌توان دریافت که چنانچه یکی از طرفین بخواهد

اکنون برای روشن شدن مطلب به ذکر دو مثال از مرحله شروع می‌پردازیم:
ابتدا از گامبی Queen's Gambit آغاز می‌کنیم:

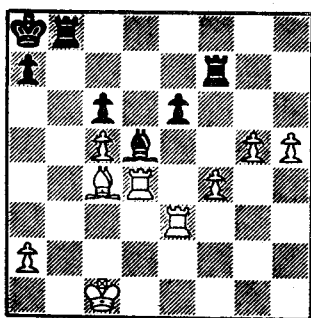
1. d4 d5 2.c4 e6 3.Cc3 Cf6 4.PxP
PxP 5.Fg5 c6 6. e3 Fe7 7.Fd3 0-0
8.Cf3 Cbd7 9.Dc2 Te8 10.o-o Cf8



دیاگرام (49)

همانطور که در دیاگرام شماره (49) ملاحظه می‌شود پوزیسیون حاصل از این مرحله شروع در وضع حاضر نیازی به تجزیه و تحلیل ندارد و ائتلاف بیهوده انرژی محسوب می‌شود. معمولاً در چنین پوزیسیونهایی یک استاد بزرگ امکان حرکت هر سوار و همچنین ضعفهایی را که می‌توان در جبهه حریف ایجاد کرد و بعلاوه نقاطی را که در پوزیسیون خودش

صحیح، بدون نیاز به تفکر دقیق و ژرفانگری، در همین فضل و دانش نهفته‌اش اندوخته شده است و بس.



دیاگرام (51)

در دیاگرام شماره (51) از پیکار الخین - فلور (Alekhine - Flohr) نوتینگام سال ۱۹۳۶، هم اکنون نوبت حرکت الخین است او بی‌درنگ حرکت 46.TxP! را انجام می‌دهد و چنین تفسیر می‌کند: «این یکی از ترکیب‌هایی به شمار می‌آید که بازیکن با تجربه نیازی به تجزیه و تحلیل پوزیسیون تا باخر ندارد زیرا باید بداند که پیاده‌های جناح شاه اجباراً راه خود را تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهند داد.» بدیهی است هنگامی که چنین زرادخانه‌ای از دانش شطرنج داشته باشید می‌توانید با اطمینان حوادث را پیش‌بینی کنید.

فقط با دیدی کلی عمل کند دیر یا زود ممکن است سواری را از دست بدهد و تنها روش اساسی که در يك چنین پوزیسیونی می‌توان بکار برد همان تجزیه و تحلیل است که باید بگونه‌ای دقیق و باخونسردی کلیه امکانات و نکات ظریف و مرموز را مورد بررسی قرار داد.

با مطالعه این فصل، امیدواریم که دیگر در مواردی که امکان دارد بهترین حرکت را از طریق قضاوت و ارزیابی پوزیسیونی معلوم نمود درصدد تجزیه و تحلیل برنمایند. ولی در حالت عکس یعنی هنگامی که رزمندگان سیاه و سفید آماده کارزار گردیده و بجان یکدیگر افتاده‌اند دیگر نمی‌توان در عالم خیال خود را سوار بر ابرها تصوّر نمود بلکه باید دقیقاً چنین پوزیسیون‌هایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

یادآوری آخرین نکته .

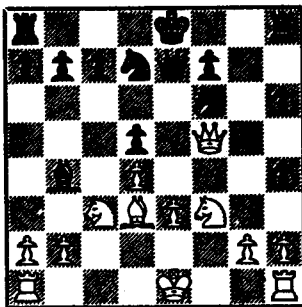
تجربه و تجزیه تحلیل مداوم واریاسیون‌های گوناگون موجب تکامل گنجینه دانش و معرفت بازیکن می‌گردد و به ذهن انچنان قدرت و حدتی می‌بخشد که با يك نگاه اجمالی سریعاً می‌تواند هر پوزیسیونی را ارزیابی کند. در حقیقت رمز تبحر و توانائی استاد بزرگ در سرعت تشخیص و انتخاب حرکت

ایا می توان به حریف اعتماد کرد یا خیر؟

در گرماگرم کارزار اغلب اتفاق می افتد که يك استاد بزرگ با موقعیتی به گونه زیر مواجه می شود: پس از انجام عمل تجزیه و تحلیل روی پوزیسیونی، بین حرکات کاندیدا به عنوان بهترین پاسخ یکی از آنها نسبتاً دلپذیرتر به نظرش جلوه می نماید. اما برای آنکه چنین حرکتی بتواند به پیروزی بیانجامد، نکته ای خدعه امیز وجود دارد. به این معنی که باید با تأخیر و تأمل در انجام حرکت و اجمالاً به نحوی بتواند با القاء به حریف او را وادار کند تا حرکتی خاص که مطلوب وی می باشد انجام دهد.

در چنین کیفیتی است که تشویش ناشی از تردیدها آغاز می گردد، زیرا نمی تواند به طور قاطع تصمیم بگیرد که ایا بایستی بلادرنگ حرکت مورد نظر را انجام دهد یا باید با صبر و حوصله گام بردارد؟ بسیاری عقیده به تأمل کردن دارند. زیرا برای حصول به پیروزی چنانچه اشاره شد، حریف باید دنبال نوعی پاسخ دلخواه شما برود. حال اگر او به طرح زیرکانه شما وقوف یابد مسلماً از واگذاری امتیاز

مطلوب خودداری خواهد کرد، ولی شانس هم وجود دارد! در چنین موقعیتهائی فقط مغز و اندیشه نیرومند قادر است که در مقابل وسوسه درونی مقاوت ورزیده و با متانت هم اهنگ با خواست واقعی پوزیسیون حرکت را انتخاب کند. محققاً آنها که از شخصیت و منش ضعیفتری برخوردارند، به دنبال آزمایش شانس خویش خواهند رفت. ذیلاً مثالی از اینگونه ضعف را همراه با بررسی پوزیسیون دیاگرام شماره (52) در بازی راگوزین - لوان فیش (Ragozin - Levenfish) (مسابقات استادی سال ۱۹۲۲) به عنوان هدیه ای پر ارزش در جهت روشن کردن مطالب بالا خواهیم دید:



دیاگرام (52)

چنانچه دیدیم در هر دو واریاسیون بالا سفید با يك پیاده کمتر وارد بخش پایانی بازی می‌گردد، اما من دنبال برتری بیشتر و راه سریعتری براساس ترکیب زیر می‌رفتم:

13...Cg4 14.DxC DXP+15.Fe2 FxC+ 16.PxF DXP+17.Rf2 Cf6 18.Df4 Ce4+

که مات فوری و اجباری سفید را همراه دارد هرچند که ممکن است سیاه پاسخی دیگر به گونه زیر انتخاب کند،

13...Cg4 14.0-0 DXP+15.Rh1 FxC 16.PxF Cf2+ 17.TxC DXT 18. Te1+ Rd8 19.Dxf

و چنانچه ملاحظه می‌شود اکنون این سفید است که می‌تواند پیروز شود نه سیاه. به همین سبب درصدد برآمدم حرکتی را انجام دهم که امکان به وجود آمدن ترکیب مورد نظر را در هر حال میسر سازد، ولو آنکه سفید به پاسخ قلعه رفتن 0-0 نیز متوسل شود.»

بر همین اساس او حرکت 13...h3 را به انتظار دریافت پاسخ غریزی سفید که 14.g3 پیش‌بینی می‌نمود انجام می‌دهد. چنانچه دیدیم لوان فیش همه امیدش بستگی به امکان حرکت Cg4 داشت مشروط بر آنکه سفید در آخر کار فرصت

لوان فیش که هم اکنون باید حرکت سیزدهم سیاه را انجام دهد در این پوزیسیون واریاسیونهای زیر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

A. 13...DXP+ 14.Rf1 FxC 15. PxF Ce4! 16.FxC PxF 17.Te1 Dd3+ 18.Rf2 0-0-0 19.Dxe4 Dxc3 20.Tb1 Cb6 21.Thc1 Da3

در نتیجه پوزیسیون بهتری برای سیاه پیش‌بینی می‌شود

B. 13...DXP+ 14.Rf1 FxC 15. PxF Rf8!! 16.Te1 Cg4! 17. Ce5 CdxC

(با انجام این حرکت معلوم می‌شود که به چه علت سیاه از قلعه بزرگ صرفنظر کرده و شاه را حرکت داده است)

18.PxC Te8 19.h3 DXT+

و سیاه پیروز خواهد شد.

خوب چه چیزی بیش از این می‌توان انتظار داشت؟ سیاه با گرفتن پیاده e3 از دو راه مختلف می‌تواند برتری لازم را کسب کند. ولی در عمل ظاهراً لوان فیش اینگونه برتری را برای خود کافی نمی‌داند و حرکت ضعیفتر: 13...h3 را انجام می‌دهد و سپس اشتباه خویش را متعاقباً چنین تفسیر می‌کند: «بوی آماده شدن غذا اشتها را بیشتر تحریک می‌کند!

گرفتن پیاده f را با وزیرش نداشته باشد. اما آیا او فکر کرده بود که اگر سفید حرکت چهاردهم را به گونه دیگری انجام دهد چه خواهد شد؟ البته سفید به امید اینکه راگوزین محققاً نخواهد توانست تمامی ظرافتکاریهای پوزیسیون را ببیند، نزد خود می‌اندیشید که این اتفاق رخ نخواهد داد و به زودی سفید با انجام 14.g3 شکست را خواهد پذیرفت. لیکن برخلاف انتظارش این حرکت انجام نگردید!

اکنون، با توجه به مثال فوق و اشتباهی که در قضاوت مشاهده گردید انتظار انرا داریم که قانون زیر را همواره در مدنظر داشته باشید:

هرگز به اتکاء امکان اشتباه حریف حرکت خود را انتخاب نکنید. چه بسیار گیم‌های خوبی را می‌توان یافت که به سبب بی‌اعتنائی به قانون فوق به تباهی کشانده شده‌اند، زیرا بازیکن تحت تاثیر وسوسه پیروزی سریع راه خود را گم کرده است!

اکنون حالت دیگری را در نظر می‌گیریم. فرض کنید حریف برای انجام حرکتی نیمساعت وقت صرف کند و آنگاه پیاده ایرا برای قربانی عرضه نماید، آیا انرا خواهید گرفت یا نه؟ در پاسخ باید گفت اگر

خواسته باشیم از نقطه نظر تئوری و محکم کاری پیش رویم، لازمه اش آنست که متقابلاً مانند حریف با صرف وقت مناسب صحیحاً جميع امکانات را تا به آخر مورد ملاحظه قرار دهیم. انهم چنانکه می‌دانیم فقط با تجزیه و تحلیل می‌توان پاسخ صحیح را بدست آورد. گرچه در عمل اغلب بازیکنان به گونه‌ای دیگر با این مسئله روبرو می‌شوند. یعنی به قضاوت حریف اعتماد می‌کنند، انها استدلالشان آنست که چون حریف پس از تفکری طولانی پیاده را اهدا کرده است لذا باید عملش صحیح باشد، او قطعاً همه امکانات را بررسی کرده و چیزی دیده است. حال با این مقدمه چرا باید منهن نیم ساعت از وقتم را هدر دهم و آخر کار هم بعد از همه زحمات به این نتیجه برسم که عمل حریف درست بوده است؟ پس آیا این بهتر و ساده‌تر نیست که از هم اکنون با اعتماد به حریف لااقل در وقت صرفه‌جویی کنیم؟ در چنین موقعیتی اگر برحسب تصادف حریف را خوب می‌شناسید، ضابطه‌ای را که ذیلاً بیان خواهد شد می‌توانید اجرا کنید. آیا او چگونه بازیکنی است؟

اگر خوب می‌دانید و اطمینان دارید که حریف در امر تجزیه و تحلیل خیلی دقیق است محققاً می‌توانید بدون زحمت از

گرفتن پیاده صرف نظر کنید. ولی اگر او بازیکنی است که پای بند اصول منطقی نمی باشد و عاشق ایجاد پیچیدگی و ریسک است و یا اگر تشخیص دادید که وی به اصطلاح اهل زیاده روی (بلوف Bluffing) می باشد، نگاه شما بایستی تجزیه و تحلیلش را بررسی کنید، مشروط بر اینکه وقت کافی ذخیره داشته باشید. اگر در رسیدگی کاملی که به عمل می آورید به این نتیجه رسیدید که قربانی پیاده حریف صحیح نمی باشد، در چنین وضعی هدیه ایست سودمند!

اصولاً، در چنین حالتی به حریف نباید اطمینان کرد و خودتان رسیدگی کنید. ولی اگر با شناخت کاملی که از او دارید می دانید از لحاظ تحلیلی قدرتمند می باشد، نگاه می توانید با اعتماد به حریف، از لحاظ وقت صرفه جوئی کرده، این فرصت گرانبها را برای آینده ذخیره کنید.

اکنون می پردازیم به آخرین مطلبی که در این فصل می توان یادآوری کرد.

دیر زمانی بود که برای بسیاری از بازیکنان محرز شده بود که همواره اندیشه حرکت صحیح همان چیز است که بلافاصله پس از انجام یافتن حرکت حریف در ذهن نقش می بندد. این عمل

ناخودآگاه را بینش شطرنجی می دانند که بر اثر تجربه گسترش می یابد و پس از سالها شرکت کردن در مسابقات تکامل یافته فورم و ویژگی لازم را به خود می گیرد.

نظریه شخصی من حکایت از آن دارد که هرگاه حرکتی را از روی اکراه و با بی رغبتی انجام دهم، یعنی طوری باشد که برای انجام دادن آن به اصطلاح دست و دلم به سوی آن حرکت نزود، اغلب نتیجه اش اشتباهی قطعی از کار درمی آید. طبیعی است که در چنین مواردی شما نیز به خوبی عکس العملهای خود را می شناسید.

ایا دست شما هوس انجام حرکتی را کرده است که نتیجه اش از لحاظ پوزیسیونی پاسخ درستی از کار درآید؟ در چنین کیفیتی شما حق دارید به این انگیزه تکیه کنید. در اینجا مجدداً یادآوری می کنم که این نظریه محصول تجربه است. اولین عکس العمل و تمایل شما به دست بردن برای انجام حرکتی بدون انالیز درواقع محصولی است از نوعی اندیشه کاملاً اختصاصی. در مجموع می توان گفت، به چنین انگیزه نهانی که شما را به انجام کارهایی وادار می کند می توان اعتماد کرد، ولی در حد معینی و مشروط.

تنگی زمان

هنگام برگزاری مسابقات معمولاً يك استاد بزرگ ساعتها با آرامی پشت صفحه شطرنج در میانه سالن مسابقات می نشیند و در افکار خود غوطه ور است. البته در مواقعی که نوبت به او می رسد، مهره ای را حرکت داده و پاندولش را متوقف می سازد. سپس، مجدداً آرامش خود را تا نوبت بعدی حفظ می کند.

چنین حالتی مربوط به مرحله آغاز مسابقه است، لیکن با پیشرفت زمان و نزدیک شدن بخش پایانی، نوعی احساس تنش و فشار فضای سالن را پر می کند. تماشاچیان تحریک شده به نظر می رسند، مسئولان امور به ریزنی و مشورت می پردازند، بازیکنان دچار حالتی عصبی می شوند. تمامی اینها نشانه ایست از نزدیکی به مرحله تنگی زمان که انرا جالبترین و در عین حال اندیشناکترین دوران مبارزه می توان دانست. در همین هنگام است که معمولاً تکلیف و سرنوشت بازیکنان روشن می گردد، بیشتر اشتباهات نیز در همین زمان به وقوع می پیوندد. به طور خلاصه تنگی زمان در حقیقت دقائق بسیار ناگوار و آزاردهنده گیم به شمار

می آیند.

هنگامی که بیدق روی ساعت بالا می رود که نمایشگر دقائق کوتاهی از پایان وقت تعیین شده است، هرگاه تعداد حرکات باقیمانده قابل توجه باشد، کمتر بازیکنی می تواند بر اعصاب خود مستولی بماند. بسیاری از بازیکنان قوی کنترل اعصاب خود را از دست می دهند. مثلاً رشوفسکی، روی صندلیش بالا و پائین می جهد و با خودش نجوا می کند و با وحشت و هراس ساعت را برانداز می کند.

البته این حالت عمومیت ندارد و بعضی حقیقتاً عکس انرا عمل می کنند و از انجمله می توان برونشیتن را نام برد که حتی در سخت ترین و هولناکترین تنگی زمان نه فقط حرکات را ثبت می کند بلکه زمان مصرف شده را نیز در هر نوبت برای هر بازیکن یادداشت می نماید. (استاد صفوت قهرمان پیشین ایران برای سیگار حریف فندك هم روشن می کرد - مترجم) به هر تقدیر تنگی زمان (Zeitnot) فرصتی است مختص اشتباهات بزرگ. حال ایا با وجود آنکه تشخیص می دهید در فرصتی بسیار کوتاه باید تصمیمهای قاطعی اتخاذ کنید، گله و شکایت کردن منطقی است؟ انهم در وضعی که هیچکس گوش نخواهد کرد و هیچ داوری قادر نخواهد بود که

نتیجه کار را در جدول مسابقات تغییر دهد.
(حتی هنگام ثبت امتیاز در جدول
اشاره ایهم به تنگی زمان نمی شود -
مترجم)

من توصیه می کنم که خود را به گونه ای
پرورش دهید که بتوانید در تنگی زمان در
مقابل اشتباهات ممکنه و حتی وضع
بحرانی، حالتی جدی و مقاوم به خود
بگیرید، چنانکه الخین درخصوص یکی از
حرکاتش ضمن مبارزه بر علیه تیلور
(نوتینگهام سال ۱۹۳۶) چنین یادداشت
کرده است. «حرکتی است موخش. به
عقیده من توجیه اینکه سفید در تنگی زمان
چنین اشتباهی را مرتکب شده است،
بی شباهت به ادعای قاتلی نمی باشد که به
قاضی اظهار دارد، هنگام خیانت مست
بوده است. خلاصه، درماندگی يك استاد با
تجربه در مقام از عهده برنیامدن با مسئله
زمان و پاندول و اشتباه ناشی از آن،
درست مانند آنست که در تجزیه و تحلیل
سهو کرده باشد.» بنابراین خوب به خاطر
بسپارید! درواقع تنگی زمان برای بازیکن
يك آزمایش و محکی به شمار می آید، من
در دوران خود انواع عکس العملهایی
عصبی و رفتارهای غیر عادی را دیده ام.
از جمله موارد جالب موضوع داوری بود
که در یکی از مسابقات کنترل اعصابش را

از دست داده بود و خطاب به بازیکن
می گفت: «با چنین سرعتی بازی نکن، من
نمی توانم انرا دنبال کنم!»

همچنین به خاطر می اورم، در کلوپ
شطرنج مسکو دو بازیکن درجه يك در
تنگی زمان آن چنان مهره ها را روی صفحه
شطرنج می کوبیدند که بر زمین می افتاد و
چنین می نمود که آنها بازی پرتاب حلقه
روی میخ (Skittles) را انجام می دهند نه
شطرنج! یکبار دیگر استاد مازل (Mazel)
هنگام مسابقه ناگهان نوشتن خود را قطع
کرد و سعی داشت از ورقه ثبت حریف
دریابد که آیا تعداد حرکات انجام شده به
حد نصاب رسیده است یا خیر. ولی
حریفش کویایف (Kopayev) که از این
بابت ناراحت شده بود، ورقه ثبت حرکات
را زیر میز پنهان نمود و هنگامی انرا
مجدداً نمایان کرد که ماندل بایستی حرکت
پنجاه دوم را انجام دهد و سواریهیم درگیر
داشت. درواقع زمان کنترل مرحله دوم
نزدیک شده بود.

خلاصه، چه بسا اتفاقاتی عجیب و
صحنه هایی تأثرآور که در چنین مواقعی به
وقوع می پیوندند! حال ببینیم بهترین روش
در تنگی زمان چیست؟ و آیا چه اندرزی
می تواند مفید واقع شود؟ گرچه این خود
مبحثی است سنگین که می توان کتابی

مفصل در خصوص ان به رشته تحریر درآورد معذک در اینجا نیز وظیفه خود می‌دانیم که توجه لازم را به این مسئله اختصاص دهیم:

با نزدیک شدن مرحله تنگی زمان رفتار و چگونگی اندیشیدن بازیکن تغییر می‌یابد. او بجای مسائل کلی بیشتر به اصطلاح يك حرکتی فکر می‌کند یعنی فقط حرکت بعدی، یا همانطور که برونشیتن تعبیر می‌کند، با نزدیک شدن تنگی زمان بیشتر متوجه تاکتیک می‌شویم و کمتر به استراتژی می‌پردازیم. فراموش نکنید که او در این موضوع موجودی استثنائی به شمار می‌آید و در بسیار از تنگناهای زمان پوزیسیون را به نفع خویش چرخانده است.

شاید بتوان گفت مسئله اساسی در این مرحله حفظ و کنترل اعصاب است. البته این چیز است که همه کس نمی‌تواند آنرا داشته باشد، به همین سبب بعضی از بازیکنان ماهر و زیرک عمداً هنگامی که پوزیسیون مشکلی دارند شتابان به سوی این مرحله می‌روند. آنها امیدوارند که حریف بر اثر اضطراب و یا بهتر بگوئیم دستپاچه شدن دچار اشتباه گردد. حال در يك چنین کیفیتی است که باید توجه داشت و بر علیه يك چنین بازیکنانی تاکتیک‌هایی

مناسب اختیار نمود و از وضع حاصل با متانت بهره‌برداری کرد.

البته تا حدی کمبود وقت حریف در شما هم تاثیر خواهد داشت. زیرا چگونه می‌توانید آرامش خود را حفظ کنید هنگامی که می‌بینید حریفی که جلوی شما نشسته است در حال پیچ و تاب است و مثلاً گوشه‌هایش را چسبیده و روی صندلیش بالا و پائین می‌جهد؟ در اینخصوص من با اسمیسلوف که در مقابل رفتار چنین حریفانی معمولاً شیوه دفاعی ثابت و یکنواخت خودش را حفظ می‌کند وارد مذاکره شدم و مشکل خود را در قبال روشهای نامناسب بعضیها با او در میان گذاردم. اضافه کردم که من نمی‌توانم منظره و قیافه رشفسکی و پیچ و تاب خوردنش را در تنگی زمان که درست بهمانند اینکه او را در ماهی‌تابه سرخ می‌کنند ناراحت است تحمل کنم. او در پاسخ چنین گفت: «در این هنگام اگر فرصت داری بهتر است از پشت میز مسابقات کنار بروی و کمی قدم بزنی و بگذاری او خودش به تنهایی رنج خود را تحمل کند و وقتی که نوبت حرکت رسید مجدداً برگردی و سپس همین عمل را تکرار کنی.» من این روش را آزمایش کردم هرچند که کمی مستلزم اتلاف وقت

می باشد ولی حاصلش کمکی است شایان توجه.

بعضی از بازیکنان دلیل می آورند که باید از کمبود زمانی حریف بهره برداری کرد. لذا، خود نیز سریع بازی می کنند تا حریف نتواند از زمان فکر آنها استفاده نماید. به این منظور راهی را انتخاب می کنند که حریف شانس استفاده از فرصتی که ساعتش کار نمی کند نداشته باشد. با توجه به اینکه می دانند سریع حرکت کردن عاقلانه نیست زیرا خطر یا ریسک اشتباه کردن را همراه دارد لذا تلاش به عمل می آورند واریاسیون طولی را برگزیده و پس از بررسی آن حرکات مربوطه را سریع انجام دهند، به امید اینکه حریف را در تنگنای وقتش به دام اندازند. غافل از آنکه چنین روشی که در هر وحله چند حرکت سریع صورت پذیرد خالی از اشکال نیست و اغلب چنین روشی موجب سرگردانی و اشتباه بازیکنی می شود که زمان بیشتری را در اختیار دارد.

طبعاً مسئله مهمتر هنگامی پیش می آید که شما دچار تنگی و فشار زمان هستید نه حریف. در چنین موقعیتی قبل از هر چیز باید بدانید چند حرکت را انجام داده اید و چند حرکت مانده است که باید در فرصت باقی مانده تا زمان کنترل انجام دهید؟ البته

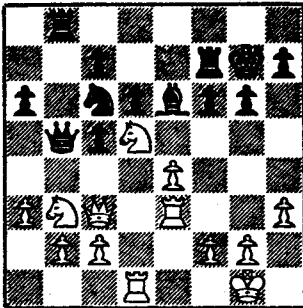
توجه دارید که در این مورد شخصاً باید حساب حرکات را داشته باشید و قانون مسابقات اجازه نمی دهد که از دیگران کمک بگیرید.

بعضی از بازیکنان مبتکر در این قبیل مواقع برای شمارش حرکات باقی مانده شیوه های خاصی بکار می برند. مثلاً به تعداد حرکات باقی مانده مهره های خارج صفحه را ردیف می کنند و پس از هر حرکت یکی از آنها را کنار می گذارند. این روش در عمل گاهی با فراموش کردن در کنار گذاردن مهره ممکن است اشتباه محاسبه ای را بوجود آورد و تعدادی بیش از حد لازم حرکت انجام دهید؟!

بعضی اوقات روی ورقه ثبت حرکات علاماتی می گذارند که راهنمای آنها در استفاده از زمان می باشد. مثلاً برای ۳۰ حرکت دو ساعت و برای ۳۵ حرکت دو ساعت و یکربع وقت معلوم می کنند ولی در عمل این دسته نیز از چنین آموزشی که به خود داده اند پیروی نمی کنند و طبق معمول ممکن است دچار تنگی زمان بشوند. تنها توصیه ای که من می توانم بکنم آنست که سعی کنید هرگز دچار تنگی زمان نشوید، حال اگر در چنین موقعیتی قرار گرفتید طوری خود را آموزش و تمرین دهید که بتوانید طوری عمل کنید

است. خوانندگان در ذیل هر دیاگرام مورد سؤال و آنچه را که باید انجام دهند ملاحظه خواهند نمود و بدون نیاز به هیچگونه کمک خارجی می‌توانند هر يك از پوزیسیونها را عمیقاً تجزیه و تحلیل نموده و فقط پس از انجام کار نتیجه را با آنچه که در آخر کتاب یادآوری گردیده مقایسه نمایند.

من آنها را از پوزیسیونهای معروف برگزیده‌ام که در کتابهای مسابقات و یا گیمهای اختصاصی جمع‌آوری و ثبت گردیده است. - تاریخچه‌های بدون کلام - نقل از ترجمه فرانسه.



دیاگرام (53)

ایا سفید می‌تواند ادامه زیر را دنبال کند؟

1. Cxc7 Txc2 2. TxP

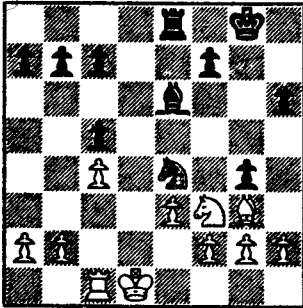
مانند آنکه کمبودی ندارید. چنانچه حریف شما دچار تنگی وقت می‌باشد، سعی کنید انرا هم فراموش کنید و انچنان کار را ادامه دهید که در موارد عادی عمل می‌کنید.

مجدداً تکرار می‌کنم، هرگاه با تنگی زمان مواجه شدید، آرامش خود را حفظ کنید و هر حرکت را به طور کامل بنویسید و واریاسیونها را با روش همیشگی دنبال کنید، منتها با سرعتی بیشتر.

بعضی در چنین موقعیتی آماده واکنش می‌باشند، شما چطور؟ من فقط می‌توانم یادآوری کنم که بهترین بازیکنان جهان به مانند قانونی در تنگی زمان ان چنان عمل می‌کنند که انگار کمبود وقت ندارند. بنابراین توصیه می‌کنم که روش آنها را سرمشق قرار دهید.

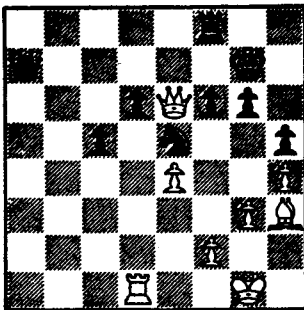
تمرین‌ها

به منظور اینکه خوانندگان شانس انرا داشته باشند که قدرت خود را در تجزیه و تحلیل و پیدا کردن حرکات کاندیدا پرورش داده و آزمایش نمایند تمرینهای که درواقع بهتر است آنها را «ترانه‌هایی بدون کلام» بنامیم؛ درنظر گرفته شده



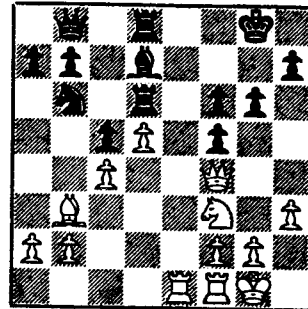
دیاگرام (56)

اسب خانه f3 به پنج خانه می تواند برود
کدام يك بهترین حرکت است؟ نتیجه را با
واریاسیون مربوطه دنبال کنید.



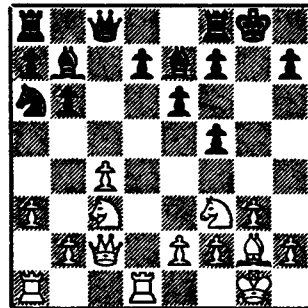
دیاگرام (57)

سفید حرکت 1.Ff1 را انجام داده است آیا
نمی توانست با انجام 1.Dxd6 و یا 1.TxP
خودش را نجات دهد؟



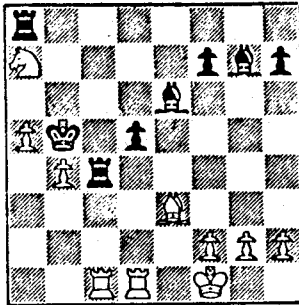
دیاگرام (54)

ایا حرکت فعالانه 1.Cd4 موجب پیروزی
قطعی می شود؟



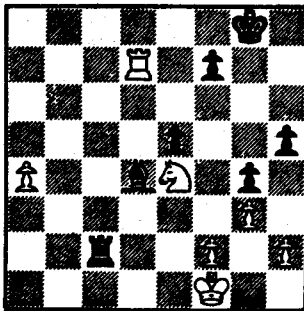
دیاگرام (55)

حرکت 1.b4 آیا از لحاظ پوزیسیونی به
نفع سفید است و آیا سیاه پاسخی برای رد
ان دارد؟ بعضی واریاسیونها را شرح
دهید.



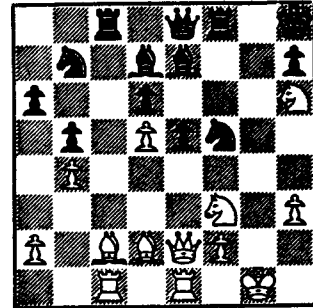
دیاگرام (60)

سیاه حرك اشتباهی $1...R \times P?$ را انجام می‌دهد آیا او می‌توانست با حرکت $1...Ra4$ خود را نجات دهد؟



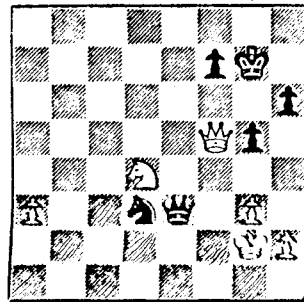
دیاگرام (61)

ایا سفید می‌تواند خودش را نجات دهد؟
واریاسیونهای ممکنه را تجزیه و تحلیل کنید.



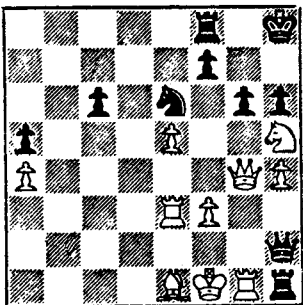
دیاگرام (58)

سفید $1.C \times P$ کرده است آیا سیاه برای جواب چه حرکتی را کاندید کرده است؟
چه واریاسیونهایی را تجزیه و تحلیل نموده است؟



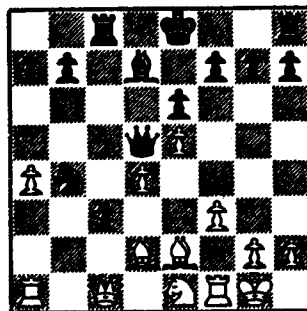
دیاگرام (59)

ایا سفید می‌تواند اسب یا وزیرش را حرکت دهد؟



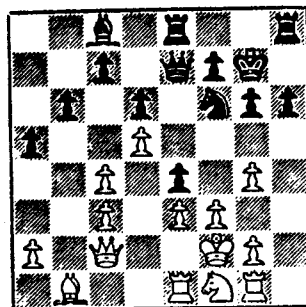
دیاگرام (64)

ایا وضع سفید پس از انجام گرفتن
حرکات زیر اطمینان بخش است؟
1. Cf6 Cf4 2. Ce4



دیاگرام (62)

بهترین حرکت را برای سیاه پیدا کنید.



دیاگرام (63)

ایا سیاه می تواند اسب خود را به گونه زیر
قربانی دهد؟

1... Cxg4

فصل دوم

قضاوت پوزیسیونی

پیش بینی کند.

اساتید شطرنج، در سهم اعظم قرن یا سده اخیر، ناچار بودند مانند عالم شیمی دان فوق در تشخیص و بررسی يك پوزیسیون از ابتکار و تجارب عملی خویش بهره برداری نمایند، چرا که مطالعات و آموزشهای پوزیسیونی ویلهلم اشتین نیتز (W. Steinitz) در دستریشان نبود. همچنین در مورد ارزیابی پوزیسیونی هم کار را براساس تجارب و روش شخصی خود که بیشتر بر پایه مقایسه ها بنا شده بود انجام می دادند. تا اینکه سرانجام اشتین نیتز به کمک اساتید جهان شطرنج شتافت و آنها را با روش خود آشنا ساخت، یعنی دستگاه تحلیلی را که قادر بود ارزیابی هر نوع پوزیسیونی را با اطمینان کافی از عهده براید ارائه نمود.

اجازه دهید مطلب را با يك همانندی یا قیاس آغاز کنیم، در زمان قدیم هنگامی که دانشمندی می خواست در زمینه علم شیمی مثلاً راجع به تجزیه و تحلیل ماده ای مطالعاتی بعمل آورده و خواص انرا کشف کند، ناچار بود عملیات مربوطه را براساس تحقیق و بینش شخصی پی ریزی نماید. زیرا در آن هنگام هنوز جدول مشهور ماندلیف در خصوص خواص عناصر کشف نشده بود تا بتواند به کمک آن بسیاری از کارها را اسان سازد. ولی امروزه با در دست بودن جدول مزبور که می توان انرا مانند سلاحی بُرنده در این راه بکار برد نه فقط امکان دارد با دقت به تجزیه و تحلیل و تعیین چگونگی ساخت و ترکیب ماده ای پرداخت، بلکه يك دانشمند قادر است بعضی پدیده های علمی را نیز

حال ببینیم آیا يك عالم شیمی دان چگونه ترکیبات يك عنصر را تعیین می کند؟ او در بدو امر وجود این و یا آن ماده را معلوم می دارد، انگاه درصدد تعیین نسبت مواد متشکله ان برمی اید.

طبقه بندی و یا تجزیه کردن به عوامل و عناصر در حقیقت روشی است که در بیشتر از رشته های علمی متداول می باشد. مثلاً در زمینه آنچه که تخصص خود من است، یعنی علم مکانیک و مهندسی مکانیک، معمولاً مشکلترین و پیچیده ترین طرحها ترکیبی است از عوامل. به همین سبب، برای يك مهندس تعلیم دیده دیگر هیچ اهمیتی ندارد که طرح ترسیم شده و کپی یا اوزالیدی که ارائه گردیده است تا چه حد مشکل و پیچیده می باشد، زیرا او با توجه به عناصر متشکله طرح و فعل و انفعاله های مربوطه، چگونگی انرا تشخیص داده و سرانجام طرح ماشین جدید را ارزیابی خواهد نمود.

امروزه يك استاد شطرنج نیز دقیقاً همین شیوه را بکار می برد، زیرا اکنون دورانی است که در تمام زمینه های دانش انسانی، تکنیک گسترش و پیشرفتی عالی پیدا کرده است. بر همین اساس برای ارزیابی يك پوزیسیون در شطرنج نیز استاد معمولاً انرا به اجزاء و عناصری طبقه بندی

می کند. یعنی او تشخیص می دهد که کداميك از سوارهای طرفین، خود و یا حریف، فعالند و کدامها غیر فعال، نقاط ضعف در کجا یافت می شوند و در کجا قوی هستند. او ستونها و قطره های باهوز را با دقت زیر نظر می گیرد، زیرا در حقیقت انها شاهراههائی هستند که از ان طریق می توان سوارها را به سوی جبهه و اردوگاه حریف روانه کرد. به طور خلاصه يك استاد باید جمیع عناصر و نقشی را که انها در پوزیسیون مفروض می توانند عهده دار شوند در محاسبه ای که بعمل می آورد مورد توجه قرار دهد. بدیهی است که این تجزیه و تحلیل عناصر مورد بحث سهم اعظم از وقتی را که برای تشخیص مراحل مختلف ارزیابی تخصیص داده شده است خواهد گرفت.

انگاه مانند همان شیمی دانی که مرحله تجزیه و تحلیل را به اتمام رسانیده و درصدد نتیجه گیری کلی درخصوص عنصر مورد نظر برمی اید، استاد شطرنج نیز از بهم آمیختن و ترکیب نمودن مجموعه مطالعاتی که به عمل آورده است به ارزیابی کلی پوزیسیون مورد نظر دست خواهد یافت. تمامی کارهائی که به این ترتیب صورت می پذیرد مفروضاتی به وی خواهد داد که در تصمیم گیری نهائی

می‌تواند بفهمد چه کسی وضع بهتری دارد. حتی قادر خواهد بود که چگونگی پیشرفت و گسترش را برای آینده نیز پیش‌بینی کند. ولی مسلماً نباید انتظار داشت که نتایج مزبور مانند حاصل تجزیه‌ایکه شیمی‌دان در آزمایشگاه بدست می‌آورد کامل و تمام عیار باشد. بلکه فقط می‌توان در حدی که امروزه شطرنج از جنبه علمی پیشرفت و گسترش یافته است به نتایج حاصله اعتماد نمود.

از آنچه که در بالا گفته شد، اجمالاً می‌توان نتیجه گرفت که برای ارزیابی يك پوزیسیون باید دو مرحله اساسی را مورد توجه قرار داد، یکی تجزیه و تحلیل عناصر يك پوزیسیون است و دیگری به هم آمیختن و یا ترکیب این عوامل.

قابلیت و مهارت و ارزیابی صحیح يك پوزیسیون کیفیتی است بسیار بااهمیت و اساسی که بازیکن خوب الزاماً باید آنرا دارا باشد. بوتوینیک آنرا چنین توصیه می‌کند: «همه چیز در حال پیشرفت است، تکنیک مبارزه پوزیسیونی نیز در شمول آن قرار دارد. اساتید نیز سعی دارند با تعداد روزافزونی پوزیسیونهای شاخص Typical positions که متضمن تکامل روشهای جدیدی می‌باشند آشنائی حاصل کنند. ولی، هنوز بعضی اساتید ما به

گونه‌ای جدی دقت و توجه خود را به این نکته اختصاص نمی‌دهند. به هر حال باید توجه داشت که شایستگی در قضاوت و ارزیابی يك پوزیسیون به همان اندازه اساسی و بااهمیت است که شایستگی در تجزیه و تحلیل واریاسیونها.»

اشتین‌نیتز و پیروانش عقائد خود را درباره عناصر يك پوزیسیون در شطرنج به شرح زیر مطرح کرده‌اند:

۱- خطوط و قطره‌های باز

۲- اسکلت پیاده‌ای و خانه‌های ضعیف

۳- وضع سوارها

۴- فضا و مرکز

انها همچنین برتری دو فیل را به عنوان عاملی که برتری را تضمین می‌کند در نظر می‌گیرند، هر چند که این موضوع خاص، بیش از هر چیز دیگر امروزه مورد بحث و جدل قرار گرفته است. مثلاً من می‌توانم چند نمونه‌ای را به خاطر آورم که دو فیل عامل اصلی پیروزی گردیده است. معذک به عنوان قانون بخش پایانی هنگامی با کمک دو فیل می‌توان به پیروزی رسید که عوامل مناسب دیگریهم وجود داشته باشد. از انجمله باید؛ وضع بهتر شاه، فضای بیشتر، وجود ضعف‌هایی در پوزیسیون حریف را نام برد.

ضمناً نباید از نظر دور داشت که در بسیاری از حالات دو اسب نیز از انرژی و قدرت فوق العاده ای برخوردار می گردند که واقعاً موجب شکست فیلهای می شوند. بنابراین بهتر آنست که برتری دو فیل را به عنوان عاملی مستقل از دیگر پدیده ها در نظر نگیریم.

در دوران اشتین نیز و تارانش قوانینی تدوین و فرمول بندی گردیده بود که کم کم در سراسر جهان عمومیت یافت، ولی در حال حاضر، با تحقیقاتی که بوسیله تنورسین های شوروی صورت پذیرفته است، در هر يك از مفاهیم یا برداشتهای پوزیسونی مزبور تغییراتی ملاحظه می گردد. چنانکه بعداً خواهیم دید، اصولاً در مکتب شطرنج امروزی شوروی بیش از هر چیز پرورش قدرت خلاقه و ابتکار و همچنین واقعیت گرایی در حل هر پوزیسون مورد توجه می باشد. زیرا این روش موجب می گردد که بازیکن از حالت به اصطلاح خشکی مدرسه ای بودن و تعصب در تأیید ادعا که نشانه ای از کوتاه فکری است بیرون آید، خلاصه طوری هدایت می شود که شکوفائی هنر شطرنج امکان پذیر گردد. در این مبحث نسبت به قضاوت پوزیسونی کوشش بعمل خواهد آمد، تا خوانندگان با آن گونه

از رسیدگیها و بررسیهای آشنا شوند که سهمی از مفاهیم شطرنج پوزیسونی جدید امروزی را تشکیل می دهد.

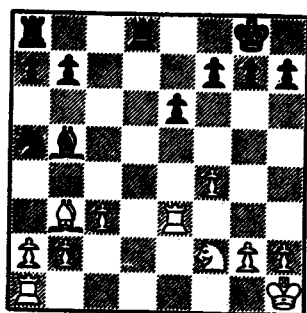
به عنوان آخرین توصیه یادآوری این مطلب نیز ضروری بنظر می رسد. در برخی مواقع اتفاق می افتد که ناگهان فلان عامل پوزیسونی که تنها در عداد اجزاء ترکیب کننده ارزیابی به شمار می آید، انچنان تغییر و تحول می پذیرد که پیروزی قطعی یا شکست را ضمانت می کند. این همان نکته ای است که بایستی شما در ارزیابی که عمل می آورید کاملاً دریابید و در صورت اقتضا سعی کنید عملاً از آن بهره برداری نمایید.

خطوط و قطرهای باز

در این دوران هر بازیکنی به خوبی اهمیت فوق العاده خطوط و قطرهای باز را می داند بنابراین بحث مفصل در این خصوص را زائد دانسته و فقط به شرح مثالهایی برجسته و موثر که نمونه و شاخصی از اندیشه های جدید این عامل هستند می پردازیم.

خطوط باز به دلائل زیر با اهمیت تلقی می شوند:

C×Fb3 بوسیله سیاه)، به ویژه از لحاظ ضعف استخوان بندی پیاده ای سفید در جناح شاه.»



دیاگرام (65)

توضیح بالا نمونه ای از ارزیابی را نشان می دهد که بوسیله قهرمان جهان به عمل آمده است و برای بوتونیک فقط تسلط بر ستون باز d کافیست که در يك چنین پوزیسیونی که به نظر تقریباً مساوی می نماید پیروزی اجباری را تهیه به بیند. اکنون توجه شما را به تفسیر بعدی بوتونیک جلب می کنیم: «برای روبشتن که استادی بی نظیر است، در يك چنین پوزیسیونی مسئله تحصیل پیروزی دیگر نوعی تکنیک بشمار می آید. از این پس وظیفه سیاه چندان مشکل نبوده و صرفاً باید در راهی روشن گام نهاده و انرا دنبال

۱- آنها شاهراههای استراتژیکی به شمار می آیند که از ان طریق سوارها می توانند در اردوگاه حریف پیشگامی و ابتکار عمل را احراز نموده و با ایجاد شکاف انچنان قوای دشمن را به دو نیمه تقسیم کنند که ایجاد ارتباط بین آنها مشکل گردد.
۲- هنگامی که پیاده های ضعیفی در خطوط باز قرار می گیرند این خطوط تسهیلات ممکنه را برای متمرکز گردانیدن قوا و ایجاد فشار بر این نقاط ضعیف را فراهم می آورند.

مثالهای زیرین به گونه ای موثر موارد فوق را روشن می سازد: مبارزه پلاتر - بوتونیک (Plater - Botvinik) در مسابقات پان اسلاو سال ۱۹۴۷

1.e4 c5 2.Ce2 Cf6 3.Cbc3 d5 4. P×P C×P 5.C×C D×C 6.Cc3 Dd8 7. Fc4 Cc6 8.d3 e6 9.0-0 Fe7 10. f4 0-0 11.Ce4 Ca5 12.Fb3 Dd4+ 13.Rh1 c4 14.c3 D×d3 15.D×D P×D 16.Cf2 Td8 17.Tfd1 Fc5! 18. T×P Fd7 19.Fe3 F×F 20.T×F Fb5
وضع موجود در دیاگرام (65) را بوتونیک چنین تفسیر می کند: «اکنون همه چیز روشن است سیاه با قدرت ستون d را کنترل می کند و فیلش بهتر از اسب سفید است (البته بعد از تعویض اجباری

کند.» در این کتاب نیز کمی بعد در خصوص نیازمندی به مطالعه چنین میراث باارزشی که از اساتید گذشته باقی مانده است اشاره خواهیم کرد. آنچه که هم اکنون از گفته بوتونیک می توان دریافت آنستکه معلوم می شود او قبلاً ساعتها صرف مطالعه روشی کرده است که رویشتن در خصوص يك چنین پوزیسیونهای ساده ای ارائه نموده است.

21.Ce4 h6

سیاه مترصد انجام f7-f5 است و نمی خواهد اجازه دهد که اسب سفید بخانه g5 دسترسی پیدا کند.

22.Tae1 C×F 23.P×C a5

«سه پیاده سفید در جناح وزیر در وضع حاضر معادل دو پیاده سیاه در همین جناح است. به خصوص پس از آنکه سفید c4 نماید مطلب روشنتر خواهد شد» (بوتونیک)

24.h3 Tac8 25.Rg1 Rf8 26.Rh2 Te7 27.Rg3 b6 28.Rh2 Tcd7 29. Rg1 Td1 30.c4 Fe6 31.Cc3 T×T+

«اکنون سیاه در نظر دارد هرچه زودتر وضع شاهش را بهبود بخشد و بدین لحاظ کوشش خواهد کرد رخ دومش را نیز تعویض نماید زیرا همانطور که رویشتن در بسیاری از فرصتهای مناسب ثابت

کرده است در يك چنین پوزیسیونهای فیل بر اسب رجحان دارد.» (بوتونیک)

32.T×T Re7 33.Te2 f6 34.Rf2 Td3

در این موقعیت بوتونیک می نویسد: سفید تکلیفش روشن شده است، زیرا حرکات مفیدی ندارد. او فقط می تواند اقدام به تعویض رخها کند که انهم به بهای مشخص شدن ضعفش در جناح شاه تمام خواهد گردید. درواقع حاصل این عمل سرانجام شومی را که در انتظارش می باشد فقط چند حرکتی به تاخیر می اندازد.

35.h4 h5 36.Te3 Td2+37.Te2

Td3 38.Te3 Td2+ 39. Te2 T×T+40.

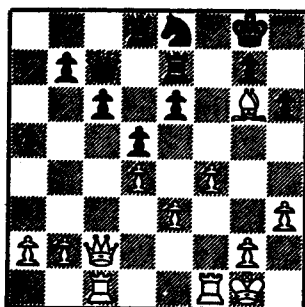
C×T Rd6 41.Cd4 g6!

سیاه به منظور پیش راندن پیاده e با حرکت اخیر از خانه f5 دفاع کرده است و پس از آن راه شاه سیاه برای دسترسی به جناح وزیر از طریق d6 و c5 و بالاخره b4 باز می گردد و سفید هیچگونه امکانی برای مقابله ندارد دیاگرام شماره (66)

42.g3 e5 43.P×P+ P×P 44.Cc2 Fe4 45.Ce1 Rc5 46.Re3 Ff5 47.Cf3 Rb4 48.Cd2 Fe2

اکنون با سقوط پیاده b3 سیاه به راحتی از برتری حاصل بهره برداری خواهد کرد. در مثال فوق که فقط ستون d باز می باشد،

حریف را انچنان داغان کرده اند که نمی توانند از شاه محاصره شده دفاعی بعمل آورند.

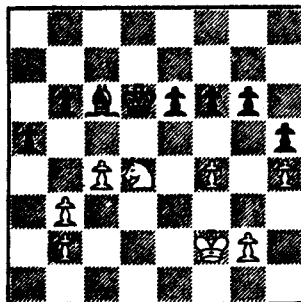


دیاگرام (67)

در دیاگرام شماره (67) که وضع مبارزه را پس از حرکت ۲۴ سیاه نشان می دهد چنانچه ملاحظه می نمائید سفید بدون تردید برتری دارد، زیرا با کنترل قطر b1 h7 ابتکار عمل دامنه داری در اختیارش می باشد و می خواهد با تقویت نیروهای خود در جناح شاه و ایجاد فشار موجبات باز شدن ستون g را نیز فراهم آورد.

25.Tf3! Cd6 26.g4 Tf8 27. Rh1 Rh8 28.Tg1 Dd8 29.Tfg3 Td7 30.g5! Cf5 31.FxC PxF 32.PxP PxP 33.Dg2!

همانطور که در دیاگرام (68) می بینید،



دیاگرام (66)

سیاه با استقرار رخ در این ستون درواقع پیروزی مسلم خود را چنانچه دیدیم تامین نموده بود. زیرا با نفوذ رخ در اردوگاه حریف موفق شد قوای او را به دو نیمه طوری از یکدیگر جدا کند که نتوانند با هم ارتباط برقرار نمایند. البته این جریان در بخش پایانی گیم صورت پذیرفت. ولی در برخی مواقع که امکان چنین بهره برداری از ستون باز در بخش وسط گیم روی می دهد معمولاً سریعتر به نتیجه مطلوب می رسد. نمونه ای از این حالت که به گونه ای روشن در ذهنم باقی مانده مبارزه ایست که خود من بر علیه اشتینر (Steiner) در سال ۱۹۵۵ هنگام مسابقه (شوروی - امریکا) انجام داده ام. چنانچه خواهید دید سوارهای سنگین سفید قوای

De2+ 37.Tg2 D×T+!

و اکنون این سیاه است که برتری دارد.

34.Tg6!

همراه با تهدید زیر:

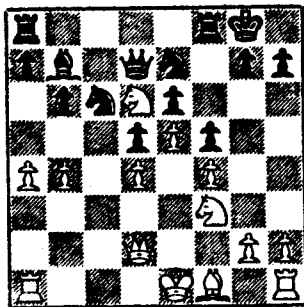
35.T×P+ Th7 36.Dg7+

که چون دفاع ندارد گیم به گونه ذیل خاتمه می یابد:

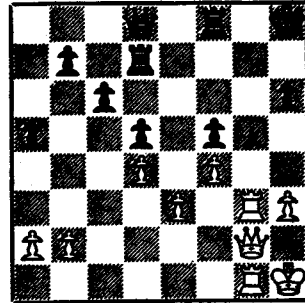
34...De7 35.Tg8+

سیاه تسلیم می شود.

يك اثر شگرف دیگر که انهم با توسل به فعالیت رخهای سفید به وقوع می پیوندد از مبارزه الخین - نیمزویچ (Alekhine - Nimzovich) در مسابقات سان رمو سال ۱۹۳۰ یادگار مانده است. اینک حساسیت موضوع از پوزیسیونی که در دیاگرام شماره (69) می بینید آغاز خواهد گردید:



دیاگرام (69)



دیاگرام (68)

سفید طرح مورد نظر خود را با موفقیت کامل پیش برده است یعنی ضمن باز کردن ستون g با کمال قدرت بر این ستون حکومت می کند و اکنون تهدید نفوذ در خانه g7 را نیز دارا می باشد. طبعاً سیاه از ان ممانعت بعمل می آورد، سفید به منظور وارد آوردن آخرین ضربه در خانه g8 به حریف می خواهد رخش را به g6 ببرد. حال با وجود تسلط سه سوار بزرگ سفید در ستون g طبعاً سیاه برای تلافی هیچ کاری از دستش برنخواهد آمد.

33...Tdf7

(این همان حرکت دفاعی است که سیاه بر علیه نفوذ سفید به خانه g7 انجام می دهد زیرا اگر در این وضع سفید بخواهد:

34.Tg7 De8 35.Dg6 De4+36.Rh2

سوارهای دیگر را پشتیبانی کند.

25...Rf8

حتی شاه برای دفاع از ستون باز c وارد عمل می شود

26.Cd1 Tbc8 27.Fa4!

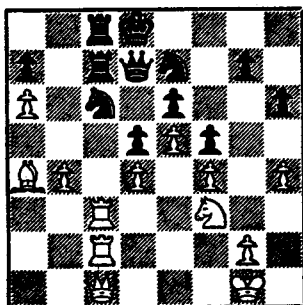
راه را برای راندن پیاده b5 باز می کند.

27...b5

سیاه اجباراً تن به چنین قربانی می دهد، گرچه در سببیت سوارهای سفید تخفیفی به وجود نخواهد آورد.

28.FxP Re8 29.Fa4 Rd8 30.h4!

سیاه تسلیم می شود. زیرا همانطور که در آخرین پوزیسیون که با دیاگرام شماره (70) نمایش داده شده است می بیند حالتی جالب از حرکت اکراهی Zugzwang برای سیاه بوجود آمده است.



دیاگرام (70)

در اینجا الخین با وارد آوردن چند ضربه پوزیسیونی قوی چنانچه خواهیم دید کنترل تنها ستون باز خود را بچنگ می آورد.

15.a5! Cc8 16.CxP Dxc 17.a6

Df7 18.Fb5!

اکنون سیاه مجبور است با تمام قوا از خانه c6 دفاع کند تا مانع تاثیر عمل رخهای سفید در امتداد ستون c گردد. زیرا به خوبی می داند که اگر این سنگر سقوط کند انگاه رخها با قدرت نفوذ کرده و خشم خود را با ایجاد ویرانی در عرضهای هفتم و هشتم اشکار خواهند نمود.

18...C8 e7 19.0-0 h6 20.Tfc1 Tfc8

21.Tc2 De8

همه چیز برای دفاع از c6 آماده می گردد!

22.Tac1 Tab8 23.De3 Te7 24.Tc3!

Dd7 25.T1 c2!

موثرترین تجمع قوا! زیرا اگر وزیر پشت سر رخها عمل کند از اهمیتی بیشتر برخوردار است و امکان نفوذ سهلتر می گردد. چرا که در چنین موقعیتی رخها برای تخریب عاملی مؤثر بشمار می آیند و می توان آنها را با رخ و یا وزیر و یا حتی در برخی مواقع با سوارهای کوچک حریف تعویض نمود. اصولاً بهتر آنستکه وزیر را محفوظ نگاهداشت تا بتواند

خواهد داد موجب شگفتی حریف می‌گردد.

4...Fa6 5.Da4 Fe7 6.Fg2 0-0 7.Cc3 c6 8.Ce5

حرکت اخیر سفید موجب می‌شود که ابتکار عمل به سیاه واگذار گردد و بهتر بود که 8.Ff4! انجام می‌گرفت و اما ادامه بازی اصلی:

8...De8 9.0-0 d5 10.Te1 b5!
11.cxb P×P 12.Dd1 b4 13.Cb1
Cc6 14.C×C D×C

اینک سیاه در مسابقه اشغال ستون باز c پیش بسته است. تعدادی حرکات بعدی تایمانوف در جهت استراتژی روشنی پیش خواهد رفت که هدفش تقویت کنترل ستون با اهمیتی می‌باشد که باز شده است - تنها چیز است که در سراسر گیم باید از آن مواظبت به عمل آورد.

15.Cd2 Db6 16.e3 Tac8 17.Ff1
Tc6 18.F×F D×F 19.Cf3 Tfc8 20.
Db3 Ce4 21.Cd2 Tc2!

با توجه به دیاگرام شماره (71) ملاحظه خواهیم کرد که سیاه به جای این حرکت می‌توانست رخ خود را با دو سوار کوچک تعویض نماید یعنی: 21...T×F و بعد 22...C×C ولی او با اشغال عرض هفتم توقع بیشتری دارد. درواقع رخ برای

چندان مشکل نیست که بینم سیاه ضربه موثری نمی‌تواند وارد آورد. زیرا با دور شدن هر کدام از سوارها مثلاً با انجام De8 سفید b5 نموده و حسابهای خود را تصفیه خواهد کرد.

معمولاً هنگامی که رخیهای حریف در دو عرض عقب جبهه رخنه کنند بگونه‌ای سهمگین زیانهای چشم‌گیری وارد می‌آورند. حتی اگر از لحاظ مادی هم نتوانند برتری کسب کنند اصولاً حضور آنها را می‌توان قاطع تلقی نمود. کما اینکه در مثال بعدی صرف وجود رخ سیاه در خانه c2 تشکیلات حریف را درهم می‌ریزد و دردرس فراوانی ایجاد می‌کند. در حالی که سفید فقط می‌تواند به دفاعی نمادی یا رموز پردازد.

چون مبارزه زیرین که در مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان در زوریخ سال ۱۹۵۳ بین اشتالبرگ - تایمانوف (Stahlberg - Taimanov) صورت پذیرفته است از لحاظ روش جدید بهره‌برداری از برتری در مرحله گشایش و همچنین خطوط باز مثالی دلپذیر و زیبا می‌باشد، لذا تمامی آنرا در زیر خواهیم دید:

1.d4 Cf6 2.c4 e6 3.Cf3 b6 4.g3
در اینجا حرکتی که تایمانوف انجام

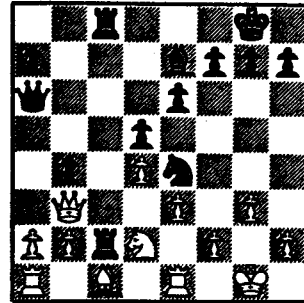
دنبال کرده است.

24.d5 T8c4 25.Td1 exd 26.Fd2
Df6 27.Tab1 h4 28.Da4 Df5 29.
Dxa Ff8

این حرکت اجازه می دهد که سفید وزیرها را تعویض کند و گیم به درازا بکشد، در صورتیکه اگر 29...Fg5 کرده بود، سیاه می توانست با حمله مستقیم روی شاه تکلیف را قطعی کند. لیکن نمی توان روی سلیقه ها حساب کرد، اجمالاً در بخش پایانی استاد بزرگ اهل لنینگراد (اشتالبرگ) با آرامش برتری خویش را صورت داده و در حرکت ۴۲ شکستی قطعی فراهم می آورد.

قبلاً ضمن مثالهایی یادآوری شد که خطوط باز فرصت می دهد که بتوان با انتقال سوارها در اردوگاه دشمن پوزیسیونی کلیدی را بوجود آورد. بنابراین به سهولت اهمیت خط باز را در حمله مستقیم روی پیاده ضعیفی که مورد بمباردمان قرار گرفته است می توان درک کرد. اینک مثالی است کلاسیک از پیکار تاراش - الخین (Tarrasch - Alekine) کارلسباد سال ۱۹۲۳ که با دیگرام شماره (72) نمایش داده شده است.

پیاده c2 سفید عقب افتاده بشمار می آید و هدف مناسبی است که به وسیله رخیهای



دیگرام (71)

زدوخورد و اخذ مختصر برتری مادی ستون را اشغال نکرده است، بلکه نظر اجمالی مسحور کننده اش (hypnotic) درواقع متوجه ایجاد اغتشاش و پریشانی در صفوف حریف می باشد. قوای غیرفعال سفید هم درواقع تحت تاثیر غلبه رخ حریف تقریباً به حال فلج درآمده اند.

22.CxC

اشتالبرگ نتوانست تسلط خود را بر اعصابش حفظ کند و سرانجام تصمیم گرفت که به تهدید تعویض رخ با دوسوار کوچک خاتمه دهد.

22...PxC 23.a3 h5

اکنون او حمله را در جناح شاه آغاز می نماید و حقیقتاً باید اذعان کرد که تایمانوف با قدرتی فوق العاده مبارزه را

27.g4 Df6 28.Te8+ T×T 29.D×T+
Rg7 30.Tf1 T×c2

بیش از این مقدور نبود که پیاده مورد بحث را علیه فشارهای وارده نگاهداری نمود. حصول برتری سیاه نیز متضمن پاره‌ای مشکلات می‌باشد، ولی الخین با مهارت کامل از عهده ان برمی‌آید.

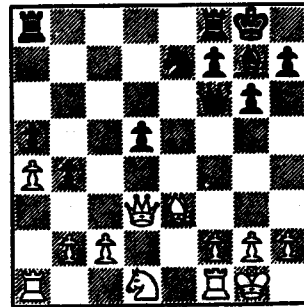
31.Cd3 Df3 32.Ce5 Dd5 33.Cd7 Dd6
34.Td1 Fe3!

و سیاه به زودی بر تمامی عرصه مسلط خواهد شد.

اندیشه‌های جدید در مورد خطوط باز

شناخت ارزش و اهمیت خطوط باز، از دیر زمانی مورد توجه بوده و می‌باشد. حتی ابتکار هیبرمدرنها که نوآوری‌هایی در ارزیابی مجدد بسیاری از اندیشه‌های شایع و متداول این دوران پدید آورده است، در این مورد خاص چیزی اضافه ننموده‌اند. معذک پیروان مکتب جدید شطرنج در برداشت و درک خطوط باز از لحاظ مقایسه با آنچه که در گذشته از ان آگاهی داشته‌اند کمی تفاوت دارد. قبل از هر چیز، کارشناسان جدید عقیده

سیاه در ستون c تحت فشار قرار گیرد. بر همین اساس قهرمان روسی الاصل با انجام دادن چند حرکت قوی، ابتدا پیش‌روی ان را مسدود می‌کند و آنگاه با ضربه‌های خورد کننده‌ای درصدد گرفتنش برمی‌آید.



دیباگرام (72)

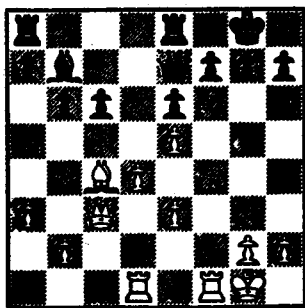
18...d4 19.Fd2 Tac8 20.Te1 Tc7
21.b3

به امید آنکه اسبش را به c4 برده و ستون را ببندد و بدون او هرگز چنین شانس نصیبش نخواهد شد.

21...Tfc8 22.Tac1 Df5! 23.
Te4 Cd5 24.Cb2 Cc3 25.F×C T×F
26.De2 Fh6!

اکنون رخ مدافع باید پست خود را ترک کند.

(Keres - Stahlberg) مسابقات کاندیدا زوریخ ۱۹۵۳ - چنانچه خواهیم دید فقط یکی از سه خط باز موجود با معنی و مفید بشمار می آید. زیرا هدفی را که بتوان مورد حمله قرار داد در آنجا یافت می شود و آن يك پیاده سیاه است که در دیاگرام 73 دیده می شود.



دیاگرام (73)

هم اکنون نوبت حرکت با سیاه است و 16...c5 را انجام می دهد که پس از آن ستون c نیز باز می شود. چنانچه خواهیم دید سیاه کنترل ستونهای مجاور c و d را در دست خواهد گرفت ولی در امتداد این ستونها چیزیکه بتواند مورد حمله قرار گیرد دیده نمی شود و مشکل بتوان اجباراً هدفی در یکی از این دو ایجاد نمود. از آن گذشته اصرار در اشغال ستونهای مزبور

دارند که در خصوص تسلط و ارزیابی بر يك خط باز نباید بیش از حد غلو کرد. زیرا خط باز به خودی خود قدر و مفهومی ندارد و هنگامی معنی و ارزش پیدا می کند که بتواند در پیشبرد بعضی هدفهای استراتژیکی مؤثر واقع گردد. مبارزه های فراوانی را می توان به عنوان مثال در نظر گرفت که یکی از طرفین با وجود آنکه کنترل خط بازی را بی چون و چرا دارا بوده معذک عملاً نتوانسته است از آن بهره برداری بعمل آورد. به ویژه اگر حریف بتواند از خانه های مسیر به خوبی و با اطمینان دفاع کند و یا اصولاً در خط باز هدفی مناسب حمله یافت نگردد. در این قبیل موارد معطل کردن يك رخ در امتداد چنین خطی بی معنی و امتیازی به شمار نمی آید و همانند وارد آوردن ضربه شمشیر در آب می باشد.

اجمالاً، ما باید درصدد ایجاد و کنترل قطر و یا ستون باز برائیم و در عین حال باید ترکیب این عامل خاص را با فعالیت سوارهای خود بدانیم و بتوانیم از چنین موقعیتی بهره برداری کنیم.

در سراغاز این فصل درخصوص حالاتی که کنترل يك خط باز برای رسیدن به پیروزی کافی بود شرح دادیم. ولی در مثال زیرین از مبارزه کرس - اشتالبرگ

26.Tg3 Rh7 27.Tg5 Df8 28.De4 Dh6
29.d5

حرکت اخیر سفید امیدهای نجاتی برای
سیاه به وجود آورد در صورتیکه 29.Tf6
که کاملاً جناح شاه سیاه را مسدود می کند
فعالتر به نظر می رسد.

29...P×P 30.D×d5 Df8 31.e6 Dc5+

در اینجا سیاه دچار هراسی ناگهانی
گردید، زیرا برای حرکتی که انجام داده
است توجیه صحیحی ندارد. در حالیکه
می توانست با 31...f5 شانس برای
تساوی فراهم آورد. ولی اکنون اجباراً
مرحله پایانی به شکست می انجامد.

32.D×D P×D 33.P×P Rg7 34.f8=D+

T×D 35.T×T R×T 36.T×g c4 37.

Tg5 Tb7 38.T×P T×P 39.Tc5 Tc2

40.Rh2 Re7 41.h5 c3 42.Tc6

سیاه تسلیم می شود.

موجب می شود که این عمل در بوجود
آمدن پیچیدگیهایی که عنقریب ظاهر
خواهد شد سهمی داشته باشد.

در همین هنگام سفید کنترل ستون f را در
دست می گیرد که از لحاظ مقایسه با
ستونهای c و d خیلی تفاوت دارد. زیرا در
اینجا رخ سفید مستقیماً f7 یعنی پیاده ای را
که کاملاً نزدیک شاه سیاه قرار گرفته است
مورد حمله قرار می دهد. حال اگر
سوارهای سنگین سفید بتوانند کسی به
راست متمایل شده و یا حرکات مناسبی
خود را به این جبهه برسانند طبعاً موانع و
مشکلاتی را برای شاه سیاه فراهم خواهند
نمود!

پس در مقام ارزیابی نباید تعجب کرد اگر
گفته شود: چون ستون f به تنهایی می تواند
به سهولت پیروزی سفید را تضمین کند،
لذا با ستونهای c و d قابل قیاس
نمی باشد.

17.De1 Fe4 18.Tf4 Fg6 19.h4

P×P 20.P×P Tac8 21.De2 Tc7 22.

Tdf1 h5 23.T1 f3 Tec8 24.Fd3

F×F 25.T×F g6

سفید اختیار کامل پوزیسیون را بدست
گرفته است، در صورتیکه هیچ امتیازی
برای رخیهای سیاه به فرض آمدن به
خانه های c1 یا c2 نمی توان قائل شد.

نمونه‌های کلاسیکی که نمایشگر این دفاع می‌باشند و مطالعه آنها توصیه می‌شود. پیکارهای اساتید بزرگی مانند گلر، بولسلاوسکی و برونشیتن را باید نام برد. آنها نمونه‌های شگفت‌انگیزی از مانورهای با هدف اصلی بهره‌برداری از قدرت فیل مزبور را در امتداد قطر بزرگ سیاه ارائه نموده‌اند.

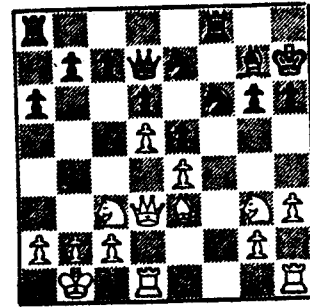
اغلب اوقات در این قبیل مراحل شروع هدفهای استراتژیکی موجب می‌شوند که قطر طویل مزبور به وسیله پیاده‌های خودی بسته شود. طبعاً مادامیکه چنین وضعی وجود داشته باشد فیل مورد بحث فعالیت نمی‌خواهد داشت، ولی به محض اینکه قطر باز شود و یا به هر کیفیتی مجدداً فیل تحرك پیدا کند نیرومندی خود را نشان خواهد داد. به همین سبب بازیکنان مبتکر تلاشی چشمگیر برای فعال نمودن این فیل به عمل می‌آورند. زیرا خوب می‌دانند اسلحه‌ای قدرتمند با برد دور می‌تواند در سرنوشت گیم موثر واقع گردد.

من در همین زمینه شخصاً هنگام برگزاری مسابقات نیمه فینال قهرمانی شوروی سال ۱۹۵۶ با مهره سیاه علیه نیشیات Neyshtadt مبارزه‌ای انجام دادم که می‌تواند نمونه خوبی باشد زیرا با توجه به

چنانچه دیدیم دانش جدید شطرنج برای ارزیابی خطوط باز مطلبی را ضمیمه کرده است و آن موضوع نفوذ یا تاثیر این خطوط در چگونگی برگزاری گیم می‌باشد. البته، اساتید بزرگ این دوران به خوبی می‌دانند که چگونه باید از خطوط باز در ارتباط با سایر عوامل با اهمیت بهره‌برداری کنند. با تدوین يك طرح استراتژیک از همان بدو امر یا حرکات اولیه سهمی را که خط باز و یا قطر و ستون در این طرح دارا می‌باشد در نظر می‌گیرند.

گیمهای جدید بلادرنگ با حملاتی بی‌امان برای کنترل خط و یا قطری آغاز می‌گردد. تئوریسین‌های سراسر جهان نیز پیشرفت و گسترش کار خود را بیشتر براساس سیستمهای جدیدی از مرحله گشایش پایه‌گذاری می‌کنند که مشخصه اصلی و هدفش کنترل خطی باشد، وصول به انهم مایه مباحثات و حتی در بسیاری از رشته‌های پر مجادله از عوامل قطعی به شمار می‌آید. به عنوان مثال در مرحله شروع از هندی شاه King's Indian اغلب فیل فیانکتوی سیاه ضربه‌های قطعی را وارد می‌آورد. چه بسا گیمهای فراوانی می‌توان یافت که با توسل به قدرت يك چنین فیل‌ی به پیروزی رسیده‌اند از جمله

دیاگرام (74) انگیزه ازاد کردن فیل بر سائر طرحهای سیاه رجحان دارد.



دیاگرام (74)

چنانچه ملاحظه می شود فیل سیاه در وضعی ناهنجار زندانی پیاده های خود می باشد و به نظر می رسد که ازاد شدنش صرفاً خیالی است باطل. ولی، سیاه که راضی نیست چنین بیاندیشد در صدد تنظیم و اجرای طرحی برمی آید که قدرت تحرك فیل مزبور را فزونی دهد. در طرح مورد نظر مراحل زیر را دنبال می کند:

۱- با راندن پیاده b7 در نظر دارد ترتیبی عمل کند تا اسب سفیدی که دفاع از خانه های مرکزی d5 و e4 را عهده دار است مجبور شود پست خود را ترك کند (در اینجا صحبت از خانه های مرکزی کردیم و به پیاده هایی که در این خانه ها

واقعند اشاره ای نشد زیرا در طرح مورد بحث تفاوتی ندارد که چه مهره ای از سفید در این خانه ها مستقر شده باشد).

۲- با انجام c6 و تعویض آن با پیاده سفید d باید ترتیبی بوجود آورد که ستون d باز گردد.

۳- با این مقدمه به منظور جابجا کردن پیاده e4 سفید باید پیاده d6 را نیز جلو راند تا امکان حرکت پیاده e5 که موجب آزادی فیل می گردد فراهم شود.

19...b5 20. Cf1 b4 21. Ce2 c6!

مرحله دوم طرح آغاز گردید و 22. P×P برای سفید خوب نیست زیرا سیاه پیاده e4 سفید را به گونه زیر خواهد گرفت:

22. P×PD×c6 23. D×d6 D×D 24. T×D C×P 25. Td7 Cf5

با برتری مسلم سیاه.

22. c4 b×P e.p. 23. d×c D×c6 24. C×P Tab8!

قوای سیاه به گونه ای تهدیدآمیز در شرف تجمع هستند به ویژه حمله روی b2 چنانچه با باز شدن قطر فیل سیاه همراه گردد وحشتناك خواهد شد. در حال حاضر نیز اچمزی پیاده b2 مانع از آنست که سفید بتواند D×d6 کند.

25. Cg3 Tb4 26. Td2 Tfb8 27. Tc1 Db7

سه برابر کردن سوارهای سنگین روی

اصلی وارد عمل می‌کند. سفید دیگر نمی‌تواند در قبال تنش حاصل از چشم‌انداز چهارمین حمله‌کننده‌ای که از راه دور (b2) جلوه‌گر شده است مقاومت کند. او تکلیفش روشن است و ناچار حرکاتی اجباری را باید دنبال نماید.

32.Tc4 T×T 33.D×T C×F 34.C×C
F×P 35.Db3 Fg7 36.T×C

به آسانی می‌توان دید که حرکت اخیر بی‌نتیجه است و در هر صورت بازی سفید ناامیدکننده به نظر می‌رسد و چنانچه:
36.D×D T×D+ هم صورت می‌پذیرفت باز هم در مرحله پایانی سیاه بدون اشکال پیروز می‌گردید.

36...D×T 37.D×T Dd3+38.Rc1
(38.Cc2 Dd1 مات) 38...D×C+
سفید تسلیم می‌گردد.

همانگونه که در مرحله شروع هندی شاه برای سیاه موضوع فعال شدن فیل شاه و تلاش در این راه مسئله‌ای را بوجود می‌آورد، در دفاع نیمزو ایندیان (Nimzo-Indian) نیز موضوع فعال گردیدن فیل وزیر سفید از خانه b2 مشکل مشابهی را ایجاد می‌کند. مطالعه و فراگیری تغییرات گوناگونی که نقش این فیل در این قبیل گیم‌ها پدید می‌آورد و به ذهن سپردن آن در عمل برای علاقمندان مفید و موثر واقع

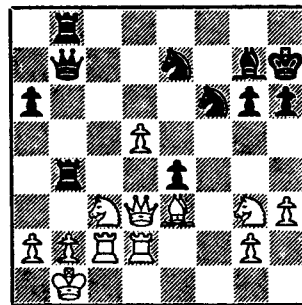
ستونی باز همیشه تدبیر جنگی با عظمتی بشمار می‌آید و به همین سبب سفید برای دفاع از b2 سخت در تکاپو و تعجیل افتاده است.

28.T1 c2 d5 29.P×P

حرکت اخیر سفید را می‌توان هم‌ارز تسلیم وی دانست و دفاع لجوجانه‌اش 22.Fc5 می‌باشد.

29...e4!

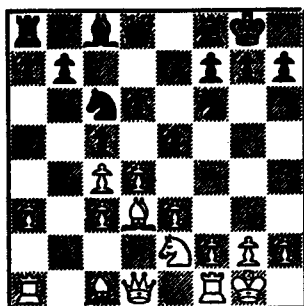
سرانجام رؤیای سیاه صورت حقیقت به خود گرفت! ضمناً، فیل درامداد قطر مورد بحث راهش باز شد و تمامی سوارهای سیاه در جهت حمله بر خانه b2 همکاری دارند.



دیاگرام (75)

30.De2 CexP 31.Cd1 Cd7

سیاه سوار دیگری را شتاب‌زده در جبهه



دیاگرام (76)

دیاگرام شماره (76) وضع پیکار را بعد از حرکت نهم سیاه نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود فیل وزیر سفید در خانه c1 وضع جالبی ندارد، لیکن پس از چند حرکت دگرگونی کاملی بوجود خواهد آمد. ضمناً ناگفته نماند که این پیکار بین کوتوف - لیزیتسین (Kotov - Lisitsyn) در مسابقات نیمه فینال قهرمانی به سال ۱۹۴۴ انجام گردیده است.

10.e4 cxd 11.PxP Cd7 12.Fb2

سلاح زره پوش وارد جبهه گردید.

12...b6 13.f4 Fb7 14.Tc1 Tc8

15.Tf3 CxP

این حرکت سیاه را باید اشتباهی جدی در قضاوت دانست. زیرا با توجه به اینکه قدرت عمل فیل وزیر در امتداد قطر

خواهد گردید. من اغلب در مسابقاتم از این فیل توانسته‌ام در هدفهای حمله‌ای استفاده کنم.

هنگامیکه در مرحله شروع نیمزو ایندیان سفید با راندن a3 حریف را وادار می‌کند که فیلش را تعویض نماید، سیاه برای چنین عملی اهمیتی قائل نیست. زیرا قطر a1 h8 که فیل وزیر سفید می‌تواند در امتداد آن فعالیت داشته باشد به وسیله پیاده‌های هم رنگ در c3 و d4 با استحکام بسته می‌شود. بنابراین سیاه دلیلی برای هراس از انجام این تعویض نمی‌بیند؛ هرچند که در ادامه و با پیشرفت پیکار اغلب سفید شانس انرا خواهد یافت که با تعویض و یا راندن پیاده‌های مزبور قطر مورد بحث را باز نماید. انگاه در چنین موقعیتی است که فیل وزیر سفید خواهد توانست نقش قطعی خود را ایفا نماید.

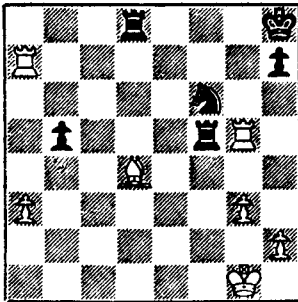
در پیکاری که ذیلاً مورد مطالعه قرار خواهیم داد اگرچه فیل ضربه قاطعانه را وارد نمی‌آورد. ولی همان ایستادگی و اعمال قدرتش در امتداد قطر بزرگ جالب می‌باشد. زیرا انچنان پشتیبانی ظریف و دلپذیری از رخها بعمل می‌آورد که شما چنین می‌پندارید که این همان فیل وزیر است که حمله را اداره می‌کند!

کرده بود انگاه:

29...Tf7 30.Ta8+Rg7 31.g4
Tf4 32.g5 Tg4+ 33.Rh1 T×P 34.
T×C T×T 35.Ta7+

همراه با پیروزی.

30.Te6! g4 31.Tee7 Tc8 32.Tg7+
Rh8 33.T×g4 Td8 34.Tg5!
(77 دیاگرام Tf3 35.Rg2



دیاگرام (77)

چنانچه ملاحظه می شود سرانجام پیروزی
کامل سفید با یاری فیل همراه آخرین
فاجعه برای سیاه روی قطر بزرگ a1 h8
پدید آمد.

در مثالهای فوق اهمیت کنترل و تسلط بر
قطر و به ویژه قطر بزرگ سیاه نشان داده
شد. ولی باید توجه داشت که در برخی
مواقع اهمیت قطرهاى کوچک هم کمتر از

بزرگ وحشتناک است. سیاه بایستی
حتی المقدور انرا محدودتر می نمود. راه
ساده اش در اینجا انجام حرکت 15...f6
بود.

16.C×C P×C 17.Fb1?

سفید هم اشتباه کرد و حرکت صحیح
17.Tg3 بود که موجب افزایش فشار در
جناح شاه می گردید.

17...f5! 18.D×P Cf6 19.Te1 P×P
طرفین به این نکته توجه ننمودند که سیاه
با انجام 19...De7 می توانست يك پیاده
بگیرد.

20.F×P F×F 21.T×F Dc7 22.Tg3
Dc5 23.D×D T×D 24.Te7

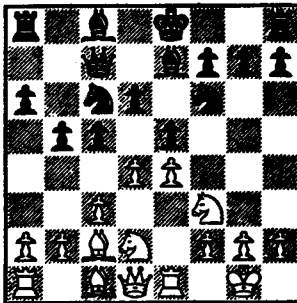
و این همان موقعیتی است که قبلاً بدان
اشاره کردیم. چنانکه می بینید رخهای
سفید با پشتیبانی فیل به گونه ای وحشتنا
فعال شده اند، واضحست که تصور
تعویض هم از طرف سیاه با انجام
25.F×C سفید 24...Tf2 غلط است زیرا
خواهد کرد.

24...g6 25.Td3 T×P 26.T×d T×P
27.g3 Tf5 28.T×a b5 29.Fd4 g5
وضع سیاه با مشکلاتی روبرو می باشد.
زیرا فیل حریف بر تمامی عرصه حکومت
می کند و موجب پریشانی سوارهای سیاه
گردیده است و اگر در اینجا 29...Tf7

(لنینگراد سال ۱۹۳۶) ضمن واریاسیون
چیکورین انرا بکار برده است که ذیلاً
خواهیم دید:

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.Fa4 Cf6
5.0-0 Fe7 6.Tel b5 7.Fb3 d6 8.c3 Ca5
9.Fc2 c5 10.d4 Dc7 11.Cbd2 Cc6

دیاگرام شماره (78)



دیاگرام (78)

اکنون سفید گامهای اولیه را در جهت
کنترل ستون a و قطر h1 a8 می خواهد
آغاز کند

12.a4 Tb8 13.a×b a×b 14.d×c P×P
15.Cf1 Fe6 16.Ce3 0-0 17.Cg5
Tfd8 18.Df3 Td6 19.Cf5 F×C 20.
P×F! h6 21.Ce4 C×C 22.F×C Ff6

چنانچه ملاحظه می شود وزیر سفید با
همکاری فیل خانه سفید تمامی عرصه را

ان نمی باشد. پژوهنده می تواند در این
زمینه هم نمونه هایی را پیدا کند که حمله
در امتداد قطر b1 h7 و یا b8 h2 صورت
گرفته باشد و ضمناً از قربانی جالب فیل
وزیر هم در خانه های h3 و یا h6 که در
برخی موارد امکان پذیر می باشد نباید
غفلت نمود.

اصولاً تشخیص اهمیت يك قطر در
پوزیسیون داده شده فقط با مراجعه به
خصوصیات ان پوزیسیون امکان پذیر
می باشد. در بسیاری از سیستم ها، مراحل
شروعی که در سالهای اخیر ابداع شده
است بازیکن به سوی تصرف ستونها و
قطرهای با اهمیت هدایت می گردد. به
همین سبب مؤلفین مبتکر، راههائی را پیدا
کرده و ارائه می نمایند که بتوان خطوط
اساسی را باز کرده و بوسیله سوارها
کنترل آنها را در دست گرفت، تا بدینگونه
برتری قطعی حاصل شود. انگاه با
بهره برداری صحیح موجبات پیروزی
اجباری فراهم می گردد. شاید یکی از
مؤثرترین و یا گیراترین مثالی که در این
سیستم می توان پیدا کرد چگونگی
اندیشه ای است که روزر (Rauzer) در
شروع بازی لوپز برای سفید توصیه
می کند و خودش در بازی علیه ریومن
(Riumin) در مسابقات اساتید جوان

اختیار دارد. ولی او چه می تواند بکند؟ به اصطلاح خط داریم تا خط. قبلاً هم اشاره کردیم داشتن هر خط باز امتیاز به شمار نمی آید، مگر آنکه شرائط بهره برداری از آن میسر باشد.

در گذشته دور به منظور بدست آوردن فشار پوزیسیون بر خطوط باز که در عین حال از پشتیبانی اسلحه دورزنی چون فیل نیز برخوردار باشد پیاده ای به حریف واگذار می کردند. در حقیقت هیچگونه خطر و ریسکی هم به شمار نمی آمد. زیرا در يك چنین حالتی کمبود مادی به دشواری محسوس می گردید، ولی متقابلاً بازیکنی که پیاده ای بیشتر داشت مجبور بود در فکر نجات بازی خویش باشد. مثال کلاسیکی در این زمینه از گذشته ای نسبتاً دور یعنی زمان کاپابلانکا (Capablanca) سال ۱۹۱۴ در مبارزه با نیمزوویچ (Nimzovich) (مسابقات استاد بزرگی سن پترزبورگ) به یادگار مانده است همانطور که در دیاگرام شماره (79) ملاحظه می شود سفید يك پیاده بیشتر دارد ولی این مختصر برتری مادی مطلبی نیست. زیرا عنقریب رخهای سیاه بر ستونهای باز a و b تسلط خواهند یافت، علاوه بر این با کمی دقت می توان دریافت که استقرار فیل سیاه هم در امتداد قطر

در امتداد قطر بزرگ سفید به دو نیمه تقسیم کرده اند. از وظائف قابل توجهی که ان دو برعهده دارند نظارت و کنترل دقیق بر خانه a8 می باشد. زیرا نباید به سیاه فرصت داده شود که در ستون a بتواند خود را برای مبارزه آماده کند. سرانجام روزی، در نظر دارد کنترل قطر g1a7 را نیز در اختیار بگیرد تا بدینگونه سوارهای سیاه را به ناتوانی سوق دهد.

23.Fe3 Ce7 24.b4 c4 25.g3
اکنون در حالی که سوارهای سیاه به صورت توده ای درهم و برهم انباشته شده اند سفید درصدد تهیه حمله ای قوی در جناح شاه می باشد.

25...Td7 26.Ta7 Dd8 27.T×T D×T
28.h4 Rh8 29.g4 Cg8 30.g5 Fe7
31.Td1 Dc7 32.f6 F×f6 33.P×F
C×P 34.Fc2 Td8 35.F×P T×T+36.
F×T e4 37.Ff4 Dd8 38.De2
سیاه تسلیم می شود.

يك چنین تارومار شدنی واقعی، موجب می شود که تئوریسین های سراسر جهان درصدد برآیند با صرف وقت و تلاش لازم راهی پیدا کنند که سیاه بتواند از واگذاری سریع امتیاز خطوط مهم به حریف پیش گیری کند. البته نباید فراموش کرد که سیاه هم خط بازی یعنی ستون d را در

چون دفاعی در مقابل $F \times C$ وجود ندارد لذا نیمزوویچ اقدام به چنین تعویضی نمود و کاپابلانکا از این پس به اسانی پیروز خواهد شد زیرا هنوز سوارهایش تسلط و حکمفرمائی بر پوزیسیون را دارا می‌باشند.

البته يك چنین پیکارهایی از چشم دقیق توریسین‌های امروزی دور نمی‌ماند، زیرا آنها همواره در جستجوی بررسی واریاسیون‌هایی هستند که برای بدست آوردن فشار پوزیسیونی در امتداد خطوط باز پیاده‌ای را قربانی دهند. لذا به خوانندگان توصیه می‌کنم که به اینگونه نمونه‌ها که معمولاً در کتابهای مسابقات جدید وجود دارد توجه کافی مبذول دارند. زیرا اگر بازیکنی مهارت داشته باشد که در مرحله شروع يك چنین پیاده‌ی را قربانی دهد، دیگری با بهره‌برداری از چنین نمونه‌ای می‌تواند فوائد بیشتری را به چنگ آورد. مثلاً گلیکورویچ (Gligoric) از جمله کسانی است که با استفاده از واریاسیونی که در گیم زیر خواهیم دید در بسیاری از مسابقات به پیروزی رسیده است.

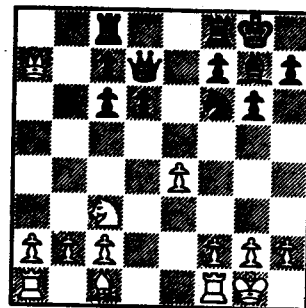
پیکار فیما بین تایمانوف - برونشیتن (Taimanov - Bronstein) مسابقات

کاندیدا سال ۱۹۵۳ شهر زوریخ:

بزرگ عرصه را به دو نیمه تقسیم کرده است. در ظرف چند حرکت آینده خواهیم دید که کاپابلانکا نه فقط اجباراً پوزیسیون سفید را به ناامیدی می‌کشانند، بلکه سوارهای جناح وزیرش را هم که ظاهراً مطمئن می‌نماید، بدون اغراق به سوی ورشکستگی سوق می‌دهد.

14.Da6 Tfe8 15.Dd3 De6 16.f3 Cd7! 17.Fd2 Ce5 18.De2 Cc4 19. Tab1 Ta8 20.a4 Cx F 21.DxC Dc4 22.Tfd1 Teb8 23.De3 Tb4 کاپابلانکا، در نظر ندارد فشار پوزیسیونی را به بهای يك پیاده کم ارج از دست بدهد بلکه او می‌خواهد به طور کامل جناح وزیر حریف را نابود سازد.

24.Dg5 Fd4+ 25.Rh1 Tab8 26.TxF



دیاگرام (79)

برونشیتن اسانترین راه را برگزید، زیرا در مرحله پایانی پس از سقوط پیاده a رخهایش فعالتر از رخهای سفیدند و این عاملی است که شانس پیروزی قطعی را همراه دارد. البته تایمانوف تا بتواند از ساده شدن اجتناب می کند.

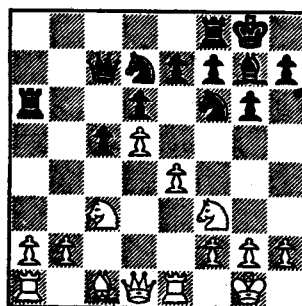
20.Dd3 Da6 21.Dd2 Txa2 22.TxT DxT 23.e5 DxD 24.CxDPxP 25.TxP Rf8! 26.Cb3 c4 27.Cc5 Ta1+28. Rh2 Cf6!

تمامی تهدیدهای سفید مرتفع شدند و اکنون وضع رخ سیاه در طول دو عرض آخر تهدیدآمیز می باشد. این نتیجه قربانی پیاده ایست که خطوط را برای فعالیت رخهای سیاه در جناح وزیر باز کرد.

29.Ce4 Cd7 28.Tg5 Ta2 31.Tg4 f5 32.Tf4 Cb6 33.Cg5 CxP 34.Td4 Cb6 35.Td8+Rg7 36.f4 h6 37. Ce6+ Rf7 38.Cd4 Ca4 39.Tc8 CxP 40.TxP Cd5 41.Cf3 TxP+42.Rh1 Tf2

سفید تسلیم می شود.

1.d4 Cf6 2.c4 c5 3.d5 g6 4.Cc3 d6 5.e4 b5 6.PxP Fg7 7.Cf3 0-0 8.Fe2 a6 9.PxP FxP 10.0-0 Dc7 11.Te1 Cbd7 12.FxF TxF
دیاگرام شماره (80)



دیاگرام (80)

تصور نمی رود حرکات فوق نیازی به تفسیر داشته باشد زیرا چنانکه گفته شد سیاه يك پیاده قربانی می دهد برای آنکه ستونهای باز a و b را در اختیار بگیرد. چنانچه می بینیم کاملاً مشابه و یادآور مثال قبل می باشد. گلیلوریچ نیز با موفقیت انرا در پیکارهای استادانه جدیدش دنبال کرده است.

13.De2 Tfa8 14.h3 Cb6 15.Fg5 Ce8 16.Fd2 Ca4 17.CxC TxC 18. Fc3 FxF 19.PxF Da5

ساختار پیاده‌ای و خانه‌های ضعیف

خانه‌های ضعیف

برای روشن شدن مطلب اجازه می‌خواهم سخن را با تعریفی به گونه زیر آغاز کنم: تئورسین‌های معروف از دوران فیلیدور که با جمله معروفش اظهار داشت: «پیاده‌ها بمنزله روح شطرنجند»، در قالب عبارات و اصطلاحات فنی مفاهیم کلی و نظریاتی را ابراز داشته‌اند. از انجمله تاراش یکمرتبه اعلام داشته بود، «هرگاه سوارهایم بتوانند در پستهای خوبی قرار گیرند از بابت وضع پیاده‌ها من دلواپسی نخواهم داشت.» نیمزوویچ نیز در کتاب معروف خود. My Systeme فصلی درباب آموزش و ویژگیهای پیاده و بخصوص زنجیر پیاده‌ای به رشته تحریر درآورده است که سالیانی دراز مورد استفاده و پذیرش اساتید فن قرار داشت. ولی امروزه درباره حمله به قاعده زنجیر پیاده‌ای که از اصول مورد بحث در کتاب مزبور می‌باشد صحبت چندانی به عمل نمی‌آید. بازیکنان خیلی پیشرفته انقدرها

موافق نیستند که سهم قابل توجهی از وقت خود را به مطالعه در این باب اختصاص دهند.

موضوع جالب دیگر، پیاده منفرد وزیر در عرض سوم می‌باشد که در بعضی مراحل گشایشی همواره تنها می‌ماند، حال مهم نیست که چگونه و با چه سوارهایی از آن دفاع به عمل می‌آوریم. ولی آیا این يك نقطه ضعف محسوب می‌شود و یا خیر؟ موضوعی است قابل بحث که به موقع در این خصوص متعاقباً صحبت خواهیم کرد و اجمالاً می‌توان گفت که:

ضعف پیاده‌ها و یا خانه‌ها رابطه‌ای مستقیم با ساختار پیاده‌ای داشته و به وضعیت یا پیکربندی سوارها بستگی ندارد. به همین سبب ایجاب می‌نماید که اصولاً ضعف پیاده‌ها و خانه‌ها را با هم به گونه‌ای که مستقیماً بهم مربوط باشند مورد مطالعه و بینش قرار دهیم. هنگامی که يك استاد بزرگ می‌خواهد پوزیسیونی را ارزیابی کند، خود را موظف می‌داند که ابتدا توجه و مطالعه‌ای کلی روی خانه‌ها و پیاده‌های ضعیف پوزیسیون خود و حریفش به عمل آورد. البته وجود این قبیل ضعفها هرگز سیمای مثبتی را نوید نمی‌دهد، در عین حال گاهی تنها فقط يك نقطه ضعف می‌تواند به دنبال خود

بوتونیک با تشخیص ضعف مسلمی در خانه d5 از پوزیسیون سیاه اولین هدف خود را در جهت اشغال خانه مزبور به وسیله فیلش طرحریزی می کند:

11.dxe P×P 12.Fd3 h6 13.0-0 0-0
14.f4 Cd7 15.f5 Cf6 16.Ce4! Dd8
17.C×C+ D×C 18.Fe4 Tb8 19.Tad1
b6 20.h3 Fa6! 21.Fd5 b5 22.P×P
T×P 23.c4

چنانچه ملاحظه می شود سرانجام بوتونیک فیل خود را با استحکام در خانه ضعیف حریف جای داد. اکنون سائر سوارهای سفید با استفاده از قدرت این فیل گسترش را در جهت فشار هرچه بیشتر بر پوزیسیون حریف انجام خواهند داد.

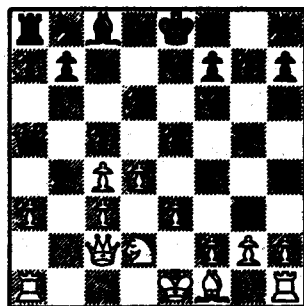
23...Tb6 24.Tb1 Td8 25.T×T
P×T 26.e4 Fc8 27.Da4 Fd7 28.
Da7 Fe8 29.Tb1 Td6 30.a4
به این ترتیب سفید يك پیاده خواهد گرفت:
30...Rh7 31.a5 P×P 32.D×a5
Ta6 33.D×P

بوتونیک از این پس جز دفع کردن بعضی ضد حمله ها مشکلی نخواهد داشت و با همان پیاده اضافی پیکار را به نفع خویش به پایان خواهد رساند.

علاوه بر آنچه گفته شد، نمونه های دیگری

سرتاسر پوزیسیون را به مخاطره اندازد. به عبارت ساده تر، در برخی مواقع فقط يك خانه یا پیاده ضعیف می تواند موجب شکست گردد. بهترین و بارزترین نمونه های انرا می توان در بعضی از گیم های بوتونیک ملاحظه نمود، او در تعدادی از این موقعیتها نشان داده است که چگونه می توان از قدرت فقط يك سوار هنگامی که در خانه ضعیف حریف مستقر شود بهره برداری به عمل آورد.

مثال کلاسیک زیر از مبارزه بوتونیک - کان (Botvinik-Kan) در نهمین مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۹ که در بسیاری از کتابها نقل شده است، نمایشگر مناسبی از موضوع مورد بحث در فوق می باشد که ذیلاً دنباله انرا با توجه به دیگرام (81) خواهیم دید



دیگرام (81)

نیز می توان نقل کرد که در آنها هم نظیر مثال فوق پیروزی مولود برتری کوچکی است که همان امکان اشغال خانه ای ضعیف در اردوگاه حریف می باشد. از آن جمله مبارزه بوتوینیک - سوروکن (Botvinik - Sorokin) در هفتمین دوره قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۱ و همچنین برخورد هایش با پانو (Panov) در مسابقات فینال و همچنین با چخوور (Chekhover) در نیمه فینال قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۹ را می توان نام برد. در تمامی آنها سفید برتری قطعی خود را با بهره برداری از ضعف خانه d5 حریف، به عنوان پایگاهی برای سوار هایش بدست آورده است.

هر چند که پیروزیهای مذکور در فوق همگی بر اساس بهره برداری از يك نقطه ضعف حاصل گردیده است، ولی باید توجه داشت که بطور نسبی چنین چیزی به ندرت اتفاق می افتد. معمولاً هنگامی از يك خانه ضعیف می توان بهره برداری کرد که این عامل با سایر برتریها دست بدست هم بدهند. لیکن اگر در پوزیسیون حریف دو خانه ضعیف وجود داشته باشد آنگاه نتیجه گیری با شیوه ای سهلتر انجام می پذیرد. به این معنی که کوشش بعمل می آید که از هر يك از این خانه ها به

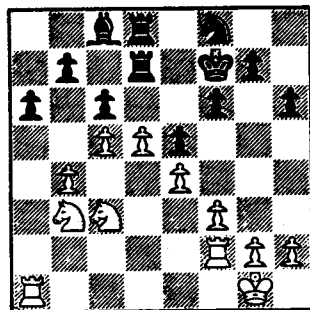
عنوان پایگاهی برای استقرار سواری بهره برداری به عمل آید. در چنین کیفیتی معمولاً اسبها مناسبترین مهره می باشند. از جمله نمونه های جالب در این زمینه که شخصاً با آن اشنائی داشته و به ویژه بخش پایانی آن برایم هیجان آور بوده است مبارزه رومانوسکی - اسمورودسکی (Romanovsky - Smorodsky) می باشد که در سومین قهرمانی شوروی سال ۱۹۲۴ انجام پذیرفته است و چنانچه دیباگرام (82) نشان می دهد در حالی که پیاده های سفید فضای حرکت سوارهای سیاه را محدود نموده اند، ضعف خانه های d6 و b6 از يك سو و متمم آن ضعف خانه های a5 و f5 از سوی دیگر، به سفید فرصت مناسبی می دهند که با استفاده از این پایگاهها برای اسبهایش بتواند فعالانه مبارزه را دنبال کند.

1. Ca5 Tc7 2. Td1 h5 3. Tfd2 Tcd7
4. Ca4 Re8 5. Cb6 Tc7 6. Cac4 Fd7
7. Cd6+Re7

چنانچه می بینیم اسبهای سفید با اسودگی خیال در اردوگاه حریف جای گزین شده اند و خانه های d6 و b6 به طور طبیعی پست مناسبی را برای اشغال آنها بوجود آورده است.

تا اینجا فقط در خصوص خانه‌های ضعیف بحث بعمل آمد. برداشت یا تصور پیاده‌های ضعیف کاملاً روشن است. چه بسا که از داشتن چنین پیاده‌های شوربختی رنج برده و یا چند عددی از آنها را در قبال حمله حریف از دست داده باشیم! در حالی که امکانات دیگریم وجود داشته است. چنانچه مدافع ترتیب حفاظت از ضعفهای خویش را با اطمینان فراهم آورده باشد، انگاه قوای حریف که بخواهند به سدی از سنگ خارا حمله ور شوند جز انهدام و چشیدن طعم شکست نصیبی نخواهند داشت. در صورتی که داشتن چنین پیاده‌هایی کم ارج تشخیص داده شود و یا دفاع از آنها مشکل بنظر رسد، بهتر است درصدد تعویض آنها با پیاده‌های حریف برآئید. دست آخر، همیشه امکان قربانی دادن آنها نیز وجود دارد. مانند کیسه‌های شنی که در سطح تحتانی کشتی نگهداری می‌کنند تا هنگام ضرورت برای حفظ تعادل به دریا ریخته شود.

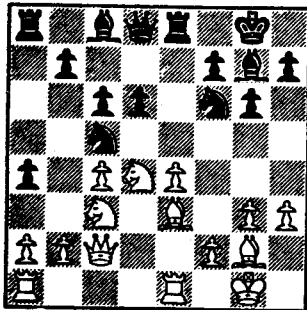
تمام این حالات هنگامی که بازیهایی اسانید مورد مطالعه قرار می‌گیرد دیده می‌شود. اکنون می‌خواهیم فقط نکاتی را یادآوری کنیم که استراتژی جدید از مفهوم خانه‌ها و پیاده‌های ضعیف برداشت نموده



دیاگرام (82)

8.Cb5! Tcc8 9.C×T+ T×C 10.Cd6
Tb8 11.Cc4 g5 12.Cb6 Fe8 13.
d6+Rd8 14.d7 Ff7 15.Td6
سرانجام رخ به عنوان مهمانی ناخوانده
خانه ضعیف حریف را اشغال کرد.
15...Fb3 16.T1 d2 Ch7 17.Cc8 h4
18.Ca7!

و اینك اسب سفید که در تمام طول مبارزه
یکه‌تاز میدان بوده است با انتخاب پست
اخیر وضع سیاه را بی‌دفاع اعلام می‌کند.
زیرا در قبال قربانی و یا تهدید 19.T×c6
پاسخ مناسبی نمی‌توان یافت و سیاه
شکست را می‌پذیرد.



دیاگرام (83)

فشاری مداوم قرار گیرد. ولی بهره برداری از آن برای سفید کار آسانی نمی باشد و مسئله ایست دشوار. با وجود آنکه هیچ چیز ساده تر از این به نظر نمی رسد که برای وارد آوردن فشار بر پیاده مورد بحث اسب d4 پست خود را ترك کند، ولی مشکل در این است که وجود اسب مزبور در این نقطه برای حکومت بر خانه های b5 و c6 و e6 و f5 و همچنین خنثی کردن نفوذ فیل فیانکتوی سیاه سخت مورد نیاز سفید می باشد. در حقیقت اسب مزبور فقط هنگامی پست خود را می تواند ترك کند که سفید بخواهد خود را در قبال حمله های حریف از قبیل a4-a3 و یا f7-f5^{Fe6} حراست کند. در این ضمن سیاه نیز پوزیسیون خود را کاملاً

و ضمن مقایسه با عقائد اشتین نیز همراه با تغییراتی آنرا غنی تر نموده است. بنیان گذار روشهای پوزیسیونی در مبارزه اغلب کار را بر اظهار نظر در ارزیابی استاتیکی (حالت سکون) ضعف ها بنا می نهاد، در صورتی که امروزه دخالت دینامیک (جنبشی) یک پوزیسیون و نیروهای ذخیره نهانی آن در ارزیابی کلی نفوذ بیشتری دارد. همانطور که قبلاً در خصوص اهمیت خطوط باز و اندک تغییراتی که در دهها سال اخیر در باب معنی و اهمیت این خطوط به وجود آمده است شرح دادیم، اکنون نیز لازم است یادآوری گردد که تغییراتی بر معنی در چگونگی راه تشخیص ضعفها نیز بوجود آمده است که مورد مطالعه قرار خواهیم داد. به عنوان مثال دیاگرام (83) را که نمایشگر یکی از پوزیسیون نهانی است که شما خواننده عزیز هم قطعاً در گیمهای خود با آن مواجه شده اید در نظر می گیریم: برونشستن در خصوص ضعف پیاده وزیر سیاه در این واریاسیون چنین می نویسد: «در اینجا به نظر می رسد که بهترین فرصتی است تا برای خواننده راز پیاده وزیر سیاه را در مرحله شروع هندی شاه فاش کنیم، ظاهراً استقرار پیاده مزبور در ستونی باز فرصت می دهد تا در معرض

سازمان داده است. پس هرگونه تصویری درخصوص ضعف پیاده وزیر سیاه غیرواقعی و در حقیقت چنین اندیشه‌ای گمراه کننده می‌باشد. علاوه بر این ناگفته نماند که روشهای جدید مراحل شروع درگیر افرینش بسیاری از اینقیلیل ضعفها می‌باشد، در صورتی که سالیانی دراز شروع هندی شاه به سبب ضعف پایدار پیاده وزیر سیاه مشکوک انگاشته می‌شد.»

این نمونه‌ایست بارز از ارزیابی عمیق دینامیکی برای شما!

اکنون برای اشنائی بیشتر، نمونه‌های مشابهی را که در سائر روشهای جدید مراحل شروع به صورت «ضعف‌های دینامیکی» قابل ملاحظه است مورد بررسی قرار می‌دهیم. مطلب را از مرحله گشایش سیسیلی با این سؤال آغاز می‌کنیم که آیا پیاده d6 در واریانت معروف بولسلاوسکی^(۱) سیاه را محکوم می‌کند که

ضعفی پایدار در فورم پیاده‌هایش تحمل کند؟ برای پاسخ به این سؤال و اینکه حق مطلب بهتر ادا شده باشد این پیاده را نه فقط به صورت عقب افتاده در نظر می‌گیریم بلکه چنین می‌پنداریم که در پاسخ به حرکت f4 سفید، با انجام e5xf4 موجبات منفرد ماندن پیاده مزبور نیز فراهم شده باشد. معذک چنانچه ملاحظه می‌شود، به سبب خالی ماندن خانه‌های c5 و e5 در مرکز فرصت پیشقدمی و ابتکار عمل نیز برای سیاه فراهم گردیده است.

در مرحله شروع نیمزوایندیان، ایا با داشتن مهره سفید به دفعات برای هر يك از ما اتفاق نیفتاده است. که مجبور باشیم وجود يك پیاده عقب افتاده را در e3 متحمل شویم^(۱)، در حالی که بعضی مواقع مورد حمله دو رخ در امتداد ستون باز e نیز می‌تواند قرار گرفته باشد، انهم صرفاً به این امید که بتوانیم متعاقباً ترتیبی

(۱) تصور می‌کنم غرض واریانت سیمیش Saimisch Variation می‌باشد که ترتیب حرکات برای وصول به پوزیسیون کلیدی معمولاً به گونه زیر انجام می‌پذیرد:

1.d4 Cf6 2.c4 e6 3.Ce3 Fb4 4.a3 FxC 5.PxF d5 6.f3 o-o 7.PxP PxP 8.e3 Ff5 9.Ce2 Cd7 10.Cg3 Fg6 11.Fd3 c5 12.o-o Te 8

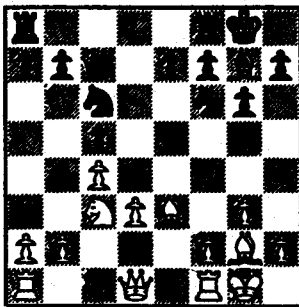
چنانچه ملاحظه می‌شود وضع پیاده‌ها به همان ترتیبی است که در متن کتاب اشاره گردیده است. - مترجم

(۱) اگرچه خوانندگان با انواع مراحل گشایش اشنائی دارند. ولی از آنجا که واریانت مورد اشاره در متن کتاب تاکنون در ایران طرفدارانی نداشته است، ذیلاً حرکات اولیه تا وصول به پوزیسیون کلیدی یادآوری می‌گردد:

شروع: دفاع سیسیلی واریانت بولسلاوسکی
1.e4 c5 2.Cf3 Cc6 3.d4 PxP 4.CxP Cf6 5.Cc3 d6 6.Fe2 e5 7.Cb3 Fe7 8.0-0-0

چنانچه ملاحظه می‌شود، پیاده d6 به معنای واقعی عقب افتاده به شمار می‌آید - مترجم

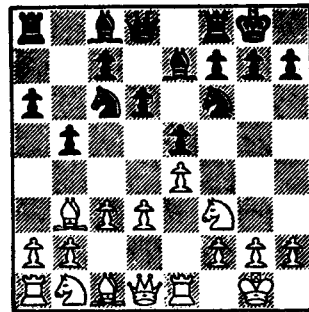
«با نگاهی اجمالی به دیاگرام (84) چنانکه می دانیم قصد سفید حمله در جناح شاه است. طرحی که در بدو امر دنبال می کند عبارتست از بردن اسب b1 از طریق خانه d2 به f1 تا پس از پیشروی پیاده های h3 و g4 بتواند انرا به خانه g3 برده و سرانجام در پایگاه f5 جای دهد. متقابلاً، سیاه باید بطور طبیعی با تمهید مقدماتی درصدد ضربه متقابلی با انجام d5 برآید. در چنین کیفیتی سفید با تعویض پیاده ها در مرکز (d5) پیاده شاه سیاه را در معرض فشار قرار خواهد داد. البته پیاده d3 سفید نیز مانند آنچه که در مرحله شروع سیسلی قبلاً گفتیم، گرچه عقب افتاده می باشد، ولی محققاً ضعیف به شمار نمی آید.»



دیاگرام (85)

فراهم اوریم تا مجموعه پیاده ای c3 و d4 و e3 و f3 را که بر اثر وجود پیاده d5 سیاه و سوارهایش متوقف شده است راه بیاندازیم؟

مثال دیگری که اظهارنظر و ارزیابی دینامیک را درخصوص یک پیاده ضعیف روشنتر می سازد بحثی است که بوتوینیک در خصوص حرکت 9.d3 در شروع لویز Ruy Lopez بعمل آورده است،^(۷) او چنین می گوید:



دیاگرام (84)

(۷) برای رسیدن به پوزیسیون کلیدی دیاگرام (84) در شروع روی لویز حرکات انجام یافته معمولاً به قرار ذیل است:

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a3 4.Fa4 Cf6 5.0-0 Fe7 6.Te1 b4 7.Fb3 d6 8.c3 0-0 9.d3

لیکن در واریاسیون چیگورین از شروع روی لویز، در اینجا اغلب حرکت 9.h3 انجام می پذیرفت که فیل حریف نتواند به خانه g4 دسترسی پیدا کند. - مترجم

برای ارزیابی پوزیسیون دیاگرام (85) که

طریق ستون باز d بر پیاده سفید می‌تواند وارد آید. حال با این مقدمه می‌توان فهمید که چرا سیاه به جای حرکت استراتژیک Cd4 ترجیح می‌دهد حرکت تاکتیکی Tfd8 را انجام دهد که هدفش پیاده وزیر سفید می‌باشد.»

از آنچه که گفته شد نتیجه می‌گیریم که امروزه برای ارزیابی ضعف‌های یک پوزیسیون باید عنصر جدیدی که می‌توان آنرا پدیده دینامیکی نامید در نظر گرفت.

پیاده‌های رونده

در مبحث قبل موضوع پیاده‌های ضعیف از دید جدید به خوبی و با صراحت مورد بررسی قرار گرفت. با وجود آنکه توانستیم پاره‌ای خصوصیات مثبت برای بعضی پیاده‌های منفرد و عقب افتاده پیش‌بینی کنیم، معذک هنوز تمایلی به داشتن اینگونه پیاده‌های خاص نشان داده نمی‌شود و واژه ضعیف را در مورد آنها بکار می‌برند. ولی متقابلاً پیاده‌های ازاد و رونده، به ویژه اگر پیشروی آنها تا مرزهای دور بوسیله سوارهای خودی حمایت شود، افتخارآمیز بوده و دلخواه همگان می‌باشند!

از پیکار ناجدورف - برونشیتن در مسابقات کاندیدای زوریخ سال ۱۹۵۳ برگزیده شده است، برونشیتن چنین می‌نویسد: «در استراتژی جدید شطرنج بسیاری از عقاید و مفاهیم تلطیف گردیده و گسترش یافته است. در نتیجه هنگامی که بازیکنی در این ایام می‌خواهد برای انتخاب حرکتی تصمیم بگیرد هیچگاه ظاهر پوزیسیون را در نظر نمی‌گیرد، بلکه او با توجه به امکانات گوناگونی که برای هر دو جبهه وجود دارد ارزیابی واقعی را بعمل می‌آورد. به همین سبب در دیاگرام مورد بحث، با وجود آنکه سیاه می‌تواند خانه d4 را با اسب اشغال نماید، معذک او حساب می‌کند که پس از آن دیگر واقعاً شانس برای تقویت پوزیسیون که بوجود می‌آید نخواهد داشت، ولی متقابلاً سفید تهدیدهای جدی در جناح وزیر با انجام Tb1 و b2-b4 و غیره بدست می‌آورد، ضمناً ارتباط با فیل فیانکتو g2 و فشار وارده در امتداد قطر را نباید از نظر دور داشت. علاوه بر این از عوامل بسیار مهم دیگری که سیاه باید در محاسبه خود منظور نماید موضوع مصونیتی است که پیاده سفید در مقابل حملات پیدا خواهد کرد. زیرا وجود اسب سیاه در حکم سپر محافظی است در مقابل فشاری که از

ادامه می دهد:

22.Ff4! Tfd8

واضحست که حرکت 22...Da3 بد است زیرا:

23.Fc6 F×F 24.P×F D×c3 25.D×D F×D 26.Tac1

و سپس T×P پیروزی سفید را در مرحله پایانی تضمین می کند و اما ادامه متن اصلی:

23.d6 De4 24.Te1 Df5 25.d7!

چنین موقعیتی یعنی وصول پیاده رونده به عرض هفتم در مرحله میانی گیم، انهم در وضعی که کاملاً مصون از تعرض باشد، به ندرت اتفاق می افتد. سفید تمامی قوای خود را حول این پیاده که در حکم نقطه کانونی می باشد جمع اوری کرده است.

25...h5 26.Te8+Rh7 27.h4 Ta6 28.Fg5!

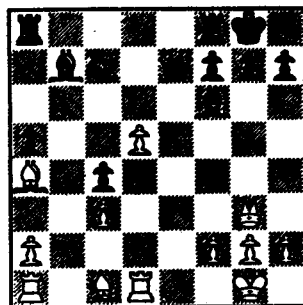
با حمله ای غیر مستقیم روی رخ سیاه که جلوی پیشروی پیاده را سد کرده است، همراه با تهدید 29.T×T و چنانچه:

28...F×F 29.D×F

انجام گیرد، منجر به شکست سیاه می شود. بهر حال کرس که مجبور است تعویض را بپذیرد مقاومتش طولی نخواهد کشید.

28...T×P 29.F×T D×Fd7 30.Tae1 Td6 31.F×F T×F 32.Db8

برخی مواقع يك پیاده رونده در چند حرکت با ایجاد برتری مادی حصول پیروزی را مسلم می نماید. مثال زیر که از مبارزه اسمیس洛夫 - کرس (Smyslov - Keres) مسابقات کاندیدا سال ۱۹۵۳ در زوریخ اقتباس شده است یکی از نمونه های بارز چنین پیاده ای را نشان می دهد:



دیاگرام (86)

همانطور که در دیاگرام (86) ملاحظه می شود سفید يك پیاده اضافه دارد ولی هر زمان که بخواهد فیل را که تاکنون حرکت نداده است طوری گسترش دهد که سیاه بتواند Da3 ظاهرأ عقب افتادگی مادی خویش را جبران خواهد نمود. با وجود این اسمیس洛夫 بلادرنگ به منظور پیش راندن پیاده برای وزیر شدن چنین

سرانجام سفید با حمله روی شاه حریف به زودی پیروز خواهد شد.

جزیره های پیاده ای

در آغاز کتاب، تحت عنوان آزمایشی غیر عادی، استاد بزرگ اسمیس洛夫 ضمن ارزیابی که روی پوزیسیون داده شده بعمل می آورد، ابتدا محاسبه را براساس پیاده های ضعیف و قوی و سپس پیکربندی کلی پیاده ای طرفین بنا نهاده بود. ما نیز عوامل مختلفی را مورد بررسی قرار دادیم که از انجمله، پیاده های عقب افتاده، منفرد، رونده را می توان نام برد. ولی در مجموع نیز عوامل دیگری وابسته به اسکلت پیاده ای وجود دارد که اغلب، بدون هیچگونه ابهامی، می تواند برتری و یا حتی پیروزی را تضمین کند.

روزگاری بود که حامیان مکتب اشتین تیز - تاراش (Steinitz - Tarrasch) قویاً به اکثریت پیاده ای جناح وزیر عقیده داشتند. مثلاً اگر سفید سه پیاده متصل بهم در جناح وزیر داشت و متقابلاً سیاه در این جناح فقط دارای دو پیاده بود، چنین می اندیشید که مسلماً در آینده ای نه چندان دور سفید پیروز خواهد شد. در صورتی که امروزه

استراتژی جدید صریحاً این عقیده را انکار می کند و با اطمینان موضوع دعوی و یا فرضیه برتری اکثریت پیاده ای در جناح را، به خودی خود و مستقل از وضع سوارها و سایر عوامل، غیر قابل ضمانت تلقی می نماید. در عرف امروز نیز تحقیق در خصوص تئوری مزبور خاتمه نپذیرفته و توجه در این زمینه روی ادراکی تازه، به عنوان «جزیره پیاده ای Pawn Islands» انتقال یافته است.

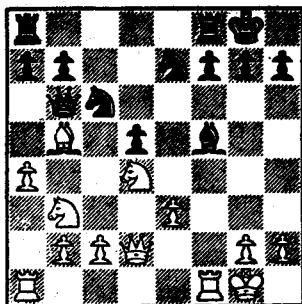
برای آشنائی با مفهوم جدید که تأیید آن عملاً رو به فزونی است توضیحات زیرین ضروری به نظر می رسد:

اگر شما هفت یا هشت پیاده داشته باشید که تشکیل يك زنجیر پیاده ای داده باشند، ولی در پیاده های حریف پراکندگیهایی وجود داشته باشد (یا بگفته کاپابلانکا جزائر کوچک)، در چنین کیفیتی شما از انچنان برتری حقیقی برخوردارید که به تناسب پیشرفت به سوی مرحله پایانی افزایش می یابد. این مفهوم مجرد یا این پدیده، امروزه در ارزیابی پوزیسیونها از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

در خانه e4 برای اسب فراهم نموده‌اند و چنانچه سفید بخواهد اسبها را در این خانه تعویض کند انگاه سیاه پیاده رونده حمایت شده‌ای پیدا می‌کند که متضمن ضرر و زیان سیاه در بخش پایانی می‌گردد.»

کرس، بی‌نیاز به کاربرد عملی پیاده‌هایش ولی با پشتیبانی وضع ارایشی آنها و وقوف به این امر که گلیکورچ از تعویض اسبها اجتناب می‌ورزد، با همکاری سه سوار خویش حمله‌ای قوی را روی شاه حریف تدارک می‌بیند

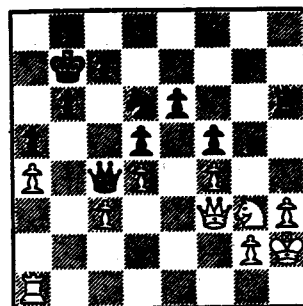
دیاگرام (88) مربوط به مسابقات بوتونیک - بولسلاوسکی (Botvinic - Boleslavsky) بر سر عنوان قهرمانی شوروی در سال ۱۹۴۱ می‌باشد.



دیاگرام (88)

اکنون برای توجیه بیشتر مطلب به ذکر مثالی از ارزیابی پوزیسیون گلیکورچ - کرس (Gligoric - Keres) مسابقات کاندیدا ۱۹۵۳ زوریخ می‌پردازیم - دیاگرام (87)

برونشیتن ضمن قضاوتی که بعمل می‌آورد، می‌نویسد: «برتری سیاه از يك طبیعت ثابت و ساکنی برخوردار است که چندان به تحرك بیشتر سوارهایش ارتباط ندارد بلکه به ارایش پیاده‌ای عالی ان وابسته می‌باشد



دیاگرام (87)

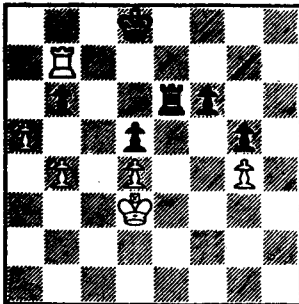
الف: تمامی پیاده‌های سیاه به همدیگر پیوسته‌اند در حالی که پیاده‌های سفید به سه گروه مجزی و در نتیجه ضعیف تقسیم شده‌اند
ب: پیاده‌های d و f سیاه پایگاه مناسبی را

منظور باید اسب سیاه را هم به عقب براند.

25.g3 Td6 26.h4 f6 27.Df5 Dc8
28.DxD TxD 29.h5 Cf8 30.Te7
Tcd8 31.Cf4 T8 d7 32.g4 T×T 33.
T×T g5 34.P×P e.p. C×P 35.C×C

چون پیروزی در بخش پایانی که فقط رخ وجود داشته باشد دشوارتر از آنست که اسبهم باشد لذا سفید می‌توانست ترتیبی عمل کند که از این تعویض خودداری گردد.

35...P×C 36.Tb7 Rf8 37.Rf2
Re8 38.Re3 g5 39.Rd3 Te6 40.
b4! P×P 41.P×P Rd8 42.a5!



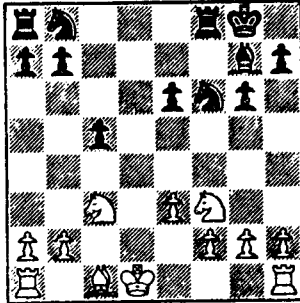
دیاگرام (89)

و سرانجام جزیره موجود در d5
ضعفی را که قبلاً به آن اشاره شده بود

در این وضعیت سیاه تعویض
C×C 14... را انجام می‌دهد و
بوتونیک درخصوص ارزیابی چنین
تعویضی می‌نویسد: «اشتباهی است
پوزیسیونی که موجب افزایش برتری
سفید می‌گردد. زیرا حاصل کار برای
سفید دو جزیره پیاده‌ای (اصطلاح
کاپابلانکا) و برای سیاه سه جزیره
وجود می‌آورد، ضمناً، پیاده وزیر
سیاه هم به اسانی به صورت نقطه
ضعفی درمی‌آید. حال اگر با دقت
دنباله کار را مورد رسیدگی قرار دهیم
ملاحظه خواهیم نمود که جزیره d5
انتخاب حرکات سیاه را محدود
می‌کند. سرانجام هم سیاه نمی‌تواند
انرا نجات دهد و سقوط خواهد کرد.

15.P×C Tac8 16.Cc5 a6 17.Tae1
Te7 18.Fd3 F×F 19.D×F Dd6 20.
c3 a5 21.Df3 Cg6 22.Te3 b6
23.Cd3 Td7 24.Tfe1 Dc6

با توجه به اینکه پیاده‌های b6 و d5
سیاه ضعیف محسوب می‌شوند، سفید
از برتری پوزیسیونی مسلمی
برخوردار می‌باشد. بوتونیک با انجام
حرکات بعدی کوشش می‌کند که
کنترل عرض هفتم را هم به وسیله رخ
از طریق خانه e7 بدست آورد، به این



دیاگرام (90)

و به این ترتیب پیاده e6 برای سیاه پیاده ای ضعیف بحساب می آید. بعداً پطروسیان فاش کرد، هنگامی که خود را برای مسابقه آماده می کرده است، ضمن مطالعاتش پوزیسیون فوقراً دقیقاً مورد بررسی قرار داده و عقیده اش بر آنست که اگر صد در صد نتوان پیروزی سفید را تضمین کرد ولی می توان گفت شانس موفقیتش خیلی زیاد است. ضمناً از نقطه نظر استراتژی جدید، درخصوص جزائر پیاده ای که سیاه سه و سفید دو تا از آنها را دارا می باشد برتری مورد بحث تأیید می شود. در ادامه این مبارزه که پطروسیان با کمال دقت انرا انجام داده است، به خوبی از عهده اثبات برتری سفید برآمده است:

روشن می سازد. حال اگر:

42...P×P 43.P×P Rc8

و سپس:

44.Tb5 Td6 45.Rc3 Rc7 46.Rb4

و چنانچه می بینیم سیاه نمی تواند پیاده d5 را حمایت کند و در عین حال از نفوذ و پیش روی شاه سفید هم جلوگیری به عمل آورد. مجدداً برمی گردیم به ادامه متن اصلی:

42...Rc8 43.a6 b5 44.T×P T×P

45.T×P

بالاخره پیاده مورد بحث سقوط کرد.

45...Ta1 46.Tc5+Rb7 47.d5 Tf1

48.Tc4 f5 49.Re2

سیاه شکست را می پذیرد.

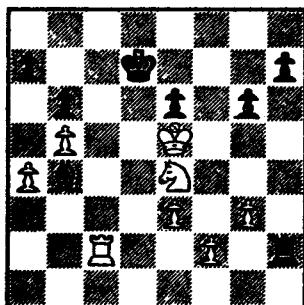
پنجمین مبارزه از مسابقات دو نفری پطروسیان - بوتونیک (Petrosian - Botvinic) بر سر عنوان قهرمانی جهان در سال ۱۹۶۳ یکی دیگر از مثالهای جالبی است که چگونگی بهره برداری کردن را از جزیره های پیاده ای گوناگون در پوزیسیون حریف نشان می دهد.

1.c4 g6 2.d4 Cf6 3.Cc3 d5 4.

Cf3 Fg7 5.e3 0-0 6.Fe2 P×P 7.

F×P c5 8.d5 e6 9.P×P D×D+10.

R×D F×P 11.F×F P×F



دیاگرام (91)

Te6 Fd8 43.Td6+Rc8 44.Re8 Fc7
45.Tc6 Td1 46.Cg5 Td8+47.Rf7
Td7+48.Rg8

سیاه تسلیم می‌شود.

(۱) ضعف جنبی

پیاده‌هائی که پس از خاتمه مرحله شروع
یا گشایش در سیستم‌های گوناگون روی

(۱) - در ترجمه انگلیسی لغت Periphery و فرانسه
Périphérique استعمال شده است که معانی
گوناگونی دارد از جمله پیرامون منحنی الخط، ولی
شخصاً ضعف زنجیره‌ای یا ضعف خانه‌های هم‌رنگ
را بکار می‌بردم، لیکن بنا به توصیه همکاران سرانجام
لغت جنبی برگزیده شد. - مترجم

12.Re2 Cc6 13.Td1 Tad8 14.T×T
T×T 15.Cg5 Te8 16.Cge4 C×C 17.
C×C b6 18.Tb1 Cb4 19.Fd2! Cd5
واضحست که حرکت 19...C×P بد است
زیرا:

20.Ta1 Cb4 21.F×C P×F 22.T×P
و اکنون ادامه گیم اصلی:

20.a4 Tc8 21.b3 Ff8 22.Tc1 Fe7
23.b4! c4 24.b5 Rf7 25.Fc3 Fa3
26.Tc2 C×F+ 27.T×C Fb4 28.Tc2
Re7 29.Cd2 c3

تعویض سوارهای کوچک و باقیماندن
فقط رخها در مرحله پایانی برای سیاه که
پیاده c انهم در شرف از دست رفتن
می‌باشد بد است. در حالی که شاه سفید
هم در صدد نفوذ در پوزیسیون حریف و یا
مرکز می‌باشد.

30.Ce4 Fa5 31.Rd3 Td8+32.Rc4
Td1 33.C×P Th1 34.Ce4! T×P 35.
Rd4 Rd7 36.g3 Fb4 37.Re5

دیاگرام (91)

در آغاز این قسمت از بخش پایانی شاه
سفید شخصاً در نظر دارد جناح شاه
حریف را از وجود پیاده‌های دشمن پاک
کند.

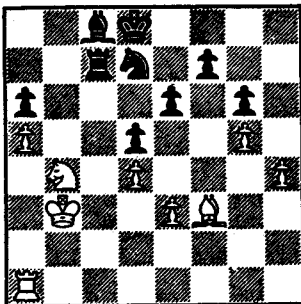
37...Th5+ 38.Rf6 Fe7+39.Rg7
e5 40.Tc6 Th1 41.Rf7! Ta1 42.

صفحه شطرنج باقی می ماند، صور گوناگونی به خود می گیرند. مثلاً می دانیم که ارایش پیاده ها در وازباسیون دراگون از دفاع سیسیلی فورم خاص خود را پیدا می کند. یا در دفاع فرانسه زنجیر پیاده ای طویل مبین این نوع شروع می باشد. معمولاً این ارایش پیاده ای که محصول مرحله شروع است، مدت زمانی نسبتاً طولانی در بخش میانه گیم نیز باقی می ماند. این همان عاملی است که استاد با تجربه به سبب شناختی که از آن دارد با ملاحظه پوزیسیون، ولو مربوط به مرحله میانی انهم با پیشرفت تعداد زیادی حرکات باشد، می تواند نوع شروع را تشخیص دهد. برخی مواقع اتفاق می افتد که یک بازیکن پیاده هایش همگی در خانه های همرنگ قرار می گیرند و یک چنین زنجیر پیاده ای به سبب همکاری و بستگی که فیما بین آنها وجود دارد از خصوصیات مثبتی برخوردار می باشد، ولی باید توجه داشت که در عین حال یک نقص علاج ناپذیر هم به همراه دارند. زیرا خانه های با رنگ مخالف و بی دفاع که در مجاورت خانه های مزبور واقع شده اند جای امنی را در دسترس سوارهای حریف قرار خواهند داد. به ویژه اگر فیل مدافع این خانه ها هم از صحنه خارج شده باشد.

در چنین کیفیتی یک سری خانه های ضعیف به وجود می آید که می تواند در دسترس قوای حریف قرار گیرد. معمولاً بر حسب رنگ این خانه ها گفته می شود، ضعف خانه های سفید و یا ضعف خانه های سیاه که در واقع ضعف خانه های جنب زنجیر پیاده ای است. معمولاً برای سهولت آنرا ضعف جنبی می نامند.

برای توجه بیشتر این موضوع که خالی از اشکال نبوده و نیاز به مهارت دارد، مطلب را با گفتگونی که با یکی از حریفانم داشته ام آغاز می کنم، تا بهتر در خاطر باقی بماند.

این واقعه مربوط است به مسابقه ای که من با مهره سفید بر علیه استاد بزرگ پیل نیک (Pilnik) در انترزونا ۱۹۵۲ (استکهلم) داشته ام:



دیاگرام (۹۲)

دیاگرام (92) وضع را پس از انجام ۴۱ حرکت نشان می‌دهد که پوزیسیون ثبت و به جلسه بعد موکول گردید. در این موقعیت پیل نیک پیشنهاد مساوی داد و من در پاسخ به او گفتم، «من هنوز مایلم اندکی کار را ادامه دهم»، زیرا با برداشتی که از پوزیسیون داشتم احساس موفقیت و پیروزی می‌کردم ولی پیل نیک با سماجت می‌گفت:

«شما جز مختصر فضای بیشتر برتری دیگری ندارید، از طرف دیگر پیاده‌های من به گونه‌ای مطمئن حفاظت شده‌اند.» در اینجا بود که دیگر نتوانستم صبر کنم و از او پرسیدم، «چگونه محافظت شده‌اند؟» در جواب گفت، «به وسیله فیل.»

در قبال چنین پاسخی من نتوانستم بفهمم که جدی می‌گوید یا شوخی می‌کند. به هر حال تصمیم گرفتم به گفتگو پایان دهم و در این حالت غرضم غنیمت بردن از خیال باطل حریف نبود، بلکه پنداشتم مبادا حریف غفلتاً راهی برای تجدید سازمان پیاده‌های خود پیدا کرده باشد.

نتیجه‌ای که از این گفتگو عایدم گردید این بود که متوجه شدم، مسئله چگونگی ضعف پیاده‌ها هنگامی که فقط یک فیل وجود دارد حتی برای اساتید بزرگهم چنانکه باید روشن نیست!؟ در حالی که تردیدی

نمی‌توان داشت که در چنین موقعیتی یعنی هنگامی که پیاده‌ها در خانه همرنگ فیل قرار دارند و حرکتشان هم محدود است از لحاظ پوزیسیونی اشکالی جدی وجود دارد، چرا که پیاده‌ها بایستی کمک و تسهیلاتی را برای سوارها فراهم آورند. نه اینکه موجب دست و پاگیر شدن آنها شوند.

به همین سبب هنگامی که بازی مزبور ادامه یافت، سفید خیلی زود توانست برتری پیدا کند که در واقع محصولی بود از پوزیسیون نامناسب پیاده‌های سیاه. پیاده‌هائی که به قول حریف با اطمینان به وسیله فیلش حمایت شده بودند. در اینجا من به هنگام ثبت حرکت، پوزیسیون را چنین ارزیابی نمودم:

سفید اگر دقیق عمل کند از برتریهای کاملاً مکفی برای وصول به پیروزی برخوردار است که عبارتند از:

۱- تمامی پیاده‌های سیاه در خانه‌های همرنگ فیلش واقع شده‌اند و حرکتشان انچنان محدود است که می‌توان گفت در پیشبرد مبارزه سهمی ندارند.

۲- تمامی سوارهای سفید تحرک دارند در صورتی که سوارهای سیاه در دو ردیف آخر رویهم انباشته شده‌اند.

۳- سیاه دو نقطه ضعف قابل توجه در a6 و

f7 دارد که سفید می تواند با ترکیب حملاتی روی آنها برتری مادی کسب کند. با این مقدمه طرح صحیح سفید روشن است بایستی پس از تمهید مقدمه مناسبی با راندن h5 که طبعاً منجر به تعویض g×h و سپس F×h می گردد فشار لازم و قاطعی را بر پیاده ضعیف f7 وارد آورد.

اکنون ارزیابی دقیق همراه با طرحی صحیح به سفید امکان خواهد داد که با بهره برداری از برتریش مبارزه را به نفع خود پایان دهد.

42.Fe2-Cb8 43.Cd3 Re7 44.Ce5 Cc6 45.Rb2!

به منظور تعویض اسبها و سپس قرار دادن رخها در مقابل هم. زیرا در این وضع اگر فقط فیلهای باقی بمانند بخش پایان کار برای سیاه ناامید کننده خواهد بود، زیرا پیاده هایش کار موثری نمی توانند انجام دهند.

45...Tb7+ 46.Rc3 Rd6 47.C×C
Tc7 48.Rb3 T×C 49.Tf1 Tc7 50.
h5 P×P

واضح است که سیاه نباید اجازه دهد پیاده h سفید به پیش روی خطرناک خود ادامه دهد.

51.F×h Tb7+ 52.Rc3 Tc7+53.Rd2
Tb7 54.T×P

همانطور که پیش بینی شده بود سرانجام پیاده مورد نظر سقوط کرد و برای سفید مشکلات بزرگی باقی نمانده است، کما اینکه در حرکت ۷۳ سیاه شکست را می پذیرد.

بنابراین بدون هیچ تردیدی پیاده ها را در خانه های همرنگ تنها فیل باقیمانده نباید نگاهداشت. یادآوری مطلب فوق بیشتر از انجهت قابل توجه است که ضعف جنبی مورد بحث در بالا موضوعی است مهم که بطور مکرر در اغلب طرحهای استراتژیکی از آن بهره برداری به عمل می آید.

ذیلاً ضمن يك مبارزه استادانه نمونه دیگری از ضعف خانه های سفید را در گیم فیما بین:

ماکوگونوف - بوتوینیک (Makogonov - Botvinic) در ۱۹۴۳ ملاحظه خواهیم نمود:

1.d4 d5 2.c4 e6 3.Cc3 c6 4.e3
Cf6 5.Cf3 Cbd7 6.Ce5 C×C 7.P×C
Cd7 8.f4 Fb4 9.P×P? e×d 10.Fd3
Cc5 11.Fc2 Dh4+12.g3 Dh3
تا اینجا، وضع سفید از دید کلی رضایتبخش می نماید. ولی با دقت بیشتر می توان دریافت که در جناح شاه خانه های سفید ضعیف می باشند. بخصوص اگر

که حساسیت ضعف خانه‌های سفید کاهش یابد.» ولی باید به آن اضافه کنیم که سفید برای ترمیم این ضعف اساسی بهای گرانی پرداخته است، زیرا چنانچه می‌بینیم شاهش هیچگونه امیدی برای یافتن محل امنی در این جناح نمی‌تواند داشته باشد.

16...De6 17.Fa3! Ce4+18.Rf3 h5 19.h3 f6!

حرکتی است عالی. چون سفید نمی‌تواند در f6 تعویضی بعمل آورد، زیرا در چنین صورتی شاهش کاملاً در معرض خطر قرار خواهد گرفت و شق دیگرش نیز مستلزم از دست دادن یک پیاده است.

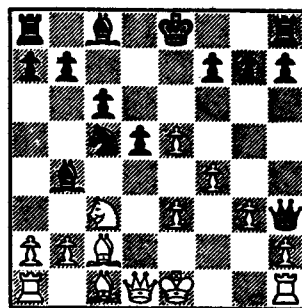
20.c4 P×P+ 21.h×g T×T 22.D×T 0-0-0 23.Td1 f×e 24.c×d c×d 25.Tc1+Rb8

و سرانجام سیاه برتری پوزیسیونی و مادی را به نفع خود ترتیب می‌دهد.

از آنچه که گفته شد و با توجه به بررسی که متعاقباً به عمل خواهد آمد، به این واقعیت خواهیم رسید که موضوع خانه‌های ضعیف مورد بحث و بهره‌برداری از آن چندان کار ساده‌ای نیست. کما اینکه در مقدمه گیم زیرین برونشیتن چنین می‌نویسد: «هنگامی که در کتابهای شطرنج درخصوص ضعف خانه‌های سیاه

فیلهای همرنگ این خانه‌ها تعویض شود، این ضعف به صورت بدی جلوه‌گر خواهد شد.

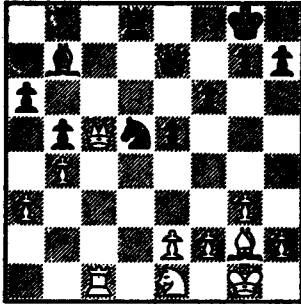
با این مقدمه و با توجه به اینکه برخورد فیما بین دو بازیکن مبتکر در سطح عالی انجام می‌پذیرد، طبعاً بهره‌برداری از نقطه ضعف مورد اشاره در فوق از يك سو و دفاعی که حریف در قبال چنین ضعف پوزیسیونی بعمل خواهد آورد از سوی دیگر، از لحاظ آموزشی بسیار پر ارج خواهد بود.



دیاگرام (93)

13.Rf2! F×C 14.P×F Ff5! 15.F×F D×F 16.g4!

حرکت اخیر سفید مورد تمجید بوتوینیک قرار گرفته و چنین می‌نویسد: «حرکتی است عالی، زیرا موجب می‌شود



دیاگرام (۹۴)

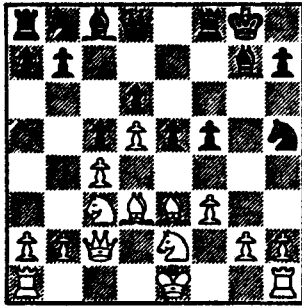
برونشیتن فکر می‌کرد بهترین راه بهره‌برداری از خانه‌های سیاه جناح وزیر حرکت 25.Da7 بوده است. زیرا به عقیده وی «این حرکت علاوه بر اینکه کنترل خانه‌های سیاه این جناح را در اختیار می‌گرفت، مهره‌هائی را که در خانه‌های سفید مجاور قرار گرفته بودند مورد حمله قرار می‌داد. ضمناً انجام ترکیب کوچک و زیبای زیر هم امکان‌پذیر می‌گردید.

25...Td7 26.Dx F! TxD 27.FxC+ سپس: 28.Tc8+ که موجب از دست رفتن کلیه سوارهای سیاه واقع در خانه‌های سفید می‌گردید.»

اگرچه این راهی است برای پاسخ گفتن به سؤال مطرحه، ولی باید توجه داشت که برونشیتن از موقعیتی صحبت می‌کند که

و یا حمله در امتداد این خانه‌ها مطالبی می‌خواندم، مدت مدیدی گمان می‌کردم چنین بحثی نه تنها برای من بلکه برای نویسندگان نیز روشن نمی‌باشد و نزد خود چنین می‌اندیشیدم: اگر حریفم پیاده‌های در خانه سفید و در نتیجه خانه‌های سیاهش ضعیف باشند و بر فرض اینکه فیل خانه سیاه هم نداشته باشد، با همه این احوال اگر او بتواند تمامی سوارهایش را از خانه‌های سیاه بیرون بکشد، در چنین کیفیتی آیا چگونه می‌توان به او حمله کرد؟ البته این راهی بود که من به آن فکر می‌کردم، تا اینکه ناگهان دریافتم که همواره ضعف خانه‌های سیاه موجب تضعیف خانه‌های سفید هم می‌گردد. ضمناً، با استقرار پیاده و سوارهای خودی در خانه‌های سیاه به عنوان پایگاه، می‌توان قوای دشمن را که در خانه‌های سفید جایگزین شده‌اند مورد حمله قرار داد. در وضعی که هیچ کجا هم نمی‌توانند از این فشار درمان باشند.» ذیلاً به بررسی مثالی که نمایشگر واقعیت نظریه گفته شده در بالا می‌باشد می‌پردازیم.

دیاگرام (۹۴) از پیکار زا بو - گلر (- Szabo Geller) مسابقات کاندیدای ۱۹۵۳ در زوریخ انتخاب شده است. سفید هم اکنون حرکت 25.Dd4-c5 را انجام داده است.



دیاگرام (95)

11...e4 12.PxP f4

البته من با این مانور آشنا بودم و می دانستم که غرض سیاه از قربانی پیاده بدست آوردن کنترل خانه e5 و باز کردن قطر بزرگ سیاه برای فیلش می باشد. ولی نزد خود می گفتم چه اهمیت دارد، با داشتن پیاده ای اضافی می توانم ایستادگی کنم.

13.Ff2 Cd7 14.Cg1

همه چیز حکایت از پیکار برای تصرف خانه e5 دارد. ولی باید توجه داشت با وجود آنکه پیشروی پیاده e4 مورد توجه سفید می باشد معذک در این موقعیت بد است زیرا:

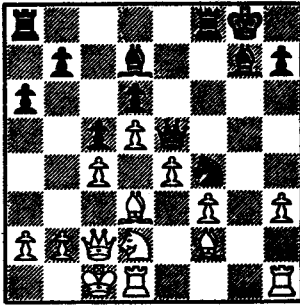
14.e5 CxP 15.FxP+Rh8

چنانچه می بینیم امکانات فراوانی برای

سوارهای حمله ور روی خانه های سیاه، سوارهائی هستند سوای فیل. زیرا فیل در خانه ای که قرار می گیرد بر خانه های غیر همرنگ آن نفوذی ندارد.

به هر کیفیت، ضعف جنبی سیاه یا سفید را می توان یکی از عوامل قطعی سرنوشت ساز محسوب نمود. من شخصاً در پیکار علیه گلیکورچ در مسابقات کاندیدای ۱۹۵۳ زوربخ با مهره سفید در این زمینه تجربه ای بسیار تلخ دارم. زیرا پیش بینی شکست را می نمودم ولی کاری از دستم بر نمی آمد. درواقع این پیش آمد هنگامی برای من رخ داد که دیدم حریفم بر تمامی خانه های سیاه تسلط یافته است در حالیکه مهره های من به گونه ای بی خاصیت در خانه های سفید واقع شده اند. ذیلاً ضمن مطالعه ای که برای خویش به عمل می اورید ملاحظه خواهید نمود چگونه حادثه ای که کاملاً خلاف میل من بوده است اتفاق می افتد.

با کمی دقت در دیاگرام (95) تشخیص داده می شود که این پوزیسیون از شروع بازی هندی شاه بدست آمده است. ظاهراً در آنجا هیچ چیزی که اشاره ای بر ناراحتی من داشته باشد دیده نمی شود، ولی ناگهان چنانچه خواهیم دید وضع دگرگون می گردد.



دیاگرام (96)

و یاس گردیده بودم معذلك آماده تسلیم نبودم و تصمیم گرفتم تلاش لازم را برای نجات خویش به عمل آورم.

کمی بعد برونشیتن در خصوص پوزیسیون فوق نوشت: «موضوع شگفت اوری که می تواند به اصطلاح پطانسیل دفاعی سفید را نیرو بخشد، اداره کردن است با توسل و به بهای جدّ و جهد فوق العاده برای حفظ تساوی.»

بلی، «با توسله به جدّ و جهد فوق العاده.» خوشبختانه هنوز سفید دو پیاده جلو می باشد! این همان چیزی است که می تواند شما را هم در قبال ضعف جنبی حفظ کند.

24.Ff1 b5 25.h4 Rh8 26.Tg1 Ff6
27.Cb3 Tab8 28.Fe1 b4 29.Rb1

سوارهای سیاه فراهم می گردد.

14...Dg5 15.Ff1 Ce5 16.Cf3
De7 17.C×C D×C 18.0-0-0 Cf6
19.h3 Fd7

در اینجا طرح سفید جابجا کردن وزیر سیاه از خانه e5 است به امید آنکه با پیش راندن پیاده e4 ابتکار عمل را در دست بگیرد.

20.Fd3! a6 21.Cb1

در اینجا من چنین می اندیشیدم که در ظرف دو حرکت یعنی با بردن اسب از طریق خانه d2 به f3 طرح مورد نظر را عملی خواهم کرد اما غافل از اینکه ناکامی تلخی در انتظارم می باشد

21...f3!!

حرکتی شگفت انگیز، گلیکورپیچ با تقدیم دومین پیاده می خواهد کنترل مطلق خانه های سیاه را در مرکز بدست گیرد و الحق هم که از عهده برمی آید.

22.P×P Ch5 23.Cd2 Cf4

(دیاگرام 96)

وضعی اسفناک برای سفید به وجود آمده است. زیرا فیل سفیدش در حقیقت کار یک پیاده را انجام می دهد. تمام خانه هایی که اسبش می توانست وزیر را جابجا کند با مهره های خودی اشغال شده است. در اینجا من با وجود آنکه دچار حواس پرتی

فیل همرنگش تعویض نمود، مثلاً سیاه در قبال Fh6 و دریافت پاسخ F×F و سپس Dh4+ و انگاه D×F. به این ترتیب برای سیاه تسهیلات لازم بوجود می‌آید و اکنون این سفید است که معمولاً با مشکلاتی در اردوگاه خود مواجه خواهد شد چرا که نمی‌تواند از خدمات فیل خانه سیاه خویش برخوردار گردد.

یکی دیگر از مثالهای قابل توجه که در مورد ضعف خانه‌های همرنگ می‌توان یادآوری کرد، در دفاع راگوزین است. در بیشتر از گیم‌هائی که در بدو امر بوسیله مبتکر این روش انجام شده است، بهره‌برداری از خانه‌های ضعیف سفید همراه با سادگی فریبانی صورت پذیرفته که نمونه از انرا ذیلاً می‌بینیم:

1.d4 Cf6 2.c4 e6 3.Cc3 Fb4 4.Dc2 d5
5.e3 0-0 6.Cf3

در اینجا راگوزین بر علیه استاد ریومین Riumin در مسابقات قهرمانی شوروی ۱۹۳۴ در لنینگراد چنین ادامه داده است:

6...Cc6

و حریش به منظور کسب فضای بیشتر در جناح وزیر بازی را به گونه زیر دنبال کرده است:

7.a3 F×C 8.D×F Fd7 9.b4

این حرکت ریومین را با يك سری از

Ta8 30.Fg3 Tg8 31.Dh2 T×F 32.
T×T Ce2! 33.D×C D×T 34.Cc1 a5
35.Cd3 Fd4 36.h5 Dh4 37.Fg2
Tg8 38.Th1 Dg3 39.Ff1 a4 40.Rc2
a3 41.b3

در اینجا با توافق مساوی اعلام می‌شود. البته سیاه راههای نفوذ هولناکی از طریق تسلط بر خانه‌های سیاه بدست آورده که هنوز هم در صحنه وجود دارند. ولی با دفاع عالی سفید بهره‌برداری از آنها برایش امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا در حالی که با دهان باز به صفحه شطرنج خیره شده است، به ناچار تن به مساوی می‌دهد. می‌توان گفت، چه وحشتناك مثالی!

موضوع ضعف جنبی چون همراه با ایجاد خانه‌های ضعیف در رنگی معین می‌باشد، لذا به صورت هدفی اساسی در استراتژی تعدادی از مراحل شروع مدرن درآمده است. مثلاً در دفاع هندی شاه، به ویژه در شاخه سیمیش Sämisch سفید با راندن d5 مرکز را می‌بیند تا بتواند فیل سیاه را در g7 زندانی و بی‌ارج نماید.

بدیهی است نباید انتظار داشت که همیشه بتوان موجبات ازادی فیل مزبور را همچنانکه گلیکورپچ در گیم قبل انجام داد فراهم آورد. چه بسا که بعضی اوقات می‌توان با توسل به تمهید تاکتیکی انرا با

متوسل شود به اصطلاح آب را گل آلود کند تا ماهی بگیرد. اما چنانچه خواهیم دید با هشیاری حریف چیزی نصیبش نمی شود.

14...Cb5!

تاکتیک استادانه راگوزین طرح حریف را نقش بر آب کرد زیرا به زودی قربانی سوار را پس می گیرد در حالی که ضعف خانه های سفید را برای حریف باقی می گذارد.

15.PxC PXP 16.Ce5 b4 17.Dc1 Fb5! 18.Fe2 Tc8 19.Fxb4 PxF 20. TxP Fa6

و سیاه بزودی پیروز خواهد شد.

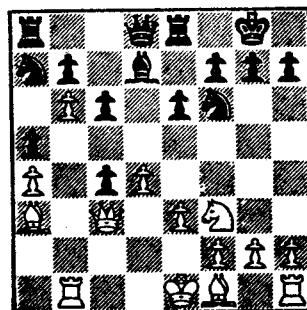
پوزیسیون سوارها

شطرنج جنگی است بین دو ارتش که سپاهیان چوبی می باشند، ولی يك استاد واقعی مانند لاسکر آنها را موجودات زنده ای می بیند.

فرماندهی سپاه به عهده بازیکن است و سرنوشت تمامی آنها بستگی به توانائی، قدرت اراده و سعی و کوشش او دارد. به

حرکاتی جدی که حاصلش ضعف خانه های سفید در جناح وزیر است مواجه می کند.

9...a5 10.b5 Ca7 11.a4 c6 12. Fa3 Te8 13.Tb1 dxc4 14.b6



دیاگرام (97)

همراه با ناامیدی! سائر حرکات نیز منجر به ضعف قطعی خانه های سفید می شود مثلاً:

14.FxP PXP 15.PXP Tc8 16.Dd3 Cd5

و یا:

14.Dxc4 PXP 15.PXP Tc8 16.Db3 Cd5

و در نتیجه سیاه کنترل کامل خانه های سفید را در دست می گیرد.

ریومین می خواست به شیوه های تاکتیکی

اینقبیل ضعف‌ها را در پوزیسیون حریف بوجود آورد. ما سعی خواهیم کرد مفصلاً در این زمینه صحبت کنیم، زیرا خیلی دشوار است که بتواند راهنمایی روشن و یا مطالعات منظم و تدوین شده‌ای در اینخصوص بدست آورد.

آنچه که مسلم است در بسیاری از مسابقه‌های قرن اخیر و حتی آنچه که امروزه انجام می‌پذیرد، نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که تنها يك سوار بد موجب شکست گردیده باشد. تاراش عبارتی فراموش نشدنی دارد، او می‌گوید: «اگر جای گزینی يك سوار بد باشد تمامی پوزیسیون بد است.»

فیل بد،

اکنون حالتی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد که يك فیل در مسیری غیرعادی محبوس شده باشد. از مبارزه بین کوتوف - کاشدان (Kotov - Kashdan) مسابقات رادیو مچ شوروی - آمریکا سال ۱۹۶۵ اقتباس گردیده و با دیاگرام (98) نمایش داده شده است:

بدون تردید سفید برتری دارد و با مانوری که ذیلاً خواهیم دید، چون راه فیل سیاه بسته شده است لذا سریعاً سرنوشت روشن خواهد شد.

همین سبب موضوع خوبی و بدی پوزیسیونهای هر سوار که اغلب سرنوشت را تعیین می‌کند، برعهده وی می‌باشد.

چه بسا اتفاق می‌افتد که در برخی مواقع به سبب عدم پیش‌بینی صحیح که دلیل آن ممکن است کمی تجربه و یا علل دیگر باشد، ارتش یکی از طرفین انجنان تحرك و صف‌ارائی نامناسبی پیدا می‌کند که در اندك مدتی طوری درهم می‌ریزد که گوئی شایسته مبارزه نبوده است. طبعاً، دنباله چنین وضعی باید فاجعه‌آمیز هم باشد.

اغلب اوقات تنها يك سوار، ندرتاً گاهی دو سوار، ممکن است جایگزینی بدی پیدا کند که نمایشگر نقصی مسلم است. در چنین کیفیتی معمولاً برای بهبود و اصلاح وضعی که به وجود آمده است باید تلاش لازم به عمل آید. معمولاً اگر این جایگزینی بد مربوط به يك سوار باشد امیدهائی وجود دارد، البته نه همیشه زیرا همین عامل می‌تواند دلیلی قاطع برای شکست باشد.

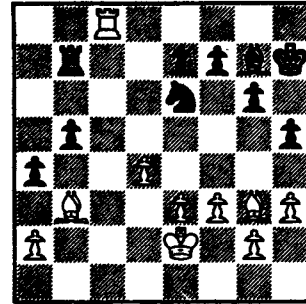
بهره‌برداری از جای‌گیری بد يك یا چند سوار، روشی است که اغلب در جنگهای شطرنج مورد استفاده قرار می‌گیرد، به همین سبب بازیکنی که بخواهد پیشرفت کند باید استعداد انرا داشته باشد که

سیاه را مواجه با حرکت اکرایی Zugzwang می نماید و سرانجام وضع بد فیل سیاه موجب پیروزی سفید می گردد.

اسب نامناسب،

یکی دیگر از مواردی که می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد وضع بد اسب حریف است. در این زمینه مثالهای فراوانی وجود دارد و تاراش حکم کلی زیر را صادر کرده است: «خانه N3^(۱)»

برای استقرار اسب همیشه بد است.» که گرچه اغراق آمیز می نماید ولی خیلی دور از حقیقت هم نیست زیرا تاراش عملاً انرا در بسیاری از موارد ثابت کرده است. برای خبرگان و کارشناسان مرحله شروع لویز موضوع ضعف خانه b7 برای اسب سیاه مطلبی است که در بسیاری از حالات به ثبوت رسیده است. مسئله مهمتر بحثی است که موافقین و مخالفین در خصوص استقرار اسب سیاه خانه a5 در شاخه هانی از شروع هندی شاه به عمل می آورند. برای روشن شدن مطلب به ذکر مثالی جالب از مبارزه کوتوف - تایمانوف (Kotov - Taimanov) در مسابقات



دیاگرام (98)

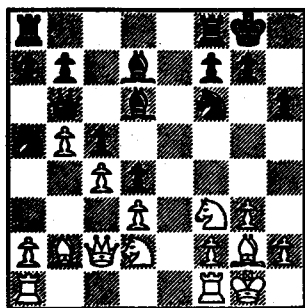
34.F×C P×F 35.Tb8 T×T 36.F×T
b4 37.Rd3 Fh6 38.f4!

چنانچه ملاحظه می شود، وجود پیاده های مکرر سیاه در خانه های e7 و e6 و وضع پیاده های سفید و فیلش راه فرار از قفس را برای فیل سیاه بسته اند. هنگامی فیل زندانی می تواند آزاد شود که با فیل حریف تعویض گردد، حاصل انهم بخش پایانی پیاده است که به نفع سفید می باشد.

38...g5 39.g4 h×g 40.h×g P×P
41.P×P

سیاه تسلیم می شود. زیرا سفید پس از آوردن فیل به f5 به کمک شاهش پیاده های جناح وزیر را می گیرد، نگاه با بردن شاه به d7، حریف را مجبور می کند که شاهش را به f7 انتقال دهد سپس با انجام g4-g5

(۱) غرض از N3 خانه سوم از ستونهای است که به اسبها ارتباط دارد یعنی هر يك از خانه های: b3 و b6 و g3 و g6. - مترجم



دیاگرام (99)

لذا درصدد برامدم که با استفاده از دوری اسب سیاه از جناح شاه حمله خود را متوجه این جناح کنم. چرا که در حقیقت با یک سوار اضافی می‌توانم روی شاه حریف حمله کنم.

اینک به سادگی و روشنی ملاحظه خواهید نمود که چگونه این عامل مهم پوزیسیونی به گونه‌ای جالب دنبال خواهد شد.

15.Tae1 Tae8 16.Fc1

در اجرای طرح مورد نظر طبعاً سفید می‌خواهد کلیه سوارهایش را به جناح شاه منتقل کند زیرا در جناح وزیر به آنها نیازی نیست.

16...T×T 17.T×T Te8 18.T×T+ F×T 19.Ch4!

آغاز یورش در جناح شاه حریف، دقیقاً

کاندیدای قهرمانی جهان سال ۱۹۵۳ زوربخ می‌پردازیم. در اینجا به راحتی می‌توان دید، در پوزیسیونی که به وجود می‌آید طرفین از شانسهای برابر برخوردارند و فقط مطلب اسب سیاه در a5 مطرح می‌باشد. لازم به یادآوری است که در مثال زیرین مرحله شروع به هندی شاه ارتباطی نداشته و به گونه زیر انجام یافته است:

1.c4 Cf6 2.g3 e6 3.Fg2 d5 4. Cf3 d4 5.b4 c5 6.Fb2 Db6 7.Db3 Cc6 8.b5 Ca5 9.Dc2 Fd6 10.e3 e5 11.P×P exP

سیاه برای حفظ تعادل می‌توانست ترتیبی فراهم آورد که اسبش در d8 و یا d6 و یا b7 استقرار یابد. ولی ظاهراً به دلایلی جایگزینی فعلی آنرا خوب می‌داند و با حمایت از آن درنظر دارد بر جناح وزیر فشار وارد کند.

12.0-0 0-0 13.d3 Fd7 14.Cbd2 h6

در اینجا می‌رسیم به دیآگرام شماره (99)، اکنون باید برای ادامه مبارزه طرحی دقیق تنظیم نمود. من هدفی درنظر گرفتم که چندان پیچیده نبود، به علاوه از لحاظ استراتژی نیز صحیح می‌نمود. زیرا متوجه شدم که مستقیماً از وضع نامناسب اسب سیاه در a5 نمی‌توانم بهره‌برداری کنم،

توجه داشته باشید! پس از تعویض رخها و خلاصه در دنباله هر تعویضی از لحاظ نسبیت موضوع سوار اضافی در این جناح اهمیت بیشتری پیدا می کند.

19...a6 20.a4 Da7 21.Cf5 Ff8 22.Ce4 همانگونه که قبلاً اشاره کردیم سفید مشتاق تعویض است.

22...C×C 23.F×C b6 24.Dd1!

تمامی سوارهای سفید عازم خط جبهه اند.

24...P×P 25.a×b Fd7 26.Dh5 Fe6 27.Ff4 Cb3

سرانجام اسب سیاه شانش حمله و رخنه در پشت جبهه حریف را بدست آورد ولی متأسفانه خیلی دیر شده است. زیرا سیاه درواقع به خانه هایی که حریف از چند حرکت قبل خالی کرده است حمله می کند، در حالی که سفید حمله اش مستقیماً متوجه هدف واقعی یعنی شاه حریف می باشد. سیاه هیچگونه شانس برای نزدیک شدن به شاه سفید هم ندارد، در صورتی که سوارهای فعال سفید به راحتی راه نفوذ خود را برای هجوم در جهت هدف معین خود دنبال می کنند.

28.Dd1 Da2 29.h4 Ca1 30.h5 Cc2 31.Fe5 Db2 32.Fc7 Ca3 33.Dg4 Dc1+34.Rg2 Cb1

يك چنین حرکتی را می توان نشانه ای از

بروز فاجعه ای نزدیک دانست. برونشیتن، در یادداشتهای خود درخصوص این مبارزه چنین نوشته است: «اسب سیاه در حاشیه صفحه شطرنج آواره و سرگردان بنظر می رسد و پنداری مسئله معروف شطرنج قدیم طرح گردیده است - مسیر حرکت اسب را به گونه ای تعیین کنید که با حداقل تعداد حرکات و بدون تکرار جمیع خانه ها را به پیماید - در چنین وضعی سفید متقابلاً با سرسختی درصدد تقویت و ازدیاد فشار در جناح شاه می باشد.»

35.Ff4 Cd2?

اشتباهی بزرگ، در پوزیسیونی محکوم به شکست.

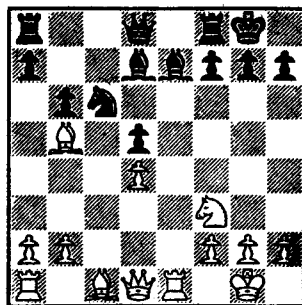
36.De2

سیاه تسلیم می شود.

بنابراین نتیجه می گیریم که هرگاه اسب حریف در حاشیه ای گیر افتاده باشد، چنانچه نتوان آنرا گرفت باید فعالانه در جناح دیگر حمله ای ترتیب داد.

یکی از پیکارهای معروف، بوتونیک - الخین (Botvinic-Alekhine) (مسابقات AVRO در هلند (۱) سال ۱۹۳۸) که درواقع تنها مبارزه ایست که بین آنها به تساوی ختم نشده است. نمونه ای است عالی از چگونگی بهره برداری کلاسیک از

وضع نامطلوب و دورافتادگی اسب.



دیاگرام (100)

دیاگرام 100 وضع یا پوزیسیون را بعد از حرکت دوازدهم سیاه نشان می‌دهد، سفید با حرکت وزیرش ترتیبی فراهم می‌کند که اسب حریف اجباراً در حاشیه عرصه قرار می‌گیرد و تا آخر بازی به همین کیفیت باقی می‌ماند.

13.Da4 Cb8

در اینجا حرکت 13...Tc8 خوب نیست

زیرا در دنباله‌اش:

14.Fd2! a6 17.FxC FxF 18.DxP

يك پیاده نصیب سفید می‌شود.

14.Ff4 FxF 15.DxF a6 16.Da4 Fd6

17.FxF DxF 18.Tac1 Ta7 19.Dc2!

ساده ولی قانع‌کننده زیرا سفید برای مدتی کنترل ستون باز c را در اختیار می‌گیرد و آماده نفوذ در خانه‌های c6 و c7 و c8 می‌شود، تا بدین ترتیب از برتری بیشتری برخوردار گردد. از اینجا به سهولت می‌توان فهمید که چرا الخین برای تعویض عجله می‌کند، زیرا او نیز چشم خود را به ستون‌های حساس e و c دوخته است.

19...Te7 20.TxT DxT 21.Dc7

DxD 22.TxD f6

سیاه به گونه‌ای ماهرانه دفاع می‌کند. اگر سفید درصدد انجام 23.Tb7 برآید انگاه:

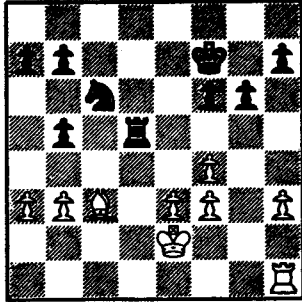
23...Tc8 24. Rf1 b5

و اکنون سیاه کنترل ستون c را بدست می‌آورد. در این واریاسیون سیاه خواهد توانست که رخ سفید را از عرض هفتم نیز بیرون براند.

23.Rf1 Tf7 24.Tc8+Tf8 25.Tc3!

بوتوینیک که از لحاظ آمادگی در بهترین فورم می‌باشد، با انجام این حرکت سیاه را به گونه‌ای غیرمعمول دچار حرکت

(۱) مسابقات آورو یا نقطه تحول در تاریخ شطرنج. این مسابقات زیر نظر مستقیم چنده در سال ۱۹۳۸ انجام می‌پذیرد. با توجه به اسامی شرکت‌کنندگان می‌توان اثر، نمایشگر پیکار شگرف اندیشه‌های دو نسل کاملاً متفاوت دانست، یعنی پیرهای صاحب تجربه و جوانان در حال رشد. اجمالاً در این مسابقات کرس ۲۲ ساله به مقام قهرمانی می‌رسد. با استفاده از کتاب سیر شطرنج ایران در جهان تألیف مترجم



دیاگرام (101)

هم اکنون نوبت حرکت با سفید است که 30.e4 را انجام می‌دهد و سیاه اشتباهی بزرگ مرتکب می‌شود یعنی 30...Th5? می‌کند. در توجیه انتخاب این حرکت بد نیست یادآوری شود که زابو درواقع چند حرکتی بود که تلاشی داشت تا سفید را تحریک به انجام b4 نماید، ولی سفید از انجام آن خودداری به عمل آورد. غافل از اینکه در وضع حاضر با اشتیاق درصدد انجام این حرکت برخواید آمد. زیرا وضع غیرقابل مدافعه‌ای را برای حریف بوجود خواهد آورد:

31.b4!

چنانچه ملاحظه می‌شود، رخ سیاه به زودی نمی‌تواند از قفس رهائی یابد و تقریباً تا اواخر مرحله پایانی از آن

اکراهی Zugzwang می‌کند. زیرا هیچیک از سوارهایش بدون آنکه عرض هفتم را به حریف واگذار کنند نمی‌توانند حرکتی انجام دهند، بدین سبب الخین حرکات خود را به راندن پیاده تقلیل می‌دهد.

25...g5 26.Ce1 h5 27.h4! Cd7
28.Tc7 Tf7 29.Cf3 g4 30.Ce1 f5
31.Cd3 f4 32.f3 P×P 33.P×P a5
34.a4 Rf8 35.Tc6 Re7 36.Rf2
Tf5 37.b3 Rd8 38.Re2 Cb8 39.
Tg6 Rc7 40.Ce5 Ca6 41.Tg7+Rc8
42.Cc6 Tf6 43.Ce7+ Rb8 44.C×P
Td6 45.Tg5

سفید به راحتی پیاده h را گرفته و نتیجه را به نفع خود پایان خواهد داد.

وضع نامطلوب رخ

تا اینجا درخصوص پوزیسیونهای بدی که فیل و اسب ممکن بود داشته باشند صحبت کردیم، اکنون همین مطلب را در مورد رخ بررسی خواهیم کرد. به عنوان مثال پوزیسیونی از بخش پایانی پیکار کوتوف - زابو (Kotov-Zabo) مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان سال ۱۹۵۰ را که با دیاگرام (101) نمایش داده شده است در نظر می‌گیریم.

خلاصی نخواهد داشت.

31...Ce7 32.Rf2 f5 33.Fd2!

برای جلوگیری از پیش روی و حرکت g5
33...P×P 34.P×P Cc8 35.Rg3
Cd6 36.Te1 Cc4 37.Fc1 a6 38.
Rg4 Re7 39.Td1 Cd6 4.Td3 Cf7
41.Td1

سفید باید جنبه احتیاط را مراعات کند
زیرا با کمترین عدم دقت رخ محبوس ازاد
خواهد شد. به ویژه، که در اینجا حرکت
تاکتیکی! 41...Te5 هم اکنون امکان پذیر
گردیده بود

41...Cd6 42. h4 Cc4 43.Td4 Re6
44.Td1 Re7 45.Tf1 Th6 46.Tf3 Th5
47.Tc3 Rd7 48.Fe3 Cd6
در تمامی احوال ظاهراً رخ سیاه حرکت
مؤثری ندارد حتی اگر سوارهای کوچکهم
تعویض شود باز هم وضع رخ سیاه امیدوار
کننده نخواهد شد.

49.Td3 Rc6 50.Td4 Cf7 51.Ff2
Ch6+52.Rf3 Cf7 53.Fg3 b6 54.
Td1

مختصری گردش و تفحص پیش از ورود
قاطعانه به پشت جبهه دشمن.

54...Ch6 55.Td8 Cf7 56.Tc8+
Rd7 57.Tb8 a5

در اینجا هیچیک از حرکات دیگر هم

نمی توانستند سیاه را نجات دهند زیرا
اگر:

57...Rc7 58.f5+

57...Rc6 58.Ff2

که در هر صورت پیاده سیاه رفتنی بود.
58.Tb7+ Re8 59.T×P P×P 60.P×P
Cd8 61.Rg4 Cf7 62.Ff2 Rd8 63.
Fc5 Rc8 64.Tf6 Cd8 65.Fb6 Rd7
66.F×C R×F 67.Tf7

سیاه تسلیم می شود، در حالیکه هنوز
رخش غیرفعال مانده است.

بنابراین معلوم می شود علاوه بر سوارهای
کوچک رخ نیز ممکن است به سهولت در
پوزیسیونهای بدی قرار گیرد. حال باید
دید وضع وزیر بر چه منوال است؟ آیا
توانسته اید از بی حرکت ماندن وزیر
بهره برداری کنید؟

وضع نامطلوب وزیر

چنانکه می دانیم وزیر از همه سوارها
تحركش بیشتر است. به همین سبب ارج و
ارزش آن نیز بیش از دیگران است.
علیهذا، ایجاب می نماید که در حفظ
حراست آن نهایت دقت به عمل آید. در
نتیجه ناچار است درقبال حمله سائر
مهره های حریف فرار کند و همین امر
موجب می گردد که در پاره ای مواقع وزیر

Fb3 d5 8.P×P Fe6 9.c3 Fe7 10.
Fe3 Cc5 11.Fc2 Fg4 12.Cbd2 Ce6
13.Db1! Fh5 14.a4 b4 15.a5 Fg6
16.Cb3 P×P 17.P×P Db8

سیاه برای تعویضها امادگی دارد ولی
ظاهراً از ترس اینکه مبادا در حرکت بعد
سفید 18.Tfd1 را با طرح حمله‌ای پنهانی
روی وزیر انجام دهد، به حرکت اخیر
متوسل شده است. طبعاً گلیکورج از
تعویضها خودداری به عمل می‌آورد و این
مسئله را به حریف وامی‌گذارد - حال باید
دید آیا کدامیک از ۶۴ خانه شطرنج
می‌تواند پست خوبی برای وزیر باشد؟
18.Da2 0-0 19.F×F h×F 20.Tab1
دقیقتر بود اگر پیکار به گونه زیر ادامه
می‌یافت:

20.Tfb1 Dd8 21.Td1 Dd7 22.Cc5
C×C 23.T×P!

البته باید توجه داشت، هنگامی که وزیر
وارد عمل می‌شود پیدا کردن خانه مطمئن
برای ماندنش اسان نیست. بهتر بود که
سفید دقیقاً انرا دنبال می‌کرد اما اکنون
سیاه از فرصت برای حمله به پیاده a5
سفید استفاده خواهد کرد.

20...Db5

دیاگرام (102)

هم در وضع نامطلوبی قرار گیرد. قبلاً
ضمن دیاگرام شماره (20) در بازی
راگوزین - بولسلاوسکی (- Ragozin
Boleslavsky) نمونه‌ای از انرا دیده‌ایم و
برای یادآوری بیشتر به ذکر مثالی از
مبارزه، گلیکورج - زابو (- Gligoric
Szabo

(در مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان
سال ۱۹۵۳ در زوریخ می‌پردازیم.
برونشیتن می‌نویسد: «هنگامی که بازیکنان
درصدد انتخاب و اجرای طرح مرحله
شروع برمی‌آیند معمولاً بیش از همه چیز
درخصوص هماهنگی گسترش سوارها
فکر می‌کنند و چه بسا که برخی مواقع
گسترش وزیر از چشم آنها دور می‌ماند.
در حالیکه این مهره گرانبهارترین و
مهمترین سوار بشمار می‌آید. زیرا در
حقیقت نقش اصلی برای پی‌ریزی و
حصول به نتیجه به عهده وزیر محول
می‌باشد.»

درماندگی و شکست سیاه در پیکار زیرین
نمونه روشنی است از نظریه فوق. زیرا
چنانچه خواهیم دید، اساس طرحی که به
مورد اجرا گذارده می‌شود به موقعیت
وزیر بستگی دارد.

1.e4 e5 2.Cf3 Cc6 3.Fb5 a6 4.
Fa4 Cf6 5.0-0 C×P 6.d4 b5 7.

مات $F \times P$ g6 27.Th4+ Rg7 28.Ff6
اگر گلیکورپج به ترتیب بالا ادامه می‌داد
می‌توانست وزیر حریف را به ستوه آورد،
در صورتی که اکنون با اطمینان تعویض
می‌شود.

21...Dc4 22.Cfd2 Dg4 23.f4

Df5 24.DxD PxD

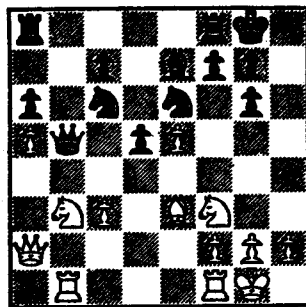
ادامه این مبارزه چندان دلپذیر نیست و
سفید که در بخش پایانی عقب‌تر از حریف
است سرانجام تسلیم می‌شود. هدف ما از
ذکر این مثال بیشتر نمایش مشکلاتی بود
که می‌توانست در کمین وزیر باشد. علاوه
بر آن دیدیم، سفید با ادامه صحیح یعنی
انجام 20.Tfb1 شانس پیروزی را هم
می‌توانست به چنگ آورد.

نمونه دیگر بهره‌برداری از پوزیسیون بد
وزیر را در مبارزه بوتونیک - دنکر
(Botvinic - Denker) می‌توان دید که در
مسابقات رادیونی شوروی - آمریکا به
سال ۱۹۴۵ اتفاق افتاده است

دیاگرام (103) پوزیسیون حاصل را پس از
انجام حرکت چهارم بوتونیک که مهره
سفید داشته است نشان می‌دهد.

14...Fd7 15.Cd2!

با این حرکت وزیر سیاه را خطری بزرگ
تهدید می‌کند که فقط معجزه‌ای می‌تواند
انرا نجات دهد.



دیاگرام (102)

21.Dc2?

این حرکت به منزله نقطه عطف یا
بازگشتی در این پیکار به شمار می‌آید.
زیرا مانورهای ناموفق گلیکورپج روی
خانه‌های سفید موجب گردید که
برتریهایش را به بدترین وضعی از دست
بدهد. در اینجا برونشیتن حرکت
21.Cfd4! را توصیه می‌کند زیرا اگر:

21...CcxC 22.PxC Dd7 23.Tfc1

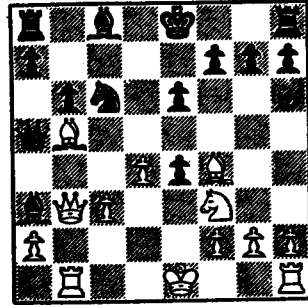
و سفید از برتری پوزیسیونی برخوردار
خواهد شد و چنانچه سیاه با اسب دیگرش
تعویض را به عمل آورد انگاه سفید با
قربانی وزیر مات زیبایی را به گونه زیر
تدارك خواهد دید:

21...CexC 22.CxC DxD 23.CxC!
DxD 24.CxF+Rh7 25.Tb4 g5 26.

تعدادی سوار نیز امکان پذیر است، ولی همواره در صفت مشخصه ای شریکند: یعنی، سوارهایی که با یکدیگر همکاری نداشته باشند تماس با یکدیگر را هم از دست می دهند و در نتیجه از داشتن هم اهنگی که لازمه يك واحد ارتش خوب است محروم می گردند. بعضی اوقات دو یا سه و حتی تعداد بیشتری از سوارها به سبب فشار وارده از طرف مهره های (پیاده یا سوارها) حریف دچار موقعیتی می شوند که به نظر می آید درهم گره خورده باشند. در نتیجه قدرت تحرك آنها نیز از دست می رود. اینك برای روشن شدن مطلب به ذكر و مثال زیرین می پردازیم.

در مسابقات سال ۱۹۵۳ مسکو هنگامی که بوتوینیک موفق شد اشتالبرگ را (با مهره سیاه) شکست دهد، من عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتم و جریان عمل چنین است:

1.c4 e6 2.Cc3 d5 3.d4 c5 4.cxd exd 5.Cf3 Cc6 6.e3 c4 7.Fe2 Fb4 8.0-0 Cge7 9.e4 P×P 10.C×P 0-0 11.F×P Fg4 12.a3 Fa5 13. Fa2 Fb6 14.h3 F×C 15.D×F C×P 16.Dh5 Cef5



دیاگرام (103)

15...a6 16.F×C F×F 17.Cc4 Df5
18.Fd6! e3! 19.C×e3 D×T+20.
D×D F×F

اما بعد از 21.D×b6 سفید با برتری مادی که نصیبش گردیده است به سهولت به ترتیبی که در زیر خواهیم دید پیروز خواهد شد.

21...Rd7 22.Db3 Tab8 23.Dc2
Tb5 24.0-0 Th5 25.h3 Tb8 26.c4
g6 27.Cg4 Tf5 28.Ce5+ F×C 29.
P×F T×e5 30.Dd2+

سیاه تسلیم می شود.

وضع نامرغوب تعدادی سوارها نظیر مشکلاتی که برای يك سوار در پوزیسیونی می توانست پدید آید در مورد

نمی باشد، زیرا موضوع مورد نظر در اینجا بهره برداری از پوزیسیون نامرغوب سوارها می باشد که ذیلاً به گونه ای بسیار جالب صورت می پذیرد.

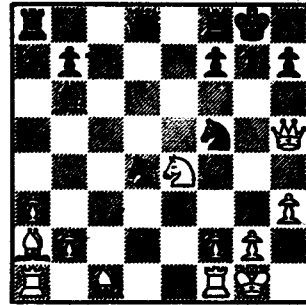
17.Fg5 Dd7 18.Dg4 Rh8 19.Tad1 Dc6

ایا نقشه اصلی در این پوزیسیون چیست؟ در پاسخ به این پرسش بوتونیک بطور خلاصه چنین می گوید: «تمامی استحکامات سیاه براساس فیلش که در خانه b6 می باشد بنا گردیده است. چنانچه سفید ترتیب حذف انرا بدهد انگاه می تواند با توجه به پوزیسیون معلق (Hanging) اسبهای سیاه سریعاً پیکار را به نفع خود پایان دهد.»

من نمی توانم برای خوانندگان صحبتی بکنم، چون از درک واقعی طبیعت يك چنین ارزیابی به راستی معذورم. زیرا، حقیقتاً از اشکار بودن به دور می باشد. علیهذا بسیار جالب است که ببینیم قهرمان شوروی چگونه صحت این ارزیابی دقیق را با ارائه مانورهای دقیقتر به ثبوت خواهد رساند.

20.Cc3 Tae8 21.Fb1

ظاهراً چنین بنظر می رسد که اگر قصد سفید جابجا کردن فیل سیاه باشد هم اکنون بجای حرکت اخیر می توانست با انجام 21.Cd5 منظور خود را عملی سازد.

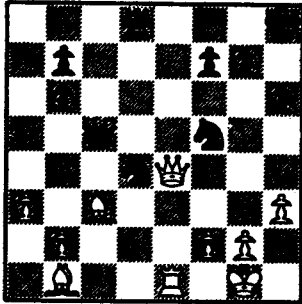


دیاگرام (104)

حرکت اخیر بوتونیک تهدیدی جدی را روی پیاده های h7 و f7 ایجاد کرده است زیرا با انجام 17.Cg5 حمله ای قوی صورت خواهد پذیرفت، سیاه نیز با آخرین حرکتش امکان دفاعی به صورت Ch6 را بوجود آورده است. لیکن طرح اصلی سفید برتر از انست و با وجود آنکه می تواند حملاتی بسیار قدرتمند به گونه زیر را دنبال کند:

17.Cg5 Ch6 18.Fb1 f5 19.Fa2+ Rh8 20.Ff4 Fc7 21.Fx F DxF 22. Tad1 و یا 18...Cb3 19.FxP+Rh8 20.Tb1 CxF 21.TbxC f6 22.Fb1 Px C 23.Dg6

اقدامی به عمل نمی آورد. حال چرا سفید حمله قوی را انتخاب نمی کند مطرح



دیاگرام (105)

پیروزی حاصل طرحی است کامل! اسبها
انچنان بی حرکت شده اند که می توان آنها
را فرو رفته در شق و یا باطلاق تصور
نمود. تهدید g2-g4 نیز ناامیدی و فاجعه ای
قریب الوقوع را همراه دارد.

28...Dc6 29.Df4 Db5 30. Rh2

نیازی به تعجیل نیست. در کمندی که
اسبها گیر افتاده اند امکان فراری وجود
ندارد. با انجام حرکت اخیر بوتونیک
امکان کیش در e2 را هم برطرف نمود.

30...Rg8 31.Te5 Df1 32.Fxf5
Ce2 33.Fh7+ Rh8 34.TxC DXT 35.
Dxf7

سیاه تسلیم می شود.

در مثال فوق، چنانچه دیدیم دو سوار سیاه
درهم گره خورده بودند. گاهی در مبارزات

ولی، بوتونیک از ان خودداری کرد. چون
سیاه در پاسخ برای دفاع حرکت تاکتیکی
غافلگیر کننده، 21...Dg6!! را دارد لذا با
توجه به اصل کلی زیر:

هنگام اجرای طرحهای
استراتژیکی، هرگز نباید از
امکانات پاسخهای تاکتیکی حریف
غافل بمانیم.

ادامه های زیرین مصلحت نمی باشد:

22.CxF? h5 23.Df4 Ce2+

22.Cf4 Dc6

22.Rh2? h5 23.Df4 f6

اکنون می پردازیم به ادامه متن اصلی:

21...De6 22.Tfe1 Dc8?

پس از انجام حرکت اخیر اسبها در میانه
میدان به صورت معلق درمی آیند و درواقع
باید آنها را طعمه ای سهل برای قوای پر
اشتهای دشمن به شمار آورد. در اینجا تنها
راهی که امکان مقاومت را فراهم می آورد
چنین است:

22...DXT+ 23.TxD TXT+24.Rh2

Cd6 25.Fd2 f5 26.Dh4 Te6

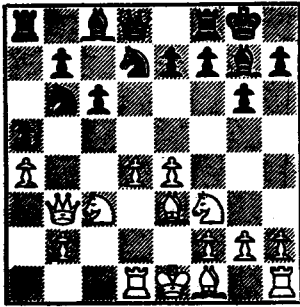
23.Cd5 h6 24.CxF PXC 25.Fd2

TXT+ 26.TXT Td8 27.Fc3 Dc5 28.

De4!

راه صحیح $8...C \times C9.F \times C$ بود که البته مختصر برتری برای سفید بوجود می آورد. ولی اکنون خانه b6 برای اسب سیاه مناسب نیست و در آینده ای نزدیک انرا از میدان عمل و کارزار دور نگاه خواهد داشت، سیاه نه فقط از آن بطور مؤثر نمی تواند استفاده کند بلکه مجبور خواهد شد مهره های دیگرش را هم برای دفاع از آن معطل نگاه دارد.

9.Td1! C8 d7 10.a4 a5 11.Fe3



دیاگرام (106)

بوتوینیک وضع دیاگرام (106) را چنین خلاصه می کند: «پوزیسیون جالب توجهی که بوجود آمده است در حقیقت حاصل استقرار نابجای اسب سیاه در خانه b6 می باشد که سرچشمه تمامی مشکلات سیاه بشمار می آید. زیرا ضمن اینکه

سطح بالا اتفاق می افتد که تمامی سوارهای یکی از طرفین در وضع بدی قرار می گیرند. معمولاً، این امر نتیجه یا حاصلی است از گشایشی نادرست در بخش شروع همراه با فقدان قدرت پیش بینی یا افراط در تعجیل.

بعضی مواقع هم به سبب يك حرکت ظریف و یا سری حرکات جالب حریف، سوارها به گونه ای غیر قابل استفاده استقرار پیدا می کنند. يك چنین حالتی معمولاً موجب شکستی سریع می گردد، به همین جهت اساتید باتجربه در حالیکه حرکات مهره های خویش را هم اهنگ می سازند ضمناً درصدد ایجاد اشفتگی در تشکیلات حریف نیز می باشند. در مثالی که ذیلاً خواهیم دید، حرکات ضعیف سیاه در شروع موجب می شود که تقریباً تمامی سوارهایش در هم گره خورده و وضع نامطلوبی را بوجود آورند. طبیعی است که حاصل آن برای پیروزی سفید کافی خواهد بود.

بوتوینیک - یودوویچ - Botvinic -
Yudovic) هشتمین قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۳

1.c4 Cf6 2.d4 g6 3.Cc3 d5 4.
Cf3 Fg7 5.Db3 c6 6.P×P C×P 7.
Fd2 0-0 8.e4 Cb6

از معایب دیگری که اغلب در وضع سوارها دیده می شود موضوع تجمع و درهم فرو رفتن آنها می باشد. بدین معنی که در برخی مواقع تعدادی از سوارها به گونه ای دور هم جمع می شوند که بی اختیار انسان بیاد خیابانهای تنگ و پر جمعیتی می افتد که انبوه مردم پنداری رویهم انباشته شده باشند.

طبیعی است که در چنین موقعیتی نمی توان انتظار بهره برداری خوبی را داشت. زیرا سوارهایی که دچار چنین وضعی گردیده باشند، معمولاً چندان مقاومت و دوامی نخواهند کرد.

به عنوان مثال دیاگرام شماره (107) از پیکار زامی خوفسکی - بوتوینیک (Zamikhovsky - Botvinic) را در مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۱ با توجه به مانوریکه فیل سفید انجام خواهد داد مورد مطالعه قرار می دهیم

در اینجا سفید با فیلش مانور زیر را انجام می دهد:

13.Fh3

که ادامه صحیح آن چنین است:

13.Ce5 Fd6 14.Cd3

و اما ادامه پیکار اصلی:

13...Cg6 14.Fg5 h6 15.Fe3 Fd6

16.Ff5 Ce7 17.Fd3 Dd7 18.Rg2 Fc8

حرکتی ندارد اجباراً دو سوار هم باید انرا پشتیبانی کنند. زیرا هر لحظه سفید تهدید راندن d5 را دارد و در نتیجه با کمی دقت ملاحظه می شود که پنج سوار سیاه وزیر، فیل، رخ و دو اسب به اصطلاح درهم گره خورده اند.»

11...De7 12.Fe2 Dd6 13.Ca2 e6 14.0-0 h6

هدف سیاه روشن است، او می خواهد با انجام f5 خانه d5 را برای اسبش که در وضع نامساعدی قرار دارد ازاد کند و اگر به انجام این امر نائل شود طبعاً سوارهای جناح وزیرش ازاد می شوند. در مقابل بوتوینیک هم می تواند با 15.Ce5!! مجدداً همه سوارهای حریف را برای همیشه درهم گره بزند، اما او راه می دهد و به ظاهر امکان پذیر بودن f5 را نمی بیند

15.Tc1 f5 16.Cc3 Rh7 17.Tfd1 P×P 18.C×P Db4

البته این حرکت سیاه اشتباه است و چنانچه 18...De7 می کرد می توانست تا حدی مقاومت کند، در حالیکه اکنون دیگر سقوط این پوزیسیون قطعی است.

19.De2 D×a4 20.b3 Da3 21.Ch4!

De7 22.C×P! R×C 23.Fh5+!!

سیاه تسلیم می شود، زیرا مات اجباری در انتظارش می باشد.

Tb8! 36.D×P Db7

با تهدیدی قوی به صورت: 37...Tbc8
برای گرفتن اسب e3 که البته ادامه کار
نیازی به تفسیر نخواهد داشت.

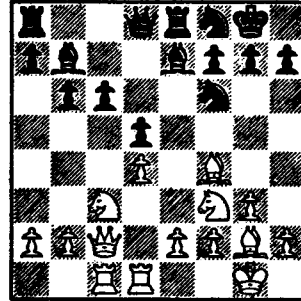
37.d5 D×b2 38.Df4 D×a2 39.D×f3
Da3 40.Ta1 Dc5 41.Tad1 Tb3 42.
Tc1 TexC 43.T×D T×D 44.Tc7 Tb2
45.Cd1 Td2 46.

سفید تسلیم می‌شود.

در مثال بعدی کیفر چنین تجمعی از
سوارها را به گونه‌ای وحشتناکتر و سریع
ملاحظه خواهید نمود. در انجا استاد
سوئدی هوربرگ (Horberg) با مهره
سفید بر علیه من در مسابقات سال ۱۹۵۹
استکهلم سوارهای خود را به گونه‌ای
گسترش داده بود که در وسط عرصه
روبهم انباشته شده بنظر می‌رسیدند.

1.e4 d6 2.d4 g6 3.Cf3 Fg7 4.
Fc4 Cf6 5.Cc3 0-0 6.0-0 Fg4
7.h3 F×C 8.D×F Cfd7 9.Fe3 Cc6
10.Dd1 Cb6 11.Fb5 Ca5 12.De2
c6 13.Fd3 d5 14.Tad1

در نظر اول چنین می‌نماید که سفید وضع
مطلوبی دارد ولی اگر انرا بادقت بیشتری
مورد مطالعه قرار دهیم ملاحظه خواهیم
کرد که بین سوارها هم‌اهنگی لازم وجود
ندارد. به همین سبب حرکت پر انرژی



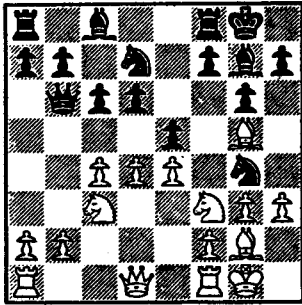
دیاگرام (107)

19.Cg1 Cg4 20.Fd2 Fb7 21.f3 Cf6
22.Ch3

پوزیسیون حاصل را مورد بررسی قرار
می‌دهیم. آیا سفید چیزی بدست آورده
است؟ چرا سوارهایش به صورت توده‌ای
در حول خانه‌های c2 و d2 روبهم انباشته
شده‌اند؟ آیا هیچگونه هدف استراتژیکی
در انجا دیده می‌شود؟ پاسخ منفی است،
پس تعجبی ندارد اگر بوتوینیک بتواند با
حرکاتی پر انرژی موجب تفرق و از هم
گسیختگی چنین ارتشی را فراهم آورد!

22...c5 23.e3 c4 24.Ff1 b5
25.Te1 Fc6 26.Cd1 Cf5 27.Rg1
b4 28.Cf2 Dc8 29.Fh3 Fd7 30.
F×C F×F 31.e4 Fg6 32.Da4 P×P!
33.Ce3 P×P 34.F×P F×F 35.D×F

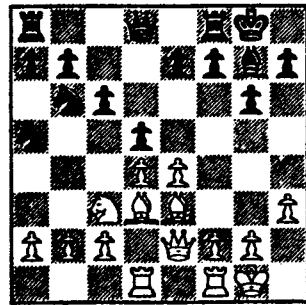
نقص عمومی دیگری که اغلب در وضع سوارها ممکن است رخ دهد موضوع عزلت یا کناره‌گیری آنها از یکدیگر می‌باشد. یعنی نیمه‌ای از سوارها از آنچه که نیمه دیگر انجام می‌دهد آگاهی ندارند، در نتیجه چنین بازیکنی در راهی بد و نامساعد قرار می‌گیرد. ذیلاً برای روشن شدن مطلب به ذکر مثالی آموزنده می‌پردازیم:



دیاگرام (109)

پوزیسیون دیاگرام (109) از بیکار بوتوینیک - اسمیس洛夫 (- Botvinic Smyslov) در مسابقات قهرمانی جهان سال ۱۹۵۴ برگزیده شده است. در این موقعیت اسمیس洛夫 که مهره سیاه دارد، درصدد آنست که جسورانه نه قربانی تفاوت بدهد. در حقیقت امیدواریش به

14...e5 پیروزی مطمئن سیاه را تضمین می‌کند. سفید برای پیشگیری از تهدید چنگال حاصل از راندن پیاده وزیر سیاه، گیم را چنین دنبال کرده است:



دیاگرام (108)

14...e5 15.exd exd 16.dxc (۸)

اما بعد از:

16...C×P! 17.Fb5 Dc7 18.F×C P×C 19.Fe4 P×P

او موقعیت خوبی نصیبش نمی‌شود و به ویژه پس از اشتباه 20.Fd4?? و پاسخ 20...b1=D ناچار به شکست اجباری تن درمی‌دهد.

حرکت اخیر 16.b4 جبران سواری را که سفید با چنگال باید از دست بدهد می‌کند ولی با پیش روی عمیق‌تر به ضرر سفید تمام می‌شود. - مترجم

قدرتمند سیاه انچنان حمله ای را به وجود آورده اند که هیچ چیز مانع و موجب توقف آنها نمی تواند بشود.

21...Cf3+ 22.Rh1 F×F! 23.T×D C×F+ 24.Rh2 Cf3+ 25.Rh3 F×T 26.D×P Fe4 27.a4 Rg7 28.Td1 Fe5 29.De7 Tc8! 30.a5 Tc2

نگاهی به چگونگی وضع سوارهای سیاه و همکاری اعجاب اور آنها ارزش فوق العاده مثال فوقرا برای روشن کردن مطلب مورد بحث مشخص می نماید.

31.Rg2 Cd4+32.Rf1 Ff3 33.Tb1 Cc6

سفید واگذار می کند.

علاوه بر آنچه که در این فصل تاکنون دیدیم آخرین نقص قابل اهمیتی که ممکن است در مورد چگونگی وضع سوارها بوجود آید موضوع عقب افتادگی و یا تاخیر در گسترش آنهاست. این هنگامی به وقوع می پیوندد که در قبال گسترش پیشرفته شما هنوز تعداد قابل توجهی از سوارهای حریف در خانه های اصلی باقیمانده باشند. برای بهره برداری از چنین موقعیتی راه کار انست که بلادرنگ تهدیدهایی را به وجود آورید. چنانچه حمله مستقیم امکان پذیر نباشد باید بطور غیر مستقیم حریف را به هر نحو مشغول

جدائی و منفرد بودن سوارهای سفید می باشد، در صورتی که سوارهای سیاه از همکاری دستجمعی برخوردارند.

11...P×P! 12.Ca4 Da6 13.P×C b5 14.C×d4 P×C 15.C×P D×C 16.e5 D×P 17.F×T C×P

در اینجا بوتونیک به گونه زیر پوزیسیون را ارزیابی می کند: «سفید وضع دشواری دارد، زیرا سوارهایش پراکنده و همکاری لازم را ندارند. در صورتی که سوارهای سیاه کنترل مرکز را در اختیار دارند و ضمناً جناح شاه سفید نیز به روشنی ضعیف می نماید.» رویهمرفته این برتریها به اسمیسلف اجازه می دهد که برای وصول به پیروزی گام بردارد. اکنون برای آشنایی بیشتر و وقوف بر چگونگی قدرت سوارهای سیاه و نیروی درهم بافته شده آنها که فرصت می دهد ابتکار عمل را تا آخر در اختیار داشته باشد، حرکات را دنبال خواهیم کرد:

18.Tc1 Db4 19.a3! D×b2 20.D×a4 Fb7 21.Tb1

بوتونیک اشتباه کرد و می توانست با انجام:

21.F×F D×F 22.Tc3

شانسهائی برای تساوی بدست آورد. ولی اکنون هماهنگی و اتحاد سوارهای

جناح وزیر این مطلب بیشتر به چشم می‌خورد. در این وضع چنانچه سفید تعجیل نکند سیاه با انجام Fb7 و سپس Dc7 و بالاخره قلعه بزرگ تعادل را بوجود خواهد آورد. اما سفید هرگز احمال کاری نمی‌کند و فوراً و پشت سرهم حمله را آغاز و دنبال خواهد کرد.

10.Dh6

با تهدید گرفتن پیاده h7 (بوسیله 11.Dg7). البته در دنباله‌اش پیاده ازاد h به منزله شمشیری برنده درخواهد آمد. سیاه برای پیش‌گیری از وقوع این حادثه فیلش را باید به عقب برگرداند یعنی Ff8...10 که در حقیقت عقب افتادگی گسترشش فزونی می‌یابد.

10...Ff8 11.Df4 Fb7 12.0-0-0 h5

13.Rb1 Fe7 14.Dg3

به گونه‌ای دیگر تهدید قبلی تکرار گردیده است و سیاه باز هم باید درصدد دفاع از پیاده رخ برآید.

14...Cf8 15.The1 f5 16.d5!

این حرکتی است خرد کننده زیرا اگر:

16...exd Cf6+ مات

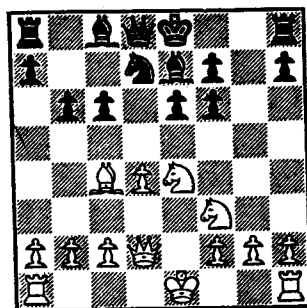
و چنانچه:

16...PxC 17.dxe

و سپس 18.PxP+ و اما ادامه پیکار اصلی:

16...cxd 17.Fb5+ Cd7 18.Ce5

نمود و خلاصه ترتیبی فراهم آورد که فرصت و شانس تکمیل نمودن گسترش را پیدا نکند. چرا که با خروج هر سوار او از برتری شما کاسته می‌شود، به عبارت دیگر باید سریع و قاطعانه حمله را دنبال کنید و در صورت لزوم از قربانی دادنهم نباید هراسی داشت. چون برای بحث مفصل در این بابت ضرورتی دیده نمی‌شود، لذا به ذکر يك مثال که موضوع بهره‌برداری از گسترش عقب افتاده حریف را به وضوح نشان می‌دهد می‌پردازیم. دیاگرام (110) از پیکار کوتوف - کالمانوف (Kotov - Kalmanok) مسکو ۱۹۳۶ برداشته شده است.



دیاگرام (110)

چنانچه می‌بینیم سیاه با وضع بدی در گسترش عقب افتاده است، به ویژه در

Dc7

با انجام این حرکت سفید به سادگی اسب سیاه را گرفته و مبارزه را به نفع خود پایان می دهد. چنانچه سیاه می خواست از اسبش دفاع کند مات جالب و آموزنده ای به صورت زیر در انتظارش بود:

18...Fc8 19.Dg7 Tf8 20.TxP
PxT 21.Cf6+ FxC 22.Cg6+Fe7
23.DxT مات

در خاتمه نتیجه می گیریم که اهمیت چگونگی استقرار و موقعیت سوارها موضوعی است که همواره و در تمام مراحل باید در مد نظر قرار گیرد. چنانچه مطالبی را که درخصوص تجزیه و تحلیل واریاسیونها مورد بحث قرار دادیم بیاد آوریم، در انجا نیز هرگز به خود اجازه نمی دادیم که هماهنگی و همکاری سوارها را نادیده بگیریم. بهتر است همانند قانونی مسلم يك يا دو مرتبه در جریان مبارزه از جهات مختلف پوزیسیون را مورد توجه و دید قرار دهیم و از خود سؤال کنیم، آیا بین سوارها همکاری وجود دارد، یا بعضی از آنها دچار ناهم آهنگی می باشند؟ چه بسا، يك چنین بررسی فوری کمکی شایان توجه به همراه داشته باشد!

معمولاً يك استاد بزرگ با تکیه بر احساس ناخودآگاه خویشتن که محصول سالیان

درازی تجربه می باشد مناسبترین پست را برای استقرار سوارهایش انتخاب می کند. به عبارت دیگر آنها را در بهترین و صحیحترین خانه جای می دهد. چنانچه این حال در شما هنوز به وجود نیامده باشد. برای نیل به این مقصود، نخست باید کوشش کنید که با توجه به دانش و اطلاعاتی که دارید عمل نمائید و سپس براساس مطالبی که در این زمینه شرح دادیم در هر مورد رسیدگیهای لازم را به عمل آورید. تا با مشکلاتی که قبلاً در این فصل به آنها اشاره شده است و حاصل جای گیری ضعیف و نادرست سوارها می باشند دچار نشوید.

فضا و مرکز

دو عامل فضا و مرکز، از مفاهیم مهم و قابل توجه پوزیسیونی به شمار می آیند که از لحاظ اصول و بنیادی در حقیقت پیوندی جدا نشدنی دارند. بنابراین ما آنها را با هم مورد مطالعه قرار می دهیم. زیرا اگر خواسته باشیم برتری قابل ملاحظه ای از نظر فضا بدست آوریم، علاوه بر داشتن اختیار کنترل کامل مرکز، باید ترتیبی عمل کنیم که ضمن شکست قدرت مقاومت

مرکزی تا آن اندازه هم نیرومند و سهمگین نمی باشند و می توان به وسیله سوارها فشار لازم را بر پیاده های مرکزی اعمال نمود تا قدرت خود را از دست بدهند. در سالهائیکه این طرز اندیشه پدید آمده بود مراحل گشایشی نظیر: رتی، دفاع الخین، دفاع نیمزوویچ و دفاع گرونفلد ابداع شد و طرفداران فراوانی پیدا کرد.

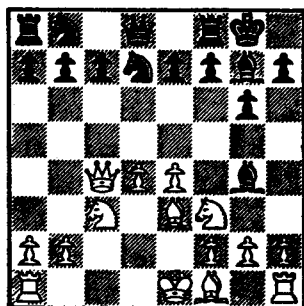
در تمامی این شروعهای پیاده های مرکزی به وسیله یکطرف فورم یا شکل لازم را به خود می گرفت، اما حریش بلادرنگ از راههای گوناگون برای ایجاد فشار بر مرکز و حمله اقدامهای لازم را به عمل می آورد.

پس از گذشت چند سالی بازیکنان شوروی در این بحث و ماجرا مسائل استراتژیکی را نیز وارد کردند. الحق هم در حد قابل توجهی گنجاندن این مطلب، عملی بجا بوده است. پیاده مرکز باز هم رونق خود را از سر گرفت، تا جائیکه در برخی مواقع حتی مانند زمان اندرسن و مورفی مشتاقانه مورد اهمیت واقع می گردید - اما در این هنگام چنین مرکزی از کیفیتی خاص یعنی استحکام پشتیبانی شده با همکاری سوارها نیز برخوردار بود، چه بسا که گاهی ایجاب می نمود که تمامی نیروها برای تقویت پوزیسیونهای

حریف در مرکز، سوارهایش را نیز از آنجا دور نمائیم. واضحست که اگر در بدست آوردن کنترل مرکز توفیق یابیم طبعاً حریف نخواهد توانست وضع سوارهای خویش را بهبود بخشد. به عبارت دیگر، هر وضع استراتژیکی که براساس صحیحی پی ریزی شده باشد فضای مطلوب را احراز کرده و در نتیجه کنترل مرکز را هم در اختیار خواهد داشت.

در سده گذشته موضوع مرکز از اهمیت خاصی برخوردار بود. به ویژه در زمانیکه اندیشه پیکار پوزیسیونی دوران بلوغ خود را طی می کرد به این امر توجه و دقت بیشتری مبذول می گردید. تا جائیکه کارشناسان این فن قبل از هر چیز شعار زیرا را توصیه می کردند، «مرکز را با پیاده های خود اشغال کنید.» به همین سبب شروعهائی نظیر گیوکویانو و یا گامبی شاه و گامبی اوانس که در آنها دو پیاده مرکزی سفید جلو رانده می شد، رونقی به سزا یافته بود و بطور اجمال می توان گفت که در آن زمان پیاده های مرکزی از انچنان ویژگی خاصی برخوردار گردیده بودند که پنداشته می شد وجود آن نشانه ای مسلم از پیروزی در آینده نزدیک می باشد.

پس از آن دوران، مکتب هیپرمدرنها عقیده خود را چنین ابراز داشتند: پیاده های



دیاگرام (111)

چه بسیار مسابقات جالبی که سیاه با همین وضع به پیروزی رسیده است و راه کار هم براساس حمله مقابل به مرکز حریف پی ریزی شده است.

در سالهای اخیر نیز به طور کامل گرایشی به سوی بی اهمیت پنداشتن پیاده های مرکزی بوجود آمده است. شما می توانید در مسابقاتی که اخیراً در سطوح بالا انجام پذیرفته باشد، حرکاتی را نظیر آنچه که ذیلاً مرقوم گردیده است به بینید:

1.d4 d6 2.c4 g6 3.e4 Fg7 4.Fe3 c6
5.Cc3 Dc7 6.Dd2

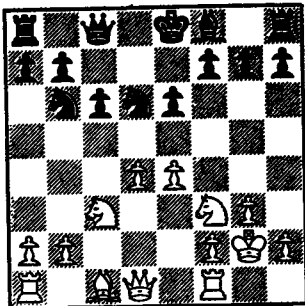
دیاگرام (112)

مرکزی دست بدست هم دهند. همزمان با پیدایش این اندیشه، کار و تلاشی فراوان برای پیدا کردن راههای جدید حمله به يك چنین مرکزی انجام پذیرفت. روشهای گوناگون فراوان برای دفاع نیز ابداع گردید. از آن میان دفاع هندی شاه به لحاظ پیچیدگی قابل ملاحظه ای که ناشی از ویژگی طبیعت ضد حمله ای آن می باشد سخت مورد توجه قرار گرفت. سرانجام، برداشت و مفهومی دینامیکی مرکز جای خود را به تئوری که خواهد آمد واگذار کرد: باید اجازه داده شود مرکز در آغاز کار برای لحظاتی از آن سفید بماند، ولی سیاه متقابلاً با ضد حمله ای که تهیه می بیند از شانسهای برخوردار است. چرا که سفید همواره بایستی تلاش خود را متوجه دفاع از مرکز زیبایی که ساخته است بنماید. خلاصه به عنوان مثال واریاسیون اسمیسلف را در دفاع گرونفلد در زیر مورد مطالعه قرار می دهیم:

1.d4 Cf6 2.c4 g6 3.Cc3 d5 4.
Cf3 Fg7 5.Db3 P×P 6.D×c4 0-0
7.e4 Fg4 8.Fe3 Cfd7

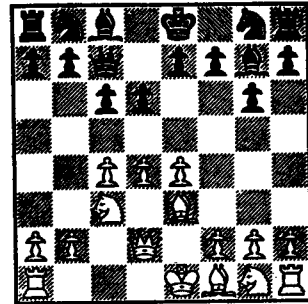
به عقیده تارا ش داشتن پوزیسیونی مانند دیاگرام شماره (111) برای سیاه محققاً ناامید کننده است در صورتیکه می دانیم

توضیحات بیشتری در مبحث طرحریزی نیز مورد بحث قرار خواهیم داد. فعلاً به خاطر بسپارید که در قبال مقاصد و تصمیمهای مربوط به مسائل استراتژیک باید انعطاف پذیر بود و همواره باید خصوصیات هر پوزیسیونی را با توجه به واقعیت ذاتیش در نظر گرفت. در عین حال که از جهتی نباید از مرکز حریف ترسی به خود راه داد، از سوی دیگر هم نباید تمامی امکانات را به وی واگذار کرد. زیرا پیاده مرکزی که سوارها خوب پشتیبانیش کنند هنوز عاملی مؤثر بشمار می آید. مثلاً چه کسی دوست ندارد با مهره سفید پوزیسیونی نظیر دیاگرام شماره (113) داشته باشد؟



دیاگرام (113)

سفید در مرکز از نظر پیاده قدرتمند است و به زودی روشن خواهد شد که



دیاگرام (112)

چنانچه ملاحظه می شود مرکز بطور کامل در اختیار سفید است در صورتیکه سیاه حتی درصدد تصرف يك خانه مرکزیهم برنیامده است، فقط فیلش از راه دور به پیاده مرکزی حمله ای دارد. ولی با اینهمه اساتید امروزی ترسی از چنین مرکزی وحشتزا به خود راه نمی دهند. انها چشم امیدهایی به مرحله وسط گیم دوخته اند. یعنی دورانیکه قصد دارند ضربت های سهمگین را به جای گیری مرکزی حریف وارد آورند. درواقع به ناهمواری و لغزشهای حاصل از درهم ریختن و یا مورد حمله قرار گرفتن ارتش سفید که به ظاهر جای خود را در سنگر محکم کرده است امید فراوان دارند.

به زودی موضوع مرکز را با دقت و

دیدن آنها لزومی به خود راه ندهید. به ویژه سعی کنید راه ارزیابی صحیح آنها و تشخیص اینکه حقیقتاً در چه کیفیتی خطرناکند و یا در چه حالاتی نمی‌توانند مشکلات را به وجود آورند به خوبی یاد بگیرید. اینها حدود مطالبی است که در مرحله شروع و هنگامیکه استخوان‌بندی پیاده‌های مرکزی بنا می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد. باز هم اجمالاً یادآور می‌شوم، با دیده احترام ولی بدون هراس چگونگی پیاده‌های مرکزی حریف را دقیقاً زیر نظر داشته باشید. این صحیحترین حالت و واکنشی است که می‌توان برگزید.

در مورد فضا نیز اغلب به همین نحو می‌توان عمل کرد. البته خوب است حریف را مجبور کنیم که در عرضهای اول و دوم و یا سوم خود بماند. ولی، نباید انتظار داشت که ایجاد چنین موقعیتی خود به خود پیروزی را به ما هدیه کند! در این مورد برونشیتن عقیده خود را چنین بیان می‌کند:

«اساتیدی یافت می‌شوند که پوزیسیون فشرده Cramped Position را بر پوزیسیون کاملاً آزاد ترجیح می‌دهند و هنگامیکه پوزیسیون‌هایی بر وفق سلیقه نصیبشان می‌شود نتایج بهتری بدست

پیش‌بینی‌های سیاه برای جلوگیری از پیشرفت آنها کافی نبوده است. به ویژه که در مثال مورد بحث سفید را بوتونیک بر علیه لوان فیش Levenfish در مسابقات سال ۱۹۳۵ مسکو دارا می‌باشد. به زودی خواهیم دید چگونه عدم دقت سیاه موجب احراز برتری سفید می‌گردد.

14.d5! Fe7

سیاه چون از لحاظ گسترش عقب است لذا مصلحتش نیست که درصدد باز کردن مرکز برآید. همین اندیشه موجب می‌گردد که پیاده‌های سفید برای پیش‌روی از شانس بیشتری برخوردار باشند.

15.e5 Cb5 16.d6 CxC 17.PxC Fd8

18.Dd4 c5 19.Dg4 Tg8 20.De4 Th8

21.Fe3 Cd7 22.Cd2 f5 23.Da4

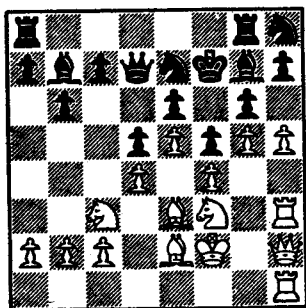
Rf7 24.f4!

ایا وضع رقت‌انگیز سیاه شما را نگران و مشمزن نمی‌کند؟ این لوان فیش است که بر اثر بی‌احتیاطی در آغاز کار چنین فرصتی به حریف داده است. اکنون، آنچه که بیشتر تعجب‌آور است، تحمل زمانی طولانی ناراحتی حاصل از چنین پوزیسیون تاثرانگیزی می‌باشد.

از فرصت استفاده کرده یکمرتبه دیگر تکرار می‌کنم، برای پیاده‌های مرکزی حریف اهمیت قائل شوید، ولی از منظره و

داد. در این پیکار من مهره سیاه داشتم و بخش آغاز کار به گونه زیر انجام گردید و چندان مطلوب نبود.

1.e4 d6 2.d4 g6 3.Cc3 Fg7 4.f4 Cc6
5.Fe3 Cf6 6.Cf3 0-0 7.Fe2 d5 8.e5 Cg4
9.Fg1 f6 10.h3 Ch6 11.g4 f5 12.g5 Cf7
13.h4 e6 14.Fe3 Ce7 15.Rf2 Dd7
16.h5 Te8 17.Dg1 b6 18.Dh2 Ch8
19.Tag1 Rf7 20.Tg3 Tg8 21.Th3 Fb7



دیاگرام (114)

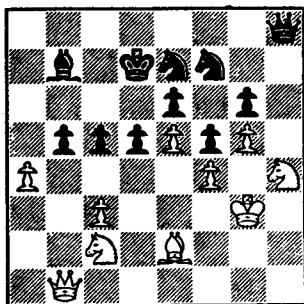
در این هنگام من در انتظار حرکت حریف مشغول قدم زدن بودم که ولودیا سیمباگن (V. Simaguine) مرا دید و با تعجب از من پرسید. این چه پوزیسیونی است که برای خودت ترتیب داده‌ای؟! چگونه می‌خواهی مبارزه را ادامه بدهی؟ در پاسخ، ضمن بالا انداختن شانه‌های خود،

می‌اورند. معمولاً بیان لغاتی نظیر «پوزیسیون فشرده» (Cramped Position) یا «Free game» را از تراوشهای فکری تنورسین‌ها باید دانست. این معانی در پیکارهای واقعی مسابقه خیلی از نفوذ کمتری برخوردار است تا در اندیشه‌ای کلی.

با وجود نظریه‌ای که پروتشتین ارائه کرده است، من به خود اجازه می‌دهم که ازادانه عقیده خویش را در مورد پوزیسیونهای فشرده اظهار دارم. گاهی اتفاق افتاده است که من بتوانم با پیشروی عمومی قوایم (پیاده و سوار) حریف را تا سرحد خفقان در تنگنا قرار دهم، ولی در عین حال، همواره مترصد مقابله با یورش تاکتیکی دشمن نیز بوده‌ام. بعید نیست که این موضوع از طبیعت من سرچشمه گرفته باشد. زیرا هنگامیکه شخصاً با چنین وضع یا خطری جدی مواجه می‌شوم، اضطرابی به خود راه نمی‌دهم بلکه بیشترین تلاش را به عمل می‌آورم. معتقدم نامساعدترین پوزیسیونها را شکست خورده نباید تلقی کرد و تا زمانیکه ارتش پایدار باشد باید به ضدحمله امیدوار بود.

برای نمونه مثال آموزنده‌ای از مبارزه خودم را علیه لی‌برت (Liebert) در مسابقات سوچی سال ۱۹۶۷ شرح خواهم

تقدیم قربانی اسب می توانم تعادل را به نفع خود برگردانم. در این موقعیت



دیاگرام (115)

پوزیسیون مربوطه به صورت دیاگرام شماره (115) درآمده بود.

50...C×g5! 51.F×P+Rc8 52.
P×C D×P+ 53.Rf2 D×P 54.Dd1 Dh3
55.Cf3 d4

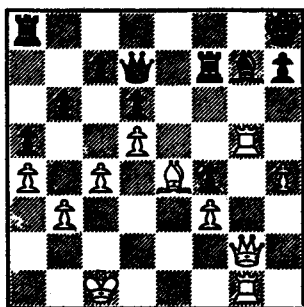
و قوای سیاه که مدت زیادی در حال فشردگی و کمی فضا بسر برده بودند ازین پس به گونه ای رعداسا فعال می گردیدند. در خاتمه چنین باید نتیجه گرفت، هرگز نباید از منظره و شبیخ ها هراسی به خود راه داد، پوزیسیونهای فشرده گرچه ناخوش آیند است ولی واقعاً نباید آنها را شکست قطعی تلقی کرد!

گفتم خوب اینهم پوزیسیونی است مثل سائرین. اما معلم پیشین من با ازردگی گفت: «اوخ؟ از شما عجیب است... ایا چنین راهی را من به شما اموخته ام؟! پوزیسیون سفید را بدهید به من تا در ظرف چند حرکت شما را له کنم.»

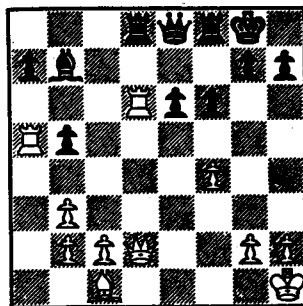
ولودیا انسانی. بود رُک و راست، او همیشه آنچه را که فکر می کرد بر زبان می آورد. ولی با همه این احوال من باور نمی کردم که آینده ام تا این حد تاریک باشد. البته باید بپذیرم که لحظاتی را غیر استادانه و با بی احتیاطی عمل کرده بودم، اما من همواره در جستجوی ضدحمله بوده ام. انهم هنگامی امکان پذیر می گردد که حریف در حمله پیشدستی کرده باشد. ممکن است بیش از اندازه به وی فرصت داده باشم ولی در هر حال جنگ واقعی هنوز در انتظار ما می باشد.

در دنباله کار، من زمانی بس طولانی و ازاردنده را برای بدست آوردن موقعیت ضد حمله گذراندم. باید اذعان کنم که سیمانگن واقعاً در اظهار نظریکه به عمل آورده بود حق داشت. بهتر است به حریف يك چنین مجال یا آزادی عملی که من دادم هرگز داده نشود. و با این مقدمه هنگامی احساس رضایتی فوق العاده در من پدیدار شد که در حرکت پنجاهم ملاحظه کردم، با

تمرینها



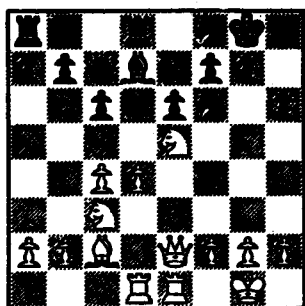
دیاگرام (117)



دیاگرام (116)

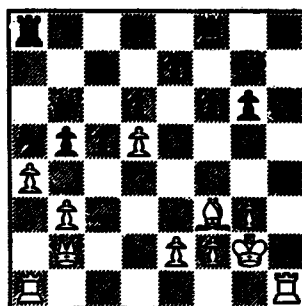
در دیاگرام (117) اگر نوبت سفید باشد چه عاملی به سفید شانس پیروزی می‌دهد؟ کوتاهترین راه پیروزی را بیابید.

دیاگرام (116) را از لحاظ چگونگی پوزیسیون ارزیابی کنید. عوامل قطعی که وضع پوزیسیون را مشخص می‌کند و یا به عبارت دیگر پوزیسیون به آن عوامل بستگی دارد تعیین نمایید. آیا سیاه با انجام چه حرکتی برتری قطعی را بدست خواهد آورد؟



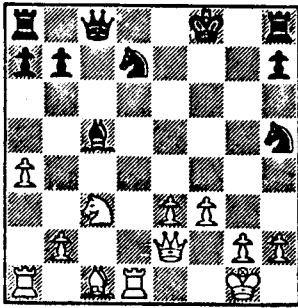
دیاگرام (119)

در دیاگرام (119) شروع با سفید است او می‌تواند ضعفی جدی در وضع حریف بوجود آورده و سپس بهره‌برداری کنند. چگونه؟



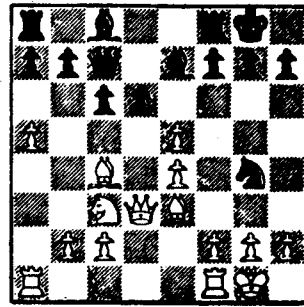
دیاگرام (118)

در دیاگرام (118) نوبت حرکت با سفید است، معلوم کنید چه عوامل پوزیسیونی موجب پیروزی اجباری سفید می‌شود؟ انرا پیدا کنید.



دیاگرام (121)

در دیاگرام (121) نقص یا مشکل پوزیسیون سیاه چیست؟ و اگر سفید شروع کند چگونه می‌تواند از آن بهره‌برداری کند؟



دیاگرام (120)

در دیاگرام (120) نوبت حرکت با سیاه است، چه عامل پوزیسیونی به سیاه اجازه می‌دهد برتری قطعی بدست آورد؟ راه پیروزی را تعیین کنید.

ادامه يك از مایش (۱)

در مبحث اول این کتاب ضمن آزمایشی خیالی چنین پنداشتیم که استاد بزرگ اسمیسلوف پشت صفحه شطرنج قرار گرفته است و کمک می کند تا آنچه را که هنگام آنالیز استاتیکی (حالت سکون) موقع انجام مسابقه در ذهن و یا اندیشه يك استاد بزرگ می گذرد برای ما تفسیر نماید. اکنون با اشنائی بیشتر و پیشرفتی که حاصل شده است آزمایش مذکور را به گونه زیر دنبال می کنیم.

بدیهی است، بازیکن فکر کردن را از لحظه ای که ساعت سفید به حرکت درمی آید آغاز می کند، ولی پیش از انهم معمولاً صبح روز مسابقه چگونگی پیکاری را که می خواهد انجام دهد در ذهن خود می پروراند. حتی باید اضافه کرد که از روز قبل خود را از لحاظ کیفیت روانی و همچنین تئوری آماده کرده است. برخی عقیده دارند که از اینهم خیلی باید جلوتر رفت، یعنی برای مقابله با حریف امروز،

چه بسا که از هفته ها قبل تا سرحد امکان مطالعات لازمه را درخصوص طرحهای مورد نظر انجام داده و خلاصه خود را برای چنین رویارویی آماده کرده است. اکنون در نظر داریم عملکرد فکری يك استاد را هنگام برگذاری مسابقه مورد بحث و مطالعه قرار دهیم. به ویژه می خواهیم دریابیم که تجارب دینامیکی تا چه اندازه با آنچه که ما از معبر استاتیکی می بینیم تفاوت دارد. به این منظور حالتی را در نظر می گیریم که پولوگایفسکی در حال انجام يك مسابقه می باشد و جریان کار طوری پیشرفته است که تقریباً از آغاز کار او توانسته است فکر خود را دنبال نموده و از طرف حریف هم تحمیلی به وی نشده باشد. حال در چنین کیفیتی فرض کنیم اسمیسلوف تازه نفس از راه برسد و پوزیسون حاصل را مورد توجه قرار دهد، می خواهیم بدانیم افکار پولوگایفسکی با استاد بزرگ تازه وارد چه اختلافی دارند؟ اگر ما بتوانیم به این سوال صحیحاً پاسخ گوئیم بسیاری از ظریفترین نکات روانشناسی شطرنج و بسیاری از رموز مربوط به چگونگی طرز تفکر يك استاد بزرگ روشن خواهد شد.

با پذیرش فرضیه اشنائی کامل قبلی با بخش شروع طبعاً این مرحله خیلی زود

(۱) در متن ترجمه شده به زبان فرانسه این فصل دیده نشد. البته فهم مطالب کلی مندرج در آن نیاز به دقت دارد ولی از ارجی فراوان برخوردار است. - مترجم

واریاسیونها همانهایی هستند که حرکاتشان را قبلاً هم مورد بررسی قرار داده است. او طبعاً فکرش حول و حوش همانها مجدداً دور می‌زند لیکن در این کیفیت قادر خواهد بود عمیقتر در انها رسوخ کرده تا بتواند جوهر یا لب کلام را بیابد. گرچه او نمی‌خواهد درصدد پیدا کردن واریاسیونهاى جدید برآید، ولی قادر است سطح تجزیه و تحلیل‌های قبلی خودش را بالا برده و عمیقتر انها را مورد آزمایش قرار داده، محك بزند و تصحیح نماید.

با این مقدمه می‌توان گفت اختلافی بر معنی با آنچه که اسمیس洛夫 می‌تواند برداشت کند وجود دارد. زیرا هنگامی که اسمیس洛夫 شور و هیجان ناشی از مراحل مختلف مبارزه را ندارد، یعنی حرکات غیر منتظره و سهو و اشتباهات نظری او را تحت تأثیر قرار نداده است، پیشرفتهای جزئی هم برایش شادی‌افزین نبوده است. به عبارتی ساده هنوز مغزش تحت تأثیر و در پیچ و خم کششها و واکنشهای کار فکری سنگین انهم با تمامی ظرفیت گرم نگردیده است.

بنابراین او آمادگی لازم را ندارد تا همانند استاد بزرگی که دو یا سه ساعت کار فکری کرده است ماکزیم بازدهی فکری

پایان یافته است و هم اکنون پولوگایفسکی مشغول تجزیه و تحلیل واریاسیونهاى پوزیسیونى می‌باشد. در چنین موقعیتی است که اسمیس洛夫 وارد شده او هم متوجه همین پوزیسیون می‌شود. البته توجه داریم که تازه وارد نسبت به پوزیسیون مورد بحث هیچگونه اطلاعات و دانش قبلی ندارد. در صورتیکه پولوگایفسکی با آمادگی قبلی حرکات کاندیدای جالب و ارزشمندی را هم به عنوان ذخیره در استین دارد، با اینهمه مجدداً تعدادی از این حرکات کاندیدا را حرکت به حرکت در حال بررسی می‌باشد. اگر به عنوان مثال Cg5 در حرکت قبل مفید نبوده است چه بسا که برای حرکت بعدی قابل توجه باشد. اما او از پیش به خود تلقین کرده است که در وضع حاضر درصدد ابداع و کشف حرکت جدیدی برنخواهد آمد.

پولوگایفسکی، (کسی که از لحاظ قدرت اندیشه ما او را هم پایه اسمیس洛夫 دانسته و از نظر احترام انها را با يك چشم نمی‌گیریم) واریاسیونها را بسیار عمیق و به گونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد که درخت تجزیه‌اش با اشعابات فراوان و رویشهای فرعی هرچه طویلتر و ضخیمتر نمایش داده می‌شود. ناگفته نماند، این

را داشته باشد.

اجمالاً، استاد بزرگ در جریان عمل یاد در حالت دینامیکی موثرتر و بهتر می‌تواند انجام وظیفه نماید تا اینکه به گونه‌ای ناگهانی با تکلیفی مهم و غیر منتظره مواجه شود. طبعاً ما در ذهن خود يك استاد بزرگ جوانی را با آموزشی عالی در نظر می‌گیریم که بر اثر کار فکری چند ساعته پشت میز شطرنج خسته نشده باشد. او در مورد ارزیابی پوزیسیونی معین به همان اندازه که قادر است عمیقتر تجزیه و تحلیل کند بهتر از عهده برمی‌آید تا اینکه ناگهان در مقابل پوزیسیونی ناشناخته قرار گیرد. در واقع استاد بزرگ نیز برای انجام عمل ارزیابی ناچار است چند حرکت به عقب برگشته و هر حرکت را بررسی و در صورت لزوم تصحیح نماید. در این راه کمک او تنها عملکرد وی در جریان پیکاری که در حال انجام است نمی‌باشد بلکه او از تمامی معلومات و دانشی که از پیش اندوخته است نیز استفاده می‌نماید. قطعی است که استاد بزرگ پولوگایفسکی، مرحله شروع را تا وصول به پوزیسیون مورد بحث می‌دانسته است. یعنی نمونه‌هایی از این شروع را که سرانجام به چنین پوزیسیون‌هایی می‌رسیده قبلاً دیده است. در این زمینه تجزیه و

تحلیلهایی که مفسرین بعمل آورده‌اند مطالعه کرده است. او به طرحهایی که در وضعیتهای نظیر ازموده شده است اشنائی کامل داشته و طبعاً در هر حرکت از دانشی که در ظرف سالها پشت میز مسابقه در این زمینه اندوخته، کمک گرفته است. با این مقدمه می‌توان دریافت که در مسابقه مورد بحث، استاد بزرگی که از بدو امر در جریان کار بوده است اسانتر می‌تواند بهترین حرکت را بیابد تا در وضعیتی که ما اسمیسلوف را قرار داده‌ایم. هر چند که بعضی عوامل منفی هم می‌تواند وجود داشته باشد. پولوگایفسکی همواره حرکاتی مشابه آنچه را که قبلاً عمل کرده است انجام خواهد داد. در نتیجه ممکن است او چیز تازه و یا غیر منتظره‌ای را دنبال نکند، اما، با تمامی این احوال خطر بزرگی از این بابت متوجهش نمی‌باشد.

روش بوتوینیک یا ناجدورف؟

از چندی پیش هنگامی که مسابقاتی در سطح بالا صورت می‌پذیرفت من سعی کردم مطالعاتی روی نحوه رفتار و چگونگی عمل همقطارانم که مشغول مسابقه بودند از نزدیک به عمل آورم، حاصل اجمالی آن قابل توجه و به قراریست که ذیلاً شرح داده خواهد شد. بعضی از بازیکنان پنج دقیقه پیش از آغاز کار پشت میز مسابقه خود قرار گرفته و موقعی از جای خود برمی‌خیزند که مبارزه خاتمه پذیرفته و یا ثبت و به جلسه بعد موکول شده باشد. گروهی دیگر به محض اینکه حرکت خود را انجام می‌دهند سریعاً و با جهشی چشم گیر صندلی خود را ترک و به قدم زدن در اطراف سالن مسابقات می‌پردازند. آنها کاملاً خوشحال و سرخوش با دیگران به صحبت می‌پردازند، همینکه حرکت حریف خاتمه پذیرفت با حرارتی هرچه بیشتر به پشت میز مسابقات یورش می‌برند. بوتوینیک که نمونه کاملی از يك بازیکن پخته المپیاد است فقط در سالهای اخیر استراحت مختصری را به خود اجازه می‌داد، انهم

بدینمعنی که در طول پنجساعت مسابقه يك یا دو مرتبه به قدم زدن می‌پرداخت. دقیقاً نقطه مقابل وی، ناجدورف است که به راستی نمی‌تواند در جای خود بنشیند. او هنگامیکه نوبت حرکت حریفش می‌باشد نه فقط در اطراف جایگاه مسابقات به راه رفتن می‌پردازد، بلکه او همقطارهای خود را در اغوش می‌گیرد، می‌بوسد و مزاح می‌کند، ضمناً در مواقع مقتضی سؤال مورد علاقه‌اش را هم فراموش نمی‌کند: «وضع من چگونه است؟»

من شخصاً اغلب خود را بین این دو حالت احساس می‌کنم که کمی هم به سمت ناجدورف نزدیکتر باشد، بایستی اعتراف کنم که برای چنین حالتی خود را سرزنش کرده‌ام. آیا حاصل این ناآرامی و بی‌قراری را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ البته این قبیل جهش و حرکات موجب اشفته شدن تجزیه و تحلیلها و سطحی جلوه کردن تصمیمهای متخذه می‌گردد. از طرف دیگر، آیا چگونه می‌توان پنجساعت تمام پشت صحنه مسابقات آرام نشست؟ ضمناً باید دید واقعاً بوتوینیک هنگامیکه حریفش برای پیدا کردن حرکت مشغول فکر کردن است او چگونه خود را مشغول می‌نماید؟!

روند و یا مراحل فکری يك استاد بزرگ

را بطور کلی می‌توان به دو نیمه تقسیم کرد. اجزاء ترکیب کننده آن از يك طرف تجزیه و تحلیل واریاسیونها تا حد وصول به درخت تجزیه و انشعاباتش قرار دارد و از سوی دیگر ارزیابی پوزیسیون، قضاوت روی عوامل پوزیسونی و تنظیم طرح برای آینده. به عبارت ساده‌تر چنین خلاصه می‌شود: آنالیز و ملاحظات عمومی.

حال اگر بازیکنی بتواند این دو نوع کار را طوری انجام دهد که هنگام کار کردن ساعت یا پاندولش، او به آنالیز یا تجزیه و تحلیل بپردازد و موقعیکه نوبت حریفش است از زمان او استفاده کرده و به سائر ملاحظات عمومی بیندیشد، طبعاً در وقت صرفه‌جویی لازم را بعمل خواهد آورد. احتمالاً این همان تفسیری است که بوتوینیک و یا آنها که پنجساعت پشت میز مسابقه می‌نشینند در برابر سنوالی که در این مدت چه می‌کنید پاسخ خواهند گفت. من کوشش می‌کنم که همین روش را بکار برم. گرچه عادت دیرینه‌ام بعضی اوقات موجب می‌شود که این قید را رها کنم. درواقع گاهی به برخاستن و قدم زدن اغوا می‌شوم، اما من ترتیبی پیش می‌گیرم که در چنین وضعی نیز به حساب زمان حریفم در خصوص مسائل پوزیسونیم فکر کنم.

پس از چندی هنگامیکه به نوشتن کتاب حاضر اشتغال داشتم فرصتی دست داد که نزد بوتوینیک رفته و از او سؤال کنم که برایم بگویند موقعیکه نوبت حرکت حریفش می‌باشد چه می‌کند. قهرمان جهان شطرنج بسیار سنجیده جملات زیر را در پاسخ بیان کرد: «اصولاً من فکر کردم را به دو بخش تقسیم می‌کنم. یعنی هنگام کار کردن ساعت حریف، در ذهن خود ملاحظات کلی را مورد بررسی قرار می‌دهم و موقعیکه ساعت خودم راه می‌افتد به آنالیز یا تجزیه و تحلیل واقعی واریاسیونها می‌پردازم. در سالهای اخیر به سبب بالا رفتن سن و احساس خستگی پس از خاتمه کار آنالیز اغلب با توسل به قدم زدن در سالن مسابقات مختصر استراحتی می‌کنم.» ولی چنین به نظر می‌رسد که معمولاً طبیعت اندیشه يك استاد بزرگ در جریان مسابقه همواره از چگونگی پوزیسیون و وضع پاندول برای اتخاذ تصمیم مقتضی الهام می‌گیرد. مثلاً اگر پوزیسونش بد است و فقط چند دقیقه‌ای فرصت دارد، دیگر موضوع اینکه پاندول کدام طرف کار می‌کند بی‌معنی است. زیرا در چنین موقعیتی اصلاً در فکر استراحت نمی‌توان بود و بایستی از هر جهت آمادگی داشت تا از هر لحاظ بتواند

از زمان باقیمانده حداکثر بهره برداری را به عمل آورد. شما می‌توانید و شما باید به خودتان آموزش دهید که بتوانید حتی هنگامی که پاندول حریفهم کاری کند به تجزیه و تحلیل واریاسیونها پردازید. بطور خلاصه این عمل را باید به گونه‌ای باهوش انجام دهید که عیناً نوبت حرکت و فکر کردن خود شما می‌باشد. من بی‌آنکه در این خصوص نظری بدهم، همین سؤال را از قهرمان داستان خود یعنی واسیلی اسمیس洛夫 بعمل آوردم و عقیده او را خواستم. قهرمان و استاد بزرگ جهان شطرنج از روی تعجب گفت: «پنج ساعت متوالی پشت میز مسابقه نشستن؟ مسلماً نه! علم فیزیولوژی نیز چنین حکم می‌کند که برای انجام کاری ساعتی متوالی در وضع خاص قرار گرفتن مضر است. به همین سبب بازیکن باید در فرصتهای ممکن بین نوبتهای حرکتش قدمی بزند و این عمل به بهتر فکر کردنش هم کمک می‌کند. بعلاوه بنابر اصول کلی و ملاحظه عوامل پوزیسیونی شما می‌توانید هنگام قدم زدن نیز وضع یا پوزیسیون خود را در نظر داشته باشید. ضمناً در صورت لزوم با ملاحظه پوزیسیون روی تابلوی نمایش نیز می‌توانید آنرا مورد بررسی و کنترل قرار دهید.»

حال با این مقدمه تصور نمی‌رود پاسخ به سؤال مطروحه در بالا مشکل باشد؟! مسلماً تقلید از روش بوتونیک خیلی بهتر از ناجدورف است اما توجه داشته باشید که انجامش کار اسانی نخواهد بود.

در پوزیسیون کسانی که هنگام برگزاری مسابقه عادت به گردش کردن دارند همواره اثری از سطحی بودن مشاهده می‌شود. ولی برداشتهای بازیکنانی که نشستن را ترجیح می‌دهند از ژرفای بیشتری برخوردار است. هرچند که دنبال کردن روش دسته اخیر کار اسانی نیست. به ویژه اگر برخلاف اخلاق ذاتی و عادت دیرینه و احتمالاً یادگار باقیمانده از دوران کودکی باشد، ترك آن مشکلتر می‌نماید. معذک باید برای رفع آن تلاش لازم را بعمل آورد.

چگونگی سیستم اعصاب و حالت مزاجی و سلامتی نیز در پیشرفت کار نقش مؤثر و سهمی به سزا دارد. هر بازیکنی باید خود را بشناسد و به نکات مثبت و منفی خصوصیات خویشتن وارد باشد. مثلاً اگر تشخیص می‌دهید مداوم نشستن شما را خسته می‌کند مانعی ندارد و می‌توانید در فرصتهای ممکن به قدم زدن در سالن مسابقات پردازید. کما اینکه بوتونیک هم به همین گونه عمل می‌کند و قهوه‌ای هم

می نوشد. لیکن سعی کنید تا سرحد امکان تعداد دفعاتی که میز مسابقه را ترك می کنید کمتر باشد. فراموش ننمائید حتی هنگامی که به قدم زدن می پردازید از ادامه فکر در خصوص پوزیسیون به همانگونه که اسمیسلوف اشاره کرد نباید غافل ماند. در خاتمه بی مناسبت نیست درخصوص پدیده هائی که گرچه در پیکار اساتید بزرگ چندان زیاد هم روی نمی دهد ولی از پاره ای لحاظ بی معنی نمی باشد سخنی به میان آوریم. اتفاق می افتد که نگاه کردن ساعات متوالی به مهره هائی که از درخشندگی خاص برخوردارند سرانجام موجب خستگی می گردد. برونشستن اغلب به تابلوی نمایشات که پوزیسیونشهم روی ان منعکس است توجه می کند. او این عمل را حتی هنگامی که پاندول خودشهم در حرکت است گاهی انجام می دهد. البته ممکن است از لحاظ بازیکنان اهل مسکو این مطلب امری عادی تلقی شود زیرا انها عادت دارند پوزیسیونها را به كمك دیاگرامهای کتابها مورد بررسی قرار دهند و در اینجا نیز طبعاً چنین روشی کار را اسانتر می نماید. دیگرانی هستند که ناگهان چشمهای خود را که با حرارت متوجه صفحه شطرنج است از انجا برداشته و مثلاً به بالا یا سقف نگاه می کند.

انها نیز استراحت و یا بیهوده اتلاف وقت نمی نمایند، بلکه در چنین حالتی هم در زوایای عمیق ذهن و مغز خود واریاسیون انتخاب می کنند. این راحت باش یا تنفس غیر عادی را به عبارتی ساده می توان استراحتی برای چشمها تعبیر کرد. فقط مردمان ساده لوح ممکن است تصور کنند که يك استاد بزرگ مانند يك ادم بیکاره به قدم یا پرسه زدن می پردازد. خیر يك چنین رفتاری نمایشگر حالت بحرانی و بالا رفتن فشار کار (Tension) می باشد. قدم زدن کوتاه را هم به منزله نرمش برای آمادگی بهتر قوا باید دانست. حتی شوخی ها و گفتگوهای ملایم و درگوشی و یا خنده های کوتاه نیز نشانه ای از حالت غیر عادی می باشد. در حقیقت تمامی انها به گونه ای ثابت با فعالیت سلولهای مغزی همراه است. بهترین گواه این مدعا قطع شدن ناگهانی صحبتها است که تحت تأثیر و القاء گونه ای تفکر و اندیشه به وجود می آید. مثلاً در حالی که لطیفه گوئی جریان دارد ناگهان نظری اجمالی به تابلوی نمایش موجب می شود که هنوز جمله اش تمام نگردیده با هراس و سرعت برگردد و پشت میز مسابقه بنشیند و با هیجانی کامل به تجزیه و تحلیل واریاسیونها بپردازد. انگاه پس از حصول

اطمینان تبسم‌کنان برمی‌گردد و با خوشحالی به گروهی که ترکشان کرده بود می‌پیوندد. زیرا در آن هنگام اندیشه ناشی از اشتباهی که به ذهنش رسیده بود او را تحت تأثیر قرار داده بود.

واقعیت چیست و عمومیت کدام است؟

براساس آنچه که تاکنون بیان گردید تقسیم‌بندی زمان تفکر يك بازیکن هنگامی به حد کمال مطلوب می‌رسد که بتواند موقعیکه پاندول حریفش کار می‌کند او به مطالعه ملاحظات عمومی پردازد و همینکه نوبت حرکت خودش شد واقعیات یا مسائل ذاتی و به عبارت خیلی ساده، آنالیز را دنبال نماید. واضحست که غرض از مسائل ذاتی با توجه به آنچه که سابقاً شرح دادیم و تصور نمی‌رود نیاز به تفسیر بیشتری داشته باشد اجمالاً عبارتست از: پیدا کردن حرکات کاندیدا که تجزیه و تحلیل واریاسیونها همراه با دنبال کردن شاخه‌های درخت تجزیه و تحلیل را همراه دارد.

اما غرض از مطالعات یا ملاحظات عمومی چیست؟

گرچه این مطلب هم برای خواننده چندان

ابهامی نباید داشته باشد معذک یادآوری آن بی‌ضرر و منظور ارزیابی پوزیسیون است که شامل مراحل به ترتیب ذیل می‌باشد:

نخست تجزیه پوزیسیون به عناصر و سپس ترکیب و تلفیق آنها با یکدیگر به گونه‌ای که بتوان در مرحله بعدی طرحی را که آینده و پیشرفت کار به آن بستگی دارد تنظیم نمود. بدیهی است که طرحهای کوتاه مدت و دراز مدت در شمول آن قرار دارند.

واضحست که کیفیت و نوع کار انقدرها سهل نیست و به اندیشه‌ای عمیق و ذخیره علمی هم نیاز می‌باشد. علاوه بر دانش و استعداد هنری، هر فرد معمولاً به تعدادی فرمول‌بندیهای تلخیص شده نیز احتیاج دارد تا به موقع بتواند تئوریه‌ها و قوانین با اهمیت را در عمل یادآوری نماید. البته نباید فراموش کرد که پاره‌ای پیشرفته‌ها در زمینه شطرنج صورت پذیرفته که تا اندازه‌ای کار را سهل نموده است. در این مورد به ویژه باید مساعی معلمانی چون تاراش و تارتاکور را یادآوری نمود. مخصوصاً پاره‌ای از قوانین تاراش که تا به امروز هم ارزش خود را از دست نداده است. از انجمله موضوع رخ و پیاده آخر بازی را می‌توان به عنوان مثال ذکر نمود

گردآوری این هر سه مرحله در یکجا
برائید.

نظریه‌های بزرگان شطرنج

ذیلاً نظرات بزرگان شطرنج جهان را در
مورد امامدگی و مراحل سه گانه گیم
شطرنج یادآوری می‌نمائیم:
بوتونیک:

در اواخر سده اخیر روش جدیدی در
شطرنج پا به عرصه وجود گذارده است که
می‌توان انرا روش پژوهش یا تحقیقی
نامید.

اشتن نیتز:

يك استاد شطرنج همانند يك ژنرال در
میدان جنگ حق ندارد مریض شود.
اشپیلمن:

از جمله خصائل ویژه الخین این واقعیت
را می‌توان ذکر کرد که او با احتیاط خود
را برای هر گیم از مسابقه آماده می‌کرد و
مزاج و طبیعت شخصی حریف اینده را هم
در نظر می‌گرفت.

الخین:

در مبارزه‌های شطرنجی هر بازیکنی باید
در خصوص طبیعت انسانی و وضع روحی
حریف آگاهی لازم را داشته باشد. زیرا

که همواره باید رخ را پشت سر پیاده
رونده قرار داد حال چه به شما تعلق داشته
باشد یا به حریف.

گرچه بعضی قوانین دیگر که بوسیله
تاراش بیان گردیده است امروزه مقبول
نمی‌باشد و شطرنج مدرن آنها را رد کرده
است. از ان میان موضوع گسترش اسبها
را قبل از فیل می‌توان نام برد که نمونه
انرا در شروع یا گشایش متداول امروزی
به صورت زیر می‌توان دید:

1.e4 g6 2.d4 Fg7?

اجمالاً نتیجه سالها تمرینهای عملی و
تجزیه و تحلیلها و مطالعه در روابط
وابستگی فیما بین آرایش سوارها و
چگونگی کارائی آنها موجب گردیده است
که با تکامل پشتوانه‌ای مناسب در تنظیم
فرمولها، همراه با استفاده از روش
خلاصه‌نویسی، یادآوری مطالب اسان
گردد. لیکن با وجود انکه این دستورها به
گونه‌ای منظم سه مرحله شروع و وسط و
اخر گیم را شرح می‌دهد ولی متاسفانه
هیچکس به خود زحمت نداده است که
انها را با هم در یکجا جمع‌آوری کند.
انتظار می‌رود که مطالعه گزینشی که
متعاقباً خواهد آمد انگیزه و محرکی باشد
برای خواننده‌ای مثل شما که همراه با نیل
به مقام استاد بزرگی درصدد تنظیم و

خیلی زود و همزمان با اداره جنگی که بین مهره ها در عرصه شطرنج پدید می آید، بین حریفان نیز نوعی پیکار تن به تن درخواهد گرفت (یا لااقل تلاشی برای چنین مبارزه ای بعمل خواهد آمد) که دران مسئله اعصاب و مشخصات خصوصی و ضمناً برتری طلبی حریف مطرح است، البته دست آخر غرور و خودبینی را نیز نباید فراموش کرد.

مرحله شروع

الخین:

بازیکنان جوان خود را در معرض خطرهای و یا ریسکهائی که ناشی از تقلید کورکورانه از تازه های اساتید است قرار می دهند بدون آنکه آنها قبلاً جزئیات حاصل از این تازگیها و نتایج انرا دقیقاً بررسی کرده باشند.

تارتاکوور:

ایا ما زنده خواهیم ماند که تحریم عاقلانه ذیل را به بینیم:
در سالن مسابقات کشیدن سیگار برای تماشاچیان ممنوع است. اساتید هم بهتر است رعایت کنند.

مرحله وسط گیم

برونشیتن:

دگرگونی و تغییر حالت و رفتار ظاهری حریف در قبال پوزیسیونی که بوجود آمده تقریباً همیشه بدینمعنی است که شما باید طرح خود را دنبال کنید.

الخین:

هرگز کسی بدون آنکه دلیل موجهی داشته باشد اسبش را به عقب برنمی گرداند و هرگاه چنین عقب نشینی صورت پذیرفت باید در انتظار پیوند دو رخ بود.

برونشیتن:

هرگاه مرتکب اشتباه یا بی دقتی شدید نباید ناراحت شوید و یا چنین پندارید که همه چیز را از دست داده اید، بلکه باید فوراً ضمن تسلط بر خود انچنان خویشتن را توجیه نمائید که بتوانید طرحی نو در موقعیت جدید پیدا کنید.

کاپابلانکا:

هرگاه در پوزیسیونی آرام حریف برای يك پیاده تن به تعویض رخ با سواری كوچك داد (از دست دادن تفاوت) این بدان معنی است كه می توان به راحتی بخش پایانی را به تساوی كشاند. ولی اگر شما يك تفاوت جلو هستید انگاه پس برگرداندن تفاوت موجب برتری پیاده و تنظیم طرحی متضمن پیروزی می گردد.

برونشیتن:

معمولاً در گرماگرم پیکار مرحله میانی، يك استاد طرح و برنامه هائی را كه آینده و در مرحله پایانی امکان دارد بوجود آید در ذهنش ترسیم می كند.

برونشیتن:

هرگاه پوزیسیون كاملاً متعادل باشد و ناگهان سفید درصدد پیروزی برآید، منطق شطرنج اجازه نمی دهد كه به صرف خواستن تعادل كار به نفعش بچرخد. -

الخین:

تلاش برای ایجاد پیچیدگی در شطرنج نمایشگر مرز نهائی ناامیدی در پیدا کردن طرحی منطقی است.

مرحله آخر گیم

الخین:

یکی از بارزترین پیش داوریهای زیان بخش در تئوری جدید، گسترش عقیده درخصوص برتری اکثریت پیاده ای است، (در جناح - کوتوف) هرگاه بدون توجه به فورم آنها و یا پوزیسیون سوارها در نظر گرفته شود.

بوتونیک:

با فیلهای غیر همرنگ طرف مهاجم درواقع سواری به قواره فیل اضافه دارد. بوتونیک:

مرحله پایانی اسب در حقیقت همان پایانی

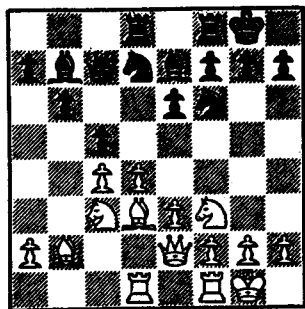
پیاده بشمار می آید. (به عبارت ساده تر، روش صحیح مانور اسب در مرحله پایانی خیلی مشابه وضع پیاده در این بخش می باشد و از همان خواصهم برخوردار است. از آن جمله موضوع حرکت اکراهی Zugzwang و عقب ماندگی و یا رونده بودن و بدست آوردن يك زمان به كمك شاه و از این قبیل را می توان ذكر كرد.) بوتونیک:

در مرحله پایانی اگر طرفین فیلهای غیر همرنگ و پیاده های ضعیف داشته باشند کسی نمی تواند برای بدست آوردن برتری مادی چشمگیر تلاش مؤثری به عمل آورد.

فرمولهای کلی و تجزیه و تحلیل واقعی

اکنون اجازه می خواهم، به كمك مثالهایی نشان دهم كه چگونه فرمولها یا قواعد کلی با همراهی تجزیه و تحلیل واقعی ما را در تصمیم گیری كمك می كند.

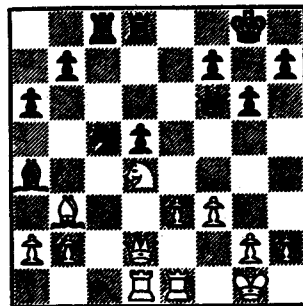
در حاشیه پیکار بین فلور - ویدمار (Flohr - Vidmar) از مسابقات نوتینگهام سال ۱۹۳۶ پس از حرکت بیستم سیاه یعنی: 20...Fd7-a4 كه دیاگرام (122) انرا نشان می دهد الخین تفسیر زیر را بعمل آورده است



دیاگرام (123)

کوتنبرگ ۱۹۵۵ در مورد پوزیسیون موجود، کرس برای حرکت بعد خود یعنی: 13.d5! چنین تفسیر می کند: «تجربه نشان داده است که در یک چنین پوزیسیونهایی اگر سفید بتواند با اطمینان پیاده را جلو براند برتری بدست خواهد آورد.» اکنون این پیاده رانده شده است، حال در زیر خواهیم دید که تفسیر کرس چگونه عملی می شود.

13...a6 14.PxP PxP 15.Cg5 Dc6 16.f4 h6 17.Cf3 Dc7 18.Ch4 Fd6 اکنون سفید می تواند حمله خردکننده ای را با انجام 19.Fg6! به چنگ آورد. در بسیاری از گیم های اساتید اغلب مسئله بر سر یک قربانی پوزیسیونی تفاوت دور می نژد که با انجام آن بتوان پیاده ای رونده



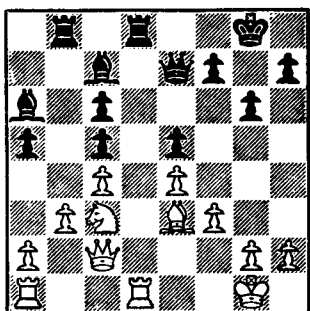
دیاگرام (122)

«سیاه بعد از انجام این حرکت که مستلزم تعویض اجباری فیلها می باشد دیگر هیچگونه هراسی از بابت مرحله وسط و یا آخر گیم نباید داشته باشد.» درواقع این قاعده کلی یا اصلی است جالب و با اهمیت که محققاً می تواند بازیکن را در انتخاب حرکت کمک کند. ضمناً ادامه گیم هم بقرار زیر است:

21.Fx F Cx F 22.Tc1 Cc5 23.Ted1 Db6 24.Ce2

صحت عقیده الخین با انجام 24...Ce6 و در دنباله اش تعویض در ستون c تأیید می گردد و ویدمار به اسانی می تواند حاصل کار را به تساوی بکشانند. با توجه به دیاگرام (123) از پیکار کرس - اسپاسکی (Keres - Spassky) مسابقات

وی در مسابقه اش علیه لیوبلینسکی (Lioblinsky) در مسکو سال ۱۹۴۳ هنگامی که با مهره سیاه به پوزیسیون دیاگرام (125) می‌رسد

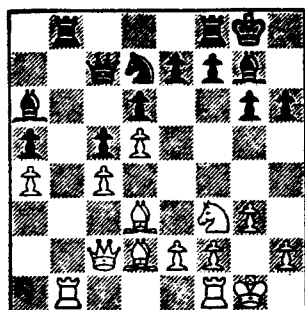


دیاگرام (125)

چنین ادامه می‌دهد، $25...Td4!$ و در تفسیری که به عمل می‌آورد می‌گوید، «تنها امکانی که وجود داشت انجام این قربانی بود، زیرا بدون از دست دادن این رخ هرگز فیله‌ها نمی‌توانستند خطرناک گردند.»

علاوه بر این در زمینه همین فورمولهای کلی، بوتوینیک نیز ضمن تفسیری روی مبارزه خودش بر علیه ورزوف (Veresov) در سیزدهمین دور از مسابقات قهرمانی شوروی ۱۹۴۴ نمونه‌ای بسیار جالب و آموزنده ارائه

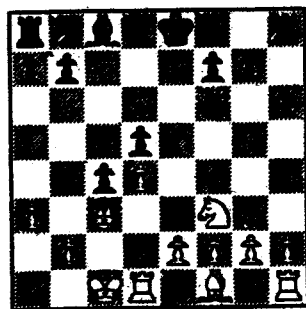
همراه با فشاری در امتداد قطر بدست آورد. به عنوان مثال دیاگرام (124) از پوزیسیون سلسنیف - الخین (Selesnief - Alekhine) در مسابقات تری برگ سال ۱۹۲۱ را ملاحظه خواهیم نمود.



دیاگرام (124)

در خصوص حرکت $20...Tb4!$ الخین نوشت با این قربانی سیاه پیاده رونده‌ای قوی که بوسیله فیل $g7$ حمایت خواهد شد به چنگ آورده است. ضمناً سیاه شانس حمله به پیاده c را نیز خواهد داشت که مجموعاً در قبال قربانی مورد بحث از تاوان و یا ارجی شایسته برخوردار است. حال اگر خواننده تفسیری کلی را که بوتوینیک در خصوص یک چنین قربانی‌هایی به عمل آورده است مطالعه نماید بدون تردید به گونه‌ای بهتر مطلب را درمی‌یابد.

می نماید. اینک مطلب از پوزیسیونی که با دیاگرام (126) نمایش داده شده است آغاز می گردد.



دیاگرام (126)

12.De3+Fe6 13.Ce5 Cc6 14.g4
0-0-0 15.f4

در اینجا می نویسد، این حرکت به ظاهر فعال در حقیقت اشتباهی است وخیم. زیرا به گونه ای غیر قابل اصلاح راه خانه های e3 و e4 را در ستون نیمه باز e هموار می کند و ضعف مسلمی را بوجود می آورد. سفید از اینکه هنوز اسبش در خانه e5 می باشد چنین می پندارد که از برتری کافی برخوردار است و حال آنکه در این وضع کافی بنظر می رسد که سیاه سه حرکت Te8 و De7 و بالاخره f6 را انجام دهد، نگاه دیگر موضوع خوبی پوزیسیون

اسب سفید منتفی خواهد شد. اگر سفید این تهدید را دیده بود هرگز وقت خود را با انجام 15.f4 ضایع نمی نمود. معمولاً وجود اسب در خانه e5 اغلب موجب گمراهی مردمانی می گردد که به ارزیابی پوزیسیونی می پردازند.

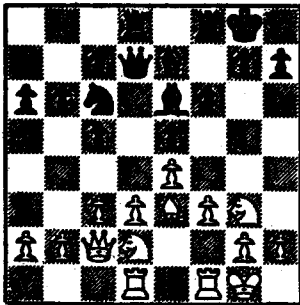
اکنون برای بررسی دنباله حرکت مذکور در فوق، جالب است که یادآور شویم حدود یکسال بعد از تاریخ انجام مسابقه مذکور در بالا، عین همین پوزیسیون فیما بین لیلیانتال - بوتوینیک (Lilienthal - Botvinnic) در چهاردهمین دور مسابقات قهرمانی شوروی نیز پدیدار می گردد. یعنی تاریخ تکرار می شود و اینک ادامه کار را در جریان این مسابقه خواهیم دید:

15...The8 16.Df3 De7 17.e3 Ca5!
18.Fg2 f6 19.Cg6 Dc7 20.Rb1 c3!!

و سرانجام پوزیسیونی قاطع برای وصول به پیروزی نصیب سیاه می شود. تفسیر ذیل نیز که به وسیله الخین روی مبارزه اش بر علیه روسلی (Rosselli) (زورخ ۱۹۳۴) به عمل آمده است خالی از لطف نمی باشد.

الخین، با مهره سفید درخصوص آخرین حرکتش 24.De3 چنین نوشته است: در این موقعیت که سیاه از داشتن فیل شاه محروم است سفید برای گسترش وزیر

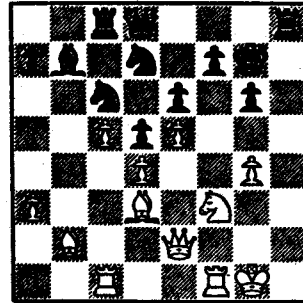
فرمول هدفهای کلی به گونه‌ای موفقیت‌آمیز با واقعیت عملکرد ترکیب می‌گردد مورد مطالعه قرار خواهیم داد.



دیاگرام (128)

دیاگرام شماره (128) نمایشگر موقعیتی حساس از این برخورد می‌باشد که سال ۱۹۳۵ در مسکو انجام پذیرفته است. بوتوینیک درخصوص هدفهای زودرس پوزیسیون مورد نظر چنین می‌نویسد: «در حال حاضر طرح سیاه راندن پیاده f5 است، لیکن برای این پیشروی مترصد وقت و موقعیت مناسبی می‌باشد. مثلاً اگر بجای حرکتی که هم اکنون انجام داده است یعنی 15..Fe7 حرکت 15...Ce7 را می‌نمود دنباله بازی می‌توانست ادامه زیر را پیدا کند:

16.Tfe1 f5 17.PxP CxP 18.CxC



دیاگرام (127)

باید خانه سیاه را انتخاب کند. پیشرفت و ادامه عمل چنانچه خواهیم دید درحقیقت تأییدیه است بر تفسیر فوق.

24...De7 25.Rg2 f5 26.PxP e.p.+ Cxf6 27.Dg5 Th6 28.Th1 Tch8 29. TxT TxT 30.Te1 Cd8 31.Ce5 Cg8 32.Fc1! De8 33.Tf1 Fc6 34.Tf6! CxT 35.DxT+Rg8 36.Fg5!

سیاه تسلیم می‌شود.

فاجعه‌ای که سیاه از طریق خانه‌های سیاه دچار آن می‌گردد، درواقع حاصل کنترل دقیقی است که وزیر حریفش درست و به موقع روی آنها احراز می‌کند.

در اینجا برای حسن ختام این مبحث پیکار درخشان رومانوفسکی - بوتوینیک (Romanovsky - Botvinic) که در آن

«اکنون سیاه قصدش تسویه و یا از بین بردن فشار وارد بر پیاده e5 می باشد و به همین سبب اسبش را می خواهد به خانه f4 ببرد.»

30...Ce7 31.Fg3 Fc6 32.Dc2 Cd5
33.Cb3 g5

و به این ترتیب سیاه برتری دلخواه را بدست آورد و از این پس راه وصول به پیروزی هموار می باشد.

امید دارم در مثالهای فوق که چگونگی ترکیب نمودن فرمول عمومی با واریاسیونهای واقعی نمایش داده شده است، توانسته باشد در فهم مطالب با اهمیت این مبحث خوانندگان را یاری نماید. به موقع می دانم توصیه کنم که از بکاربردن قواعد کلی غفلت ننمائید، در هر مورد طرحهای فوری را که در گیمهای شخصی خود و یا حریف و همچنین هنگام تجزیه و تحلیل پیکارهای اساتید بزرگ می بیند با عباراتی توصیف نموده و در خاطر بسپارید. لازم است عواملی را که موجب بتاخیر افتادن و یا آنها که باعث پیشرفت طرح مورد نظر می گردند نیز یادآوری و یادداشت نمائید. این رویه برای بالا بردن سطح شطرنج مؤثر بوده و آمادگی بیشتری را برای ایجاد هم آهنگی پر مغزی بین قواعد اصولی استراتژی و

FxC 19.Ce4

چنانچه ملاحظه می شود در وضع حاصل برتری فیلهای محسوس نیست. در حقیقت سیاه هنگامی باید اقدام به پیشروی پیاده f کند که امکان تعویض اسبها در خانه مزبور منتفی شده باشد. حال با توجه به اینکه هدف سفید از دو حرکت بعدی که در پیش دارد تقویت خانه d3 می باشد حرکات به گونه زیر ادامه می یابد.»

16.Cb3 a5 17.Cc1 Fd6 18.Df2 Ce7
19.Td2 f5! 20.PxP CxP 21.Ce4

بوتونیک در محاسباتش این واقعیت را در نظر گرفته بود که در چنین وضعی تعویض اسبها به نفع سفید نمی باشد، همچنانکه ماندنش هم در این خانه بد است به عبارت دیگر اگر:

21.CxC FxC

انگاه در دنبالش انتقال فیل از طریق e7 به g5 برای سیاه ابتکار عمل امیدبخشی را همراه خواهد داشت.

21...h6 22.De1 Fe7 23.Ff2 Fd4
24.De2 Tfe8 25.Tdd1 De6 26.Tfe1 Ff8
27.Dc2 Df7 28.Td2 Te6 29.Tde2 Tde8
30.Da4

سرانجام پس از چندین حرکت انتظاری و اکتشافی بوتونیک طرح جدیدی را فرمول بندی کرد و چنین شرح داد:

تاکتیک در شطرنج فراهم می‌آورد. نکته دیگری که خواننده باید اندیشه‌اش را براساس آن پیروراند، عبارت از آنستکه همواره باید تشخیص دهد که آیا برتری با کدام طرف است. حال چنانچه پوزیسیون شما رجحان دارد مؤظفید حمله کنید و در صورت خلاف باید در صدد دفاع برآئید. در وضعیکه هیچیک از طرفین برتری ندارند پس معلوم می‌شود که در مرحله‌ای هستید که هنوز مانور جریان دارد. طبعاً هر دو طرف در حال تلاش برای ایجاد ضعف در اردوگاه حریف می‌باشند. حال ممکن است انجام این عمل با حیل و فشار و یا با ظاهری بی‌ضرر بصورت کوشش در تجمع قوا همراه باشد. به هر صورت، همینکه یکمرتبه در ایجاد ضعف تحریکی به عمل آید، انگاه حریف شانس آنرا خواهد داشت که با توسل به آن وضع را به نفع خود بچرخاند.

به هر کیفیت مرحله مانور یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال سهم با اهمیت کار است و جای آنرا دارد که هنگام مطالعه روی پیکار اساتید بزرگ به آن توجه خاص و فراوانی مبذول گردد.

فصل سوم

طرح و برنامه ریزی

PLANNING

طرح منفرد

فرض کنیم پوزیسیون به عناصر متشکله تجزیه گردیده است، سپس از ترکیب چنین مفروضاتی چکیده ای در نظر گرفته شود، معمولاً يك استاد بزرگ اندیشه ای کم و بیش و دقیق از وضع موجود روی صفحه شطرنج برداشت می کند. او می داند و برای او روشن است وضع کدام طرف بهتر است و یا کداميك ابتکار عمل را در دست دارد. او نقاط ضعف پوزیسیون خودش را می شناسد و همچنین به هدفهای آسیب پذیر حریف نیز واقف می باشد. وظیفه ای که در خصوص تسلط بر خطوط و قطرها بر عهده اش محوّل می باشد به خوبی اطلاع دارد. او می داند کداميك از سوارها به کجا باید تغییر مکان

یابد، یا مسائل مربوط به مرکز از چه قرار است.

تا بدینجا می توان گفت، پیچیده ترین و مشکلترین برداشت برای ارزیابی وضع خاتمه پذیرفته است. اکنون باید راه ادامه کار را پیدا کرد. یا به عبارت دیگر هنگام تنظیم طرح لشکرکشی است.

محققاً هیچ مفهوم استراتژیکی در شطرنج وجود ندارد که اهل تحقیق درخصوص آن بیش از درك يك طرح سروصدا راه انداخته باشند. در حالیکه با اطمینان می توان گفت که هنوز برای فهم تصور کلی آن مجهولاتی فراوان وجود دارد. خیلی زود و تقریباً از همان گامهای اولیه ای که برداشته می شود، بازیکن چنین می پندارد که باید نقشه و یا طرحش را پیاده کند. البته طرحی که در خصوص

بوده است. به ویژه پیکار مزبور خاطره ای فراموش نشدنی در من بیادگار گذاشته است، اینك ضمن شرح ان بطور اجمال درخصوص طرحی صحبت خواهیم کرد که رومانفسکی هنگام مسابقه مدت پنج ساعت در ان فرو رفته و صفحاتی چند از کتابش را به ان تخصیص داده است.

رومانفسکی - ویلنر پنجمین مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۲۴

1.Cf3 d5 2.e3 Cf6 3.b3 Fg4 4.
Fe2 Cbd7 5.Fb2 F×C 6.F×F e5
7.d3 c6 8.Cd2 Fd6 9.0-0 De7

رومانفسکی می نویسد، «تا اینجا قوای سفید از تحرك خوبی برخوردار است و اضافه می کند، اما قبل از تنظیم طرح لشکرکشی و تصمیم گیری درخصوص هدفهائیکه باید دنبال گردد لازم است روشن شود که حریف در کدام جناح قلعه خواهد رفت.» در اینجا حرکت بعدی سفید انرا مشخص خواهد کرد. زیرا به سبب آمادگی پیاده های سفید برای پیشروی در جناح وزیر برای شاه سیاه قلعه رفتن در جهت وزیر خطرناک است.

10.a4 0-0

اکنون زمان ان رسیده است که طرح مورد نظر خویش را تدارك ببیند. به عنوان هدفی در اجرای اولین مرحله از طرح

ان بسیار گفته اند و نوشته اند، طرح ویژه مرحله میانه گیم می باشد. من در کمال صداقت باید اقرار کنم که شخصاً برای مدتی طولانی نمی توانستم بفهمم که در قبال تمامی درخواستهای ممکنه و احتمالات يك طرح وجود دارد. به عبارت ساده تر به راستی نمی توانستم درك کنم که چگونه يك پیکار پیچیده و مدغم با حرکات غیر منتظره و حيله ها که بطور مداوم دست بدست می گردد می تواند در طرحی کلی و منفرد گنجانیده شود. «داشتن يك طرح در تمامی طول جریان گیم» که کتابها و رساله های شطرنجی انرا توصیه کرده اند از جمله مطالبی بود که ان روزها من هنوز انرا بیهوده دنبال می کردم. درواقع گیم های من از بابت موضوعهای طرخریزی اغلب با نقطه ضعفی همراه بود.

بیاد می اورم که در ان هنگام پیکار رومانفسکی - ویلنر (- Romanosky Vilner) که در چاپ اول کتاب وسط بازی رومانفسکی تفسیر شده بود، اثر عمیق و شایان توجهی در من بوجود آورد. باید اضافه کنم که نصایح و توصیه های این شخصیت واقف به رموز شطرنج، در تلاشهایی که برای بالا بردن سطح شطرنجم بکار می بردم راهنمای خوبی

قدم پیروی کردن از طرحی معین ولو آنکه بهترین هم نباشد، از نداشتن طرح اولیتر است. در حقیقت، بدترین چیزها جولان و سرگردانی ناشی از عدم وجود هدفی مشخص و دقیق می باشد.

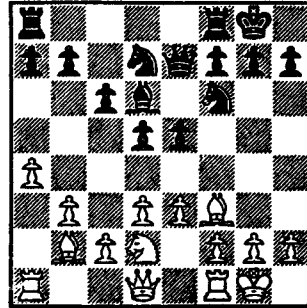
ویلنر تصمیم می گیرد که از جایگزینی اسب در پست مورد نظر ممانعت بعمل آورد. چنانچه خواهیم دید انرا از صحنه خارج خواهد کرد که این خود نوعی هدف هم ستیزگری نیز بشمار می آید. گرچه با خاطرجمعی نمی توان گفت که ایا این راه خوبی بوده است یا خیر ولی آنچه که مسلم می نماید سیاه ادامه کار را به گونه بدی دنبال می کند.

16...Fe5 17.Ce3 FxC 18.DxF d4?

حرکت اخیر سیاه به مثابه انتخاب حرکت می نماید. زیرا سیاه در حالی که دست سفید را در جناح شاه به خوبی باز می گذارد، با انجام این حرکت خودش را از امکان هرگونه ضد حمله ای در جناح وزیر محروم می سازد.

19.De2 Cfd7 20.Tf1 Dd6 21.Fa3 c5?

باز هم حرکتی بسیار بد. محرك این پیشروی درواقع سفید می باشد تا بدینگونه جناح وزیر سیاه را یکمرتبه برای همیشه فلج کند. سیاه می بایستی به هر قیمت مانع انجام ان می گردید، چرا که به این ترتیب



دیاگرام (129)

مورد بحث خانه ضعیف f5 انتخاب می شود که سفید انرا برای اسبش سنگر مناسبی تشخیص می دهد. پس از آنکه برای دسترسی به این خانه راههای فراوانی را بررسی می کند، سرانجام کوتاهترین انها را از طریقه خانه های f1 و e3 و f5 می پسندد. اینک برای باز کردن این راه به گونه زیر وارد عمل می شود
11.g3 Tad8 12.Fg2 Tfe8 13.De2 De6 14.e4! Cf8 15.Tfd1 Cg6 16.Cf1!

اکنون راه اسب برای وصول به خانه مورد نظر هموار گردیده است. حال ایا به حقیقت پیوستن این امر موجب زحمت و ازار سیاه می گردد یا خیر؟ پاسخ به ان مشکل است، ولی هدفهای سفید باید تأیید گردیده و مصداق پیدا کند. مسلماً با ثبات

حرکت اخیر سفید موجب گردید که سیاه از هرگونه اقدامی برای ضد حمله مانند c5 مایوس شود. الحق رومانفسکی در این مرحله از پیکار با سلطه کامل به حریف فشار لازم را وارد می‌آورد.

36...Rb8 37.Td2 Ra7 38.Dg3 Cb4 39.Tg2 Cc8

سیاه می‌توانست با راندن پیاده یعنی c4 از يك لحظه لغزش و خطای سفید بهره برداری کند.

40.Df2 Cc6 41.T2g3 Ra6 42.Dg2 Tcd7 43.Fe8 Tc7 44.Ff8! C6e7 45.Ff7 Db6 46.FxC TxF 47.TxT DxT 48.Tg8 Dc7 49.Fe6 Ca7 50. h4 Cc6 51.h5 Ra7 52.h6 Cd8 53. Fd5

دقیقتر از آن حرکت 53.Fc4 بود و اکنون سیاه مایوسانه ضدحمله‌ای را آغاز می‌کند.

53...Cf7! 54.Dg7 Db6 55.FxC Db4 56.Dxf6 De1+ 57.Rh2 Df2+ 58.Tg2 Df4+ 59.Rh3 Df3+60.Tg3 Dh1+ 61.Rg4 Dd1+ 62.Rh4 Dh1+ 63.Rg5 Dc1+ 64.Rh5 Dh1+65.Dh4

سیاه شکست را می‌پذیرد. در مورد شرح برگزاری نبرد فوق و چگونگی اندیشه‌ای که در جریان عمل

هرگونه شانس نفوذ وزیرش در امتداد قطره‌های سیاه سلب می‌شود.

22.Tae1 Cb8 23.Fc1 Cc6 24.f4 f6 25.f5

چنانچه بعداً خواهیم دید، در اینجا بهتر بود سفید کمی راندن پیاده را بتأخیر می‌انداخت و قبلاً مبادرت به انجام 25.Dh5 می‌نمود تا شاه سیاه نتواند به جناح دیگر فرار کند. زیرا بدیهی است در مقابل چنین حملاتی با توجه به اصولی که در دفاع رعایت آن واجب است سیاه سریعاً شاه را به جناح دیگر عرصه منتقل خواهد نمود.

25...Cf8 26.g4?

باز هم در اینجا حرکت 25.Dh5 قویتر بود.

26...Rf7 27.g5 Re7 28.Tf3 Rd7 29.Tg3 Rc8 30.PxP PxP 31.Ff3 Cd7 32.Dg2 a5 33.Fh5 Te7 34. Fh6 Cb6 35.Tg8

ظاهراً تشخیص این معنی که ادامه ضعیف و حرکات غیر فعال سیاه برایش چنین وضع ناامید کننده‌ای را بوجود آورده است چندان مشکل نمی‌نماید و در مقابل سوارهای سنگین سفید و فیل‌هایش در پوزیسیون سیاه رخنه نموده‌اند.

35...Tc7 36.Td1

صورت پذیرفته است رومانفسکی چنین می نویسد، «نتیجه نهائی و اصل مهمی که می توان برداشت کرد به قرار زیر است: در هر گیم شطرنج ما باید يك طرح پایه داشته باشیم و سعی کنیم همزمان با اجرای ان ابتکار عملی طولانی بدست آوریم. انگاه با بهره برداری از چنین ابتکار عملی که رو به فزونی می باشد، سرانجام به مرحله ای خواهیم رسید که برای وصول به پیروزی قاطع خواهد بود.»

او سپس سئوال می کند: «ایا می توان گفت که در مبارزه علیه ویلنر از چندین طرح استفاده بعمل آمده است؟» و خودش پاسخ می دهد: «محققاً خیر!» عکس العمل من درخصوص نظرات فوق شگفتی تحسین امیز و بیکرانی بود. آخر همه چیز را از پیش دیدن و از اولین حرکت تا به آخر محاسبه کردن اسان نمی نمود. پیش خود می گفتم چه پیوستگی در طرحریزی و چه تمرکزی در برداشت! حقیقتاً چنین گیمی را باید در زمره هنرهای ظریفه به شمار آورد. در مقام مقایسه باید اعتراف کنم آنچه را که در ان دوران من انجام می دادم در حکم فرعیات یا جملات معترضه ای بودند و هیچگونه طرحی که بتواند آنها را به یکدیگر ارتباط دهد وجود نداشته است.

از ان پس درصدد برامدم که پیکارهای شطرنجی را با توجه به طرحریزی مناسب انجام دهم. یعنی دقیقاً پس از خاتمه مرحله شروع، طرحی که براساس ان ادامه کار را تا آخرین حرکت بتوانم دنبال کنم تنظیم نمایم. اما در قبال تمامی تلاشها و اندیشه عمیقی که در این زمینه به عمل اوردم دقیقاً در هیچ مورد چیزی دستگیرم نشد! مثلاً می دیدیم درست هنگامی که من در نظر داشتم از روی اصول و قاعده ای صحیح پیاده حریف را در a6 محاصره و در فشار قرار دهم ناگهان او با حرکات پیچیده تاکتیکی در امتداد ستون فیل شاه به کلی موجبات پیریشانی حواسم را فراهم می آورد. یا هنگامی که نقشه حمله ای را که در جناح شاه حریف طرحریزی کرده بودم می خواستم اجرا کنم، ملاحظه می نمودم که متقابلاً سروکارم با فشار بیشتری است که تهدید سوارهایش در جناح وزیر بوجود آورده اند.

ساده بگویم در این زمینه هیچ موفقیتی نصیب نمی گردید، حرکاتی که انجام می دادم به منزله همان (Episodes) موضوعهای معترضه ای بودند که با هیجان کوشش می کردم به نحوی هم اهنگی انها را با هم گره بزنم و به موضوع اصلی ارتباط دهم. به هر حال چون انتظارم

برآورده نشد، در حالی که ناامیدی عمیقی در من بوجود آمده بود، سرانجام از شیفتگی اندیشه منظم طرح چشم پوشیدم. خودم را راضی کردم که دنبال تجزیه و تحلیل‌های تاکتیکی و پیدا کردن راه‌های ساده مکاشفه‌ای بروم، مشروط بر اینکه نیازی به درك و اندیشه عمیق قضاوت پوزیسیونی نداشته باشد. مدتها به همین روال گذشت تا اینکه در حدشایان توجهی بینش و فهم من درخصوص شطرنج تکامل و پیشرفت حاصل نمود. انگاه، موضوع وجود طرح منفرد در سراسر گیم برایم روشن شد. از آن پس کاملاً متقاعد شدم که فهم این مسئله در قلمرو استراتژی شطرنج بسیار بد و مبهم باقی مانده است. بنابراین اجازه دهید بحث در این خصوص را به کمی بعد موکول کنیم.

در مثال بالا چنانچه دیدیم، مبارزه با ویلنر درواقع نمونه‌ای از ستیز و کشمکش بین قوای نامتعادل را نشان می‌داد. در انجا سفید عملیات کنترل جناح شاه حریف را به سادگی و بدون هیچگونه برخورد و یا مقاومت واقعی به انجام رسانید. یعنی فقدان مقابله حریف، کار اجرای تنها طرح لشکرکشی را که از بدو امر رومانفسکی تنظیم کرده بود، اسان جلوه داد. در حالیکه اگر شما با حریفی مواجه شوید که مبتکری

قوی باشد، او همواره در جهت خلاف هدفهای شما نه تنها از طریق دفاع بلکه با ضد حمله‌ای موثر به مبارزه برمی‌خیزد. خلاصه اجازه نخواهد داد اجرای تنها طرح مورد نظر شما به سهولت انجام پذیرد.

حال با این مقدمه ایا واقعا موضوع طرح منفرد یا طرح کلی چیست؟ من در این زمینه به گونه‌ای ژرف بسیار فکر کردم و با استاد بزرگان همقطارم نیز به مشورت پرداختم و سرانجام به این نتیجه رسیدم که تعریف زیر می‌تواند کم و بیش مفهومی از طرحریزی مورد بحث را در طول گیم روشن کند.

يك طرح منفرد، عبارت است از مجموعه اعمال استراتژیکی متوالی، که هر کدام براساس اندیشه‌ای مستقل بنا گردیده و به گونه‌ای منطقی پاسخگوی خواستهای پوزیسیون مفروض می‌باشند.

به عبارت دیگر، در حقیقت تنها يك طرح واحد وجود ندارد که تمامی حرکات از آغاز تا به انجام کار به گونه‌ای مرتب تنظیم شده باشد. درواقع بهتر است چنین بیاندیشیم که منظور مجموعه يك سری طرحهای كوچك است. معمولاً، هدفی دلخواه تشخیص داده می‌شود، برای

وصول به آن طرحی مخصوص تنظیم می‌کنید. پس از اجرای آن یعنی وصول به هدف مورد نظر، همین عمل را در مورد هدفی دیگر تکرار می‌کنید و به همین نحو تا آخر گیم پیش می‌روید. حال اگر در اواسط کار، حریف ترتیبی فراهم آورد که ناچار شدید از ادامه عملیات صرف‌نظر کنید، یا خودتان تشخیص دادید که وصول به هدف مورد نظر مقدور نمی‌باشد، به ناچار باید هدف و طرحی نوین در نظر بگیرید.

اگر طی چند حرکت غیر منتظره تغییراتی کلی در پوزیسیون به وجود آمد، حال آیا لزومی دارد در اجرای طرحی که پاسخگوی وضع جدید نمی‌باشد اصرار ورزید؟ طبیعی است در چنین موقعیتی، موافق یا مخالف میل خود، باید طرحی دیگر پیدا کند.

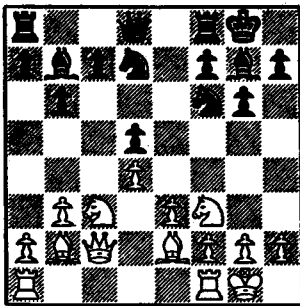
با تکیه بر اساس آنچه که در بالا اشاره شد برونشستن چنین می‌گوید: «به اقتضای دوران تاراش اندیشه‌ای پدید آمده بود که تا به امروز هم پاسخگوی کاملی به نظر می‌رسد.

گیم‌هانی را منطقی می‌گویند که یکی از حریفان بتواند طرحی منطقی را از ابتدا تا انتها انچنان به اجرا برساند که يك قضیه هندسه را استدلال می‌کنند.

به عقیده من، بین دو حریف که از لحاظ قدرت برابر باشند يك چنین اتفاقی نمی‌افتد. اغلب این مفسر است که پس از خاتمه کار موفق می‌شود ثابت کند، فاتح مسابقه توانسته است خواسته‌های خود را در کمال دقت جامه عمل بپوشاند.

بنابراین عقاید ما تطبیق می‌کند. اجرای طرحی از نوع استدلال قضیه اقلیدس خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد. بهتر است بگوئیم چنین چیزی دیده نمی‌شود، مگر در برخوردهائی که به زبان و اصطلاح فوتبالیستها - یکی از تیمها توپ را در انحصار خود گرفته باشد (شوت گل) -.. نباید انتظار داشت که چنین پیش‌امدی حتماً بین حریفانی که خیلی تفاوت قدرت دارند اتفاق افتد. بلکه گاهی در برخورد بین دو طرف هم‌طراز هم ممکن است صورت پذیرد، مشروط بر اینکه یکی از آنها با آمادگی کامل و دیگری به اصطلاح در فورم نباشد. یعنی در بهره‌گیری از حداکثر قدرت قصور ورزد. خلاصه در بسیاری از برخوردها با طرحهای به مقیاس کوچک و هدفهای استراتژیکی گوناگون مواجه می‌شویم، ولی کیفیت عمل آنها در سراسر گیم خارج از ماهیتی بهم پیوسته و منطقی نمی‌باشد.

Cf3 Fg7 5.e3 0-0 6.Fe2 e6 7.
0-0 b6 8.PxP PxP 9.b3 Fb7 10.
Fb2 Cbd7 11.Dc2



دیاگرام (130)

در اینجا بوتونیک تفسیری بعمل می‌آورد که از لحاظ تنظیم طرح در شطرنج شایان اهمیت و توجه می‌باشد. او چنین می‌گوید: «کم‌کم روشن می‌شود که سفید طرحی ندارد و فقط خودش را به گسترش سوارها مشغول نموده است که البته این روش در پنجاه ساله اخیر قابل قبول بود. ولی امروزه که هر استادی از همان مرحله آغاز یعنی بعد از حرکات ششم تا هشتم طرح دارد، دیگر تنها در فکر انجام عملیات گسترشی بودن و در نتیجه پوزیسیونی غیر فعال بوجود آوردن که بقدر کفایت پیشرفت نکرده باشد صحیح نیست.»

مجازات نداشتن طرح

در گیمی که متعاقباً خواهیم دید، با وجود آنکه سوکولسکی استادی با ارزش به شمار می‌آید، خیلی بد عمل کرده است. او در جریان این مبارزه، هیچگونه مقاومت جدی در مقابله با حریفی سهمناک نشان نداده است، در حالی که حریف با بی‌رحمی هرچه تمامتر استراتژی مورد نظر خود را در سرتاسر گیم به وی تحمیل می‌کند و آخرین حمله را نیز روی شاه با سخت دلی هرچه تمامتر به انجام می‌رساند.

دریغاً، همیشه نمی‌توان با چنین حریفی مواجه شد که فعالانه تشریک مساعی کند تا بتوان با همکاری او اثری هنری بدون نقص خلق نمود.

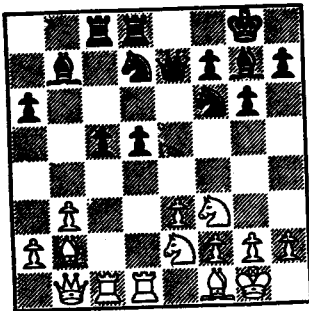
گرچه مناسبتر بود که این مثال در قسمت قبل ذکر می‌گردید. ولی از اینکه در اینجا گفته می‌شود دلیلی دارد که ضمن بحثی که متعاقباً بعمل خواهد آمد متوجه خواهید شد.

سوکولسکی - بوتونیک (- Sokolosky
(Botvinic) نیمه فینال نهمین دوره
قهرمانی شوروی ۱۹۳۹

1.c4 Cf6 2.Cc3 d5 3.d4 g6 4.

تعویض پیاده d4 که آخرین نقطه قوی مرکزیش به شمار می‌آمد علاوه بر اینکه مرکز را واگذار می‌کند موجب فعال شدن فیل وزیر سیاه نیز می‌گردد. بعلاوه زمانی^(۲) Tempo که به این ترتیب عائد می‌گردد سرعت عمل بیشتری را به پیشرفت خواهد داد - بوتوینیک»

16...P×P 17.Ce2



دیاگرام (131)

اگر پوزیسیون حاصل دیاگرام (131) را مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم سیاه از برتری مسلمی برخوردار است، ولی اگر بدون طرحی دقیق و بدون انرژی ادامه

از آنچه که گفته شد دو نتیجه زیر حاصل می‌شود:

۱- داشتن يك طرح اساسی بسیار لازم و ضروری است.

۲- هر استادی بعد از ۶ تا ۸ حرکت اولیه که انجام داد باید درصدد طرح نقشه برای مرحله وسط بازی باشد. تصور نمی‌رود نیازی به اصرار و تاکید بیشتری باشد و این برعهده خواننده است که از این توصیه‌ها استفاده کند.

سوکولسکی بدون طرح کار خود را ادامه می‌دهد، با کمال تعجب حتی برای کنترل مرکزش هم تلاشی بعمل نمی‌آورد.

11...a6 12.Tac1 Tc8 13.Tfd1
De7 14.Db1 Tfd8 15.Ff1 c5 16.
P×P

«باز هم اشتباه پوزیسیونی دیگری صورت پذیرفت. زیرا بهره‌برداری از پیاده‌های معلق^(۱) Hanging Pawns در خانه‌های d5 و c5 برای سفید ممکن نیست، زیرا با وجود سوارهای کوچک روی عرصه شطرنج امکان حمله انهم از عرض یکم عملی بنظر نمی‌رسد! ضمناً سفید با

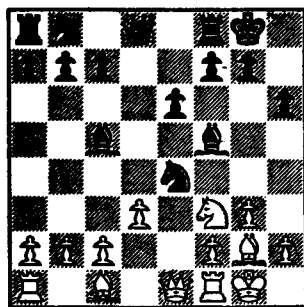
(۲) با کمی دقت می‌توان دریافت که از لحاظ زمان سفید ۷ و سیاه ۸ tempo دارا می‌باشد. در صورتیکه شروعهم با سفید بوده است. - مترجم

(۱) دو پیاده به هم پیوسته که از سایر پیاده‌ها جدا باشند معلق نامیده می‌شوند و معمولاً ضعفی به شمار می‌آید مگر در موارد استثنائی مانند بالا. - مترجم

30. Te8+ T×T 31. D×Df6 Fe2

سفید کمی بعد تسلیم می‌شود.
در یادداشتهائی که برونشیتن درخصوص
مبارزه پطروسیان - ایوه (Petrosian - Evwe)
(مسابقات کاندیدای زوریخ سال
۱۹۳۳) نوشته است، نمونه جالب دیگری
مشابه نظریه و توصیه‌ای که بوتونیک در
بالا بعمل آورده است ملاحظه خواهیم
نمود:

1.Cf3 Cf6 2.g3 d5 3.Fg2 Ff5
4.d3 e6 5.Cbd2 h6 6.0-0 Fc5
7.De1 0-0 8.e4 P×P 9.C×P C×C



دیاگرام (132)

با توجه به دیاگرام (132) برونشیتن چنین
می‌نویسد: «چند حرکت اخیر را سیاه
بدون اینکه به عاقبت کار بیاندیشد انجام
داده است. علاوه بر آن هم اکنون در شرف

دهد به سادگی برتری مزبور از دست
خواهد رفت. بوتونیک طرحی را که با
بنیان‌گذاری خوب و با توجه به
خواسته‌های منطقی پوزیسیون تنظیم کرده
است به مرحله اجرا درخواهد آورد. البته،
این همان دنباله استراتژی مرحله گشایش
می‌باشد. درواقع طرح اصلی عبارتست از
حمله روی شاه حریف، زیرا سوارهای
سفید به گونه‌ای ضعیف از آن دفاع بعمل
می‌آورند. هدف اساسی سیاه در این حمله
خانه f2 می‌باشد. بوتونیک به این منظور
فیل شاه خودش را در این حمله شرکت
می‌دهد، به همین سبب قطر بزرگ سیاه را
نیز به حریف وا می‌گذارد. زیرا او
تشخیص می‌دهد در این پوزیسیون به قطر
مزبور نیازی ندارد.

17...Fh6! 18.Fa3 Cg4 19.Dd3

برای جلوگیری از امکان تهدید،

19...F×P 20.P×F D×P+

19...Cde5 20.C×C D×C 21.Cg3
Df6 22.Ch1

تنها راه دفاع از f2 زیرا در مقابل هر طریق
دیگری تهدید زیر بوجود خواهد آمد

22...Dh4 23.h3 C×e3

22...d4! 23.De2 Ce5 24.P×P
P×P 25.T×T F×T 26.Te1 d3 27.
Dd1 Fg4 28.Da1 d2 29.T×C d1=D

Cc7 16.Dc3

اکنون وضع سیاه بحرانی می نماید. زیرا فیلش که در h7 گیر افتاده است. سایر سوارهایش هم به گونه بدی جا گرفته اند. پیش از این اشاره کرده ایم که اگر سوارها در پست بدی قرار گیرند سرانجام چه خواهد شد.

16...Ff6 17.Ce5 Tu8 18.Ff3
Ce8 19.T×T D×T 20.Td1 Dc7 21.
c5 a5 22.Fg2 P×P 23.P×P Td8 24.
T×T D×T 25.Dc2 Cc7 26.Ff1 Cb5
27.f4 Rf8 28.Rf2 F×C 29.F×F

هرچند که سفید به حد کافی با حرارت مبارزه را پی گیری نکرده است، معذک برتری اشگارش برای مبارزه کفایت می کند. او با پیش روی روی پیاده ها در جناح شاه تصمیم گرفته است حریف را مستأصل کند.

29...f6 30.Fb2 Re7 31.Fc4 Fg6
32.Re3 Ff7 33.g4 Dc7 34.e5 Dd8
35.P×P+ P×P 36.h4 Cc7 37.Dc3
Cd5+ 38.F×C D×F 39.D×P+

و سرانجام سفید با بهره برداری از پیاده اضافی و برتری پوزیسیونی که دارد پیروز خواهد شد.

با توجه به دو عقیده مذکور در فوق نتیجه روشن و به قرار زیر است: باید با بهم

انجام حرکت دهم می باشد، لازمست نه فقط طرحی داشته باشد بلکه باید درصدد انجام انهم برآید.»

به عقیده مفسر حرکات ایوه از لحاظ منطق نقص دارد. او سوارهایش را گسترشی داده است، در حالیکه نسبت به ارایش پیاده های مرکزی رعایت اصول را ننموده و بدون تبعیت از هدفی مشخص روی حرکاتش تصمیم گرفته است. همچنین تعویض پیاده اش نیز منطقی نبوده است. او بایستی فیلش را به خانه h7 برگرداند تا حالت کشش و بحران Tension در مرکز نگاهداری شود. در هر حال، اگر واقعاً می خواست پیاده را تعویض کند که خالی از اشکالهم نمی باشد، بهتر بود خود را از شر فیلش ضمن تعویض آن با اسب سفید در e4 خلاص کند.

با توجه به این مثال ملاحظه خواهید کرد که در مورد مسئله طرح ریزی حتی قهرمان پیشین جهان نیز از انجام اشتباه میرا نمی باشد. جالبتر آنکه خواهیم دید به سبب روش ناقص و نداشتن طرحی مستدل و معین پوزیسیون سیاه رفته رفته ناراحت و متزلزل خواهد شد.

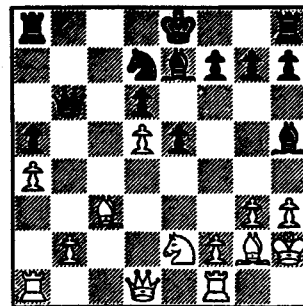
10.P×C Fh7 11.b4 Fe7 12.Fb2
Ca6 13.a3 c6 14.Td1 Dc8 15.c4

يك برتری قطعی دست یافته است. اکنون لحظه ای فرا رسیده که باید به مسئله اساسی زیر پاسخ گوید. آیا برای بدست آوردن شانس پیروزی چگونه باید ادامه داد؟ بعضی مواقع کافیست که حرکات به اصطلاح «طبیعی» را دنبال کرد یعنی: اشغال خطوط باز با رخها، انتقال آنها به عرض هفتم، حمله به پیاده عقب افتاده، ایجاد پیاده رونده حمایت شده و پیش راندنش به سمت وزارت... - بسیاری از گیم ها به همین وسیله و به گونه ای سراسر است و ساده به موقع به پیروزی می رسند. در این زمینه، گاهگاهی توضیح مفسرین را نیز چنین می توان خواند: سفید با توسل به حرکاتی ساده (منطقی - روشن) برتری خود را افزایش داده به پیروزی می رسد. یا اینکه، سفید حمله ای را بنا به خواست و اراده اش گسترش می دهد. - ولی باید توجه داشت که امروزه با پیشرفت به سزائی که در فن دفاع بعمل آمده است دیگر مشکل بتوان روی گیم شطرنج همانند اسب با وفائی که راه وصول به مقصد را خوب می داند محاسبه کرد.

به ویژه، هنگامی که شما بر علیه حریفی قوی و با تجربه مبارزه می کنید که از تمامی منابع و امکانات دفاعی که در

پیوستگی مداوم مبارزه را دنبال کرد، بین حرکات ششم تا دهم لازم است طرح یا نقشه مرحله بعد مبارزه را تنظیم نمود. این نکته یا قاعده ایست با اهمیت که بایستی بدانید و عمل کنید. گاهی، حتی بازیکنان خیلی قوی فقط خودشانرا مقید می دانند، يك سری حرکات «طبیعی» را انجام دهند. ذیلاً برای روشن شدن مطلب توجه شما را به مثال زیرین جلب می نمایم.

دیاگرام شماره (133) از برخورد گلیگوریچ - کوتوف (Gligoric - Kotov) مسابقات کاندیدا سال ۱۹۵۳ در زوریخ اقتباس گردیده است



دیاگرام (133)

برونشیتن در اینجا می نویسد: «سفید با انجام دادن تمامی حرکات مقدماتی لازم به

طرح ادامه می‌دهد و سرانجام اجازه می‌دهد که سیاه ابتکار عمل را به گونه زیر بچنگ آورد:

18.f4 F×C 19.D×F Ff6 20.Dc4 0-0
21.Dc6 Tfd8 22.Tae1 Db8 23.Tb1
Ta7 24.Dc4 Tc8 25.De4 Db3 26.
P×P F×P 27.Df5 Tf8 28.Df2

«عملاً این نوع تهدید حرکت به حرکت موجب می‌شود که سفید تمامی برتری اولیه‌اش را از دست بدهد - برونشیتن»
28...Tg8 29.Df5 D×a 30.Tf4
F×T 31.P×F g6

و پس از چند حرکت پیکاری را که سفید می‌توانست پیروز شود، به سبب عدم طرح‌ریزی به موقع به شکست می‌انجامد.

انعطاف‌پذیری

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، همواره باید پس از انجام مرحله شروع نقشه‌ای را طرح کرد، البته لزومی ندارد که این طرحی منفرد و برای سراسر گیم تنظیم شده باشد، زیرا عملاً چنین چیزی ممکن نمی‌باشد. اما يك اندیشه استراتژیکی معین همراه با طرحی کوتاه مدت که بتواند يك هدف واقعی را به انجام برساند الزامی است.

اختیار دارد می‌تواند بهره‌برداری نماید، بعضی مواقع احساس می‌نماید که انچنان در تنگنا قرار گرفته‌اید که «فقط يك حرکت مطلوب» را باید پیدا کنید.

حال با این مقدمه مجدداً باز می‌گردیم به پوزیسیون دیاگرام (133) که در انجا ایجاب می‌نماید سفید ادامه‌ای را بیابد که بتواند ابتکار عمل را در دست داشته باشد و بهترین راهی که در این زمینه با خواست پوزیسیون تطبیق می‌نماید به گونه زیر بنظر می‌رسد:

18.g4 Fg6 19.f4

اکنون برای سیاه بین امکاناتی که وجود دارد انتخاب حرکت اسان نیست زیرا:

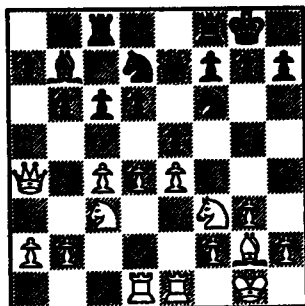
19...P×P 20.F×P Tg8 21.Fd4

که متضمن استیلا و تفوق سفید می‌گردد.
یا

19...f6 20.f5 Ff7 21.Cg3

و به دنبال آن سفید بر فشار خود در جناحی می‌افزاید که شاه سیاه باید قلعه رود.

با توجه به آنچه که گفته شد قدر مسلم آنست که سفید به تنظیم طرحی نیاز دارد که با خواست و چگونگی پوزیسیونش هماهنگ باشد تا انرا دنبال کند. ولی بجای پیروی از این اندیشه گلیکوریچ دنباله کار را حرکت به حرکت و بدون



دیاگرام (134)

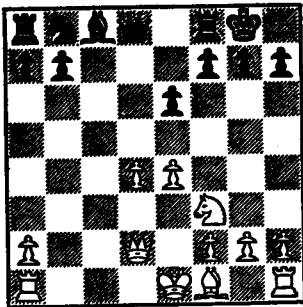
کرس می نویسد: «سفید سرانجام طرحی واقعی را برمیگزیند. ولی مانورش در جناح وزیر گمراه کننده از کار درمی آید و یا دست بالا تضييع وقتی است. در صورتیکه لااقل هنوز سه طرح خوب برای سفید وجود دارد که هر يك از آنها می تواند سیاه را با مسائل مشکلی مواجه سازد. اولین آنها با حرکت 14.b4 آغاز می شود که هدفی با ارزش و قابل ملاحظه را به دنبال دارد. زیرا با انجام: 15.Db3 و سپس پیشروی دسته جمعی پیاده های این جناح با توجه به اینکه سوارهای سیاه در وضع غیر فعالی جای دارند طبعاً از نظر دفاعی مشکلاتی را برای سیاه بوجود می آورد. دومین مانور قوی عبارت است از:

14.Ch4 g3 15.Dd2!

تقریباً در همه پوزیسیونها از این قبیل طرحها فراوان یافت می شود. - درحقیقت دلپذیری و جاذبه شطرنجهم در همین امر نهفته است. معمولاً يك استاد بزرگ در هر پوزیسیون امکان انتخابش محدود به گزینش فقط يك طرح نمی باشد (مگر اینکه پوزیسیونی باشد که در آن فقط يك واریاسیون ترکیبی منحصر به فرد اجباری وجود داشته باشد). در غیر اینصورت اغلب در انتخاب دستش باز است. همین آزادی عمل به او فرصت می دهد که از بین طرحهای ممکن ان يك را برگزیند که نه فقط موجب ازدیاد شانس پیروزی گردد، بلکه با زیبایی خاص و لطف خلاقیت هنری نیز همراه باشد. اجازه دهید که بلادرنگ یادآوری کنم، انتخاب طرح کار اسانیهیم نیست. عامل قطعی درواقع استعداد و دانش و تجربه شما می باشد. چنین گزینشی را می توان فرایندی خلاقه دانست که بستگی دارد به چگونگی طرز تفکر، قدرت ابداع و ابتکار، محاسبه و ارزیابی دقیق مشخصات پوزیسیون.

اگر پوزیسیون دیاگرام (134) که مبارزه رشفسکی - کرس (Reshevsky-Keres) در سمرینگ سال ۱۹۳۷ را بعد از انجام حرکت 14.Dc2-a4 نمایش می دهد در نظر بگیریم،

P×C P×P 8.P×P Fb4+ 9.Fd2 F×F+
10.D×F 0-0



دیاگرام (135)

با توجه به پوزیسیون دیاگرام (135) سفید می تواند یکی از دو طرح پوزیسیونی اساسی زیر را انتخاب کند: نخست می تواند تلاش خود را متوجه بدست آوردن برتری در مرکز نماید، یعنی با پیش روی d4-d5 پیاده رونده ای قوی برای خود دست و پا کند. دیگر آنکه قوای خودش را برای حمله در جناح شاه حریف متمرکز نماید. ولی ایا کدام يك از این دو طرح برای وصول به پیروزی از شانس بیشتری برخوردار می باشد فعلاً روشن نیست و تا چند حرکت دیگر باید تامل کند. پس بهترین توصیه آنست که هر دو اختیار را حفظ کند و بنظر می آید که 11.Fc4 در

با تهدید انتقال وزیر به جناح شاه و در موقع مقتضی انجام f4

سومین آنها که به نوبه خود انهم راه مطمئن و خوبی است موضوع مضاعف کردن رخها در ستون وزیر می باشد که با حرکت Fh3 دنبال گردد.

با توجه به تفسیری که کرس بعمل آورد، ملاحظه می نمائید که در اینجا از نظر يك استاد بزرگ لااقل سه طرح گوناگون وجود دارد، یکی در جناح وزیر و دیگری در جناح شاه و سومی در مرکز.

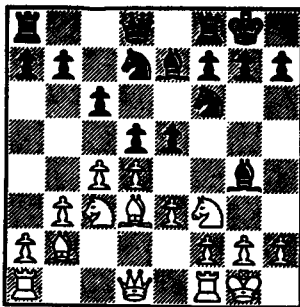
از انجا، چگونگی وسعت دید در شطرنج روشن می شود و به خوبی می توان دریافت که گزینش طرح بستگی کامل به ذوق هنری انتخاب کننده دارد. به هر حال چنین نتیجه می گیریم: برحسب طرحی با ارزش باید عمل کرد. لیکن فیما بین تعداد زیادی طرحهای ممکن انتخاب کاملاً آزاد است. اکنون شما باید ببینید که کدام يك مناسبتر می باشد.

کرس مشابه تفسیر فوقرا در مورد مبارزه اش با فین (Fine) که مهره سیاه داشت بعمل آورده است. از مسابقات اوستند Ostende سال ۱۹۳۷، ده حرکت اولیه عبارتند از:

1.Cf3 d5 2.d4 Cf6 3.c4 e6 4.
Cc3 c5 5.c×d C×P 6.e4 C×C 7.

طرح خود را با مقیاسی وسیع تغییر می‌دهند، مشروط بر اینکه توجیه درستی یافت شود.»

مثال زیرین نشان می‌دهد که سماجت در انجام يك طرح ناقص یا خارج از شرائط عرف چگونه نتیجه‌اش تأسف اور می‌باشد. دیاگرام شماره (136) موقعیتی از پیکار بنداروسکی - بوتوینیک (Bendarevsky - Botvinic) را در مسابقه دو نفری بر سر عنوان قهرمانی شطرنج شوروی در سال ۱۹۴۱ نشان می‌دهد.



دیاگرام (136)

در اینجا بنداروسکی پس از بررسی جمیع امکانات به این نتیجه می‌رسد که شکافتن مرکز به نفعش نمی‌باشد. بدین سبب تصمیم می‌گیرد که پیش راندن پیاده را به e4 به حریف اجازه دهد. ولی بعداً در موقع

هر حال قابل استفاده می‌باشد و ظاهراً از دو امکان دیگر 11.Fe2 و یا 11.Fd3 منطقی‌تر می‌باشد.

در اینجا با توجه به اینکه سفید مجدداً هم بایستی انتخابی بعمل آورد لذا ترجیح می‌دهد که هر دو امکان را به طور مجازی حفظ کند تا بعداً بتواند بهترین را برگزیند. این از جمله مسائلی است که اغلب بازیکنان با آن مواجه می‌شوند و مقدار زیادی از وقتشان صرفش می‌گردد. زیرا طبیعت بحرانی يك چنین گزینش طرحی قابل انکار نمی‌باشد، چرا که تمامی عملیات بعدی به تلاشی که در انتخاب این طرح بعمل آمده است بستگی دارد.

هنگامی که بپذیریم، مسابقات کاندیدای سال ۱۹۵۳ زوریخ در پیدایش استراتژی و تاکتیک جدید سهمی داشته است، انگاه مطالعه نظریه برونشیتن در کتاب مخصوص مسابقات جالب است. او چنین می‌نویسد: «در این مسابقات خواننده با سیمانی خاص از شطرنج جدید آشنا می‌شود که مرتباً در پیکارها تکرار می‌گردد - و آن عبارت است از امادگی جالب بازیکنان در نشان دادن عکس‌العمل سریع به محض مشاهده تغییر در طرح حریف که در چنین صورتی بلادرنگ

15.f4 P×P e.p. 16.P×P Cf8

که تقریباً مبارزه حالت تعادلی به خود می گرفت. اما اکنون، چون می بیند سفید راه اشتباهی را برگزیده لذا سیاه از تعویض پیاده ها خودداری بعمل می آورد.»

نظریه و تفسیری بود پر ارج! کمی پیش توضیح دادیم که اگر مبارزه براساس طرحی انجام پذیرد ولو آنکه طرح مزبور بهترین نباشد بر مبارزه ایکه طرح نداشته باشد رجحان دارد، اینک باید اضافه کرد،

اگر در جریان عمل با اطمینان تشخیص دادید طرح مورد اجرا ناگهان با خواستهای پوزیسیونی تطابق نمی کند و مخالف است، باید دقیقاً توجه داشته باشید که در لحظه مناسب نسبت به تغییر طرح مزبور اقدام نمائید. واضحست که در غیر اینصورت همه چیز خراب خواهد شد.

در همین مثال مورد بحث سرسختی پیروی از طرح غلط چنانچه خواهیم دید برای سفید فاجعه ای بیار خواهد آورد.

15...Cf8 16.Tf2 Dd7 17.Taf1
P×P

دقیقاً در لحظه مناسب سیاه تعویض پیاده را صورت داد و سفید ناچار است با رخ پس بگیرد زیرا اگر

18.P×P Cg6 19.Dd3 De6

منجر به از دست رفتن يك پیاده سفید

مناسب با انجام f3 انرا مورد تهاجم قرار دهد. این طرحی بود کاملاً عملی که با خواستهای پوزیسیون نیز هم اهنگی داشت گیم به گونه زیر ادامه می یابد:

10.Fe2 e4 11.Cd2 F×F

12.D×F Fb4

چون هم اکنون تهدید راندن پیاده f3 وجود دارد لذا بوتونیک برای مقابله با آن عجله می کند.

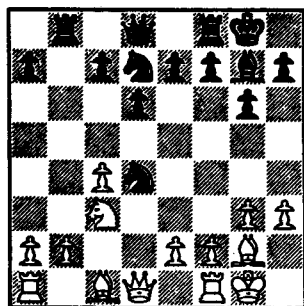
13.a3 F×C 14.F×F Te8 15.f3

در اینجا بوتونیک چنین تفسیر می کند: «برخی مواقع عدول کردن از طرحی که در شرف انجام می باشد دلخوری می آورد. سفید از قبل یعنی در حرکت دهم با انجام Fe2 قصد داشت در صورتیکه حریف e4 کند در فرصت مناسب و به موقع با حرکت f3 انرا مورد هجوم قرار دهد. متقابلاً

سیاه نیز خود را برای چنین حمله ای آماده کرده و هم اکنون به خوبی از آن دفاع بعمل آورده است. اینک سفید اگر بخواهد تعویضی در مرکز صورت دهد شانس برای بدست آوردن برتری نخواهد داشت.

بنابراین او می توانست طرح اولیه مورد نظر خود را رها کرده و با انجام 15.f4 تهدید f5 را بوجود آورد که البته امکان داشت سیاه با پاسخی که می دهد از آن طفره رود و ادامه کار به گونه زیر درآید:

که سیاه بتواند با وصول پیاده اش به a4 انرا پشتیبانی کند. حال به بینیم آیا چنین حمایتی را چگونه می توان عملی کرد؟ به طوری که ملاحظه می شود فیل خانه سفید را در اختیار ندارد و خانه c5 هم که می توانست پایگاهی برای اسبش باشد با انجام آخرین حرکت از دست می رود. علاوه بر این روشن است که سیاه برای مدت مدیدی نمی تواند اسبش را در خانه d4 نگاهداری کند. از انجا نتیجه می گیریم که او در وضع حاضر هیچگونه طرحی با چشم انداز امیدبخش در اختیار ندارد.» درواقع سفید به زودی ابتکار عمل را بدست خواهد گرفت و با سهولت غافلگیر کننده ای به پیروزی خواهد رسید. این همان چیزی است که سیاه باید از انتخاب طرح غلط انتظار داشته باشد.



دیاگرام (137)

می گردد.

18.T×P Te6 19.Dd3 Tae8 20.Cb1
Cg6 21.Fe1 P×P 22.D×P T×P

همراه با پیروزی سیاه.

دو مثال زیرین نیز نمایشی از چگونگی سرانجام نامطلوب طرحی غلط را نشان خواهد داد. هر دو در مرحله آغاز مشابه بوده اند.

نخست، پیکار ناجدورف - پتروسیان (Najdorf - Petrossian) (مسابقات کاندیدای زورنخ ۱۹۵۳) را مورد بحث قرار می دهیم. پوزیسون مورد نظر را از دیاگرام شماره (137) آغاز می کنیم که سیاه برای انجام آخرین حرکت خود c5...12 آماده می باشد. برونشیتن به گونه زیر پوزیسون را مورد تفسیر قرار می دهد: «حرکت در شرف انجام سیاه يك اشتباه پوزیسونی جدی به شمار می آید. خواننده می تواند با توجه به ملاحظات که هم اکنون توضیح داده خواهد شد انرا مورد مطالعه قرار دهد. سیاه يك ستون باز در جناح وزیر در اختیار دارد که می تواند با تحریکی موجبات حرکت b3 را فراهم آورد، سپس باید طرحش را که حمله به این پیاده با پیشروی پیاده a می باشد بنا نماید. این حمله هنگامی چشم انداز امیدبخش و موفقیت آمیزی خواهد داشت

مهره های سیاه مبارزه را بسیار دقیق و با روشی مطمئن اداره می کرد. او برخلاف بالا خانه c5 را برای پایگاه اسب خود نگاه می دارد و چنانچه خواهیم دید سفید خیلی زود خود را در تنگنای گرفتاری احساس می کند.

12...Tb4! 13.e3 Ce6 14.De2 Ce5!
15.f4 Cd7 16.Cd5 Tb8

گرچه سوارهای سیاه به عقب رانده شده اند، اما چنانچه خواهیم دید این امری است موقتی. زیرا از لحاظ اصولی پوزیسیونش بی عیب است، عقب نشینیها و مشکلات موقتی نمی توانند در يك چنین پوزیسیونی مزاحمت و اشفتگی پدید آورند.

17.Dc2 c6 18.Cc3 Dc7 19.Tb1 a5
20.Fd2 Cec5 21.Ce2 Db6 22.Rh2
Tfc8 23.Fc3 F×F 24.C×F Da6

همه حرکات در جهت يك هدف صورت می پذیرد و آن تحريك یا وادار کردن سفید به پیش راندن پیاده b2-b3 می باشد. هرچند که در اینجا حرکت 24...Db4 قوی تر بنظر می رسد زیرا وزیر را به مقصدی که در طرح اصلی برایش پیش بینی گردیده نزدیکتر می کند.

25.b3 Tb7 26.Ce4 C×C 27.D×C Te8

ادامه زیر قوی تر بنظر می رسد

13.e3 Ce6 14.Dc2 a5 15.Fd2 Ce5
16.b3 Dd7 17.Rh2 Cc6 18.Tad1 Ce6
d8 19.Fe1 Rh8

چنانچه ملاحظه می شود سیاه حرکت مفیدی ندارد و قادر نیست طرح سازنده ای را ترتیب دهد. بنابراین ناچار به گونه ای غیر فعال صبر می کند به بیند سفید چه خواهد کرد. البته برای ناجدورف این مطلب تازگی ندارد، یا به اصطلاح دفعه اولش نیست و خوب می داند که در چنین موقعیتی باید روی شاه حریف حمله کند. او طرح خود را با دنباله ای منطقی به گونه زیر تنظیم می نماید، ابتدا Ca4 و سپس Fc3 به منظور تعویض با فیل قلعه انگاه f4 و Ff3 و Rg2 و سپس راندن پیاده h و انتقال رخ به ستون h و از این قرار.

20.Ca4 Dc8 21.Fc3 F×F 22.C×F
Df5

مصدع شدن در جریان منطقی رویدادها، سیاه کوشش می کند حرارت حریف را با تقدیم پیاده ای فرونشاند.

23.D×D P×D 24.Td5 Ce6 25.T×f5

و سیاه به زودی تسلیم می شود. در همین مسابقات بیست دور بعد، مجدداً همین پوزیسیون بوجود آمد. ولی ایندفعه در مقابل ناجدورف که سفید داشت گلر با

می نماید که درصدد جرح و تعدیل طرح برائیم. بدیهی است، صلاحیت تشخیص لزوم چنین تغییری بستگی کامل به شایستگی استاد بزرگ و استعداد انعطاف پذیری وی در تطابق با نیاز و تقاضاهای پوزیسیون دارد.

مرکز

ارایش پیاده ای در مرکز عاملی است که يك استاد بزرگ همیشه در طرحهای فوری و یا دراز مدت روی ان دقیقاً محاسبه می کند. روشی که برای ادامه کار درنظر می گیرند به همین ارایش پیاده ای بستگی دارد. از اینرو ما نیز به نوبه خود تیپ های گوناگون ارایش پیاده مرکزی را مورد مطالعه قرار داده و به روش اختصاصی درخور هر کدام اشاره خواهیم نمود.

مرکز بسته

در تعدادی از واریاسیونهای مرحله شروع در روی لویز، نیمزوانیدیان، و دفاع هندی شاه، پیش روی پیاده های مرکزی هر طرف متقابلاً پیشروی پیاده های طرف دیگر را سد می کند، بطوریکه هیچیک از حریفان نمی توانند لااقل به فوری پیش روی کنند. اجمالاً حاصل کار، مرکزی است بسته

27...e6 28.g4 d5!

28.f5(\)Ce5 29.f6! Da7 30.

Tbd1 Tb4 31.Dd4 c5 32.Dh4

چنانچه سفید 32.Df4 می نمود مشکلش بیشتر می گردید

32...a4 33.TxP axb 34.axb Tx b

35.PxP D xP 36.D xD Tx D 37.Fd5

T xP 38.Td8+Rg7 39.Tc8 Cd3 40.

Ta8 Te2+41.Rg1 Td2 42.Taa1 Cb4

و سفید تسلیم می شود.

حال می خواهیم بررسی کنیم، يك استاد بزرگ چگونه طرح را برمیگزیند و ایا چگونه متوجه می شود که سریعاً باید انرا تغییر دهد؟ در پاسخ فقط می توان گفت، قبول زحمت برای مطالعه ای ژرف و کاوشی فراوان در پوزیسیون و ارزیابی دقیق تمامی مفروضات. البته، ارزیابی صحیح همواره بهترین راهنما برای پیشرفت کار به شمار می آید. اگر در جریان عمل تشخیص دادیم يك حرکت یا سری حرکاتی بطور کامل با خواست پوزیسیون تطابق نداشته است، ایجاب

(۱) سفید با انجام حرکت ساده 28.Dxc6 علاوه بر امتیاز مادی که کسب می کرد، ظاهراً از بوجود آمدن مشکلات پوزیسیونی بعدی هم احتمالاً پیش گیری به عمل می آورد و سریعاً به سوی پیروزی می توانست گام بردارد. - مترجم

پیاده‌های مرکزی عملاً مانع باز شدن خطوطی در مرکز می‌باشد، ولی معمولاً قویترین ضد حمله در جناح، باز کردن خطی است در مرکز.

طرح تدافعی،

غرض ایجاد سدهائی است در مقابل پیشروی دشمن، به امید کند کردن حرکتش در منطقه عمل تا بتوان در جناح دیگر ضد حمله‌ای را تدارک دیده و برای وارد آوردن ضربه آخرین پیشی گرفت.

در يك چنین پوزیسیونهائی مسئله اساسی بر سر آنست که کدام حریف موفق می‌شود زودتر حمله را به سر منزل مقصود برساند. ضمناً بیش از هر چیز طرفین باید مواظب ضربه‌های امکان‌پذیر مرکزی باشند. زیرا درواقع چنین ضربه‌هائی بهترین پاسخ به حمله در جناح به شمار می‌آید.

یکی از مثالهای نمونه برای چنین پوزیسیونهائی را در پیکار کوتوف - اسپاسکی قهرمانی شوروی ۱۹۵۸ می‌توان دید - دیاگرام شماره (138)

تصور نمی‌رود چندان مشکل باشد که حدس بزنیم پوزیسیون مورد نظر از گشایش هندی شاه بدست آمده است. چنانچه ملاحظه می‌شود مرکز بسته می‌باشد و طرفین با شدت هرچه بیشتر خود را برای حمله جناحی آماده می‌کنند.

بدون وجود ستونها و یا قطرهای طویل باز. هیچیک از سوارها هم نمی‌توانند پایگاهی در مرکز بدست آورند.

حال ببینیم در چنین حالتی چه باید کرد؟ چه طرحی را می‌توان انتخاب نمود؟ چون در مرکز نمی‌توان اقدامی به عمل آورد لذا تقریباً تمامی فعالیتها بطور طبیعی به جناح‌ها کشانده می‌شود. هر يك از حریفان تلاش خواهد کرد که پیشروی را در يك جناح دنبال کند و هدفش باز کردن ستونهاست تا از عقب بتواند سیاه دشمن را مورد حمله قرار دهد.

حال برحسب اینکه در جناح مورد نظر خواسته باشیم حالت حمله یا دفاع بخود بگیریم، می‌توان بگونه‌ای که ذیلاً شرح داده خواهد شد طرحریزی نمود:

طرح فعال،

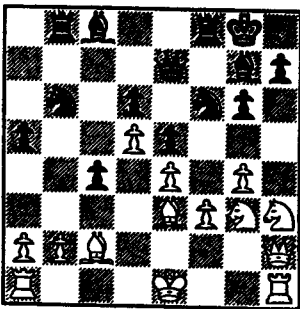
طرحی را فعال می‌نامند که به وسیله آن بتوان در جناحی که برتری احساس می‌شود فشار وارد آورد. در بیشتر از حالات مبادرت به انجام این امر برعهده پیشروی توده‌ای از پیاده‌ها واگذار می‌گردد. از طرفی، چون مرکز بسته است، لذا برهنه شدن جناح شاه خیلی مخاطره‌آمیز و ریسکی بنظر نمی‌رسد. اما ویژگی که باید بسیار بااهمیت تلقی شود آنست که اصولاً و در حقیقت، ارایش

او می‌توانست با بردن فیل به خانه c2 گسترش جناح وزیر حرف را به تاخیر اندازد، در حالی که اکنون اسپاسکی شانس ضربت زدن در مرکز را بدست آورد.

12...Cd7 13.h5 Cb6 14.Fd3 a5
15.PxP fxg 16.Dh2 Cf6 17.Ch3
De7 18.Ce2

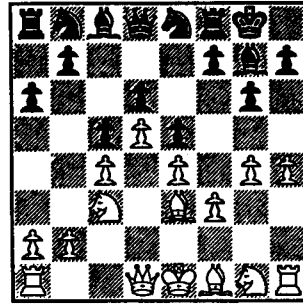
روشن است که سفید فعالیت سوارهای حریف و امکانهای تاکتیکی باز شدن راه فیل فیانکتو و سوارهای سنگین سیاه را دست کم گرفته است. مطمئنتر بود 18.Rd2 و 19.Tg1 انجام می‌گرفت، اما حقیقتش این است که اشتباه کردم، زیرا خوشبینی بیش از حد موجب گردید که خطری حدس زده نشود.

دیاگرام (139)



دیاگرام (139)

حال باید دید آیا کدام يك نخست این توفیق نصیبشان می‌شود مثلاً آیا سفید در جناح شاه و یا سیاه در جناح وزیر؟ مسلماً در چنین حالانی کندی در عمل به هیچوجه جائز نیست و هیچ چیز را نمی‌توان به تعویق انداخت.



دیاگرام (138)

10.Fd3 b5

البته اسپاسکی روی از دست دادن يك پیاده حساب نمی‌کند. طبعاً سفید هم در پوزیسیونی که نباید اجازه دهد حریف بتواند خطوطی را در جناحی که حمله را آغاز کرده باز کند، هدفش تحصیل برتری مادی نمی‌باشد.

11.Dd2 PxP 12.Fxc4

سفید در پایداری برای استفاده از اسلحه‌ای که قراول رفته بود کوتاهی کرد.

امکان دید و توجیه نمودن موقعیت به راحتی میسر گردد. معمولاً در چنین موقعیتی، هیچ چیز نمی تواند از پیش روی سریع قوا در امتداد عرضی پهناور از جبهه ممانعت بعمل آورد. عین مطلب بالا در مورد شطرنج نیز صادق است. هنگامی که مرکز عرصه از پیاده ها خالی باشد، نقش سوارها سنگینتر می شود. در چنین حالتی عامل اصلی کامیابی در حمله، حرکات نفوذی و نقب مانند پیاده ها نخواهد بود. بلکه قدرت تاخت و تاز یا حمله سوارهایی که وارد میدان کارزار شده اند موثر می باشد. چون اغلب حملات دست به دست می گردد زیرا سوارهای طرفین با تماسی نزدیک درگیر شده اند لذا می توان انرا با جنگی تن به تن مشابه دانست. طبعاً در چنین مبارزه ای تنظیم طرحهای مطلوب چندان مشکل نمی باشد. حریف فعال، کوشش می کند به وسیله سوارهایش نقاط ضعف اردوگاه حریف را تحریک کند، سپس آنها را مورد حمله قرار دهد. معمولاً یورشهای پیاده هنگامی که مرکز باز است نقش مؤثری نمی تواند داشته باشد زیرا ایجاد هر گونه ضعفی ریسکی بزرگ برای پوزیسیون مربوطه بشمار می آید. حریف مدافع تلاش می کند حمله را دفع

18...Tb8 19.Cg3 c4 20.Fc2

20...Cbxd5!

قربانی اسب فوق العاده شایان توجه است. زیرا علاوه بر گشودن مرکز، ابتکار عمل قاطعی نیز به همراه دارد.

21.PxC T×P 22.Cg5

اکنون اگر اسپاسکی دقت می کرد، با تقدیم قربانی جدیدی با راندن e4...22، در حالی که تمامی سوارهایش فعال شده اند، می توانست فوراً سرنوشت را به نفع خود به اتمام رساند. ولی او در عوض به سفید فرصت داد تا ابتکار عمل را پس بگیرد.

22...h6? 23.Cg5 e4 Cxd5 24.FxP

و درست يك حرکت بعد هم اشتباهی قطعی نیز مرتکب می گردد.

24...Cb4 25.Fg5 Dc7? 26.Dh7+ Rf7 27.Th6

و سفید پیروز خواهد شد. مسلماً، هنگام برگزاری مسابقه فوق اسپاسکی در فورم مطلوب نبوده است.

مرکز باز

در نبرد واقعی، اگر صحنه جلوی جبهه يك سپاه از لحاظ فیزیکی مانع یا رادعی مثل رودخانه و یا دامنه کوه وجود نداشته باشد و مثلاً جلگه یا دشت وسیعی باشد که

سیاه به اسانی قابل مشاهده نمی باشد. ولی الخین پس از انجام يك سری حرکات دقیق به زودی با تحریکاتی نوعی از این نقاط را در پیاده های اطراف شاه سیاه ایجاد می نماید.^(۱)

18.Dd6 C5d7

برای بعضی از بازیکنان بد نیست ادامه زیر را هم ببینند،

18...Cg6 19.Ch6+ P×C 20.D×C

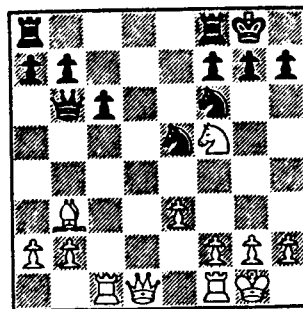
19.Tfd1 Tad8 20.Dg3 g6

الخین اولین نقطه ضعف را در وضع حریف بوجود آورد و اکنون درصدد تحریکی تازه برمی آید.

21.Dg5! Rh8

سیاه به موقع اقدامات لازم را بر علیه دو تهدید زیر بعمل آورد: نخست انتقال رخ از طریق خانه d4 به h4 و درثانی، مضاعف نمودن رخها در ستون وزیر با انجام Td6 22.Cd6 Rg7 23.e4! Cfg8 24.Td3 f6 این حرکت فرصت فرود آوردن ضربه آخر را فراهم نمود و باید گفت که سیاه دفاع مناسبی ندارد ضمناً ملاحظه ادامه زیر نیز جالب می باشد:

کند و تا سرحد امکان از ایجاد ضعف در اردوگاه خویش ممانعت بعمل می آورد. یکی از مثالهای کلاسیک را درخصوص چگونگی حمله سوارها در پوزیسیونی که مرکز باز باشد در بخش پایانی پیکار بین الخین - لاسکر (Alekhine - Lasker) زوربخ ۱۹۳۴ می توان دید. دیاگرام (۱۴۰)



دیاگرام (۱۴۰)

چنانچه ملاحظه می شود در مرکز عرصه، پیاده ای دیده نمی شود و امکان جست و خیز سوارها از هر سو فراهم می باشد. سفید به سبب اینکه سوارهایش در وضع فعالیت قرار گرفته اند در این وجد و سرور برای خود سهم بیشتری قائل است و خود را برای حمله ای در جناح شاه حریف آماده می کند. هرچند که در حال حاضر نقاط ضعف قابل توجهی در وضع

(۱) حرکاتی که انجام می پذیرد نمایشگر نبوغ الخین و جای انرا دارد که خواننده دقیقاً در ذهن بسپارد. - مترجم

پیاده‌ها تنظیم می‌شود.

جبهه فعال، در اینجا فعال هنگامی اطلاق می‌شود که بتوان پیاده‌هائی که مرکز را اشغال نموده‌اند طوری پیش راند که سرانجام يك یا دو پیاده رونده مرکزی حاصل گردد. طبعاً در چنین موردی قابلیت اینکه سرانجام پیروزی را هم از آن خود نماید امکان‌پذیر خواهد بود (البته در حالت استثنائی که پیاده‌های مرکزی ضعیف باشند چاره‌ای جز مدافعه نیست). واضحست که اندیشه بدست آوردن پیاده رونده در مرکز همیشه عملی نمی‌گردد. ولی اغلب پیاده‌های مرکزی برای دور کردن سوارهای حریف از مرکز عرصه نقش موثری را بعهده دارند و به گونه‌ای قطعی می‌توانند فرصتی فراهم آورند که کارزار به جناحها کشانده شود.

طرح تدافعی، به عبارت ساده، تلاشی است که با ایجاد سد موجب توقف پیاده‌های دشمن گردد. البته این نخستین هدف بشمار می‌آید، پس از آن باید با هجوم به مرکز حریف آنرا درهم بریزد. برحسب قاعده کلی، طرف مدافع تا زمانیکه حریف پیاده‌هایش مرکز را در اختیار دارند نمی‌تواند ضد حمله را در جناح آغاز کند. خلاصه تمامی توجه و تلاش مدافع باید معطوف به مرکز باشد.

24...h6 25.Cf5+ Rh7 26.CxP f6
27.Cf5!! PxD 28.Th3+Ch6 29.
TxC+ مات
25.Cf5+ Rh8 26.Dxg!!

سیاه تسلیم می‌شود.

مرکز متحرك یا سیال

از اولین گامهائی که برای فراگیری شطرنج برداشته می‌شود معمولاً بازیکن با این تیپ مرکز اشنائی پیدا می‌کند. مثلاً در شروع بازیهای گیوکویانو، گامبی شاه و گامبی اوانس، اغلب سفید پیاده‌های مرکزی d4 و e4 را پهلوی پهلوی یکدیگر قرار می‌دهد، در برخی مواقع انجام این امر به بهای قربانی يك پیاده هم تمام می‌شود. در بعضی شروع بازیهای جدید مانند دفاع گرونفلد، سفید دو پیاده سیال و یا گاهی بیشتر در مرکز جای می‌دهد، حال آنکه سیاه تنها يك پیاده مرکزی دارا می‌باشد که انهم در عرض سوم و حتی دوم قرار دارد و برای آنکه بتواند تعادل را حفظ کرده و راه پیشروی بیشتر پیاده‌های سفید را سد کند.

در يك چنین وضعیتهائی، تمامی دقت بازیکنان روی چنین مرکزی که سیال نامیده می‌شد متمرکز می‌گردد و طرحها نیز براساس پیشروی و یا توقف این

درصدد منهدم کردن آنها برآید. جنگ تن به تن هنگامی به اوج خود می‌رسد که نوبت پیشروی به e4 برسد.

1.Te1 Fc8 2.f3 C×C 3.F×C Ff5
4.Dd2 h5

حرکت اخیر سیاه به منزله سهمی از اقدامات دفاعیش بشمار می‌آید. زیرا برای ممانعت از پیش راندن g4 صورت پذیرفته است که در بعضی از واریاسیونها دیده شده و بعلاوه باید در صورت امکان شانس وارد کردن ضربه از طریق h4 را نیز ذخیره داشته باشد.

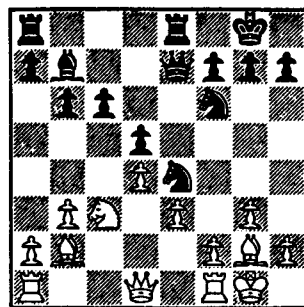
5.Te2 Dd7!

سیاه درصدد آماده کردن استحکامات جدید دفاعی است. زیرا تشخیص می‌دهد که هیچگاه قادر نیست برای همیشه مانع انجام حرکت e4 شود. ضمناً، چون او نباید اجازه دهد که پیاده مزبور پیشروی را دنبال کند، لذا ترتیب توقف انرا با دفاع از d5 و e6 فراهم می‌آورد تا سفید هم نتواند آن خانه‌ها را تحت کنترل خود قرار دهد. با توجه به اینکه رنگ هر دو خانه مزبور سفید است، هدف اصلی سیاه تعویض فیلهای خانه سفید نیز می‌باشد.

6.Tae1 Fh3 7.Fh1 Te6 8.e4 P×P
9.P×P Tae8 10.Ff3 Fg4 11.Df4
F×F 12.D×F De7 13.e5

یکی از نمونه‌های خوبی که موضوع مورد بحث را روشن می‌نماید برخورد کنستانتینوپلسکی - کوتوف (Konstantinopelsky - Kotov) نیمه فینال قهرمانی شوروی - باکو ۱۹۴۵ می‌باشد.

با توجه به دیاگرام (141) سفید طرح ساده‌ای دارد: پیش راندن پیاده‌های مرکزیش یعنی انجام f3 و بعد e4 در حالی که از حمایت فیلهایش هم برخوردارند، واضح است که اگر بخوبی پیشروی صورت گیرد به اسانی تمامی مقاومت سیاه درهم خواهد ریخت. متقابلاً، سیاه باید با توسل به تمرکز تمامی قدرتش برای عقب نگاهداشتن و توقف آنها تلاش لازم را معمول دارد. سپس در فرصت مناسب



دیاگرام (141)

حرکت اخیر سفید اجباری است و حالا پس از انجام گرفتن: 13...Cd5 سیاه دیگر به هدف خودش که توقف پیشروی پیاده‌های مرکزی سفید بود نائل گردیده و با اطمینان پیشروی آنها را سد نموده است. از این پس موضوع فشار بر این پیاده‌ها و از بین بردن آنان از روندی طولانی و خاص باید پیروی شود که تفسیرش در این مبحث چون ویژه مرکز در نظر گرفته شده است، لذا چندان مناسب بنظر نمی‌رسد.

در زمینه چنین نبردی مثالهای فراوانی در جهت موافق و مخالف پیاده مرکزی یافت می‌شد. از آن جمله می‌توان مبارزه رشفسکی - بوتوینیک (- Reshevsky Botvinic) در مسابقات اورو ۱۹۲۸ و همچنین کوتوف - اونزیکر (- Kotov Unzicker) مسابقات انترزوناال استکهلم سال ۱۹۵۲ را یادآوری کرد.

مرکز ثابت

هرگاه مرکز فورم ثابتی بخود بگیرد، انگاه دنباله کار گیم در اطراف نقاط مرکزی دور می‌زند. هر يك از طرفین سعی می‌کنند سوارهای خود را در انجا جای دهند، هنگامی که تمرکز به حد کافی

صورت پذیرفت، انگاه به سوی جناحها روی اور می‌شوند.

در پوزیسیونهای با مرکز ثابت، دیگر صحبت از طرحهای فعال و غیر فعالهم مشکل است. زیرا تشخیص برتری نیز در چنین وضعی بسیار دشوار می‌باشد. نبرد در حوزه قابل ملاحظه‌ای و نسبتاً وسیعی از هر طرف درگیر مانور می‌شود. نکته شایان توجهی که هر يك از طرفین باید هر چه بیشتر مورد دقت قرار دهند موضوع خانه‌های مرکزی است، چرا که به هر اندازه که یکطرف بتواند سوارهایش را به زور وارد این سنگرها می‌کند و متقابلاً سوارهای حریف را بیرون می‌راند.

بوتوینیک اینگونه برخوردها را با دقت و قدرتی فوق‌العاده به انجام می‌رساند، به عنوان نمونه یکی از مبارزه‌هایش را با اشتالبرگ (سفید) در قهرمانی شوروی - مسکو ۱۹۴۰ دیاگرام (142) ذیلأ مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در انجا ملاحظه خواهید نمود که چگونه منطق اهین وی خانه‌های مرکزی را استحکام می‌بخشد. سفید خانه یا پایگاههایی قوی در e5 و c5 تدارك دیده است و سیاه نیز در e4 و c4. حال باید دید ایا کدامین حریف موفق به فتح و اشغال این خانه‌ها خواهد گردید؟ ظاهراً بوتوینیک خود را بهتر آماده نموده

Fb4

کلیه مساعی سیاه در جهتی انجام می گیرد که مدافعان e4 را منهدم کند. بازی منطقی که بوتونیک ارائه می نماید ساده و موجز است ولی در عین حال سرشار از قدرتی عظیم و مانورهایش مانند دانه های زنجیر به هم متصل و دقیقاً هم اهنگ با خواستهای پوزیسیونی است.

9.Cd1 Ce4 10.f5 CxC 11.DxCg3 Fd6 12.Df3 Fe7 13.Dg3 Ff6 14. FxP FxP+15.Rh1 f6!

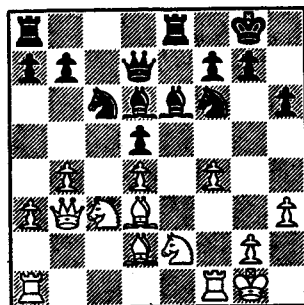
حال اگر از نقطه نظر کنترل مرکز خواسته باشیم پوزیسیون را ارزیابی نمائیم، چنانچه ملاحظه می شود سیاه تسلط کامل خود را در این بخش از صحنه بدست آورده است. يك چنین فرمانروائی در مرکز عنقریب منجر به سلطه بر تمامی عرصه و خورد کردن آخرین مقاومت حریف (سفید) خواهد گردید.

16.Fc1 Te4 17.Dd3 Ce5 18.Db1 Tc4!

خانه های e4 و c4 برای سیاه در حکم نقطه های عزیمتی در اختیار سوارهایش قرار دارند، او از همین پایگاهها برای تقویت و ازدیاد فشار استفاده می کند.

19.a5 Fe5 20.b6 a6 21.Cb2 Tc3 22.Fd2 Tb3 23.Dc2 Db5 24.Tc1 Ff8 25.Td1 Te2

است و در حرکت بعد برای تعویض فیلهای خانه سفید تحریکی بعمل خواهد آورد، زیرا در صورت تعویض دیگر سفید قدرت دفاعیش را در خانه های c4 و e4 از دست خواهد داد.



دیاگرام (142)

1...Ff5 2.Dc2 Fe4 3.b5

استاد جوان با دقت به دفاع نمی پردازد زیرا بدین ترتیب اجازه می دهد که سیاه کنترل c4 و e4 را بدست گیرد. در صورتیکه بهتر بود بجای حرکت اخیر 3.Tad1 را انجام می داد.

3...FxP 4.DxF Ca5 5.Cg3

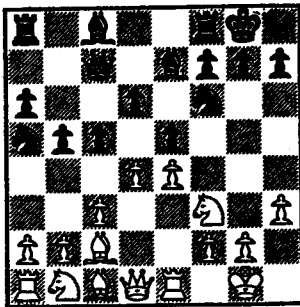
اگر پیکار به گونه زیر ادامه می یافت سیاه فشاری قوی وارد می آورد.

5.CxP CxC 6.FxC Te6

5...Cc4 6.Fc1 Tac8 7.Ta2 Ff8 8.a4

بگونه‌ای مؤثر ممکن است بوقوع پیوندد به حساب آورد. باید توجه داشت که اگر این حمله متقابله به موقع صورت پذیرد بلادرنگ ارزش جمیع حملات جناحی تا حد صفر نزول خواهد کرد.

در مثال زیر ملاحظه خواهیم کرد که چگونه يك مرکز بحرانی ناگهان به مرکزی باز تبدیل می‌شود و موجب می‌گردد که سوارهای طرفین در جنگی که دست بدست می‌گردد با هم تصادم کنند.



دیاگرام (۱۴۳)

دیاگرام (۱۴۳) از پیکار بولسلاوسکی - کرس (Boloeslavsky - Keres) در مسابقات کاندیدای سال ۱۹۵۳ زوریخ برگزیده شده است. چنانچه دیده می‌شود وضع مرکز بحرانی است و ارایش پیاده‌ای نیز هر لحظه ممکن است به یکی

سیاه راه خودش را از مرکز به قلب پوزیسیون حریف باز نمود. این درواقع نتیجه ایست از استراتژی بدون نقص از بوتوینیک. اکنون هنگام ان رسیده است که سفید تسلیم را اعلام دارد.

26.Dc1 T×P+ 27.P×T d4

سرانجام سفید شکست را می‌پذیرد.

بحران یا تنش در مرکز

اگر ارایش پیاده‌ای در مرکز شکل و قواره معین یا ماهیت واقعی خود را چنانکه باید احراز نکرده باشد، چنانچه در بالا گفتیم امکان دارد یکی از چهار فورم مورد بحث در فوقرا بخود بگیرد. در يك چنین حالت بحرانی بطور قطع باید تمامی حواس بازیکنان بیش از همیشه متوجه مرکز باشد. طبیعی است که هدف هر يك از طرفین بوجود آوردن و استقرار مرکزی مطلوب خودش می‌باشد و متقابلاً می‌خواهد به حریف انچنان ارایش پیاده‌ای را تحمیل کند که موافق طبعش نباشد. گاهی اتفاق می‌افتد که یکی از حریفان توانائی ندارد که پوزیسیون دلخواهش را در مرکز اجباراً بوجود آورد، در چنین صورتی با کاهش توقع خود حمله را به جناح می‌کشاند. البته باید در این حالت امکان ضد حمله را در مرکز که

24.C×F D×C 25.Cc5 Dc6 26.Cd3
Cc3 27.De1 Df6 28.f4 Ce4 29.
Rh2 Dc3 30.Db1 Ccd2 31.Dc1 T×C
32.F×T D×F 33.De7 Cf3+!

سفید تسلیم می شود. زیرا C×P 34. موجب
خواهد شد که De2+... 34 و سپس در ۳
حرکت مات گردد.

در مسابقات کنونی، تعداد بیشماری از
گیم ها در مرحله شروع با مرکزی بحرانی
مواجه می شوند. اصولاً، بهتر است گفته
شود که در هر گیم تقریباً از همان حرکات
اولیه برای بدست آوردن مرکزی برتر
مبارزه آغاز می گردد. این جنگی است تن
به تن و به راستی موفقیت و غلبه در آن
هنری ظریف به شمار می آید. البته، حریفی
که بتواند در مرکز ارایشی صحیح و
مطلوب به خود اختصاص دهد، درواقع
شرائطی بوجود آورده است که می تواند به
گونه ای موثر وارد کارزار شده و پایه های
پیروزی آینده را بنا نهد.

از صورتهائی که قبلاً مورد بحث قرار
دادیم تبدیل گردد.

12.Cbd2 Td8 13.Cf1 d5 14.exd
exd 15.P×P C×P 16.De2 Fb7 17.
Cg3 P×P 18.C×P

تعویضها مانند گردبادی تمامی پیاده های
مرکزی را به خارج صحنه راند، اکنون
انچه باقی مانده مرکزی است باز برای
فعالیت سوارها و کلیه طرحهای
امکان پذیر مربوطه.

18...g6!

کرس اجازه نمی دهد سفید از خانه با
اهمیت f5 به عنوان پایگاهی برای اسیش
استفاده کند. زیرا به هیچوجه در نزدیکی
شاه چنین چیزی مطبوعش نمی باشد.

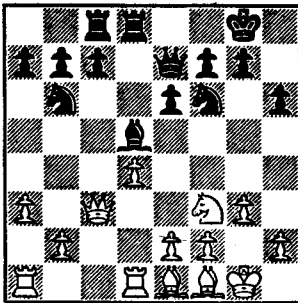
19.Fh6 Ff6 20.Cb3 Cc4 21.Ce4
F×P

با توجه به اینکه سیاه قوای خود را در
مرکز به وضع بهتری جای داده است طبعاً
پس از این تعویضها و بوجود آمدن مرکزی
باز خیلی زود بایستی برتری بدست آورد و
حق این بود که سفید برای یکی از انواع
دیگر مرکز تلاش بعمل می آورد.

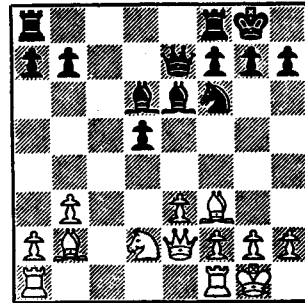
22.Cbc5 F×T 23.T×F f5!

حرکتی است همراه با حمله و مجدداً سیاه
با دیدن تعدادی حرکات می خواهد حریف
را برای تعویضهای اجباری آماده کند.

تمرین‌ها



دیاگرام (145)

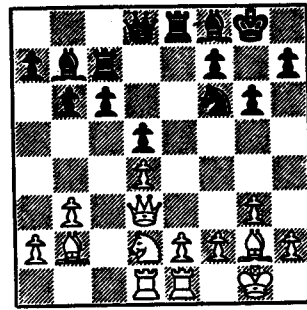


دیاگرام (144)

در دیاگرام (145) هدف سفید پیش راندن پیاده‌های مرکزی است، حال اگر نوبت سفید باشد چه طرحی برای جای دادن سوارهایش در خانه‌های مناسب باید دنبال کند تا بتواند پیشروی مورد نظرش را عملی سازد؟

در دیاگرام (144) با پیدا کردن راه حل مسئله مرکز، سفید موفق خواهد شد ابتکار عملی قطعی را بدست آورد. راه کار را نشان دهید؟

تا بدینجا سه عامل اساسی که مهارت و سلطه در شطرنج به آنها ارتباط دارد و عبارتند از: تجزیه و تحلیل واریاسیونها، ارزیابی پوزیسیونی و طرحریزی، مورد مطالعه قرار گرفت. اینک در قسمت آخر این کتاب بیشتر می پردازیم به نظری اجمالی در فن بخش پایانی گیم و گفتگونی خواهیم داشت درخصوص صور گوناگون جنگهائی که در سراسر عرصه شطرنج بوجود می آید. سرانجام می پردازیم به اندرزهائی عملی گلچین شده از مسابقات دهساله های اخیر و مصاحبه هائی که با قویترین اساتید شطرنج جهان بعمل آمده است.



دیاگرام (146)

در دیاگرام (146) که نوبت حرکت با سفید بوده است طرح اشتباهی را برای گزینش نوع مرکز انتخاب کرده و در نتیجه ابتکار عمل را به حریف واگذار نموده است. آیا طرح صحیح چه بوده است؟

فصل چهارم

مرحله پایانی

پوزیسیونهای مقدماتی این مرحله، از قبیل رخ و پیاده بر علیه رخ را به روانی دانست. به این منظور باید دقیقاً موضوع را مورد مطالعه عمیق قرار داد، زیرا برخی مواقع روی صفحه شطرنج باید مسائلی را در این زمینه حل کنید که می توانسته است موجب گمراهی اساتید فن شود، محققاً آنان نیز ساعات فراوانی را برای تسلط بر چنین پوزیسیونهایی صرف کرده اند. در ثانی باید بدانید که هر بخش پایانی ضابطه یا معیاری خاص برای پیدا کردن بهترین حرکات و تنظیم طرح صحیح دارا می باشد که درخصوص صور معین آن متعاقباً گفتگو خواهیم کرد.

در سی سال اخیر، شخصاً زحماتی فراوان برای رده بندی مراحل پایانی سوارهای

معمولاً بخش پایانی با صورتهائی خاص و گوناگون مشخص می گردد. به عقیده بزرگان شطرنج و قهرمانان جهان، فقط بازیکنان ورزیده و خوب می توانند با شایستگی از عهده انجام پیکار در این مرحله برآیند. بدون شك هم اکنون تجارب شما خواننده محترم نیز صحت این مطلب را تأیید می نماید و به خوبی می دانید، هنگامی که به طور نسبی تعداد کمی مهره روی عرصه باقیمانده است، وارد بودن به رموز و فن مورد لزوم چنین پوزیسیونهایی تا چه اندازه می تواند مفید و موثر واقع گردد.

چیرگی در فن مرحله پایانی قبل از هر چیز مستلزم داشتن دو خصلت است: نخست آنکه باید نتایج و سرانجام تعداد زیادی از

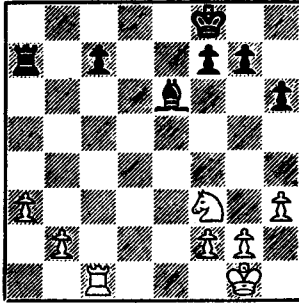
و از لحاظ مادی آنچه که روی عرصه باقیمانده است خیلی کاهش می‌یابد. انگاه بعضی‌ها برای چنین پوزیسئونهای لغت ساده را بکار می‌برند. البته ممکن است ریخت و صورت مرحله وسط گیم را دارا باشد ولی اساساً خصلت آنها پایان گیم بشمار می‌آید.

يك موضوع انحرافی دیگر که بنظر می‌آید به همین بحث ارتباط داشته باشد ذیلاً نقل می‌گردد: هنگامی که یکی از مسابقات بزرگ جهانی در مسکو برگزار می‌گردید، در حال ورودی به سالن مسابقات^(۱) گروهی از استادان مشغول تجزیه و تحلیل يك بخش پایانی بودند و نمی‌توانستند راه صحیح را پیدا کنند و جز بحث و مشاجره چیزی نصیصشان نمی‌گردید. ناگهان کاپابلانکا که معمولاً علاقه داشت هنگام فکر کردن حریف به قدم زدن پیردازد پدیدار و به جمع مزبور

کوچک و رخ و پیاده تحمل نموده و جزوه‌های قطوری را به رشته تحریر درآوردم. ولی، امروزه محصلین به راحتی می‌توانند تئوریهای بخش پایانی را در سه جلد کتابهای آورباخ که بطور کامل نمونه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داده است مطالعه نمایند. با ارجاع خوانندگان به کتابهای فوق دیگر نیازی به بحث و گفتگو در جزئیات این مرحله نمی‌باشد، بلکه کیفیتهای خاصی را مورد توجه قرار خواهیم داد که تلاش در آن موجب تکامل دانش و بهتر از عهده برآمدن بخش پایانی می‌گردد.

قریب سی سال قبل شنیدم، استاد بزرگ لوان فیش در مکالمه‌ای راجع به بازیکن جوانی چنین اظهار عقیده کرده بود: «او بازیکن خوبی است ولی پوزیسئونهای ساده را بد انجام می‌دهد.» در آن هنگام خوب نفهمیدم مقصودش از بکار بردن لغت «ساده» در پوزیسئونها چیست. واضح بود که غرضش پوزیسئونهای مقدماتی نمی‌باشد، زیرا تمامی طبقه‌بندی و تشریح شده‌اند و باید عمیقاً با آنها آشنا بود. پس سوای این تعبیر معلوم می‌شود مطلبی وجود دارد که دانستن آن مفید است. کمی بعد متوجه شدم که لوان فیش چه نظری داشته است. یعنی، هنگامی که وزیرها تعویض می‌شوند

(۱) سالن اجتماعی است در مسکو که مسابقات با اهمیت شطرنج در آنجا برگزار می‌گردد. به ویژه نیمه دوم مسابقات شطرنج قهرمانی جهان ۱۹۴۸ در این سالن انجام گردیده است. ضمناً در اطراف آن سالنهای کوچکتری هم برای آنالیز حرکات در حال انجام قهرمانان و همچنین مسابقات سیمولتانه نیز وجود دارد. - مترجم



دیاگرام (147)

در بولتن مسابقات مسکو سال ۱۹۳۶ که دیاگرام (147) وضع مبارزه کاپابلانکا را با راگوزین نمایش می‌دهد یکمرتبه دیگر کاپابلانکا نمودار اصلی Schema پیروزی را مانند آنچه که در فوق گفته شد نشان داد و چنین گفت: شاه در e3 و رخ در c3 و اسب در d4 و پیاده در b4 باید قرار گیرند تا پوزسیون مطلوب حاصل گردد. حال چگونه و از چه راهی باید به این پوزسیون رسید چندان اهمیتی ندارد. نمونه‌ای از انرا ضمن ادامه زیرین ملاحظه خواهید نمود و اجمالاً نمودار مورد نظر همان است که در بالا گفته شد:

33.Cd4 Tb7 34.b4 Fd7 35.f4 Re7

36.Rf2 Ta7 37.Tc3 Rd6 38.Td3 Re7

39.Re3 Ta4 40.Tc3 Rd6 41.Td3

پیوست. پس از آنکه متوجه دلیل بحث و جدل آنها گردید. این استاد اهل باکو، خم شد و به پوزسیون نگاه کرد و گفت: «Si, si» بلی، بلی، و بلادرنگ مهره‌ها را روی عرصه جابجا نمود تا فوراً می‌خواست که مطلوبش بود حاصل گردد، انگاه اشاره کرد که این همان چیزی است که تلاش در تحصیل آن همراه با پیروزی است. واقعاً بدون هیچگونه اغراقی دون خوزه ابتدا مهره‌ها را بدون آنکه روی صفحه حرکت دهد در کناری جمع کرد و سپس آنها را طوری چید تا پوزسیون تازه‌ایکه فکر می‌کرد برای پیروزی به آن نیاز می‌باشد حاصل گردد.

پس از انجام این عمل فوراً همه چیز روشن گردید. زیرا طرح و نمودار صحیح و مورد نیاز مشخص شده بود، بنابراین وصول به پیروزی سهل می‌نمود.

واقعاً برای همه ما چیره‌دستی و استادی کاپابلانکا دلپذیر و شایان توجه بود. او خیلی خوب به ما فهماند که در بخش پایانی به طرح یا نمودارهای خاص Schemes شدیداً نیازمندیم، تا بر اساس آن بتوان از طرز تفکری قیاسی برای حصول به پیروزی بهره‌برداری نمود.

می‌اندیشد و نمودارهای اصلی Schemes را چگونه ترتیب می‌دهد. پس از آن نظیر این تیپ تفکر را نزد اساتید بزرگی چون فلور و اسمیس洛夫 که در بخش پایانی مدرن شهرت داشتند ملاحظه نمودم.

صفت مشخصه دیگری که می‌خواهم دقت خوانندگان را به آن جلب کنم نتیجه‌ایست که از کیفیت و روش کار کاپابلانکا می‌توان بهره‌برداری کرد. مطمئناً تشخیص داده‌اید که کاپابلانکا اغلب حرکات را به صورت تکراری انجام می‌دهد و بیشتر اوقات به همان پوزیسیونی می‌رسد که قبلاً هم به آن رسیده بود. الزاماً می‌خواهم یادآوری نمایم که این تکرار به سبب نقص در تصمیم‌گیری و یا لاپالایی‌گری نمی‌باشد، بلکه درواقع استاد از اصلی اساسی که در مرحله پایانی باید بکار برده شود پیروی می‌کند، این اصل عبارتست از عجله نکردن.

بلاونتس هم در اینخصوص چنین می‌نویسد: «قاعده اساسی در مرحله پایانی عجله نکردن است. او اضافه می‌کند، اگر شما پیاده‌ای را با شانس متساوی می‌توانید يك خانه و یا دو خانه پیش برانید نخست آنرا فقط يك خانه جلو ببرید و سپس همه جوانب را بسنجید، انگاه يك خانه دیگر پیش‌روی کنید. تکرار حرکات

Re7 42.Tc3 Rd6 43.Ce2

سفید می‌خواهد مجدداً قوایش را برای پیش راندن پیاده‌های جناح وزیر جمع‌آوری نماید و برای حصول اطمینان قصدش آنست که اسب را به خانه c3 ببرد.

43..g6 44.Td3+Re6 45.Rd4 Ta6

46.Te3+Rd6 47.Cc3 f5 48.b5

Ta8 49.Rc4 Fe6+ 50.Rb4 c5+51.

P×P e.p. Fg8 52.Cb5+ R×P 53.Td3

اکنون جمیع پیاده‌های سیاه سقوط خواهند کرد و سفید از برتری فوق‌العاده‌اش بهره‌برداری خواهد نمود.

53...g5 54.Td6+ Rb7 55.P×P P×P

56.Tg6 Tf8 57.T×P f4 58.Cd4

Tc8 59.Tg7+ Rb6 60.Tg6+Rb7

61.Cb5 Tf8 62.Cd6+Rb8 63.h4

سیاه شکست را می‌پذیرد.

من از دیرزمانی که با کمال دقت چگونگی عملکرد اساتیدی که در بخش پایانی تخصص داشتند مورد توجه قرار می‌دادم و با همکاری یکی از دوستان قدیم سرگی بلاونتس (Sergei Belavenets) در دوران قبل از جنگ جهانی مطالعات خودمانرا درخصوص بخشهای وسط و آخر گیم به صورت کتابی دست نوشته درآورده بودیم که در ماشین‌نویسی گم شد. در اینجا می‌دیدم بلاونتس در این مرحله چگونه

می‌شود. درواقع مرحله جدیدی آغاز می‌گردد که کاملاً با قبلی اختلاف دارد. در این مرحله باید در اندیشه پیدا کردن نمودارهای اصلی Schemes و گفتگو درخصوص تجزیه و تحلیل‌های ارام توام با خونسردی بود. «در اینجا لازم می‌دانم به همه بازیکنان توصیه کنم که اگر زمان در حد کافی روی پاندول باقیمانده است چند دقیقه‌ای برای استراحت اعصاب صرف کنند. زیرا بعد از هیجان مرحله میانی گیم چنین آرامشی بسیار سودمند است.»

بلاوتنس هم می‌نویسد: «از دست دادن این مختصر زمان متعاقباً جبران خواهد شد، مشروط بر اینکه به گونه‌ای صحیح بخش پایانی دنبال شود.»

در سال ۱۹۵۰ اسمیسلف و من برای شرکت در مسابقات بین‌المللی به شهر ونیز رفته بودیم. استاد با تجربه ماکاگونوف ما را همراهی می‌کرد. من هرگز فراموش نمی‌کنم که او قبل از آغاز مسابقه چنین توصیه کرد: «وضع را پیچیده نکنید. چرا باید چنین کنید؟ وزیرها را تعویض کنید و یک رخ و دو یا سه سوار کوچک را روی عرصه نگاهدارید. مطمئناً پیروز خواهید شد. تعداد انگشت شماری از بازیکنان مدرن وجود دارند که می‌دانند چه سوارهائی را باید تعویض نمود و

در مرحله پایانی می‌تواند خیلی مفید واقع گردد. زیرا علاوه بر اینکه از لحاظ زمان و پاندول به نفع شما تمام می‌شود، معمولاً حریفی که برتری دارد از لحاظ روانشناسی هم منفعت می‌کند. چرا که طرف مدافع چون پوزیسیون پائین‌تری را دارا می‌باشد لذا حوصله کمتری برای تقلا و تلاش دارد. در نتیجه امتیاز جدیدی را به سود شما واگذار خواهد نمود که پیروزی را تسهیل خواهد کرد. خارج از همه این مطالب اصولاً تکرار موجب می‌گردد که پوزیسیون را در ذهن تا سرحد امکان روشنتر به بینم.»

با این مقدمه دو خصلت مشخص که لازمه مرحله پایانی است عبارتند از:

۱- تفکر براساس طرح‌ها یا نمودارهای اصلی Schemes

۲- کاهش سرعت

پیروی از این دو خصلت همراه با مطالعه و در خاطر نگاهداشتن مراحل پایانی ظریف و هنری، الزامی بنظر می‌رسد.

معمولاً در برخوردهای شدید مرحله وسط گیم، ذهن و اندیشه بازیکن برای تجزیه و تحلیل واریاسیونهای پیچیده و جستجوی ضربه‌های تاکتیکی در حال جوش و خروش می‌باشد. ولی با ورود به بخش پایانی، دیگر مسئله تاکتیک فراموش

کدامها را باید نگاهداشت. انها تاکتیکها را به خوبی درک می کنند، ولی در مورد ساده کردن به منظور انتقال به مرحله پایانی مناسب، این شما هستید که برتری دارید.»

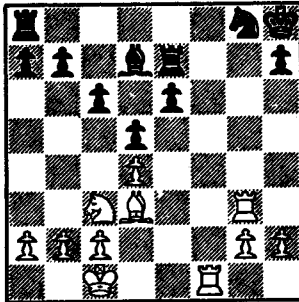
ایا کدام يك از سوارها را باید تعویض نمود و کدامین را باید نگاهداشت؟ در بخش پایانی این مسئله ایست خیلی بااهمیت. راه حل ان بستگی به استعداد و دانش بازیکن دارد، یعنی باید با تیپ های گوناگون سوارهای كوچك و نحوه عملکرد انها در بخش پایانی اشنائی لازم را داشته باشد. حال ایا در چه موقع يك فیل از اسب قویتر است و یا بالعکس؟ و یا مثلاً در چه مواردی بهتر است که همراه رخها سوارهای دیگری مثلاً اسبها هم روی صحنه باشند و یا کی باید رخها را تعویض نمود تا فقط اسبها باقی بمانند؟ پاسخهای همه این قبیل سئوالها را باید در تمرین و تجزیه و تحلیل عمیقی جستجو کرد که حاصل مجموعه نوشتجات و معرفتی است که بهترین اساتید با تجربه در بخش پایانی از خود به یادگار گذارده اند.

حال قبل از انکه مثالهایی را که نقش مؤثری در آموزش و پرورش من به عنوان يك بازیکن داشته اند ذکر کنم مایلیم در

خصوص نکته دیگری که خواننده باید با ان نیز اشنائی پیدا کند صحبت نمایم: در بخش پایانی فراموش نکنید که حتی الامکان باید شاه را به مرکز نزدیک نمایید. همگی ما به خوبی می دانیم شاه که در مرحله میانی گیم مهره ایست دفاعی در این بخش پایانی ناگهان بسیار جسور می شود. کافی است که انرا به میانه عرصه برسانیم تا سبتر بودنش را در قلب معرکه بتوان دید. متأسفانه اغلب جذبه سائر سوارها موجب فراموشی شاه می گردد. پس بیاد داشته باشید، به محض اینکه کمترین فرصت و امکان تنفسی و فضائی بدست آمد در این مرحله باید شاه را به مرکز نزدیک نمود. ممکن است هنگامی که شاه را حرکت می دهید چنین به نظر برسد که امتیاز خاصی نصیب نشده است ولی اهمیت ندهید و از باب احتیاطهم اگر باشد ضرری ندارد، انرا وارد عمل نمائید. اگر مثالهای کلاسیک مربوط به مرحله پایانی را مورد مطالعه قرار دهید، خواهید دید که چگونه شاه در اولین فرصت ممکنه وارد میدان عمل می شود. گیرم که در انجام ان عجله و یا دستپاچگی هم اضطرابی نباشد.

سه مثال از اخر گیم هائی که ذیلأ مورد مطالعه قرار خواهد گرفت تأثیری عمیق

پیاده ای را از دست خواهد داد؟ کدام پیاده؟



دیاگرام (148)

بسیار خوب، می خواهید باور کنید یا نکنید پیاده مورد نظر b7 می باشد! اکنون واقعاً چشم بصیرت و بینشی فوق العاده لازمست که مانور ذیل را بتواند دنبال کند: 22.Cb1!!

آغاز تاخت و تازی کاملاً غیر عادی بر علیه پوزیسیون حریف. سیاه بیشتر دلوپس پیاده عقب افتاده اش e6 می باشد که بنظر می آید تنها نقطه ضعف وضعش بشمار می آید و به همین سبب می خواهد در اولین فرصت ممکن انرا به جلو براند. هرچند اگر فوراً بخواهد اینعمل را انجام دهد یعنی e5...22 صحیح نیست زیرا:

23.PxP TxP 24.Tf7 Te7 25.TxC+

در من بجای گذارده است و هنگامی که آنها را با دقت و تمامی جزئیات بررسی می نمودم به راستی تحت تأثیر قرار گرفتم. زیرا با وجود حرکاتی به ظاهر ساده، انچنان ظرافتی در آنها پنهان شده بود که تمامی وجودم مرتعش گردید. واقعاً چنین ظرافتی راحتی در مشهورترین تاکتیکهای زیرکانه مرحله وسطی به زحمت می توان دید.

علاوه بر آن روشهایی که منجر به پیروزی می گردد به حدی زیبا و دقیق است که بنظرم می آمد دستی که چنین حرکاتی را انجام داده است درواقع می توان با دستهای هنرمندانه الماس تراشی مقایسه اش نمود که با حرکتی غیرقابل رویت درخشندگی سحرامیزی را به سنگ خام می بخشد.

اینک می پردازیم به ذکر مثالهای مورد بحث و روشهای عمل که در خصوص آن فوقاً صحبت کردیم:

پوزیسیون دیاگرام (148) از نبرد امیل لاسکر - پیلسبوری (- E. Lasker - Pillsbury) در پاریس سال ۱۹۰۰ برگزیده شده است. چنین بنظر می آید که وضعی است کاملاً ساده که به زودی به نتیجه تساوی خواهد رسید. حال ایا می توانید پیش بینی کنید که چگونه سیاه اجباراً

Rf3 42.Tg6

لاسکر به مراد خود رسید، زیرا راه صحیح پیروزی را بدست آورد. او پیاده های جناح شاه را تعویض خواهد کرد و سپس با تمام قوا در جناح دیگر که حریف ضعیف است حمله را دنبال خواهد نمود.

42...Cg4 43.Ff5 h5 44.Tg5 Te1+
45.Rb2 Th1 46.Fg6 R×P 47.F×P
Fh3 48.F×C F×F 49.Tg6 Th2+50.
Ra3 Tc2 51.Cd3!

باید متوجه بود که:

51.T×P? T×P 52.Ce4+ P×C 53.
T×T+Rf2

و اکنون این سفید است که برای بدست آوردن تساوی باید بجنگد.

51...Rh4 52.Ce5 Ff5 53.T×P
Rg3 54.Tc5

و سفید پیروزی مسلمی را از آن خود می نماید اگرچه نتیجه تا حرکت ۸۵ بطول می انجامد.

با ملاحظه این مرحله پایانی حیرت اور من علاقه پیدا کردم که گیم های لاسکر را مورد مطالعه قرار دهم. نمونه های مشابهی را هم پیدا کردم که از آن میان به ویژه راه ملایم ولی مطمئنی که موجب برتری پوزیسونی وی بر علیه بوگولیووف (Bogolioubov) (سفید) در مسابقات

22...Tae8 23.Cd2 e5

تاخیر در راندن پیاده موجب خواهد شد که اسب سفید در خانه پیشروی جایگزین گردد.

24.P×P T×P 25.Cf3 Te3

واضح است که پوزیسون حاصل قابل مطالعه و بررسی است مثلاً اگر:

25...Te5-e7 26.Cg5 Fe6 27.Te1!

با توجه به دو تهدید زیر شکست سیاه قطعی است:

28.T×F T×T 29.Cf7+ مات

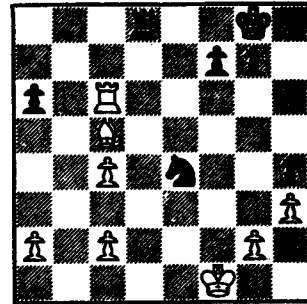
و یا 28.Tge3

26.Cg5 T×T 27.P×T h6 28.Cf7+
Rg7 29.Cd6 Te7 30.C×P Cf6 31.
Cc5

با کمی دقت ملاحظه می شود که در ظرف ۱۰ حرکت اخیر اسب سفید ۸ حرکت انجام داده است و هم اکنون شکست سیاه را تضمین می کند. زیرا پیاده اضافی سفید انهم در جناح وزیر که ضعف حریفهم مشهود است دلیل قطعی این مدعا بشمار می آید. هرچند که پیلسبوری هنوز برای پیروزی تلاش می کند.

31...Fg4 32.Tf4 Fc8 33.Ta4
Cg4 34.Fa6 Ff5 35.Tf4 Ce3 36.
c3 Rg6 37.Tf2 Fe4 38.b3 F×P 39.
Fd3+ Rg5 40.Tf8 Rg4 41.Tg8+

نیویورک ۱۹۲۴ گردیده است جالب می باشد.



دیاگرام (۱۴۹)

دیاگرام (۱۴۹) پوزیسیونی از این مسابقه را نمایش می دهد، با وجود آنکه قوای زیادی باقی نمانده است معذک هنوز امکان بوجود آمدن حادثه ای مهیج را در خود پنهان دارد.

این مثال را من در کتابچه یادداشت سال ۱۹۳۷ خودم ثبت کرده بودم و حقیقتاً باید بگویم که از انزمان تا بحال هرگاه مجدداً انرا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ام شعفی واقعی به من دست داده است.

32...Td2 33.a4

در اینجا حرکت 33.a3 یکی از امکانهائی است که بعداً صحبت خواهیم کرد.

33...Txc2 34.Fb4 Tf2+!

سفید با وضع دشواری مواجه است. بدینمعنی که یا باید از پیاده g صرف نظر کند و یا شاه را به گوشه ای ببرد که ضربه های سهمگینی در انتظارش خواهد بود!

35.Rg1

35.Re1 T×P 36.Tc8+Rh7 37.c5

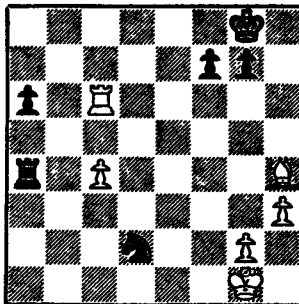
Tb2 (37...g5 38.c6 g4 39.c7 Tc2

(سیاه ضرر می کند 40.Rd1 Tc4 41.Te8

38.Fa5 Tc2 39.c6 Cd6 40.Tc7 Tc4

سیاه با انتقال فوری شاه به مرکز و پیش راندن پیاده های جناح شاه به پیروزی خواهد رسید.

35...Ta2! 36.Fe1 T×a4 37.F×P Cd2!



دیاگرام (۱۵۰)

با توجه به دیاگرام (۱۵۰) سیاه پیاده c را هم خواهد گرفت. ولی قبل از ادامه گیم اصلی

ازاد کند. بعلاوه ضعف جناح شاه به لاسکر امکانه‌ای تازه ای هم می‌دهد، تا با مانورهای استادانه خود بوسیله دو سواری که باقیمانده تحریکاتی برای پیش راندن پیاده‌های این جناح فراهم آورد و سرانجام آنها را بگیرد یعنی:

39...Cd2 40.Tc8 Rh7 41.Ta8 Ta2
42.Rg2! Cb3 43.Rg3 Cd4!

آغازی است برای يك سری کامل حرکات تهدیدآمیز اسب که سرانجام موجب افزایش برتری سیاه می‌گردد.

44.h4 Ta3+45.Rf2 Cc6 46.Fc7
Ce7 47.Fd6 Ta2+48.Rf3 Cc6 49.
Fc7 Cd4+ 50.Rg3 Ta3+51.Rf2
Ta4 52.Rg3 Ce6 53.Fb6 Ta3+54.
Rg2?

توجه داشته باشید در حالی که لاسکر شتابی در کار خود ندارد، حریفش اشتباه هم می‌کند. این شاخصی است معرف رویداد مرحله پایانی و یکمرتبه دیگر ثابت می‌کند که در يك پوزیسیون دشوار دیر یا زود اشتباهات رخ خواهد داد. اکنون انتقال شاه سفید به g2 کار لاسکر را اسانتر می‌کند. چنانچه سفید حرکت صحیح 54.Rf2 را انجام داده بود آنگاه پس از:

54...Cf4 55.Fc7 Cd5 56.Fd8

بد نیست ببینیم آیا اگر سفید 33.a3 کرده بود و در نتیجه اکنون رخ سیاه هم در a3 قرار می‌گرفت چه وضعی پیش می‌آمد؟ طبعاً راه وصول به پیروزی تغییر می‌نمود و به جای حرکت اخیر سیاه به گونه زیر ادامه می‌داد:

37...Ta1+38.Rh2 g5 39.Fg3 f5
40.Fe5 Ta5 41.Fc7 Ta2

و یا: 41.Fd4 Rf7

در مورد ارزیابی پوزیسیون حاصل الخین چنین تفسیر می‌کند: «سفید کار بسیار مشکلی در پیش دارد. زیرا شاهش در گوشه‌ای واقع گردیده که همواره با تهدید مات همراه است و برای مدت قابل توجهی هم نمی‌تواند از این وضع خلاصی یابد. فیلش وضع مطمئنی ندارد و موضوع مناسبی است برای حمله، در نتیجه موجب می‌شود که سیاه بتواند از زمان Tempo استفاده کند. پیاده رونده سفید هم تقریباً بی‌ارزش است زیرا شاه سیاه تهدید نزدیک شدن به انرا دارد. در صورتی که برای سیاه پیاده رونده a قابل توجه است.» حال می‌پردازیم به ادامه اصلی:

38.Fd8 C×P 39.g4

باز هم شاه سفید نمی‌تواند از گوشه‌ای که با تهدید ماتی زندانی گردیده بود خود را

67.Rf3 f6 68.Fd6 Td4 69.Fc7 Tc4
70.Fb8 Rh6

در حرکت 71 سفید تسلیم می‌گردد.
مطالعه مراحل پایانی، نظیر فوق نیروی به
من می‌بخشید که بتوانم آخر بازیهای
غامض و پیچیده و پوزیسیونهای ساده را
مورد بررسی قرار دهم. سپس با تکاملی که
در ذوق خود احساس کردم درصدد مطالعه
انها با تمامی جزئیات برآمدم. بدینگونه
گنجی از تجربه برای خود ذخیره کردم که
در بالا بردن فهم و دانش من در بخش
پایانی فوق‌العاده مؤثر بود. پس از آنکه
آنچه را که مربوط به اساتید کلاسیک بود
دیدم، ذهنم متوجه اساتید معاصر و
هنرمندی آنها گردیده و در این میان به
خصوص فلور (Flohr) و مراحل پایانی
استادانه‌اش بیشتر مجذوبم نمود تا جائیکه
تعدادی از این مراحل آخر را به عنوان
پوزیسیونهای راه‌گشا یا کلید در دفترچه
یادداشت خود ثبت کردم. از آن میان
پوزیسیونی که در مسابقه علیه کان (Kan)
(سفید) در مسابقات مسکو - لنینگراد سال
۱۹۳۹ انجام پذیرفته است نمونه‌ای جالب
و بهترین به شمار می‌آید که ذیلاً خواهیم
دید.

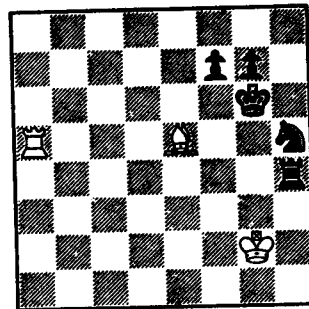
مشکل بنظر می‌رسد که با نگاهی سریع به
دیاگرام (152) بتوان گفت وضع کدامیک از

سیاه ناچار می‌گردید که شاهش را وارد
بازی کند تا بتواند مقاومت سفید را درهم
بریزد و حال آنکه در وضع حاضر برای
پیروزی راه آسانی درپیش دارد.

54...Cf4+ 55.Rf2 Cd3+56.Rg2
Ce5 57.g5 Cg6!

بدین ترتیب پیاده h سفید گرفته خواهد شد
و به همراه آن تمامی امیدهای نجات سفید
هم بر باد می‌رود.

58.Ff2 Cf4+59.Rh2 Rg6 60.Ta7
a5 61.Fg3 Ta2+62.Rh1 Ch5! 63.
Fe5 Ta4! 64.Rg2 T×P 65.Ta6+
R×P 66.T×P Rg6



دیاگرام (151)

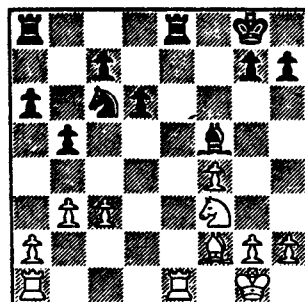
سرانجام لاسکر، با بکار بردن فن
ماهرانه‌ای شگفت‌انگیز، پیروزی را از آن
خود می‌نماید.

28.Te3 c5 29.Fe1 Fc6 30.b4 Tf8 31.g3 Cf6!

فقط چند حرکتی پس از تجمع قابل ملاحظه‌ایکه با انتقال فیل به d7 و c6 و اسب در خانه‌های e7 و d5 و f6 و e4 تغییر مکان یافت. فلور مانور جدیدش را آغاز می‌کند و دلیل انرا در تغییر وضع قوای سفید توجیه می‌نماید. چرا که خانه c4 سفید در حال حاضر بر اثر فشار سوارهای سیاه ضعیف گردیده است. اینک اسب راهی این نقطه می‌باشد. فیل سیاه نیز با بدست آوردن پایگاه اختصاصی مثل e4، ضمن اینکه پیاده‌های حریف را در جناح وزیر مورد حمله می‌تواند قرار دهد، جناح شاه را هم تحت کنترل خواهد داشت.

32.Ch4 Fe4! 33.h3 Rf7 34.g4 Te8 35.Fd2 Cd5 36.Te2 Cb6! 37.f5 Cc4 38.Fe1 Fb1! 39.T×T R×T 40. P×P P×P 41.Cg6 F×a2 42.Fg3 فلور ترتیب قرار گرفتن پیاده‌ای اضافی را می‌دهد. ولی آیا با وجود فیل‌های غیر همرنگ وجود یک پیاده بیشتر برای پیروزی کافی است؟ بنابراین مانورهای سیاه باید با توجه به امکان بهره برداری به گونه‌ای صحیح از این پوزیسیونها انجام بپذیرد. نکته آموزشی و کلاسیک مثال مورد بحث نیز در همین امر نهفته است.

طرفین بهتر است. به ویژه تشخیص این معنی که سیاه برتری دارد کار اسانی



دیاگرام (152)

نیست. ولی پس از انجام یافتن چند حرکت وضع تغییر شکل خواهد داد و فلور با مانورهای ماهرانه‌اش نشان می‌دهد که با چه ژرفانی پوزیسیون را دیده است! 21...Fd7

سیاه خود را آماده می‌کند که فیل را در قطر بزرگ جای دهد

22.Fe3 Ce7! 23.Fd2 Cd5 24.Rf2 Cf6 25.T×T+ T×T 26.Te1 Ce4+ 27.Rg1 h6!

سیاه از هرگونه شانس که سفید بتواند اسبش را در g5 جای دهد پیش‌گیری بعمل می‌آورد و ضمناً تهدید Fg4 را از دست نمی‌دهد.

میدان می شود. چنانچه ملاحظه می نمایند
فلور هیچگونه عجله و شتابی در کار
ندارد!

60.Fc7 Ce7 61.Fb6 Cd5 62.Fd4 Cf6


باز هم سود مادی بیشتر.

63.Re3 C×P 64.h4 Cg3 65.Rd2 g6

66.Fb6 Cf5 67.Fd8 Rd5 68.Re2 Re4

69.Rd2 Rf3 70.Rc2 Rg4 71.Rb2

با سقوط پیاده دیگر امیدی برای سفید
باقی نمی ماند، گرچه پیکار تا حرکت ۸۵
ادامه می یابد. این مثال واقعاً نمایشی
جالب از يك مرحله پایانی فنی می باشد.
برحسب تصادف نیست که بوتونیک به
دفعات توصیه کرده است که بهترین
گیمهای فلور را باید چاپ و منتشر نمود.
اکنون که به پایان این تفسیر می رسیم
مناسب بنظر می رسد که یکمرتبه دیگر
انچه را که در مرحله پایانی لازم است
رعایت شود یادآوری گردد:

۱- همواره با پیروی و  برحسب طرحها
و نمودارهای اصلی Schemes بیندیشد.

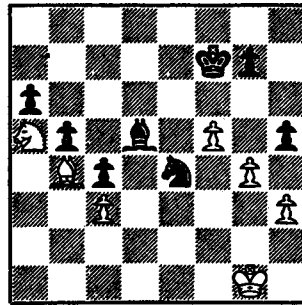
۲- از عجله و شتاب پرهیزید.

۳- در اولین فرصت ممکنه و هر چه زودتر
شاه را به مرکز عرصه بیاورید.

42...Fb1 43.Ce5 Cd2 44.Cc6 Fe4

45.Ca5 Fd5 46.Fd6 c4 47.Fb4 Ce4

48.Rh2 Rf7 49.Rg1 h5!



دیاگرام (153)

حرکتی است پر معنی! سفید نمی تواند به
پیشروی بیشتر این پیاده اجازه دهد. زیرا
با وجود آنکه تمامی پیاده های این جناحش
در خانه همرنگ فیل حریف واقعند امکان
بوجود آمدن ترکیب حمله ای را می توان
پیش بینی نمود. بدین سبب به ناچار زنجیر
پیاده ای سفید دچار ضعف می گردد.

50.P×P Cg3 51.Rf2 C×f5 52.Fa3

Rf6 53.Fc1 Re6 54.Ff4 Fe4 55.

Fc7 Rd5 56.Fb8 Rc5 57.Fa7+Rd6

58.Fb8+Re6 59.Ff4 Fh1!

باز هم تجمع دیگری، شاه سیاه با استفاده
از باز بودن راهش از طریق d5 و e4 وارد

فصل پنجم

انچه را که يك باز يکن باید بداند

زمانی بود که شطرنج در ردیف بازیهای ساده به شمار می آمد که برای سرگرمی و گذراندن وقت بکار می رفت. ولی امروزه، در زمره هنری زیبا درآمده است که ذوق و استعداد خلاقه می تواند از ان آثار هنری واقعی و دلپذیر را ارائه نماید. مسابقات شطرنج که به وسیله مطبوعات، رادیو تلویزیون، برای ملیونها علاقمندان در سراسر جهان منتشر می شود، سرچشمه نشاط خاطر پژوهشگران زیبایی در این فن ظریف می گردد. در بسیاری از کشورهای جهان، شطرنج، در فرهنگ ملی برای خود جانی و مقامی دارد. به همین سبب سران معرف این فعالیت فرهنگی، یعنی اساتید بزرگ، واقعاً از این بابت مسئولیتی عظیم را بردوش دارند. آنها متعهد و مدیونند که در پیکارها و مسابقات نه فقط ابتکار و

اندیشه های بدیع خوشتن را به معرض نمایش گذارند، بلکه بایستی با استفاده از نتایج حاصله از تجارب ارزشمند پیشینیان و اصول موضوعه که به وسیله تئوریسین ها در سراسر قرون انجام پذیرفته است، شاهکارهائی هنری ارائه نمایند. در حقیقت استاد بزرگ يك مبتحری است مقتدر در زمینه شطرنج و دارا بودن حالت و کیفیت دانشجویی او را مستلزم به قبول پاره ای مسئولیتها نیز می نماید. ضمناً برای بدست آوردن يك چنین مقام و عنوانی، معمولاً بر تسلط کامل بر دانشی که در این زمینه بدست انسانی تا به امروز تکامل یافته است، باید یکرشته نوآموزی اختصاصی را نیز شخصاً دنبال کند. چنانچه می دانیم در کلیه رشته های

تحصیلی مدارجی وجود دارد که از ابتدائی آغاز و پس از گذراندن متوسط و عالی بالاخره مسئله فوق الیسانس و دوره تخصص پیش می‌آید که در مراکز تحقیق بزرگانی در هر رشته به مطالعه می‌پردازند. در مورد شطرنج هم در شوروی نیز نوعی مدارس ابتدائی داریم که معمولاً در حوزه‌های مطالعاتی Pioneer Places و کارخانجات وجود دارند. در سطح متوسطه وضع چندان تعریفی ندارد. در بعضی مواقع دوره‌های اختصاصی و مراکز مطالعاتی در کلوپیهای که در شهرهای بزرگ تاسیس یافته‌اند ترتیب داده می‌شود. ولی برای رسیدن به مقامات بالاتر و عالی دیگر هیچگونه کمکی به وسیله متخصصین فن بعمل نمی‌آید. حتی هیچ کتاب مناسب آموزشی که بتواند درخصوص کار دشوار خود بهسازی در این دوره راهنما و مؤثر واقع شود وجود ندارد. به همین سبب غرض از تألیف کتاب حاضر آنست که تاحدی بتواند این کمبود یا فضای خالی را پر کند.

بازیکن شطرنج برای طی مدارج عالی راهی طولانی و دشوار در پیش دارد. قبل از هر چیز بایستی بداند چگونه خود را برای مسابقات آماده نماید، این امر متضمن کم و بیش آگاهی از ورزش،

فیزیولوژی مقدماتی و به ویژه روانشناسی است. همچنین او نیاز دارد که میزان پیشرفت کارش مورد آزمایش قرار گرفته و به خصوص با معیار و استانداردهای خیلی سخت این سنجش به عمل آید، زیرا کمکی است موثر برای پیشرفت بهتر. علاوه بر نکاتی که یادآوری گردید، او باید بر تمامی اصول دانش شطرنج تسلط داشته باشد. يك استاد بزرگ باید با آخرین تئوری و تحقیق مجهز بوده و با ابداعات مرحله گشایش اشنائی کامل داشته و در جریان آخرین نوآوریهای مرحله پایانی قرار گرفته باشد. او نباید دیدن و مطالعه يك گیم با اهمیت را از دست بدهد، ولو اینکه در هرکجای جهان انجام یافته باشد. در غیر اینصورت احتمال خطر اشتباه کردن و از دست دادن يك امتیاز باارزش، در مقابل حریفی که چنین گیمی را قبلاً مورد بررسی قرار داده است، برایش وجود دارد.

تجزیه و تحلیل گیم‌ها و پوزیسئونهاییکه ممکن است با آنها مواجه گردد و از جمله کارهای روزانه است که سهم قابل اهمیتی از وقت و تلاش استاد بزرگ صرف آن می‌شود.

هنگامیکه مشغول گذراندن تحصیلات فوق لیسانس در مسکو بودم Bauman

من يك بازیکن از مادر متولد نشده‌ام. انچه را که انجام داده و می‌دهم حاصل کاری است دشوار و مداوم، در عین حال انتقادی و تحلیلی. به همین سبب می‌توانم به خودم دلخوشی داده و امیدوار باشم که حتی فهرستی ساده از انچه را که يك مرتبه عهده‌دار شده‌ام ارائه دهم بتواند بازیکنی جوان را در راه تکامل و پیشرفت کمک نماید. حال از اینکه به ویژه توانسته‌ام ضمناً تجارب پر ارج اساتید بزرگ همدوره‌ام را از زمانیکه با آنها آشنا شده‌ام بر آن بیفزایم بیشتر احساس رضایت می‌کنم.

مطالعه مرحله شروع یا گشایش

آغاز هرگیم مرحله‌ایست که براساس آن پیروزی احتمالی در مسابقه پایه‌گذاری می‌گردد. چه بسا حالاتی دیده شده است که بازیکن در همان مرحله شروع پیروزی را از آن خود می‌نماید. پس می‌توان دریافت که مطالعه عمیق در این بخش ضرورتی کامل دارد.

حال می‌خواهیم بدانیم آیا ستارگان جهان شطرنج چگونه از عهده انجام این امر مهم برمی‌آیند؟ پاسخ به این سؤال، در حالیکه

Technical college in Moscow روزی در محفل کارکنان رشته مقاومت مصالح که در آنجا کار می‌کردم گفتم آیا می‌دانید برای آماده شدن جهت يك مسابقه چه زحماتی را باید تحمل نمود؟

«فرض کنیم، شما می‌خواهید در مسابقه شطرنجی شرکت کنید که ۲۰ بازیکن وجود دارد. معمولاً برای هر يك باید جداگانه خود را آماده سازید. این بدان معنی است که لاقلاً ۳۰ گیم از هر يك از آنها را باید به دقت ملاحظه نمایید که جمعش بالغ بر ۶۰۰ گیم خواهد شد. حال اگر هر گیم را در ظرف نیمساعت بتوان دید، رویهم‌رفته به ۳۰۰ ساعت وقت نیاز دارید که با حساب روزی ۶ ساعت کار جمعی ۵۰ روز باید کار کرد. چنانچه به این محاسبات فرصتها و زحماتی را که برای تنظیم نتایج گیم‌ها و همچنین آماده کردن مراحل شروع، به ویژه مطالعات طاقت‌فرسائی که برای پیدا کردن حرکات جدید که تازه معلوم نیست از آزمایش هم صحیح درآید بیفزائیم، انگاه تصدیق خواهید نمود که واقعاً کاری بس دشوار در انتظار شما می‌باشد»

ایا يك استاد بزرگ چگونه باید دقت خود را متمرکز کند، تا هیچ چیز ولو ساده‌ای را نادیده نگیرد؟ قبلاً به خوانندگان گفته‌ام که

آموزنده و پر ارج می باشد، کمکی است شایان توجه به پژوهندگان این راه. دانش مربوط به مرحله شروع حد و مرزی ندارد، به همین سبب تعداد زیادی از اساتید کاملاً قدرتمند مخالف دقت زیاد و وسواس در آزمایش تعداد فراوانی واریاسیونها می باشند. هر چند که با وجود این بدبینی و تردیدها خودشان به خوبی می دانند، در مسابقات سطح و کلاس بالا، چگونه باید از همان مرحله شروع برای وصول به پیروزی تلاش نمود. برونشیتن که خود مبتکر و بنیانگذار بسیاری از واریاسیونهای به اصطلاح کلیدی یا راهگشا در مرحله شروع است می گوید: بازیکنان در بخش شروع گیم به قدری امکاناتی گوناگون در اختیار دارند که هرگز نمی توان تمامی آنها را به گونه ای کامل مورد بررسی قرار داد. ذیلاً برای بهتر روشن شدن مطلب علاوه بر توضیحات به ذکر مثالهای نمونه ای نیز خواهیم پرداخت. بطور کلی دو شیوه اصلی در مرحله شروع یافت می شود. بعضی از اساتید بزرگ تقریباً با تمامی روشها و واریاسیونهای این مرحله آشنا می باشند و علاقمندند که هر حرکت جدیدی را هم بدانند حال در هر کجای دنیا ولو ارژانتین و یا در هر سطحی ولو کلاس

پایین مسابقات انجام پذیرفته باشد. این دسته از اساتید بزرگ شدیداً مواظبتند که حرکات جدید را در اختیار داشته و نتایج حاصله از آنها را پس از تلخیص ثبت و ضبط نمایند. در عین حال نباید واقعیت مطلب را از نظر دور داشت که آنها با داشتن ذهن و روحیه ای جستجوگر برای فراگیری تمامی حرکات و سیستمهای جدید تئوری و دانش روز، همواره باید در حال تحقیق بسر برند. البته بعضی از اساتید بزرگ عملاً قدرتی عظیم دارند، اما با صراحت و بی پرده باید بگویم که به اعتقاد من شیوه غیر عادی که این گروه بکار می برند پیشرفت و ترقی را همانند صعود از راهی باریک به قلعه به تأخیر می اندازد.

من فکر می کنم که شیوه عملی و موثرتر به وسیله ان دسته از اساتید بزرگ بکار رفته است که برخی از سیستمهای شروع را با فکر و سنجیدگی برگزیده اند و نتیجه مطالعات عمیق و پیشرفته خود را در این زمینه دقیقاً در دفترچه یادداشت مخصوص Repertoire خویش ثبت می کنند. ولی درخصوص سائر سیستمها توجه کمتری می ذلول می دارند و در حد دوازده حرکت را برای مرحله شروع کافی می پندارند. نمی توان انتظار داشت همه چیز را

قهرمانی سال ۱۹۳۹ شوروی آماده می‌کردم. این روش با منافعی فوری که نصیب نمود موجب گردید که از آن پس همیشه دانستیهای خود را همواره در جهت دو خط اصلی تکامل و گسترش دهم.

همانگونه که خوانندگان به خوبی واقفند، مسئله بر سر آنست که چگونه می‌توان دفاع خوبی برای سیاه در مقابل گشایشی که سفید با حرکات e4 و d4 آغاز می‌کند پیدا کرد. من در قبال 1.e4 سعی می‌کردم شروع کار را به واریاسیون پیچیده شونینگن Sheveningen از دفاع سیسیلی بکشانم که در انجا سیاه خود را برای ضد حمله‌ای که با روش من کاملاً تطابق داشت آماده می‌نماید. برای پاسخ به حرکت 1.d4 من دفاع اسلاو را انتخاب نموده بودم. هر چند که چنین گزینشی به ظاهر عجیب بود، زیرا در این شروع سبکهای گوناگونی وجود دارد که نیاز به آگاهی و تجزیه و تحلیلی طولانی پیدا می‌کند. بعلاوه تقریباً هر ماه نیز حرکتی جدید به وسیله بازیکنان سراسر جهان ابداع و بدان اضافه می‌گردد.

بهر حال از يك سو من طبق طرحهای کلی عمل می‌کردم، از جهت دیگر مرحله شروع را با حرکاتی پیوسته و محکم و

درخصوص تمامی مطالب مندرج در کتابهای حاوی تئوریهای اطلاعاتی که همواره حجمشان رو به افزایش است بدانید. ولی بایستی تمام آنچه را که در زمینه معین و مطلوب شما قرار دارد به خوبی فراگیرید. نگاه اگر نسبت به سائر موضوعها آگاهی کمتری داشته باشید اشکالی ندارد. من احساس می‌کنم که اساتید بزرگ دسته اول بار مسئولیتی دشوار و غیر قابل تحمل را به عهده دارند. ولی صحیحترین شیوه همانست که انتخاب احسنی را روی مرحله شروع بعمل آورید، سپس همه چیز را درخصوص شاخه‌های مطلوب با مطالعه دقیق فراگیرید. تا انجا که من می‌دانم این روشی است که بزرگانی نظیر: بوتوینیک، پطروسیان، اسمیسلف، تال، اسپاسکی و کورچپوی بکار می‌برند.

شاید تجربه شخصی من که متعاقباً شرح داده خواهد شد، بتواند خواننده را در انتخابی که می‌خواهد بعمل آورد کمک کند. از سال ۱۹۳۸ و در انزمان که من موفق به اخذ مقام استادی گردیدم، اطلاعاتی کلی روی بیشتر شروع بازیها داشتم. ولی مطالعاتی عمیق روی بعضی از خطوط و شاخه‌ها بعمل می‌آوردم که درواقع نوآوریهای بود که برای مسابقات

پرسید: «چرا پیاده وزیر را نگرفتی؟ و سپس ما این شاخه را تا به آخر مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم!»

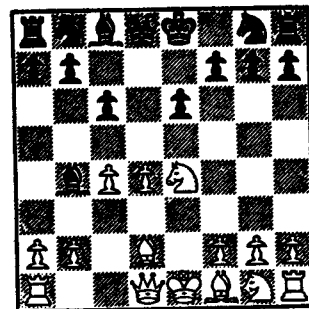
من کوشش می‌کردم با دلیل صحت تصمیم خود را توجیه کنم، ولی بطور نسبی احساس تقصیر می‌نمودم. ناگفته نماند که من از ترس امکان و ابتکار و نوآوری حریفم بود که ورود به مرحله آخر بازی مشکلی را ترجیح داده بودم. چند ماه پس از این واقعه در مسابقات کاندیداها در شهر بوداپست مجدداً بر علیه برونشیتن به همین پوزیسیون دیاگرام (154) رسیدم. این مرتبه تصمیم گرفتم واریاسیونی را که قبلاً تمامی حرکاتش را تا به آخر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بودیم بکار برم. لذا به گونه زیر مبارزه را دنبال نمودم:

6...D×P 7.F×F D×C+8.Fe2 Ca6
9.Fc3 Ce7 10.F×P Tg8 11.Fc3 D×g2
12.Dd2! D×T 13.0-0-0 Cd5! 14.
Cf3! D×T+ 15.F×D C×F 16.D×C Re7

حال در اینجا بود که در قبال حرکت بعدی حریفم یعنی 17.Ce5! من کاملاً به اصطلاح یک خوردم. البته پیدا کردن این حرکت خیلی مشکل نبود، ولی بهر حال ما در مطالعات قبلی انرا فراموش کرده بودیم. در نتیجه سرانجام با واریاسیونی اجباری مواجه شدم که حاصلش

واریاسیونهای قاطع Sharp دنبال می‌نمودم، به گونه ای که تشخیص بهبود و یا مردود بودن آنها به اسانی بوسیله انالیز قبل از مسابقه امکان پذیر بود. البته يك چنین پیشرفتهائی انهم در شاخه‌های قاطع به سادگی می‌توانست به پیروزی فوری منجر شود. کما اینکه در واریاسیونی که من در آخرین دور سرنوشت ساز مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۴۸ علیه برونشیتن بکار بردم به قرار زیر ادامه پیدا کرد:

1.d4 d5 2.c4 e6 3.Cc3 c6 4.
e4 dx e 5.C×P Fb4+6.Fd2



دیاگرام (154)

پس از تفکری طولانی، من تصمیم گرفتم فیله‌ها را تعویض کنم، اما در خاتمه مسابقه، مربی من سیمانگن نسبتاً با خشم از من

نمی‌رسد. ولی، کمی بعد و هنگامیکه به افتخار مقام استادی یا استاد بزرگی نائل شدید چنین یادداشتهائی مفید بودنش می‌تواند مسلم شود - البته بستگی به سرشت یا منش شما نیز خواهد داشت. ولی در بدو امر بهتر آنستکه از هجوم آوردن به چنین اقدامی پرهیزید.

منطقی‌ترین شیوه‌ای که با بکار بردن آن می‌توانید بهتر از عهده مسئله برانید، گزینش دو یا سه راه برای سیاه است (البته یکی از این راهها باید برای ایجاد پیچیدگی مناسب باشد) که باید عمیقاً آنها را بررسی و آزمایش کرده باشید. تلاش نمائید که همه چیز را درخصوص راههائیکه برگزیده‌اید بدانید. انگاه در مورد سائر شروعه‌ها، می‌توانید معلومات خود را به دانستن حداقل اصول و قواعد اساسی آنها محدود کنید.

مسئله عمده در مطالعه روی بخش آغاز گیم عبارتست از درک ماهیت پوزیسیونی برخی پوزیسیونهای راهگشا یا کلیدی (برونشیتن چنین نامیده است). یکمرتبه که بازیکنی مطالعات لازم را روی پوزیسیونهای راهگشای برخی مراحل شروع بعمل آورد پس از آن فهم مطالب برای درک پوزیسیونهای راهگشای سایر مراحل شروع که مختصر تفاوتی داشته

پوزیسیونی همراه با ناامیدی بود و حریف بدون زحمت فوق‌العاده‌ای يك امتیاز کامل بدست آورد. درواقع این حادثه برای من درسی بود دردناك. از آن هنگام تصمیم گرفتم هرگز دنبال واریاسیونهای که به وسیله تئورسین‌ها تا عمق ۱۵-۲۰ حرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است نروم.

امروزه همانند قانونی استاد بزرگهای همکار من نیز همین روش را بکار می‌برند. هر چند که بعضی‌ها پیدا می‌شوند که دوست دارند با آتش بازی کنند و جسورانه در يك چنین صحنه‌هائی وارد می‌شوند. ضمناً بد نیست بدانیم که بسیاری از کارشناسان شروع بازی نظیر بولسلاوسکی، برونشیتن، گلر، تایمانوف و اسبوکف و فورمان تخصصی در شاخه‌های اجباری مرحله شروع دارند. برای اندرز به خوانندگان، می‌توانم توصیه کنم يك دفتر یا کارت راهنما Index برای ضبط جمیع واریاسیونها ترتیب دهند که بگونه‌ای منظم و بر طبق آخرین تئوریه‌ها پیشرفته‌های روز در آنجا بایگانی بعمل آمده باشد. بدیهی است که این وظیفه ایست بسیار سنگین و گرچه برای دوران اولیه که گامهای سریع پیشرفت را برمی‌دارید چندان الزامی به نظر

باشند سهلتر می‌گردد. سپس کم کم می‌توان بطور کامل هر نوع گشایشی را استنباط کرد.

اکنون می‌خواهیم به ذکر مثالهایی بپردازیم که به کمک تجزیه و تحلیل آنها خوانندگان با طرز عمل یا به اصطلاح الگویی آشنا شوند که از آن پس بتوانند در مورد سائر گشایشهای مطلوبشان انرا بکار برند.

دیاگرام (83) یک پوزیسیون راهگشا را در روش جدید دفاع هندی شاه نشان می‌دهد. سفید از فضای بیشتری برخوردار است، ولی باید توجه داشت که قید و محدودیت در فضا که مبین طبیعت پوزیسیون سیاه در این گشایش می‌باشد، می‌تواند امتیازی به شمار آید. زیرا در حکم فتری است که به حالت انقباض درآمده و ناگهان با بازشدنش می‌تواند ضربه‌ای نامطبوع به حریف وارد سازد.

در انجا عواملی چند وجود دارند که پطانسیل تهدید سوارهای سیاه را مشخص می‌کند. از انجمله فیل‌هایش آماده عمل می‌باشند، رخ و اسبهایش پیاده شاه سفید را زیر ضرب دارند، پیاده وزیرش هم که به ظاهر ضعیف می‌نماید در بسیاری از واریاسیونها آماده پیشروی است. ضمناً در مورد سائر صحنه‌های این میدان جنگ، می‌توان روی پیاده a4 و امکان پیشروی آن

حساب کرد، زیرا وضع وخیمی را بوجود می‌آورد. به ویژه که قطر بزرگ سیاه هم اکنون ضعیف بنظر می‌رسد. نظیر همین پیشروی درخصوص پیاده h سیاه نیز امکان‌پذیر است، چنانچه این پیاده را بتوان به خانه h4 رساند انگاه در صورت نگاهداری همواره با تهدیدی ثابت همراه است. حال اگر مجموعه این تهدیدها که در سراسر عرصه بوجود آمده است در اختیار کارشناس دفاع هندی شاه قرار گیرد می‌تواند برای سفید خیلی دردسر و زحمت ایجاد کند. ضمناً این حالت بحرانی و مراقبت مداوم که مستلزم دقت بدون تردیدی برای طرفین می‌باشد، حقیقتاً دفاع هندی شاه را به صورت مرحله شروعی جدید درآورده است.

پوزیسیون گشایشی دیگری را که به عنوان کلید یا راهگشا می‌توان در نظر گرفت پس از انجام حرکات زیرین بوجود می‌آید:

1.d4 Cf6 2.c4 e6 3.Cc3 Fb4 4.
e3 e5 5.Fd3 0-0 6.Cf3 d5 7.0-0
Cc6 8.a3 F×C 9.P×F d×c 10.F×P Dc7

اعمال هر چه بیشتر فشار روی مرکز سفید باشد تا با ایجاد ضعف در پیاده‌ها سرانجام آنها را بگیرد. الزاماً یادآوری می‌نماید، قبلاً ضمن تفسیریکه درخصوص مرکز سیال به عمل امد توضیحات لازم داده شده است.

این گونه ارزیابیهای پوزیسیونهای کلیدی را که در نشریه مسابقات و کتابهای مخصوص تئوریهای مرحله شروع جمع‌آوری و تدوین گردیده است می‌توانید مورد مطالعه قرار دهید. چنانچه علاقمندان یکمرتبه ماهیت پوزیسیونهای کلیدی را درک نموده و خود را با واریاسیونهای چند مجهز کرده باشند، می‌توان گفت که افتخار آمادگی مقابله با اساتید فن را دارا می‌باشند.

این مطلب نیز توجهی کافی مبذول گردیده است.

حال می‌خواهیم ببینیم، آیا اساتید و کارشناسان این فن درخصوص مرحله وسط گیم چه مطالعاتی بعمل می‌آورند؟ ما قبلاً درخصوص نکات اساسی عناصر یک پوزیسیون و لزوم داشتن طرح و چگونگی آنها بحث کرده‌ایم. اکنون می‌توانیم مطالعه روی ترکیبها Combinations را بر آن بیفزائیم که معمولاً در این مورد تقسیم‌بندی بر اساس سه عامل اساسی صورت می‌پذیرد (پوزیسیون پایه که محرك بوجود آمدن ترکیب است، پوزیسیون نهائی یا هدف، راه وصول به آن).^(۱) البته ترتیب و تنظیم حرکات باید طوری انجام پذیرد که به آخرین پوزیسیون مطلوب منتهی گردد.

ایا مطالعه مرحله میانی امکان‌پذیر است؟

این سنوالی است که سالیانی دراز و در طول نسلها ذهن و افکار بازیکنان را به خود مشغول داشته و پاسخش منفی بوده است. معهذا در چند دهه اخیر و هنگامی که دانش مرحله شروع و سائر قسمتها گامهای عظیمی را به جلو برمی‌داشت، به

(۱) چون اشنانی با برداشت تتوریک ترکیب Combination ضروری و مفید به نظر می‌رسد، لذا ذیلاً مختصر توضیحی در این زمینه داده خواهد شد.

ترکیب، اجمالاً واریاسیونی است اجباری همراه با قربانی. از نظر تتوری، اجزاء متشکله ترکیب را چنین بیان می‌کنند: Motif-1 موضوع یا انگیزه اصلی را می‌نامند که ریخت خاص یا پوزیسیونی است که اجازه می‌دهد با قربانی دادن بتوان به هدفی معین دست یافت

۲- Theme آخرین وضعیتی است که نمایشگر پوزیسیون مطلوب و پیش‌بینی شده می‌باشد.

۳- Means راه کار، سری حرکات دقیق و منظمی

از مطالعات اساسی دیگری که امروزه روی مرحله میانی گیم به عمل می‌آید، موضوع بررسی خاصی است که روی انواع حملات ممکنه صورت می‌پذیرد. از جمله، مطالعه‌ای کامل اختصاص به یورشهای پیاده‌ای دارد به ویژه هنگامی که طرفین در جناح مخالف قلعه رفته باشند. چنانچه در يك جناح قلعه‌ها انجام پذیرفته باشد، انگاه انواع سوار و پیاده و امکان حملاتشان مورد توجه قرار می‌گیرد. اکنون، اساتید بزرگ به این مطالعات هم اکتفا ننموده و کوشش می‌کنند طبقه‌بندی قاعده‌داری روی انواع مختلف پوزیسیونهای شاخص بعمل آورند، تا

است که موجب می‌گردد از پوزیسیون محرك اولیه (Motif) بتوان به پوزیسیون مطلوب (تم) رسید. برای بهتر روشن شدن مطلب پوزیسیون ذیل را در نظر بگیرید که نوبت حرکت با سفید باشد:

Rb1, Dc4, Cg5 سفید

Rh8, Dc8, Tf8, Pg7, h7 سیاه

وضع موجود، که با نگاهی اجمالی می‌توان تشخیص داد که به مات مختنق ختم می‌شد Motif یا انگیزه اصلی است.

Means، یا راه کار عبارتست از:

1.Cf7+ Rg8 2.Ch6++ Rh8 3.Dh8+ T×D

مات 4.Cf7

بالاخره پوزیسیون اخر که به مات ختم شده است یا Theme

بدیهی است سوای مات مختنق انگیزه‌های فراوان دیگرهم وجود دارد که به وسیله کارشناسان مرحله میانی دسته‌بندی و در کتابهای مخصوص این مرحله ارائه گردیده است. - مترجم

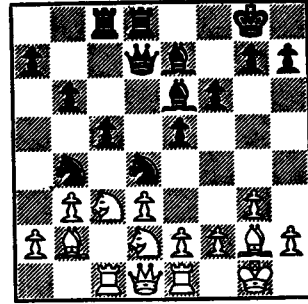
بدینگونه بتوانند ضمن مطالعه رمز انها را کشف کرده و با روشهای صحیح حمله و دفاع در هر مورد تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.

کارشناسان تئوری مرحله وسط گیم همیشه عملاً اساتیدی قوی و با تجربه هستند. زیرا برخلاف مراحل شروع و پایانی در این مرحله کسی می‌تواند به چیرگی و مهارت برسد که فقط تجربه‌های عملی فراوان داشته و روی بسیاری از پوزیسیونهای شاخص این بخش مطالعه نموده باشد. در ضمن ارزیابی و قضاوت پوزیسیونی، یادآوری گردید که در گیم‌های مسابقه‌ای بوتونیک تقریباً جزئیات کامل راه حل مسائلی را ارائه می‌نماید که ناشی از پوزیسیونی است که سفید در خانه d5 (در بعضی حالات سیاه d4) سنگری قوی را در اختیار دارد.

ضمناً، در دیاگرام (156) نیز نوعی آرایش پیاده‌ای را که بوتونیک به گونه‌ای مشابه بسیاری موارد دیگر مورد بهره‌برداری قرار داده می‌توان دید.

این پوزیسیون از پیکار کرلیف - بوتونیک (Kirilov - Botvinic) مسابقات قهرمانی شوروی سال ۱۹۳۱ برگزیده شده است. بوتونیک نظیر این پوزیسیون را در پیکار بر علیه لیلیانتال - مسکو ۱۹۳۶ - و بر علیه

در اینجا باید اضافه کنم که من اغلب دیده‌ام بولسلاوسکی و برونشیتن پوزیسیونهای از مرحله آخر را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که از يك چنین واریاسیونی بوجود آمده باشد. ایا فکر می‌کنید نیازی هست که پوزیسیونهای شاخص ناشی از واریاسیون روزر Rouser در شروع روی لوپز و یا در دفاع سیسیلی هم یادآوری گردد؟ بهترین روشهای دفاع و حمله در تمامی این واریاسیونها به تفصیل قبلاً مورد انالیز کامل قرار گرفته و به اصطلاح از کار درآورده شده است و در کتابهای مسابقات آنها را فراوان می‌توان پیدا کرد. ناگفته نماند، در مسابقات هنگامیکه چنین پوزیسیونهایی بوجود می‌آید، سرعت انجام حرکات اساتیدی که در این رشته تبحر دارند، مانند برونشیتن، شامکوویچ، واسیوکوف واقعاً دیدنی است. امروزه بهترین بازیکنان شطرنج در زمینه آشنائی با پوزیسیونهای شاخص انقدر عمیق پیشرفته‌اند که حدّ و اندازه آن موجب شگفتی است. به خاطر می‌آورم که در مسابقات پالمادو ماژورکا ۱۹۶۷ بوتوینیک پیکارش را در برابر ماتولویچ ثبت کرده بود، ضمن مهلتی که داشت درخصوص چگونگی آن با اسمیس洛夫 و من چنین به



دیاگرام (156)

لیزیتسین در هفتمین قهرمانی شوروی و بسیاری اساتید دیگر داشته و به پیروزی رسیده است. در تمامی این برخوردها، ادامه غیر فعال طرف مدافع موجب گردیده است که خیلی زود طعم شکست را بچشد. ولی بعداً راهی روشن برای دفاع یافت شد که براساس پیشروی پیاده f بنا شده بود و در مبارزه‌های فاین - بوتوینیک (Fine - Botvnic) نوتینگهام ۱۹۳۶ و کوتوف - فورمان (Kotov - Furman) قهرمانی شوروی ۱۹۴۸ مورد استفاده قرار گرفته است.

لازم به یادآوری است که بسیاری از پوزیسیونهای شاخص مورد بحث ناشی از دفاع هندی شاه می‌باشند. يك نمونه از آنها را هم قبلاً مورد بررسی قرار داده ایم.

قبل دانست یا آماده کرد. بلکه کاملاً عکس این مطلب صادق است و غرض از مطالعات مورد اشاره در فوق غنی تر شدن فکر است برای بوجود آوردن ترکیبهای زیباتر و ژرفا و پیچیده جلوه دادن هرچه بیشتر مفهومیهای استراتژیکی.

گیمهای ثبت شده

بسیاری از گیمهای مسابقه‌ای در اولین جلسه که معمولاً پنجساعت بطول می‌انجامد خاتمه نمی‌پذیرد و دنباله‌اش به جلسه بعد موکول می‌گردد. برحسب قاعده بازیکنی که نوبت با او می‌باشد حرکت را روی کاغذ مخصوص ثبت مسابقات دور از چشم دیگران نوشته و در پاکت مخصوص جای داده و پس از امضاء کردن به داور تحویل می‌دهد.

پس از تسلیم پاکت ثبتی و در فاصله زمانی بین دو جلسه، بازیکنان با استفاده از فرصت کاملی که در اختیار دارند به تجزیه و تحلیل پوزیسیون مربوط خواهند پرداخت. هنگامیکه مجدداً پشت میز مسابقه قرار می‌گیرند طبعاً اندوخته‌ای فراوان از واریاسیونهای که قبلاً بررسی و آزمایش کرده‌اند در ذهن خویش آماده

گفتگو پرداخت: «پیروزی در این پوزیسیون برای سفید آسان می‌باشد، زیرا در لحظه مناسب يك قربانی اسب در g6 یا h5 قاطع بنظر می‌رسد. من نظیر این پوزیسیون را هنگامیکه برای مسابقه دو نفری با تال خود را آماده می‌کردم مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ام.» البته، هنگام ادامه پیکار او بلادرنگ به بهترین طریق به پیروزی رسید. از آنجا به خوبی می‌توان فهمید که امروزه تا چه میزان تکنیک یا قواعد فنی در شطرنج تکامل حاصل کرده است.

بنابراین شما خوانندگان نیز به نوبه خود باید به تجزیه و تحلیل پوزیسیونهای شاخص مرحله وسط گیم پردازید. بطور کلی نمونه‌هائی را که با ذوق خود مناسب تشخیص می‌دهید، با توجه به پیدا کردن راههای حمله و دفاعی که اغلب نظائرش در گیمهای خودتان هم اتفاق می‌افتد، همواره مورد انالیز قرار دهید. بعلاوه مرور همه روزه و ملاحظه مسابقات فراوان و مطالعه هرچه بیشتر پوزیسیونهای که با توجه به تئوری تفسیر شده‌اند به شما امکان خواهد داد که با رموز مرحله وسطی بیش از پیش آشنا شوید. ولی از آنچه که گفته شد نباید نتیجه گرفت که در شطرنج باید همه چیز را از

دارند.

این رویه کار که پس از ثبت حرکت هنگام فراغت بتوان روی پوزیسیون آنالیزی، کم یا زیاد عمیق، به عمل آورد کار چندان ساده‌ای هم نمی‌باشد. چه بسا که گاهی مشکلاتی مطرح می‌شود که حل آنها به دانش و تجربه اساتید قوی در چنین زمینه‌ای نیاز دارد. ضمناً، چون در برخی مواقع حرکت ثبت شده حالات عجیب و اسف‌انگیزی بیار می‌آورد، لذا ایجاب می‌نماید به انتهائی که در این مورد تجربه کافی ندارند توصیه‌های لازم به عمل آید. قبل از هر چیز باید تشخیص داد که آیا بهتر است شما حرکت را ثبت کنید یا سعی نمائید که این عمل به عهده حریف و گذار شود؟ در بسیاری از مسابقات سطح بالا مانند قهرمانی جهان، حتی قویترین اساتید بزرگ معمولاً از اشتباه مبنی بر تعجیل در انجام حرکت چهل و یکم مبری نیستند (یعنی يك حرکت پس از وصول به حد نصاب و کنترل زمان). برای این شتاب احتمالاً مهلك، دلائل فراوانی هم ذکر می‌شود. از جمله، احتیاط در محاسبه و شمارش تعداد حرکات به هنگام تنگی زمان، یعنی امکان اشتباه سی و نهم بجای حرکت الزامی چهلّم را ذکر می‌کنند. از این مطلب هم که می‌گذریم، موضوع تماایل

به واگذاری مسئولیت پیدا کردن حرکت صحیح به عهده حریف نیز جالب توجه می‌باشد. چنین بنظر می‌رسد که بین حریفان در این خصوص مشاجره‌ای در باطن وجود داشته باشد و نزد خودشان چنین تعبیر می‌کنند: «چرا، من باید با وجود خستگی مسلم ۲۰ دقیقه دیگر باز هم اینجا نشسته و برای پیدا کردن حرکتی صحیح که احتمالاً بسیار مشکل و حتی منحصر به فرد هم ممکن است باشد تقلا و کوشش کنم؟ آیا بهتر نیست انجام چنین عملی را به عهده حریف واگذار کنم؟ البته با علم به اینکه چه حرکتی انجام گردیده است به دنبال تجزیه و تحلیل پوزیسیون معینی رفتن واقعاً اولیتر از آنستکه انرا حدس بزنیم. ولی با وجود این ثبت نکردن حرکت امتیازی نیست که اهمال شده باشد.»

به ویژه اگر استاد بزرگ با حالتی عصبی ببیند داور مسابقات در حال آوردن پاکت ثبتی است، در انجام حرکت تعجیل می‌کند و اغلب در چنین کیفیتی شانس خوب فکر کردن را هم از دست می‌دهد و در نتیجه هنگامی که به خانه می‌رسد متوجه خواهد گردید که حرکتش اشتباهی مسلم بوده است. آیا اشتباه بزرگی را که برو نشستن در مسابقه‌اش علیه بوتونیک (دیاگرام 38)

انجام داد بیاد می‌آورد؟ در انجا نیز حرکت شاه که موجب مغلوب شدنش گردید، دقیقاً حرکت چهل و یکمین بود! حالاتی وجود دارد که حرکت بعدی را در حکم انجام یافته می‌توان تلقی نمود و ان هنگامی است که فقط يك حرکت ممکن وجود دارد و یا حرکتی است بسیار اشکار. ولی در چنین حالتی نیز قبل از انجام چنین حرکتی صبر و تامل کاری است درست و اندیشه‌ای نیکو، زیرا، چه بسا که حریفهم از شانسى متقابل یعنی پاسخی واضح برخوردار باشد که در چنین وضعی نباید فرصت بهره‌برداری به او داده شود. به هر کیفیت، در بیشتر از حالات تعجیل نتیجه‌اش همراه با اشتباه می‌باشد. بوتوینیک هرگز حرکت چهل و یکم را انجام نمی‌دهد، او بیش از هر کسی تجربه دارد که تشخیص دهد در کجا و کی کفه ترازوی برتری در جهت ثبت حرکت است یا خیر. او به گونه‌ای اشکار استنتاج می‌نماید که برتریهای حاصل از انجام دادن يك حرکت با عجله در مقام مقایسه با خطر که در کمین می‌باشد بی‌نهایت کوچک و ناچیز است.

بنابراین از او درسی بیاموزید، حرکت چهل و یکمین را انجام ندهید و در عوض انرا ثبت کنید. شما به زودی برتری بکار

بردن چنین شیوه‌ای را درك خواهید کرد. پس از ثبت گیم ناتمام بعضی از بازیکنان عادت دارند به محض ورود به خانه یوزیسیون ثبت شده را چیده و با صرف نظر نمودن از هرگونه استراحت به بررسی ان می‌پردازند. به اصطلاح انچنان در خود فرو می‌روند که به جای و عصرانه‌ای که فامیل آماده می‌کنند تمایلی نشان نمی‌دهند. احتمالاً فقط به ساعات کوتاهی خواب اکتفا نموده و حتی فراموش می‌کنند که خود را برای مبارزه در دورآتی که بلافاصله روز بعد انجام خواهد شد آماده سازند. بدین ترتیب اگر در دور بعد با فاجعه‌ایهم مواجه شوند نباید تعجب کنند. کما اینکه در مسابقات نیمه فینال قهرمانی ترایداونیون ۱۹۳۶ من گیم ناتمام خود را بر علیه فوزلویچ در وضعی ثبت نمودم که یوزیسیون ناامید کننده رخ و پیاده آخر بازی باقیمانده بود. به گونه‌ای که در بالا اشاره شد دو ساعتی با ان مشغول بودم. حال در چنین کیفیتی یعنی مایوس و خسته دور دوم را نیز در مقابله بازنوسکی تقریباً بدون جنگیدن شکست خوردم و دور سوم هم نیز به یوزیف تسلیم شدم، در حالی که پس از ان در گیم نیمه تمام فوزلویچ در برابر من فقط به يك تساوی تن در داد! اساتید بزرگی که می‌دانند چگونه

این سؤال از خود آغاز می‌نماید: آیا می‌توان مساوی کرد؟ انگاه پس از حصول اطمینان از اینکه لااقل تساوی را خواهد داشت، در جستجو و پیدا کردن راه پیروزی برمی‌آمد. حال اگر شما هم همین شیوه را بکار برید خواهید دید که تجزیه و تحلیل شما صحیحتر و پیچ و خم آن بسیار کمتر می‌شود.

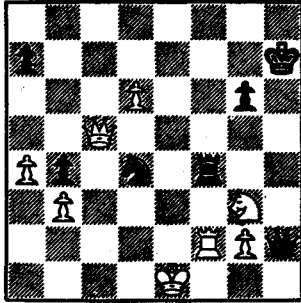
مسئله دیگری که می‌توان مطرح کرد، موضوع چگونگی بررسی پوزیسیون می‌باشد که آیا بهتر است شخصاً مورد مطالعه قرار گیرد یا با کمک یکی از دوستان؟ تا آنجا که تجربه نشان داده است، برحسب قاعده، آنالیز دستجمعی به سوی نادرستی گرایش دارد. من با همکاری کان که استاد عالی‌قدری است پوزیسیون ناتمام از مبارزه ام علیه بولسلاوسکی (سفید) در مسابقات مسکو ۱۹۴۲ را مورد آنالیز قرار دادیم. دیاگرام (157)

با وجود آنکه قریب ۳۰ ساعت وقت صرف بررسی نمودیم، با شروع جلسه مسابقه متوجه گردیدم اولین حرکت پس از حرکت ثبتی که براساس آن تجزیه و تحلیل صورت پذیرفته بود مبنی بر اشتباهی بزرگ بوده است. زیرا به بهای از دست دادن يك رخ برایم تمام شد. یعنی

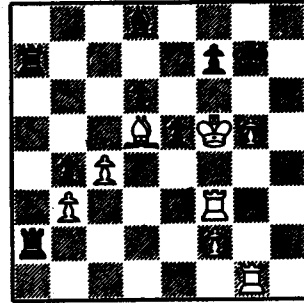
اعصابشان را کنترل کنند شب همانروزی که نیمه تمام را ثبت نموده‌اند به تجزیه و تحلیل پوزیسیون نمی‌پردازند - یا لااقل این توصیه ایست که به دیگران می‌کنند! اگر استاد بزرگ چنین پوزیسیونی را هم مورد توجه قرار دهد، فقط به لحاظ حل کردن تعدادی مسائل کلی است، او هرگز به گونه‌ای تفصیلی درصدد تجزیه و تحلیل و یا پیدا کردن راه پیروزی بر نمی‌آید. چرا که محققاً توجه دارد که فردا مبارزه دیگری درپیش دارد و امتیازی بیش از نتیجه گیم نیمه تمام در معرض خطر دارد. به همین سبب به تخت خواب رفته و برای امادگی بیشتر خوب می‌خوابد.

بعضی اوقات پیش‌بینی نتایج نیمه تمامهائی که ثبت شده‌اند آسان نیست. مثلاً پوزیسیونی را که در ذهن خود می‌پندارید پیروز می‌شوید، همینکه به خانه رسیده و مورد بررسی قرار دادید ملاحظه می‌نمائید که برخلاف تصور شما انقدرها ساده نیست. در نتیجه موجب یک خورده شما می‌گردد. در يك چنین حالاتی ما به صورت لطیفه به یکدیگر می‌گوئیم: «بگذار اصل لیلیانتال را بکار ببریم.»

نکته‌ای که این استاد بزرگ با تجربه و معلم واقعی بکار می‌برد عبارت از آنست که همیشه تجزیه و تحلیل پوزیسیون را با



دیاگرام (158)



دیاگرام (157)

را انجام داد، هنگامیکه به خانه رسید متوجه شد که از این حرکت واریاسیون‌هایی پیچیده بوجود می‌آید که دنباله جریان حرکات طبیعی:

44...DxC+45.Tf2 پیروزی سفید خواهد گردید. ولی، بوتونیک با حرکتی غیرطبیعی: 44...Dg8+! بلادرنگ وزیر سفید را می‌گیرد، سرانجام پس از حرکت پنجاه و پنجم نتیجه به تساوی کشانده می‌شود. بخاطر داشته باشید حتی اگر بازیکنی به طور نسبی از شما قویتر باشد، معذک روی پوزیسیون ثبتي به خوبی خود شما نمی‌تواند مؤثر واقع شود. زیرا شما همبستگی و پیوندی خودمانی با این پوزیسیون داشته و در شعور باطنی شما

هنگامیکه من 1...e4 کردم حریفم حیرت‌زده نگاهی به من نمود و 2.g6 کرد. البته پس از آن خیلی زود شکست را پذیرفتم. تایمانوف نیز در مچ علیه بوتونیک سال ۱۹۵۳ انچنان اشتباه بزرگی مرتکب شد که دلخوری کمتر از وضع فوق نمی‌باشد. با توجه به دیاگرام (158) تایمانوف 44.TxT

تحلیل قرار می‌دادیم. پس از آن، بوتونیک یا اسمیس洛夫 (با توجه به اینکه چه کسی حرکتش را ثبت کرده باشد) برای مدتی نزدیک نیمساعت به اطاق خودش می‌رفت و سپس قبل از شروع مجدد مسابقه ما هر سه با هم آخرین آنالیز را مورد بررسی قرار می‌دادیم.

استعداد آنالیز گیمهای ناتمام و ثبت شده معمولاً به قابلیت قدرت تحلیلی هر شخص بستگی دارد. برحسب قاعده، استاد بزرگ بدون تحمل زحمت فراوان از عهده انجام این وظیفه برمی‌آید. ولی نکته سنجی و چیره دستی بوتونیک و وجه تمایز عالی او در این زمینه و اینکه هرگز در فعالیتش قصوری دیده نمی‌شود مرا متحیر ساخته است. فقط کسیکه مجموعه شاهکارهای شطرنجی او را مطالعه نموده باشد می‌تواند درك کند که تجزیه و تحلیل‌های گیمهای ثبت شده او چگونه نمایشگر دقت ماشین گونه‌ای می‌باشند. بالاتر از آن، نکات دقیق و ظریف روانشناسی می‌باشد که در آنالیزها مورد توجهش قرار گرفته است. او با شخصیت و صفات ممتازه حریفانش که در زمره قویترین بازیکنان جهان بشمار می‌آیند اشنائی کامل داشته است.

نفوذ کرده است. هر يك از سلولهای مغزی شما تا حدی برای حل چنین مسئله‌ای در حال فعالیت می‌باشند. برای اطمینان بیشتر فقط کافیست بیاد آورید که چگونه اغلب يك بازیکن راه حل مشکلش را پس از آنکه با همان فکر می‌خواهد پیدا می‌کند.

تجربه اساتید بزرگ بهترین روش را به گونه زیر مشخص کرده است. قبل از هر چیز به اتفاق دوستان پوزیسیون را مورد بررسی قرار دهید. ممکن است آنان عقاید جالبی را که بنظر شما نرسیده باشد اظهار دارند. سپس ضروری است که تمامی عقاید مزبور را شخصاً مورد بررسی قرار دهید. البته متوجه خواهید شد که به بسیاری از آنها نیازی نمی‌باشد. نگاه تجزیه و تحلیلی کامل روی آنچه را که شخصاً پذیرفته‌اید بعمل آورید. یادداشتی هم تنظیم نمائید و سپس از دوستان بخواهید که به اتفاق شما واریاسیونهای مربوطه را مورد کنترل و رسیدگی مجدد قرار دهند.

سال ۱۹۶۷ در مسابقات پالما دوماژورکا فاصله زمانی بین جلسات گیم اصلی و نیمه تمام فقط يك ساعت و نیم تعیین گردیده بود. بوتونیک، اسمیس洛夫 و من مشترکاً پوزیسیون نیمه تمام را مورد تجزیه و

اندرزی چند در خصوص مطالبی گوناگون

شطرنج و زندگی

مردم شطرنج را در سنین مختلف می‌توانند بیاموزند، ولی اغلب در طفولیت یا نوجوانی انرا فرا می‌گیرند. انها با اشتیاق فراوان اوقات ذخیره و بیکاری خود را در این راه مصرف می‌کنند. سپس برای بعضی‌ها جذبه ان کمتر می‌شود، در صورتیکه جمعی دیگر عشق و علاقه‌ای روزافزون به ان پیدا می‌کنند. مسلماً از همین گروه اخیر است که بازیکنان درجه يك و بعداً کاندیدهای استادی و استاد بین‌المللی پدید می‌آید.

اکنون می‌خواهیم بدانیم هنگامی که نوجوانی به مقام کاندید استادی دست یافت، آیا چه باید بکند؟ بدیهی است زندگی ایجاب می‌نماید که قبل از هر چیز وظائفش را در قبال تحصیل و کار انجام دهد. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه وقت می‌تواند به شطرنج برسد و چگونه می‌توان انرا با واجبات زندگی تطبیق داد؟ از تجارب قابل توجهی که در این زمینه

بعمل آمده چنین نتیجه گردیده است، اگرچه شطرنج و وظائف زندگی راهشان یکی نیست، ولی ترکیب این هر دو مشکل نمی‌باشد. می‌توان در عین حال شدیداً مجذوب شطرنج بود و به تحصیل و کار هم توجه لازم مبذول داشت. بنا به تجربه شخصی که من دارم شطرنج نه فقط موجب عقب افتادن تحصیلاتم در دبیرستان و دانشگاه نگردیده است بلکه مفید هم بوده است. زیرا شطرنج در تکامل عادت «منطقی فکر کردن» سهمی به سزا دارد.

ایا شطرنج می‌تواند حرفه‌ای به شمار آید؟ یکمرتبه در بلغارستان رهبر ارکستری از بنداروسکی پرسید: استاد بزرگ ایا شما حرفه‌ایهم دارید؟ بنداروسکی نیز با تبسم در پاسخ متقابلاً همین سؤال را از وی بعمل آورد. نگاه رهبر ارکستر متوجه گردید که سؤالش دور از نزاکت و مبادی ادب بوده است و پوزش خواست. ما به گونه‌ای استوار عقیده داریم که یکنفر می‌تواند تمامی سعی خود را در تمام عمر وقف شطرنج نماید و الحق که این فن دلپذیر شایستگی انرا هم دارا می‌باشد. بوتونیک در اینخصوص عبارت خاصی دارد: «شطرنج به هیچ وجه ذره‌ای کم ارجح تر از ویولن نیست و ما امروزه تعداد

عوامل پیروزی

تفسیری که الخین قهرمان جهان در اینخصوص بعمل آورده و معروفیت فراوانی دارد چنین است. «برای نیل به موفقیت و پیروزی سه عامل ضروری است که عبارتند: نخست و مقدم بر هر چیز تشخیص توانائیا و نقاط ضعف شخصی و سپس تشخیص توانائیا و ضعفهای حریف و سرانجام داشتن هدفی عالی غیر از رضامندی زودگذر. منظورم از این هدف، تمایل قلبی به ارائه انچنان صحنه ایست که ارزشهای علمی و هنریش شطرنج را در زمره هنرهای معروف به شمار آورد.»

اینک برای توضیح بیشتر درخصوص سه مورد مذکور در فوق مطلب را از آخری شروع می کنیم، تردیدی نیست که خوانندگان مفهوم خاص انرا می دانند. زمانی برای من فرصتی مناسب دست داده بود که بتوانم دقیقاً خلاف انرا مشاهده کنم و ان هنگامی بود که یکی از بزرگان شطرنج در مسابقه سیمولتانه يك سوارش گیر افتاده بود. حریف جوانش که سخت مشتاق پیروزی بود انرا گرفت و بوسیله مربی مربوطه مورد تحسین فوق العاده ای

زیادی ویولونیست حرفه ای داریم.» در عین حال می خواهم به خوانندگان جوان هشداری بدهم، توجه داشته باشند هنگامیکه می خواهید گامهای اولیه خود را در این دنیای پهناور بردارید نیاستی کار و تحصیلات را به بهانه تمرکز در شطرنج رها کنند.

اغلب من به کسانی برخورد می کنم که شهرت دارد استعداد خود را تشخیص نداده اند. به راستی قیافه رقت انگیزیم دارند! تنها روش صحیح در بدو امر، مراقبت در سازش دادن کار با فعالیت شطرنجی می باشد. فقط هنگامیکه شناختی بسیار کامل نصیبتان گردید و به مقام استاد بزرگی نائل امید انگاه می توانید کاملاً خود را وقف هنر شطرنج نمایید. حتی در ان موقع نیز اتخاذ چنین تصمیمی نیازی جدی به تامل و تفکر دارد، زیرا سرنوشت خود و فامیل خویش را به دست اتفاقات ناشی از نتایج مسابقات شطرنج سپردن متضمن مسائل فراوانی است. وانگهی، تعداد فراوانی از بازیکنان در حالی که نتایج بسیار درخشانی از مسابقات بدست می آورند در ادامه حرف انتخابی خویش نیز موفقیت کامل دارند.

واقع گردید. البته مشکل است انرا يك هدف عالی تلقی نمود. درعوض، ما به خوبی واقفیم که اساتیدی برجسته چون، ریومین، راگوزین، سیماگن خدماتی پر ارج ارائه نموده اند. زیرا برای آنها کیفیت هنری شطرنج عاملی مهمتر از نتیجه آن بوده است. به عبارت دیگر، آنها معنای واقعی تلاشهای خود را در ایجاد صحنه های هنری و دلپذیر می دیدند و این همان نمونه ایست که ما باید سرمشق قرار دهیم.

حریف را بشناسید

اساتید بزرگ از چگونگی قدرت حریفانی که غالباً در مسابقات سطح بالا با آنها مواجه می شوند بسیار خوب آگاهند. هنگامیکه من می خواستم در آزمایشهای تعیین قدرت برای ورود در مسابقات قهرمانی جهان شرکت جویم، برای هر يك از حریفانم جداگانه پرونده مخصوصی ترتیب داده بودم و تا آنجا که می دانم سائر اساتید بزرگ نیز به همین نحو عمل می کنند. در يك چنین پرونده هایی معمولاً موارد ذیل بایگانی شده است: خلاصه ای از صفات مشخصه بازیکن، یادداشت هایی

که نشان می دهد او روی چه چیز تلاش خود را متمرکز می کند، نقاط ضعف یا قدرتش کدامها هستند.

هرچه بیشتر باید روی مبارزه های انجام شده حریف دقتی خاص به عمل آورد. تمامی آنها را مورد مطالعه قرار داده و نتایج را بیرون کشید و بر مطالب مضبوط در بایگانی افزود. انگاه شما می توانید طرح مرحله گشایش و واریاسیونی را که درنظر دارید در مسابقه آتی بکار برید تنظیم نمایید. تکیه بر دانش حاصل از تجربه در مقابله و مبارزه های گذشته می تواند راهنمایی قابل توجه برای آینده به حساب آید، باید سعی کنید خود را برای طرز برخورد و چگونگی حالت یا فورمی که حریف خواهد داشت آماده سازید.

شما باید یادداشت کنید که ایا او هنگام مبارزه از نقطه نظریك بازیکن مسابقه چه ضعفهایی دارد. به عنوان مثال، مشهور است که گلر و تال اغلب در دورهای اولیه مسابقات با شکست مواجه می شوند، اما همین امر درواقع موجب تحریک غریزه های ستیزه جویی آنها می گردد و از آن پس با قدرتی مضاعف مبارزه می کنند. ولی متقابلاً زابو Szabo در برابر شکست عکس العمل بدی دارد، چنانچه در مسابقه ای اولین برخوردش با ناکامی

مواجه گردد قدرتش نزول می یابد.
يك چنین آگاهی با روحیه حریف نه فقط از نقطه نظر يك بازیکن بلکه از لحاظ شخصی نیز بسیار با اهمیت است. من اغلب از بوتونيك در خصوص اساتید بزرگ همقطار تفسیرهای عمیق و جالب توجهی شنیده ام. از جمله درباره کورچنوی که صحبت می کردیم روزی او گفت: «کورچنوی در مسابقه بازیکن حمله ای عجیبی است او نزدیکترین راه را برای حریف تهیه می بیند و مانند نیزه در دشمن فرو می رود، در عین حال ندرتا دچار اشتباه می شود.»
به راستی جمله اخیر بوتونيك «ندرتاً دچار اشتباه می شود» توصیف ظریفی است از چگونگی دقتی که کورچنوی با رزم آوریش ترکیب می کند.
بوتونيك در خصوص پطروسیان چنین اظهار نظر می کند:
«او معمولاً سوارهایش از یکدیگر دفاع می کنند و بهمین سبب کمتر مجانی چیزی را هدیه می کند.»
از يك استاد بزرگ بلندقد^(۱) او چنین تعریف می کند: «او به حرکات طویل علاقمند است.» روزی در يك جلسه

مشترك بحث و مطالعه که همگی به تجزیه و تحلیل پوزیسیونی اشتغال داشتیم در آنجا فیلهای بازیکن با مهره سفید در خانه های d3 و b2 مستقیم تهدیدی خطرناك برای شاه سیاه فراهم آورده بودند، قهرمان پیشین جهان چنین گفت: «اینگونه پوزیسیون مطلوب کوتوف می باشد که سریعاً می خواهد آنرا خاتمه دهد.»

البته، با شناسائی که او از جهات مختلف روی چگونگی مبارزه هایم داشت اولین مرتبه با بیان نظریه زیرین موجب غافلگیری شده بود:

«کوتوف مختصری حس پیش بینی خطرش تکامل یافته است.»

با اشاره او دریافتم که چرا از اینهمه شکست رنج کشیده ام. چه بسا نبردهائی را که خطری جدی از نزدیک و اشکارا تهدیدم می کرده است ولی من به تصور اینکه وضع خوبست به آن توجهی نداشتم و در نتیجه شکست خورده ام. به همین سبب هنگامیکه کسی در جریان مبارزه یادآوریم می نمود که وضع بد است و احتمال شکست می رود ممنون می گردیدم. اما برای خدا (heavens) هرگز چنین تذکری را به فلور ندهید!

علاوه بر آنچه که در مورد شناسائی روحیه

(۱) تصور می کنم منظورش اسمیلوف باشد - مترجم.

حریف گفته شد باید سعی نمائید که دریابید او چه پوزیسیونهایی مطلوبش است و کدامیک از انها را نمی تواند تحمل کند. همچنین به نشانه های ظاهری و قیافه ای که نمایشگر دوست نداشتن پوزیسیونش می باشد باید آشنا باشید. هرچند که این علائم خیلی خیلی متغیرند، مثلاً بعضی بازیکنان گوشه های قرمز می شود و بعضی دیگر موهای خود را می پیچند و عده ای پاهای خود را زیر میز می لرزانند. البته تمامی اینها را باید دانست و بحساب آورد. زیرا هنگام وخیم شدن منازعه در مسابقات بی اهمیت ترین چیز می تواند به شما کمک کند که بفهمید حریف فکری باارزش را در ذهن می پروراند.

خودت را بشناس!

البته آشنائی به خصوصیات مثبت و منفی حریف اهمیت دارد ولی آگاهی و دانستن همین مطلب در مورد خویشتن خویش از اهمیت کمتری برخوردار نمی باشد. بی دلیل نیست که الخین این مطلب را در بالای فهرست مربوطه ثبت کرده است. شما با سوال از دیگران در اینخصوص

چیزی دستگیرتان نمی شود. فقط با انتقاد جدی از خویش هر کس می تواند برای ارزیابی نقاط ضعف و قدرتش و مراحل تدریجی پیشرفتش کمک بگیرد.

در دوران مراحل تدریجی پیشرفت است که بازیکن به خوبی تشخیص می دهد که در يك جهت شطرنجش پیش رفته اما از جنبه دیگر متوقف مانده است. برای مبارزه با گرایش به يك طرف از لحاظ پیشرفت روش بررسی کلی cheek-up متناوبی را توصیه می کنم. من این روش را شخصاً هر دو سال یکبار بکار می برم و جمعی از همقطارانم نیز به همین نحو عمل می نمایند.

بررسی کلی، عبارت است از تجزیه و تحلیل تمامی گیمهایی که در دورانی معین انجام داده اید به ویژه انهایی را که شکست خورده اید باید با منتهای دقت و عمیقاً مورد بررسی قرار دهید. بدینمعنی که روی جمیع حرکات با دقتی فراوان مطالعه نموده و اشتباهات را مورد انتقاد قرار داده و نتایج حاصله را ثبت کنید.

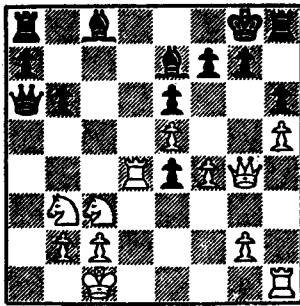
در این هنگام باید مراحل مختلف گیم را دقیقاً بررسی نمائید. یعنی مشخص کنید مرحله شروع را چگونه انجام داده اید، در مورد فنون بخش پایانی چه کرده اید، یا مهارت شما در مرحله میانی چگونه بوده

است.

توجه کامل به ثبت نتایج عمومی در خصوص ضعفهای اساسی در چگونگی شطرنج خویش، می تواند انگیزه ای موثر را در پیشرفت و ترقی شما پدید آورد. زمانی بود که بوتونیک هم از لحاظ قابلیت رزم اوری خوب و زیرکانه در مورد پوزیسیونهای پیچیده نزد خود احساس کمبود می کرد. او در ان زمان که تازه به مقام قهرمانی شوروی رسیده بود در یادداشتهایش راجع به یکی از گیمهایش نوشت: «در انجا اشتباه دیرینه من که فقدان دید ترکیبی است خود را نشان می دهد!» او به وسیله کار و زحمت فراوان خود را از شر این اشتباه و کمبود خلاص کرد و متعاقباً پیکارهایش شامل خدعه امیزترین و پیچیده ترین ترکیبها گردید. برونشیتن نیز با کوشش و کار فراوان و باروشی مشابه، پیشرفتهای قابل توجهی در مرحله پایانی نصیبش گردید. شما همچنین باید نقاط ضعف و قدرت خود را از لحاظ پیکار مسابقه ای بشناسید. مثلاً بدانید عکس العمل شما در قبال شکست چگونه است، یا اگر مرتکب اشتباهی واضح (لی) شدید چه می کنید؟ آیا سرخ و یا رنگ پریده می شوید و یا چهره ای خشک و بی حالت پیدا می کنید؟

شما بایستی نگذارید حریف احساس شما را درك کند.

شاید برای خواننده مفید باشد که قصور من را در بخش میانی گیم بداند. لذا به شرح ان می پردازم: تقریباً قبل از ۱۹۳۷ من اهمیت حمله ها، ترکیبها و گیمهای تاکتیکی سریع و زیرکانه را دست کم می گرفتم. توسل به بررسی کلی به گونه ای جدی، این اشتباه را برایم روشن کرد و محرک پیدا کردن این راه صحیح، پیکاری بود که دیاگرام (159) صحنه ای از انرا نشان می دهد



دیاگرام (159)

در اینجا من سفید داشتم و حریفم زنوسکی بود که در مسابقات قهرمانی ترایداونینون ۱۹۳۵ شرکت کرده بودیم. من برتری مشخصی داشتم زیرا علاوه بر

دفاعها هم نمی تواند سیاه را از این حمله خشم آگین نجات دهد. از انجا من توانستم درك کنم که ضعفهای اساسی من در کجا مدفون است. لاجرم برای خودم دستور صادر کردم که وقت بیشتری را به مطالعه پوزیسیونهای قاطع اختصاص دهم، تا یاد بگیرم که چگونه باید امکانهایی تاکتیکی مرموز را کشف کرده و راههای حمله به شاه حریف را جستجو نمود.

اجمالاً چکیده دستور روز من عبارت بود از مبارزه دلیرانه همراه با ترکیبهای قاطع و سریعاً این دستور حسب الوظیفه انجام پذیرفت.

سرانجام زمان خدا حافظی مولف با خوانندگان فرا رسید حال ایا آخرین کلام چه می تواند باشد؟

شما می توانید با مطالعه عمیق و انتقاد شدید از خود اشتباهاتی را که متذکر شدیم ریشه کن نموده و سطح شطرنج خود را که غنی ترین میراث گذشتگان است بالا ببرید. اکنون خواننده عزیز، اگر تمامی انچه را که گفته شد انجام دهید، اطمینان داشته باشید که آینده از ان شما خواهد بود.

اینکه سوارهایم فعالتر بودند شاه سیاه هم از لحاظ ایمنی وضعش تعریفی نداشت. حال ایا بازیکنی نظیر تال در چنین موقعیتی چه می کرد؟ او در جستجوی تخریب قلعه سیاه برمی آمد و پس از ان سعی می کرد هرچه زودتر امکان مات را فراهم آورد به خصوص که هنوز سیاه گسترش خود را هم کامل ننموده است. ایا فکر می کنید من چگونه ادامه دادم؟ مانور من تقریباً بدون طرح معینی انجام پذیرفت و من $1.T \times P$ را انجام دادم و چنین می پنداشتم که برتری گسترش و فضائی که دارم خود بخود مرا به سوی پیروزی سوق خواهد داد و سیاه چنین پاسخ داد:

$1...b5$ و سپس با اطمینان درصدد تکامل گسترش برآمد و حتی با کمک دو فیلش کم کم می آمد که مبارزه را به نفع خود پایان دهد.

در انالیزی که بعداً هنگام بررسی کلی روی این پوزیسیون بعمل آوردم پیروزی جالب زیر را پیدا کردم:

$1.C \times P \text{ Rh7 } 2.Cg5+$

این حرکت موجب خرد کردن پوزیسیون سیاه می گردد.

$2...P \times C \quad 3.P \times P \text{ Fb7} \quad 4.g6+ \text{ Rh6} \quad 5.P \times P \quad \text{Fg5+} \quad 6.Rb1 \quad \text{Fd5} \quad 7.T \times F$

تجزیه و تحلیل نشان داده است که سائر

گشایش تمرینها

دیاگرام ۵۴- بولسلاوسکی - کوتوف
گرونینگی ۱۹۴۶،
پاسخ مثبت است:

24.Cd4!

I- 24...Dc7 25.Te7 Cc8 26.Ce6

II- 24...Te8 25.T×T× F×T 26.Ce6

III- 24...C×d5 25.P×C P×C 26.

Te7 g5 27.Dg3 Fb5 28.h4!

IV- 24...g5 25.Df3 و اکنون

a- 25...C×d5 26.C×P F×C 27.D×F

Cf4 28.D×c5!

b- 25...f4 26.Dh5 Fe8 27.Dh6 P×C

28.c5 Td6 d7 29.d6+Ff7 30.Te7!

V- 24...Cc8 25.Dh6 و اکنون

a- 25...P×C 26.c5 Ta6 27.d6+

b- 25...b6 26.Ce2 Fe8 27.Cf4

دیاگرام ۵۵- بولسلاوسکی - لیلیانتال
بوداپست ۱۹۵۰،

حرکتی است بی خطر:

دیاگرام ۵۳- الخین - کولتانوسکی، لندن
۱۹۳۲،

بلی، او می تواند:

22.Cd5×c7 T×C 23.T×P Fe4

I- 23...F×C? 24.D×P+ و 25.T×F etc.

II- 23...Cd4? 24.C×C etc.

III- 23...Dc4 24.C×P! etc.

IV- 23...Cd8 Tf3 Tf7 25.

C×P etc.

V- 23...Ff7 24.T×P! Cd4 25.C×C

P×C 26.D×T R×T 27.Tf3+

etc.

VI- 23...Te8 24.C×P Cd8 25.b4

Cf7 26.T×F etc.

VII- 23...Rf7 27.Tf3 Re7 25.a4

Db6 (بهترین حرکت) 26.T×F+

R×T 27.C×P+ Rd6 (یا 27...Rf7

28.D×P+ Rg8 29.Ce6) 28.D×P+

R×C 29.Tc3+ Rb4 30.Dd6+

همراه با پیروزی

دیاگرام ۵۷ - برونشیتن - بولسلاوسکی
مج ۱۹۵۰.

I- 42.D×d6 c4 43.Fe6 Tb8 44.
Rg2 Tb2!

II- 42.D×d6 c4 43.Rf1 Tb8 44.
f4 Tb2 45.Dd4 Da3!

III- 42.D×d6 c4 43.Tb1 c3 44.
Tc1 c2 45.T×P Cf3+

و پس از حرکت شاه سفید برحسب آنکه
چه خانه ای را انتخاب کند اسب با حمله
دوگانه در خانه e1 و یادرد4 (پس از کیش
مقدماتی Da1+) کار را خاتمه می دهد.

IV- 42.T×P c4 43.Ta6 Dd4 44.
Td6 D×e4 45.Td7+Rh6

دیاگرام ۵۸ - بولسلاوسکی -
بونداروسکی قهرمانی تیمی شوروی
۱۹۵۱.

27.C×P!

I- 27...P×C 28.D×P+ Ff6 29.D×D

با پیروزی

II- 27...C×C 28.C×F D×C 29.D×F
D×D 30.T×D Tf7 31.Tce1!

III- 27...T×F 28.T×T C×C 29.
C×FDg6+30.Rh1D×T31.C×TF×G

32.F×C D×D 33.T×D F×F 34.Te7

و اسب را می گیرد

14.b4! Ff6 15.Tac1

و اکنون:

I- 15...d5 16.P×P D×C 17.D×D
F×D 18.T×F F×P 19.Ce5 F×F

20.R×F با برتری

II- 15...D×P 16.T×P Tab8 17.Cd2
Dc8 18.F×F T×F 19.Cd5! T×T!
20.D×D T×D 21.T×T+Rg7 22.

Tg8+ Rh6 23.C×F T×C 24.h3

و سفید پیروز می شود.

III- 15...D×P 16.T×P Fb2×C 17.
F×F Tac8 18.Fb7!

دیاگرام ۵۶ - ایوه - کرس پنجمین بازی از
مج ۱۹۳۹-۴۰.

I- 21.Ce1? Td8+ و 22...Td2+

II- 21.Ce5 C×F 22.h×C Ff5! 23.
f4 P×P e.p. 24.C×f3 T×P

III- 21.Cd2 Td8 22.Tc2 Ff5! 23.Fh4
Td7

IV- (حرکت انجام شده وسیله ایوه -)
21.Cg1?

Td8+ 22.Re1 Td2 23.f3 T×g2

V- 21.Ch4! Td8+ 22.Re1 C×F 23.
h×C a5

سیاه وضع بهتری دارد.

III- 29.T×T P×T 30.Tb1 Ff5!

IV- 29.Fc5? T×F 30.P×T T×C

31.c6 T×P 32.c7 Fc8

و چنانچه ملاحظه می شود سفید راهی برای بهره برداری از پیاده پیشرفته اش ندارد.

دیاگرام ۶۱- کوتوف - کرس مسابقات کاندیدا، زوریخ ۱۹۵۳، بلی!

42.Td8+Rg7 43.Td6!!

حال اگر:

I- 43...f5 44.Td7+Rf8 45.Cf6 T×P+46.Re1

اکنون سفید می تواند با کیش دائم بوسیله اسب در خانه های h7 و f6 مساوی نماید.

II- 43...f5 44.Td7+Rg6 45.Td6+Rf7? 46.Tf6+

و سپس 47.T×P

دیاگرام ۶۲- دونر - کوتوف ونیز ۱۹۵۰،

بهترین حرکت !! 19...Ca2 می باشد:

I- 20.Da3 P×F 21.T×C P×C=D 22.T×D D×P+

II- 20.Dc2 D×P+ 21.Rh1 P×F 22.

D×C P×C=D 23.Tf×D Fc6

با پوزیسیونی پیروز

دیاگرام ۵۹- تال - کرس بلگراد ۱۹۵۱،

حرکت اسب بد است زیرا:

I- 46.Cb3 De2+ 47.Rh3 Cf4+!

II- 46.Cf3 De2+ 47.Rh3 Cf2+48.

Rg2 Cd1+ 49.Rh3 Df1+

و در حرکت بعد وزیر را خواهد گرفت

III- 46.Cc6 Dd2+ 47.Rh3 Cf2+

48.Rg2 Cg4+49.Rh3 h5

و سیاه مات می کند

IV- 46.Cb5 De2+! 47.Rg1 Ce5

و سیاه پیروز می شود

بنابراین سفید بهتر بود همانطور که تال

ادامه داده است 46.Dd5 انجام می داد و

سائر حرکات وزیر هم نامرغوبند

V- 46.Dg4 Df2+

VI- 46.Dd7 Df2+

دیاگرام ۶۰- اشپیلمن - لاسکر مسکو ۱۹۳۵،

بلی حرکت 28...Ra4 وضع سیاه رانجات خواهد داد زیرا اگر:

I- 29.b5 T×T 30.T×T R×a5

وضع مطمئن دارد

II- 29.T×T P×T 30.b5 R×a5 31.

Td6 Te8 32.Fc5 Fc8 33.Tc6 Fb7

حال اگر 34.Tb6 Ff8 و اگر: 34.Tc7 Fe4

همراه با تهدید مات.

I- 45...Ch3 46.T×T D×T+47.Re2
Dh2+48.Cf2

II- 45...T×T+ 46.D×T Dh3+47.
Rf2

III- 45...Cd5 46.Te2 T×T+47.
D×T D×e5 48.Dc5!

در همه واریاسیونها مبارزه طرفین متعادل
بنظر می‌رسد.

دیاگرام ۱۱۶- نی کرش - بوتونیک
لیزیک، المپیاد ۱۹۶۰

رخ خانه a5 و فیل خانه c1 سفید غیر
فعالند و اولین غرضش هم ضعیف است و
متقابلاً سیاه در امتداد قطر بزرگ سفید و
ستونهای مرکزی فشار دارد و بوتونیک
خیلی زود به پیروزی می‌رسد.

23...T×T! 24.D×T Dd8! 25.D×P+
Tf7 26.De1 Te7

سفید جز تسلیم راهی ندارد.

دیاگرام ۱۱۷- کان - ریومین هشتمین
قهرمانی شوروی ۱۹۳۳.

فشار فوق‌العاده سفید در ستون g با سه
سوار بزرگ و فیل قدرتمندش در حالی
که فیل سیاه قادر به دفاع h7 نمی‌باشد
موجب برتری قاطع سفید گردیده است و
تهدیدی به صورت برگشت فیل سفید به

III- 20.Db1 D×P+ 21.Rh1 P×F 22.
Cc2 D×e5

IV- 20.Dd1 D×P+ 21.Rh1 D×F 22.
D×D P×D 23.T×C P×C=D الخ

دیاگرام ۶۳- پانو - لی سیت سین مسکو
۱۹۳۹.

بلی!

23...C×g4+ 24.P×C Df6+25.Rg3 h5
حال اگر:

I- 26.Df2 h4+

II- 26.Ch2 P×P 27.Tg-f1 Dh4+
28.Rf4 g5+ مات

III- 26.Cd2 P×P 27.Th1 De5+
28.Rf2 g3+ الخ

IV- 26.Dd2 P×P 27.Dd4 Te5
28.F×P Dh4+ 29.Rf4 g5 مات

V- 26.Th1 P×P 27.T×T T×T
پیروز خواهد شد

VI- 26.g5! D×P+ 27.Rf2 Df6+
28.Rg3 Te5! 29.Cd2 Dg5+30.

Rf2 Tf5+ همراه با پیروزی

دیاگرام ۶۴- ایوه - رشفسکی قهرمانی
جهان مسابقه دو نفری ۱۹۴۸.

بلی:

دیاگرام ۱۱۹- اسمیسلف - گولومبک
و نیز ۱۹۵۰.

خانه d6 برای سیاه نقطه ضعفی بشمار
می آید و در این وضع سفید برای کاهش
هرچه بیشتر تحرك فیل حریف چنین ادامه
می دهد:

19.c5 Cd5 20.Ce4 Fe8 21.Cd6! b6
22.Df3

به زودی سفید پیروزی مسلمی بدست
خواهد آورد.

دیاگرام ۱۲۰- پانو- یودوویچ تریدیونیون
قهرمانی مسکو ۱۹۳۶.

چون جناح شاه سفید از لحاظ دفاعی
وضع مناسبی ندارد و حتی فاقد اسب f3
می باشد که معمولاً در چنین پوزیسیونهایی
وجودش ضروری است، لذا سیاه به گونه
زیر ادامه می دهد:

14...d5!! 15.PxP Dxe5 16.g3 Dh5
17.h4 FxP! 18.Rg2 CxF+ 19.DxC
Fg5 و سرانجام 20...Fh3+

دیاگرام ۱۲۱- زوخوویتسکی - رولیاک
شهر کیف ۱۹۳۶.

سوارهای سیاه جای گیری خوبی ندارند و
شاهش هم در معرض خطر مستقیم قرار
دارد و سفید به گونه ذیل ادامه داده است:

خانه b1 و سپس انتقال وزیر به c2 وجود
دارد و سفید به گونه زیر پیروز خواهد شد:
30.h5! h6 31.Tg6 Te8 32.Fb1 Tg8
33.TxP+
سیاه واگذار می کند.

دیاگرام ۱۱۸- کرس - زابو هاستینگ
۱۹۵۴-۵۵.

ستون h در اختیار سفید است و پوزیسیون
سیاه در خانه های e7 و e6 ضعفهایی دارد
و اسب سیاه نیز علاوه بر اینکه نقش
مؤثری ندارد و در بعضی از واریاسیونها
ممکن است در معرض خطر هم قرار گیرد
و اینک چگونگی ادامه کار را ملاحظه
خواهیم نمود:

21.PxP DxP (21...Th8 22.TxT
TxT 23.Dc3 Cb7 24.De3

(با يك پیاده اضافه و فشار دائم
22.Dd2! g5 23.De3 Dd7 24.Fg4
(این حرکت هم خوب و متضمن پیروزی
است 24.Dd3)

24...Dc7 (24...DxF? 25.DxP+
Tf7 26.Th7+) 25.Ff5 Rf7 (25...
Th8 26.TxT TxT 27.TxC! DxT 28.
26. (در حرکت بعد مات Dxe7+
Th7+Re8 28.Ta-h1 Db7 29.Th8
سیاه تسلیم می شود.

اینکه اجازه داده باشد سیاه سواره
کوچک را تعویض نماید.

دیاگرام ۱۴۶- لوان فیش - بوتوینیک
مسکو ۱۹۳۷.

سفید به گونه ای ناصحیح حرکت 20.Cb1
را انجام داده است و در دنباله اش 21.Fa3
و کمی بعد Cc3 در صورتیکه طرح درست
ان راندن فوری پیاده مرکزی بوده است
یعنی:

20.e4! P×P 21.C×P Cd5 22.Cc3
تا تعادل را حفظ کند.

17.b4 F×b4 18.Db5! D×C 19.Fd2
D×F

20.T×D F×T 21.D×C F×P+ 22.Rf1
چنانچه ملاحظه می شود وضع سفید بهتر
است و هم اکنون تهدیدی به صورت
23.Df5+ برای گرفتن اسب بی دفاع سیاه
وجود دارد و بعلاوه هنوز رخهای سیاه هم
وارد عمل نگردیده اند.

دیاگرام ۱۴۴- لوندین - اشتالبرگ
مارگات ۱۹۳۶.

سفید می تواند مرکز را با انجام حرکت
14.e4! باز کند و پس از آن:

14...P×P 15.C×P

اینک، فیل سفید تهدیدهایی را بوجود
آورده است و گیم اصلی به گونه زیر انجام
پذیرفته است:

15...Cd5 16.C×F D×C 17.Ta-d1
Ta-d8 18.Td4 Db6 19.Tf-d1

و سفید پیروزی را خیلی زود از آن خود
می نماید.

دیاگرام ۱۴۵- اسمیسلف - کرس مسکو
۱۹۴۸

سفید b4 را انجام داده است و در
دنباله اش Ch4 و f3 و Cg2 و Ff2 و
بالاخره با e4 مرکز را اشغال می کند بدون